

این گونه پاسخ دهید

سید حسن هاشمی جزئی

ابوالفضل جعفری پور

محمد رضا آتشین صدف

باتشکراز:

هادی عجمی و ابراهیم قرصی پور

نام کتاب: این گونه پاسخ دهید
نویسندگان: سید حسن هاشمی جزئی، ابوالفضل جعفری پور، محمد رضا آتشین صدف
طرح جلد: محمد حسین مویدی
صفحه آرا: رضا فریدی
کاری از: مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز
ناشر: مؤسسه فرهنگی-انتشاراتی ستاد اقامه نماز
تأثیر: ۵۰۰۰ نسخه
شمارگان: اول، زمستان ۱۳۹۲
نوبت چاپ: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۰۳-۴
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۰۳-۴
چاپ و صحافی: گلها
قیمت: ۹۰۰۰ تومان
مراکز پخش:
۱. تهران/ میدان فلسطین/ انتشارات ستاد اقامه نماز
۲. دفتر ستاد اقامه نماز سراسر کشور
۱۸۱۹۶۶۶۶۶ - ۱۸۱۹۰۰۰۵۹



ستاد اقامه نماز
مرکز تخصصی نماز

الف) صفات کلی ۳۰

ب) آداب بایسته پاسخگویی ۳۹

ج) امور مؤثر در موفقیت پاسخگو ۵۷

فصل چهارم: اینگونه پاسخ دهیم ۶۰

شناخت زمینه و انگیزه پرسش ۶۰

اطمینان از پرسیدن پرسش درست ۶۱

تصحیح پرسش ۶۲

مرزبندی پرسش ۶۲

به کارگیری روش بارش فکری ۶۳

آگاهی از پیشینه پرسش ۶۴

پیدا کردن واژه‌های هم‌معنا یا مرتبط ۶۴

مطالعه پاسخ‌های بیشتر داده شده و انتخاب پاسخ‌های استوار آنها ۶۵

جستجوی پاسخ‌های استوار و پشتوانه‌دار (مستند) ۶۶

دسته‌بندی پاسخ‌ها ۶۶

دادن پاسخ کوتاه و رسا ۶۶

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۶۶

شناسایی سؤال‌های مهم و رایج در جامعه درباره نماز ۶۷

بخش دوم: پاسخ به سؤال‌های پرتکرار درباره نماز

فصل اول: چرا نماز بخوانیم؟ ۷۱

چرا نماز بخوانیم؟ ۷۱

چرا ما باید دائماً نماز خواندن را که یک عمل تکراری است انجام دهیم؟ ۷۴

چرا خداوند نماز را واجب نموده است؟ ۷۵

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۳

بخش اول: روش‌ها و اصول پاسخگویی مؤثر

فصل اول: مفهوم شناسی پرسش و پاسخ ۱۷

پرسش و تفاوت‌های آن با شبهه ۱۷

ضرورت پرداختن به پرسش و پاسخ ۱۹

اهمیت پرسش و پاسخ ۱۹

آثار و فواید پرسش ۲۳

پیامدهای ناخوشایند ترك پرسش ۲۵

فصل دوم: پرسشگر خوب ۲۶

ویژگی‌های پرسشگر خوب ۲۶

فروتنی ۲۶

رجوع به متخصص ۲۶

انگیزه سالم ۲۷

نیکو پرسیدن ۲۸

تعادل در پرسش ۲۹

فصل سوم: پاسخگوی خوب ۳۰

صفات پاسخگو ۳۰

چرا خداوند کعبه را قبله مسلمانان قرار داد؟..... ۱۴۱

با اینکه شرافت کعبه بیشتر از بیت المقدس است، چرا خداوند از ابتدا قبله را کعبه قرار نداد؟..... ۱۴۳

چرا خداوند در ابتدا قبله را به سمت بیت المقدس قرار داده و پس از مدتی به سمت کعبه معظمه تغییر داد؟ ۱۴۵

چرا باید در هر نماز سوره حمد را بخوانیم؟..... ۱۵۲

چرا در رکعت سوم و چهارم نماز تسبیحات اربعه می خوانیم؟ ۱۵۸

سر اینکه در نماز، صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیتش واجب شده، چیست؟..... ۱۶۲

خداوند که با همه محرم است، پس چرا خانمها باید در نماز حجاب کامل داشته باشند؟ ۱۶۴

فصل سوم: نماز خواندن چه اثری دارد؟..... ۱۶۷

اگر به فرموده قرآن، نماز بازدارنده از فحشا و منکر است، پس چرا بعضی افراد اهل نماز گناه می کنند؟ ۱۶۷

وقتی می بینیم برخی هم نماز می خوانند و هم گناه می کنند، بهتر نیست ما نماز نخوانیم و گناه هم نکنیم؟..... ۱۶۸

وقتی نماز، ما را از گناه باز نمی دارد، چه فایده ای دارد که بخوانیم یا نخوانیم؟ ۱۶۹

اگر شرط قبولی کارهای خوب، قبول شدن نماز است، آیا کارهای خیر یک بی نماز، فایده ای دارد؟..... ۱۷۰

چه چیزهایی باعث می شود نماز ما پذیرفته نشود؟ ۱۷۴

وقتی ما خدا را خوب نمی شناسیم، عبادت کورکورانه چه سودی دارد؟ ۱۷۹

اگر نماز برای این است که نمازگزار به کمال برسد، نمازهای استیجاری چیست؟ ۱۸۱

اگر خدا بی نیاز است پس چرا از ما می خواهد که برایش نماز بخوانیم؟ ۸۰

چه کنیم که نماز در دید ما اهمیت پیدا کند؟..... ۸۱

چه کنیم نماز برای ما سنگین نباشد؟ ۹۲

چه اولین هایی در نماز وجود دارد؟ ۹۴

آیا واقعا نماز این قدر که می گویند، اهمیت دارد؟..... ۹۸

وقتی خدا به نماز ما احتیاجی ندارد، چرا باید خودمان را این قدر به زحمت بیندازیم؟..... ۱۰۲

نمی شود طور دیگری نماز بخوانیم؟ ۱۰۸

چرا حتما باید نماز را به عربی خواند؟ ۱۱۰

چرا وضع مادی کسانی که اهل نماز و اطاعت از خدا نیستند، بهتر از کسانی است که اهل نماز و اطاعت هستند؟..... ۱۱۳

فصل دوم: چرا اینگونه نماز بخوانیم؟..... ۱۱۸

چرا نماز جزء اصول دین به شمار نیامده؛ درحالی که از مهم ترین واجبه‌ها و ستون دین است؟..... ۱۱۸

چگونه عبادت کنیم و نماز بخوانیم تا از ریا دور باشد؟..... ۱۱۹

چه کار کنیم که کیفیت نمازمان را بالاتر ببریم؟ ۱۲۰

برای رسیدن به نمازی مطلوب، آیا چیزهای دیگری غیر از خود نماز هم هست که باید به آنها توجه کنیم؟..... ۱۳۰

چرا باید قبل از نماز وضو بگیریم؟ آیا اگر پیش از نماز حمام برویم کافی نیست؟ ۱۳۰

چرا بعد از جنابت، غسل واجب می گردد؟ ارتباط آن با نماز چیست؟..... ۱۳۴

به فرموده قرآن، هر طرف رو کنیم خدا آنجاست؛ پس چرا حتما باید رو به قبله نماز بخوانیم؟..... ۱۳۸

راه‌های ایجاد حضور قلب در نماز چیست؟ ۲۳۴

فصل ششم: تعقیبات نماز چه آثار و اسراری دارد؟ ۲۴۱

چه کنیم که کیفیت نمازمان را بالاتر ببریم؟ ۲۴۱

منظور از تعقیبات نماز چیست و چه فایده‌ای دارد؟ ۲۴۱

برای تعقیبات نماز چه بخوانیم؟ ۲۴۶

سجده شکر چه اسرار و آثاری دارد؟ ۲۵۴

نماز نافله چیست و چه آثار و اسراری دارد؟ ۲۶۰

فصل هفتم: چرا این همه به مسجد رفتن تأکید شده است؟ ۲۶۴

مسجد در اسلام چه جایگاهی دارد؟ ۲۶۴

چرا اسلام این همه بر حضور افراد مؤمن در مساجد تأکید می‌کند؟ ۲۶۷

رفتن به مسجد چه آثار و فوایدی دارد؟ ۲۷۱

چرا بعضی جوانان از مسجد گریزان هستند؟ ۲۷۴

چگونه می‌توان مسجدی مطلوب و جذاب داشت؟ ۲۷۵

چرا این همه در اسلام نسبت به شرکت در نماز جماعت سفارش شده است؟ ۲۷۷

امام جماعت شدن چه اجر و پاداشی دارد؟ ۲۸۳

وظایف امام جماعت نسبت به نمازگزاران چیست؟ ۲۸۳

امام جماعت نمونه چه ویژگی‌های باید داشته باشد؟ ۲۸۶

چه چیزهایی باعث محبوبیت امام جماعت، پیش مردم می‌شود؟ ۲۹۰

فصل هشتم: تارک نماز به چه کسی گفته می‌شود؟ آثار ترک نماز چیست؟ ۲۹۳

تارک نماز به چه کسی گفته می‌شود؟ آثار ترک نماز چیست؟ ۲۹۳

عوامل فکری ترک نماز در جامعه امروزی و راه درمان آن چیست؟ ۲۹۷

عوامل درونی (اخلاقی) ترک نماز و درمان آنها چیست؟ ۳۰۴

چه تفاوتی می‌کند که نمازمان را اول وقت بخوانیم یا بعد از آن؟ ۱۸۲

آثار و برکات معنوی نماز برای انسان چیست؟ ۱۸۸

آیا نماز در دنیا هم برای انسان آثاری دارد؟ ۱۸۹

نماز چه آثاری برای انسان در هنگام مرگ و عالم برزخ و قیامت دارد؟ ۱۹۶

فصل چهارم: نماز پیامبر و ائمه چگونه بوده؟ ۱۹۸

رابطه پیامبران با نماز و دیدگاه آنها نسبت به آن چگونه بود؟ ۱۹۸

جایگاه نماز در روایات اهل بیت چیست؟ ۲۰۲

نماز خواندن پیامبر چگونه بود؟ این گونه که اکنون شیعه می‌خوانند یا

آن گونه که اهل سنت؟ به چه دلیل؟ ۲۱۰

پیامبر اکرم پیش از بعثت چگونه نماز می‌خواند؟ ۲۱۳

اهل بیت چگونه نماز می‌خواندند؟ ۲۱۵

چگونه تیر را از پای امیر مؤمنان A در نماز در آوردند درحالی که ایشان متوجه نشدند؛ ولی

در حال رکوع متوجه حضور سائل شدند و انگشترشان را به او بخشیدند؟ ۲۱۸

آیا اهل بیت هم دچار وسوسه شیطان می‌شدند که برای دوری از آن نماز

می‌خواندند؟ ۲۲۱

توجه اهل بیت به نماز چگونه بوده است؟ ۲۲۲

فصل پنجم: چه کنیم در نماز حضور قلب داشته باشیم؟ ۲۲۵

معنای حضور قلب در نماز چیست؟ ۲۲۵

داشتن حضور قلب در نماز چه اهمیت و ضرورتی دارد؟ ۲۲۷

عوامل حواس‌پرتی در نماز چیست؟ ۲۲۹

چه کنیم در نماز دچار حواس‌پرتی نشویم؟ ۲۳۱

راه‌های جلوگیری از شک در نماز چیست؟ ۲۳۱

چگونه می‌توانیم نمازمان را با توجه بخوانیم؟ ۲۳۳

عوامل رفتاری ترک نماز چیست؟..... ۳۱۳

نگاهی روانشناسانه به علل و راه‌های درمان تسویف ۳۱۸

عوامل بیرونی ترک نماز چیست؟..... ۳۲۱

فصل نهم: چگونه فرزند و همسر را به نماز علاقه‌مند کنم؟..... ۳۲۷

چگونه فرزندانمان را به نماز علاقه‌مند کنیم؟..... ۳۲۷

چگونه کودکان را به نماز دعوت کنیم؟..... ۳۳۴

چگونه همسر را به نماز دعوت کنم؟..... ۳۳۹

آیا از تشویق یا تنبیه در دعوت کودکان و نوجوانان به نماز می‌توان استفاده کرد؟..... ۳۴۳

من مربی مهد کودک هستم و با کودکان ۳ تا ۷ سال سروکار دارم. لطفاً من را در

برخورد صحیح تربیتی اسلامی با آنها راهنمایی کنید..... ۳۵۰

من معلم دبستان دخترانه هستم. البته پسر خودم نیز دبستانی است. لطفاً راهنمایی

بفرمایید که در این دوره چگونه می‌شود آنها را با نماز آشنا کرد؟..... ۳۵۵

در دوره نوجوانی چگونه با فرزند باید برخورد کرد که او به‌سوی نماز تشویق شود؟..... ۳۵۹

من روحانی یک مسجد هستم و در مسجد با نوجوانان و جوانان بسیاری در

ارتباط هستم؛ لطفاً اصول دعوت آنها به نماز را بیان فرمایید؟..... ۳۶۷

کتابنامه..... ۳۷۴

دیگر در اهمیت ارشاد و راهنمایی بندگان خدا نیز همین بس که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: "هر دانشمند پیرو ما که جاهلان را به شریعت هدایت کند، با ما در بالاترین درجات بهشت خواهد بود."^۱ اما نباید فراموش کنیم که رسیدن به این هدف و آثار بیان شده در روایات، در گرو این است که بدانیم چگونه بپرسیم و چگونه پاسخ دهیم؛ وگرنه نه آموزگار خوبی هستیم و نه سؤال کننده خوبی.

این کتاب با این هدف نگاشته شده که توان افزایی باشد در پاسخگویی برای مریبان و آنان که در صدد پاسخ به شبهات دینی هستند. در فصل اول این کتاب سعی شده بر اساس آیات و روایات، آداب و بایسته‌های پرسشگری و پاسخگویی خوب را بیان کنیم؛ سپس اصول و روش‌های پاسخگویی خوب را بیان کنیم. در فصل دوم با توجه به پژوهشی که انجام شده سؤال‌های پر تکرار درباره نماز و جواب‌های کارشناسی آنها آمده است تا آنچه گفته در فصل اول شده است را اجرایی نماییم.

امید است که بتوانیم کمکی باشد برای آنانی که می‌خواهند نظر و جواب خود را درست و متین به مخاطبشان بگویند.

مرکز تخصصی فواز

۱۳۹۲

۱. "سَدُّ مَنْ يُتِمُّ التَّيْمَ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ يُتِمُّ تَيْمَ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُضُوءِ إِلَيْهِ وَ لَا يَدْرِي حُكْمَهُ فِيمَا يُتَمَلَّ بِه مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا فَهَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا الْمُنْقَطِعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا تَيْمٌ فِي حُجْرِهِ أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أَرشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتَنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى" (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲).

بیشگفتار

منابع اسلامی چنان اهمیت و آثاری برای آموزش و آموختن علوم الهی برشمرده‌اند که با خواند آنها کمتر کسی است که علاقه‌مند به این راه نشود. از طرفی در بیان جایگاه علم آموزی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: "همه موجودات حتی ماهیان دریا و درندگان و چهارپایان برای جوینده علم طلب مغفرت می‌کنند. پس علم را که واسطه بین شما و خداست فرا گیرید که آن بر هر مسلمانی واجب است"^۱ و در روایتی از امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: "اگر مردم فضیلت کسب دانش را می‌دانستند، به دنبال آن می‌رفتند؛ هر چند به بهای ریختن خون‌ها و فرورفتن در قعر دریاها بود."^۲ از سوی

۱. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "الْعَالِمُ بَيْنَ الْجَهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ، وَ إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى حَيْتَانَ الْبَحْرِ وَ هَوَامَّهُ وَ سِبَاعَ الْبَرِّ وَ أَنْعَامَهُ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ)، وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ" (طوسی، الأمالی، ص ۵۲۱).

۲. "إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى حَيْتَانَ الْبَحْرِ وَ هَوَامَّهُ وَ سِبَاعَ الْبَرِّ وَ أَنْعَامَهُ فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ". (همان، ص ۴۸) و عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام قَالَ: "لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجَ وَ خَوْضُ اللَّجَجِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶).

بخش اول

روش‌ها و اصول پاسخگویی مؤثر

در این فصل بر اساس آیات و روایات: آداب و بایسته‌های پرسشگری و پاسخگویی خوب و اصول و روش‌های پاسخگویی خوب را بیان کردیم.



تفاوت‌های پرسش و شبهه

۱. در پرسش، پرسشگر در پی بر طرف کردن جهل خویش است که کار مثبتی است؛ بر خلاف شبهه که شخص در پی اثبات حقانیت خود است و سؤال او برای رسیدن به پاسخ نیست.
۲. پرسش موجب رشد خواص و عوام است بر خلاف شبهه که عموم مردم را دچار شک و تردید می‌کند.
۳. پرسش را هم کسی مطرح می‌کند که با پرسشگر اختلاف عقیده دارد و هم کسی که اختلاف عقیدتی ندارد؛ بر خلاف شبهه که شبهه‌افکن همیشه با پاسخگو اختلاف عقیده دارد؛ مثلاً ممکن است يك يهودي از چگونگی نماز بپرسد. همان طور که ممکن است يك مسلمان بپرسد؛ ولي شبهه همیشه بين افرادي است که با هم اختلاف عقیده دارند؛ مثلاً يك يهودي عليه شيعه، سنی و مسیحی ایجاد شبهه می‌کند؛ درحالی که کسی که خود اهل نماز است درباره نماز شبهه ایجاد نمی‌کند؛ هر چند شاید سؤالی برایش پیش آید و آن را بپرسد.
۴. شبهه‌افکن به دنبال سرپوش نهادن بر واقعیت‌ها و انحراف افکار عمومی از حق است؛ بر خلاف پاسخگو که در پی روشنی‌بخشی به افکار جامعه است.
۵. منظور شبهه‌آور ایجاد هرج و مرج و ناامنی در جامعه است؛ بر خلاف پاسخگو که هدفش مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی است.

فصل اول:

مفهوم شناسی پرسش و پاسخ

پرسش و تفاوت‌های آن با شبهه

مفهوم پرسش

پرسش در لغت به معانی درخواست، خواستن، طلب فهمیدن، طلب توضیح و بیان نیاز به کار می‌رود. در اصطلاح عبارت است از درخواست رفع ابهام از هستی، چیستی، چگونگی، چندی یک یا چند چیز از شخصی دیگر.

مفهوم شبهه

به هر باطالی که شبیه حق باشد شبهه گویند. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: "أَمَّا سُمِيتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛" شبهه، به این نام نامیده‌اند، چون شبیه به حق است. در واقع به هر سخن نادرستی که به سبب شبیه بودن ظاهرش به حق، منشأ اشتباه حق از باطل گردد شبهه می‌گویند.

۱. نهج البلاغه، ص ۸۲.

"فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ"؛^۱ از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید.

از این آیه ارزشمند، نکته‌های مفیدی به دست می‌آید؛ از جمله اینکه:

- اگر نمی‌دانید بپرسید (إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ). این خود دست‌کم بیانگر دو نکته است:

- پرسش باید برای فهمیدن باشد نه برای آزمودن دیگران؛

- کسب علم در امور دینی واجب است؛ زیرا "جمله امری" دلالت بر وجوب می‌کند؛

- سؤال‌های خود را از متخصصان و اهل فن بپرسید (أَهْلَ الذِّكْرِ).

اهل بیت علیهم‌السلام خود را اهل ذکر معرفی نموده‌اند و ما برای شناخت دین مأموریم خود را فقط از این چشمه زلال سیراب کنیم.

ب) آگاه‌سازی پیامبر از پرسش‌های مردم:

در قرآن کریم پانزده بار واژه "یسئلونک" و دو بار "یَسْتَفْتُونَکَ" و یک بار "یَسْتَنْبِئُونَکَ" به کار رفته که این خود حاوی نکته‌های ظریفی است. از جمله اینکه:

- خداوند پرسش‌های بندگان خود را باارزش می‌داند؛

- قبل از جواب، پرسش نیز بیان شده تا مردم بدانند این پاسخ کدام پرسش است؛

۱. انبیاء: ۷؛ نحل: ۴۳.

ضرورت پرداختن به پرسش و پاسخ

پاسخگوبودن به پرسش، نیاز جامعه است و برآورده کردن نیازهای جامعه علاوه بر آنکه از والاترین عبادت‌هاست؛ طبق عقل و نقل بر کسانی که توانایی انجام آن را دارند، واجب کفایی است.

از طرفی اگر عالمان دین به پرسش‌های جامعه، پاسخ قانع‌کننده‌ای ندهند، رفته‌رفته آگاهی مردم به دین و آموزه‌های آن کم شده و شبهه‌ها و پرسش‌های بدون پاسخ، باعث سستی دین آنان می‌گردد و عالم‌نمایان از جهل مردم سوء استفاده کرده، به بیان پاسخ‌های نادرست پردازند.

اهمیت پرسش و پاسخ

۱. در قرآن

برای نشان‌دادن اهمیت پرسش و پاسخ در قرآن، آیاتی را در سه بخش بیان می‌کنیم:

الف) دستور قرآن کریم به پرسش از متخصص

سفارش قرآن کریم به چیزی، حاکی از اهمیت فراوان آن است؛ همانند نماز که در جای‌جای قرآن به برپاداشتن آن دستور داده شده است. یکی از مواردی که قرآن به آن دستور صریح داده است پرسش است.

پرسشی بیان کرد که این شاید بیانگر اهمیت پرسیدن باشد.

۲. در روایات

الف) دستور و تشویق صریح به پرسش

اسلام برای علم‌آموزی ارزش وافر قائل است و در بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام به این امر تشویق شده‌اند و حتی دانستن علوم دینی برای مؤمنان واجب شده است؛ اما دستیابی به این علم مستلزم پرسیدن است که به تعبیر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کلید گنجینه‌های دانش می‌باشد: "الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا رَجَمَكُمْ اللَّهُ...".^۱

یا به فرموده ابی‌عبدالله علیه‌السلام: "إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ عَلَيْهِ قُفْلٌ وَمِفْتَاحُهُ الْمَسْئَلَةُ"؛^۲ بر این دانش قفلی است که کلید آن پرسیدن است.

ب) نکوهش نپرسیدن از نادانسته‌ها

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مَجْدُورٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فَعَسَلُوهُ فَمَاتَ. قَالَ: "قَتَلُوهُ أَلَا سَأَلُوا فَإِنَّ دَوَاءَ الْعِيِّ السُّؤَالُ"؛^۳ از امام صادق علیه‌السلام در مورد شخصی پرسیدند که مبتلا به آبله بود و او را در همان حال غسل جنابت دادند و بر اثر رسیدن آب به بدنش، فوت کرد. حضرت

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۴.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۹۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۰.

- اینکه خود لفظ "يسئلونك" را جزء آیه قرار می‌دهد تشویق به پرسشگری است؛

- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مأمور رساندن پاسخ به پرسشگر می‌نماید؛ نه اینکه پرسشگر برای گرفتن پاسخ نزد پیامبر بیاید؛

- خداوند تعالی برای ترویج پرسشگری و اینکه این پرسش مایه هدایت است، آن را عمومی می‌کند و در قرآن قرار می‌دهد و البته گاهی برخی از پرسش‌ها را پاسخ نمی‌دهد: همانند پرسش از روح و زمان برپا شدن قیامت؛

- خداوند در برخی موارد با بیان پاسخی متقن، مردم را به پرسش از سؤال‌های مهم‌تر آگاه می‌سازد، همانند پرسش از اینکه چه چیزی انفاق کنند که در پاسخ می‌فرماید: "هر آنچه انفاق می‌کنید از خوبی‌ها برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان است".

ج) به کار بردن کلمات پرسشی

در قرآن کریم بسیاری از مطالب چه از جانب خداوند و چه از جانب انسان‌ها به صورت پرسشی مطرح شده که این خود نشان از عنایت خداوند به این موضوع است؛ همچون اینکه از واژه "هل" ۹۷ بار، از "همزة" استفهام ۴۵۰ بار، از واژه "سئل" و مشتقات آن ۱۲۸ بار، از واژه "کیف" به صورت پرسشی ۷۱ بار استفاده شده که این خود بسیار تأمل‌آور است. با اینکه همه این مطالب را خداوند می‌توانست به صورت جمله‌های خبری بیان کند؛ ولی به صورت جملات

- اجر و پاداش الهی برای پرسشگر، پاسخگو، شنونده پرسش و پاسخ و دوستدار آنان؛

عن رسول الله ﷺ: "الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَقَاتِيحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُتَكَلِّمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمُجِبِّ لَهُمْ".^۱

از روایت فوق نکات زیر دریافتنی است:

- کسی که پاسخ را نمی داند تنها پاداش نمی گیرد؛ بلکه حتی کسی که پاسخ را می داند ولی شنونده یا دوستدار پرسشگر و پاسخگوست نیز مشمول رحمت الهی می شود؛

- این روایت به طور سربسته، ما را به تشکیل گروه‌های پرسش و پاسخ دعوت می کند و بیانگر این است که تشکیل چنین جلسه‌هایی موجب پاداش الهی است؛

- اینکه پرسشگر نیز اجر می گیرد بیان کننده این است که پرسیدن، خود، عبادت و ارزشمند است.

- اول آموختن سپس یاد دادن به دیگران؛

- رسیدن به همه آن فضایی که در روایات درباره علم‌آموزان بیان شده؛ همانند استغفار ملائکه و موجودات حتی ماهیان دریا برای جوینده علم.

۱. حرانی، تحف العقول، ج ۲، ص ۳۵.

فرمود: او را کشتند. چرا در مورد او سؤال نکردید چاره ناتوانی و نادانی پرسش است.

یا در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: "لَا يَسْعُ النَّاسَ حَتَّى يَسْأَلُوا وَ يَتَفَقَّهُوا وَ يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ"؛^۱ این گونه نیست که مردم هر کاری بخواهند بکنند؛ بلکه باید بپرسند و در امور دینی تحقیق کنند و امامشان را بشناسند.

نیز از امام رضا علیه السلام سؤال شد: هَلْ يَسْعُ النَّاسَ تَرْكُ الْمَسْأَلَةِ عَمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ؟ فَقَالَ: "أَيَّامُ"؛^۲ آیا مردم می توانند مسائلی را که بدان نیاز دارند، نپرسند؟ حضرت فرمود: خیر.

همچنین پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "أَفَّ لِرَجُلٍ لَا يُفْرَعُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ لِأَمْرِ دِينِهِ فَيَتَعَاهَدُهُ وَ يَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ"؛^۳ آف بر کسی که در طول يك هفته يك روز جمعه اش را به سؤال از امور دینی اش اختصاص نمی دهد.

آثار و فواید پرسش

- از بین رفتن نادانی؛

- جلب رحمت خداوند؛

۱. همان.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۰.

فصل دوم: پرسشگر خوب

ویژگی‌های پرسشگر خوب

فروتنی

پرسشگر برای دستیابی به دانش می‌پرسد و به فرمودهٔ امام صادق علیه السلام از مهم‌ترین صفات یک دانش‌پژوه، فروتنی است.^۱

رجوع به متخصص

یکی از وظایف مسلمان این است که برادر دینی خود را به معروف امر کند و از مهم‌ترین معروف‌های بایسته برای جامعه، پرسیدن مسائل دینی از اسلام‌شناس است؛ چون یکی از اصلی‌ترین عوامل انحراف افراد جامعه، رجوع نکردن به متخصص است. امام باقر علیه السلام فرمودند: "منظور از اینکه قرآن می‌فرماید انسان به غذای خود نگاه کند، این است که مراقب باشد علمش را از چه کسی می‌گیرد."^۲

۱. "تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ" (همان، ج ۱، ص ۳۶).

۲. همان، ج ۱، ص ۴۹.

پیامدهای ناخوشایند ترک پرسش

■ هلاکت ظاهری و باطنی

امام صادق علیه السلام فرمودند: "إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ؛" مردم تنها به این سبب هلاک می‌شوند که نمی‌پرسند.

هلاکت باطنی برای کسانی است که دربارهٔ امور دینی سؤال نمی‌کنند و هلاکت ظاهری برای کسانی که در امور دنیوی به متخصص رجوع نمی‌کنند؛ مثل بیماری که برای درمان بیماری خود به پزشک مراجعه نکند تا بمیرد و مرگ معنوی نیز مشابه آن است.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰.

نیکو پرسیدن

اهل بیت علیهم السلام را به خوب سؤال کردن و سؤال خوب پرسیدن، تشویق کرده‌اند تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال خوب پرسیدن را نیمی از دانش معرفی کرده است.^۱ به فرموده امیرمؤمنان علیه السلام "کسی که سؤال خوب بپرسد به دانش دست پیدا می‌کند". پس باید پرهیز کرد از پرسیدن سؤال‌هایی که دردی از دین یا دنیا را دوا نمی‌کند.^۲

پرسش باید هم از نظر محتوا نیکو باشد و هم از نظر ساختار. خوب بودن پرسش از نظر ساختار یعنی اینکه شفاف و مختصر و با واژه‌های مؤدبانه بیان شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عِلْمٌ"^۳؛ کسی که خوب سؤال کند به دانش دست پیدا می‌کند و هر کس که دانش داشته باشد خوب سؤال می‌کند.

سید

البته این سخن به آن معنا نیست که اگر سخن حق و حکمت‌آمیزی را فرد غیرمتخصص زد، نباید پذیرفت؛ زیرا به فرموده امیرمؤمنان علیه السلام حتی اگر منافق هم سخن حکیمانه‌ای زد، باید از آن استفاده کرد؛^۱ اما در جایی که مسئله برای خودمان نیز ابهام دارد، باید از متخصص در آن مسئله سؤال کرد.

انگیزه سالم

عالمان دین وظیفه دارند در سوق دادن جامعه به پرسیدن پرسش‌های مفید به پیشوایان دین اقتدا نمایند. نهی از پرسش برای امتحان کردن پاسخگو و یا به زحمت انداختن او (تعنت) از مواردی است که در روایات بسیار به چشم می‌خورد. امام صادق علیه السلام فرمودند: "چیزی را که نمی‌دانی از عالمان بپرس و مبادا برای امتحان کردن و به سختی انداختن آنها سؤال کنی". شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آب چه مزه‌ای است؟ حضرت در جواب فرمود: "برای به زحمت انداختن دیگران سؤال نکن! طعم آب، طعم زندگی است". از امیرمؤمنان علیه السلام سؤال شد "مَجْرَه" چیست؟ حضرت فرمود: تعنتاً [برای گیر انداختن کسی] سؤال نکن. مَجْرَه، درب آسمان است.^۲

سید

۱. "خُذِ الْحِكْمَةَ اِنِّي كَانَتْ فَاِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ فَتَلَجُّ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ فَتَسْكُنُ اِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ" (نهج البلاغه، ص ۴۸۱).
۲. سَأَلَ رَجُلٌ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ طَعْمِ الْمَاءِ فَقَالَ سَلْ تَفْقَهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْنَتًا طَعْمُ الْمَاءِ
۳. همان، ص ۶۰.

فصل سوم: پاسخگوی خوب

صفات پاسخگو

الف) صفات کلی

آگاهی کافی

از پایه‌ای‌ترین صفات برای هر پاسخگو دانش گسترده و ژرف اوست. خداوند در قرآن می‌فرماید: "فستلوا اهل الذکر إن کنتم لاتعلمون".^۱ در این آیه خداوند انسان‌ها را به پرسش از متخصصان فرا خوانده است.

از طرفی در روایات فراوانی، اهل بیت علیهم‌السلام سخن گفتن نادانسته را، ناروا دانسته‌اند؛^۲ برای مثال امام صادق علیه‌السلام فرموده است: "هنگامی که از شما سؤالی کردند که پاسخش را نمی‌دانید، نگویند: "خدا بهتر می‌داند؛ زیرا [با این حرف] در دل او تردید ایجاد

۱. نحل: ۴۳.

۲. برای آگاهی بیشتر از روایات موجود در این زمینه به کتاب بحار الانوار، باب النهی عن القول بغیر علم و الإفتاء بالرأی و بیان شرائطه، ج ۲ ص ۱۱۱ مراجعه شود.

تعادل در پرسش

پرسشگر باید مایه خستگی پاسخگو نشود؛ زیرا حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: "کثرة السؤال تورث الملل"^۱؛ بسیار پرسیدن مایه خستگی است.

دانشمندی و گمان نکنند از مناظره ناتوانی.^۱

آمادگی در هر زمان

پاسخگو باید تا جایی که برای او امکان‌پذیر است، همیشه و در همه جا آماده پاسخگویی باشد؛ نه اینکه مثلاً به پرسشگر بگوید من فقط زمانی که در مرکز پاسخگویی هستم به سؤال‌ها جواب می‌دهم؛ در روایت آمده که شخصی در روز جنگ جمل به نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و از توحید پرسید. دیگران عصبانی شدند که حالا چه وقت این سؤال است. حضرت فرمود: "آنچه این اعرابی سؤال می‌کند همان چیزی است که ما از این قومی که مقابل ما هستیم می‌خواهیم."^۲

عمل به علم

پاسخگو اگر می‌خواهد که خداوند عمل او را بیسندد و سخنش در پرسشگر، کارساز باشد باید خود به آنچه می‌گوید، پایبند باشد.

۱. رُوِيَ أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام اجلس حَتَّى نَتَنَاظَرَ فِي الدِّينِ فَقَالَ "يَا هَذَا أَنَا بَصِيرٌ بِدِينِي مَكْشُوفٌ عَلَيَّ هُدَايَ فَإِنْ كُنْتَ جَاهِلًا بِدِينِكَ فَادْهَبْ وَاطْلُبْهُ مَا لِي وَ لِلْمُتَارَاةِ وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيُؤَسُّوسُ لِلرَّجُلِ وَ يُتَاجِيهِ وَ يَقُولُ نَاطِرَ النَّاسِ فِي الدِّينِ كَيْلًا يَظُنُّوْا بِكَ الْعَجْزَ وَ الْجَهْلَ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۷).

۲. شریح بن هانئ عن أبيه قال إن أعرابيا قام يوم الجمل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال يا أمير المؤمنين أ تقول إن الله واحد قال فحمل الناس عليه و قالوا يا أعرابي أما ترى ما فيه أمير المؤمنين من تقسم القلب فقال أمير المؤمنين عليه السلام "دعوه فإن الذي يريده الأعرابي هو الذي نريده من القوم" (شيخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲).

می‌کنید [که نکند شما پاسخ را می‌دانید ولی از او پنهان کرده‌اید]؛ ولی اگر بگویید "نمی‌دانم" دیگر پرسشگر شما را متهم نمی‌کند.^۱ نیز امام باقر علیه السلام فرمود: "حق خداوند بر بندگان این است که بگویند چیزی را که می‌دانند و سکوت کنند درباره چیزی که نمی‌دانند."^۲

همچنین امام صادق علیه السلام از قبول نکردن حرفی که به آن آگاهی کافی ندارد به شدت نهی نمودند؛ زیرا خداوند در نکوهش کافران می‌فرماید: "بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَاْتَهُمْ تَأْوِيلُهُ؛" آنان چیزی را که آگاهی [کافی] به آن نداشتند، انکار می‌کردند؛ و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است.

اخلاص و تهذیب نفس

همان‌گونه که پرسشگر نباید برای امتحان پاسخگو، بپرسد، پاسخگو نباید برای به‌رخ‌کشیدن دانش خود پاسخ بگوید. در روایت آمده که شخصی از امام حسین علیه السلام خواست که با او مناظره کند. حضرت فرمود: "من در دین خود شکی ندارم این شیطان است که آدمی را وسوسه می‌نماید که مناظره کن تا دیگران بدانند تو

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۳.

است؛ چون امیر مؤمنان علیه السلام به محمد بن ابوبکر فرمود: "بدان که همه کارهای تو تابع نماز توست".^۱

شرح صدر

پاسخگوی خوب باید با شکیبایی بسیار به پرسش‌های پرسشگران پاسخ دهد. چنان‌که در سیره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آمده که زنی بعد از اینکه از آن حضرت ده پرسش کرد، شرمند شد؛ ولی حضرت او را به پاداش الهی برای پاسخگویی به پرسش‌های او آگاه کردند.

پرهیز از پاسخ‌های نارسا

یکی از صفات لازم برای پاسخگو، پرهیز از پاسخ‌های مبهم یا ناقص است؛ مثل اینکه در جواب کسی که از او پرسیده است، نماز شب را چگونه باید خواند، بگوید: نماز شب ۱۱ رکعت است (و دیگر چیزی از جزئیات آن به او نگوید).

چالاک‌ی در پاسخگویی

همان‌گونه که پاسخگو باید با دقت به پرسش‌ها پاسخ دهد، بایسته است که در پاسخگویی چالاک باشد؛ به‌ویژه در جلسه‌های پرسش و پاسخ. در این صورت می‌تواند به سؤال‌های بیشتری پاسخ دهد.

۱. "صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْفَتْهَا الْمُؤَقَّتْ لَهَا وَ لَا تُعْجَلْ وَفَتْهَا لِقَرَاغٍ وَ لَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَفَتْهَا لِاسْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ" (نهج البلاغه، ص ۳۸۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روزی به عبدالله بن مسعود فرمود: "يَا ابْنَ مَسْعُودٍ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَهْدِي النَّاسَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُهُم بِالْخَيْرِ وَ هُوَ غَافِلٌ عَنْهُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ إِلَى أَنْ قَالَ عليه السلام يَا ابْنَ مَسْعُودٍ فَلَا تَكُنْ مِمَّنْ يَشُدُّ عَلَى النَّاسِ وَ يُخَفِّفُ عَلَى نَفْسِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ"؛^۱ ای پسر مسعود تو از کسانی نباش که مردم را به سوی خیر هدایت می‌کنند، ولی خودشان از آن غافل هستند؛ زیرا خداوند می‌فرماید: آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟! پسر مسعود از کسانی نباش که بر مردم سخت می‌گیرد و بر خود آسان؛ زیرا خداوند تعالی می‌فرماید: چرا چیزی را می‌گویید که خود اجرا نمی‌کنید؟!

برای نمونه اگر پرسشگر درباره عوامل ایجاد حضور قلب در نماز سؤال می‌کند و پاسخگو نماز اول وقت را پیشنهاد می‌کند، باید بداند زمانی این پاسخ او تأثیرگذار است که خودش هم نیز بدان پایبند باشد؛ در حقیقت سخنی لاجرم بر دل نشیند که از دل برآید؛ به‌همین جهت می‌بینیم امام رضا علیه السلام جلسه مناظره با عمران صابی را به‌خاطر نماز اول وقت رها می‌کند.^۲ افزون بر آن هر پاسخگو باید بداند که رمز موفقیت او در همه کارها نماز اول وقت

۱. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۵۸.

۲. فَقَالَ الصَّلَاةُ قَدْ حَضَرْتُ فَقَالَ عِمْرَانُ يَا سَيِّدِي لَا تَقْطَعْ عَلَيَّ مَسْأَلَتِي فَقَدْ رَقَّ قَلْبِي قَالَ الرُّضَا عليه السلام "نُصَلِّي وَ نَعُودُ". (عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۱۷۱).

پاسخ کوتاه‌تر باشد در ذهن مخاطب بیشتر می‌ماند؛ البته نباید خلاصه‌گویی به مبهم شدن سخن بینجامد.

پرهیز از کلمات نامأنوس

سخن ساده را همه می‌فهمند و اهل بیت علیهم‌السلام با اینکه معدن علم بودند به اندازه فهم مخاطب سخن می‌گفتند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هیچ‌گاه با تمام ژرفای خردش با مردم سخن نگفت چون اگر اینگونه سخن می‌گفتند، مردم آن را نمی‌فهمیدند.^۱ اوج شیوایی سخن آن است که ساده و سرشار باشد؛ به‌گونه‌ای که همگان بفهمند و خُبرگان در آن لغزشی نینند.^۲

پرهیز از چندباره‌گویی

یکی از نشانه‌های ناتوانی پاسخگو تکرار بیش از حد یک پاسخ در جایی است که نیازی به این کار نیست.^۳ چون تکرار سبب خستگی ذهن مخاطب می‌گردد؛ گرچه گاهی تکرار یک جمله برای جلب توجه شنونده لازم است.

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: "ما كلم رسول الله صلى الله عليه وسلم العباد بكنه عقله قط و قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إنا معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم" (کلینی، اصول کافی، ج ۸، ص ۲۶۸).

۲. "أحسن الكلام ما زانه حسن النظام و فهمه الخاص و العام" (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ۱۰۲).

۳. "علامة العي تکرار الكلام عند المناظرة" (همان، ص ۲۱۲).

گفتنی است پاسخگو می‌تواند با تمرین و تکرار به جایی برسد که به محض دیدن یا شنیدن آغاز پرسش افراد، تا پایان آن را دریابد؛ البته باید از شتابزدگی بیش از اندازه نیز دوری جست.

استفاده از مشهورات و محسوسات

از آنجا که ذهن مردم در زندگی روزمره پیوسته با مشهورات و محسوسات رویاروی است، ذهن آنها معمولاً برای امور عقلی گیرایی کمتری دارند؛ لذا مناسب است که پاسخگو مسائل عقلی محض را با استفاده از مثال و تشبیه به ذهن پرسشگران، نزدیک‌تر و برای آنها فهمیدنی‌تر کند.

خلاصه‌گویی

یکی از آفات پاسخگویی، طولانی نمودن پاسخ است به‌گونه‌ای که مخاطب از شنیدن پاسخ خسته گردد. در روایات فراوانی نیز به خلاصه‌گویی و پرهیز از به‌درازا کشاندن سخن توصیه شده است؛ چون سخن که دراز شد، اشتباه انسان نیز بیشتر می‌شود^۱ و هر چه

۱. "خير الكلام ما لا يمل و لا يقل؛ أحسن الكلام ما لا يجه الآذان و لا يتعب فهمه الأفهام؛ أحسن الكلام ما زانه حسن النظام و فهمه الخاص و العام" (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۲۱۰)؛ "فَلَا تَهْ فِيهِنَّ الْبَلَاغَةُ التَّقَرُّبُ مِنْ مَعْنَى الْبُغْيَةِ وَ التَّبَعْدُ مِنْ حَشْوِ الْكَلَامِ وَ الدَّلَالَةُ بِالْقَلِيلِ عَلَى الْكَثِيرِ" (عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸۷)؛ قَالَ عليه السلام "مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطُؤُهُ وَ مَنْ كَثُرَ خَطُؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ" (حرانی، تحف العقول، ص ۸۸).

قرآن، رفتار پیامبر ﷺ برای مؤمنان الگوست؛ لذا هر پاسخگویی دینی باید خود را به اخلاق نبوی نزدیک کند.

فروتنی

امام صادق علیه السلام فرمود: "در برابر کسی که به او دانش می آموزید فروتن باشید." ^۱ هر اندازه هم که مخاطب ما از لحاظ اخلاقی و اعتقادی دلپسند ما نباشد، ما نباید با او متکبرانه یا نامحترمانه رفتار کنیم. همان طور که برای مثال امام صادق علیه السلام با زندیق مصری بسیار با احترام و فروتن رفتار و او را با نام برادر مصری خطاب کرد. ^۲

منع شناسی

روشن است که تا پاسخگو از منابع مهم و معتبر در دانش های دینی آگاهی نداشته باشد و به آنها مراجعه نکند، نمی تواند پاسخ های استوار بدهد. مثلاً اگر پاسخگویی به روایت ضعیفی از کتاب نامعتبری استناد کند، هیچ گاه نمی تواند پرسشگر را قانع کند. گیریم که او به صورت موقتی قانع شود، دور نیست که به زودی بی پایه بودن آن پاسخ برای او آشکار شود و پس از آن دیگر به آن پرسشگر اعتماد نخواهد کرد.

از سوی دیگر چه بسا پاسخ یک پرسش پیش از این داده شده باشد و اگر پرسشگر از آن اطلاع نداشته باشد، چه بسا ساعت ها

۱. "تَوَاصَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُوهُ الْعِلْمَ" (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶).

۲. همان، ج ۱ ص ۷۳.

پرهیز از تزلزل

قرآن کریم صراحت و قاطعیت در سخن گفتن درباره حق را به ما آموخته است. برای نمونه وقتی کفار وجود قیامت را انکار می کنند، خداوند در پاسخ آنان می فرماید: "بگو بله قسم به خدای خودم همانا سرای دیگر خواهد آمد." ^۱

از طرفی لحن تردیدآلود و به زبان آوردن کلمات و جملاتی که بیانگر دو دلی پاسخگو درباره درستی سخنش باشد، زمینه پذیرش را در پرسشگر کاهش می دهد؛ برای مثال کلماتی مانند: علی الظاهر، گویا، شاید و... .

پرهیز از زورگویی

اگر لحن پاسخگو زورگویانه باشد، نه تنها پذیرش پرسشگر را به همراه نخواهد داشت، لجبازی او را نیز برمی انگیزد. بیان جملاتی مانند باید این را بپذیری، هرکس غیر از این بگوید حتماً کافر است و... از این قبیل است.

دلسوزی

رمز موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رساندن وحی، دلسوزی و مهربانی فراوان ایشان نسبت به مؤمنان بود و به سخن صریح

۱. "وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَ رَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ لَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ" (سبأ: ۳).

رعایت نوبت

گاهی شاید در مجلسی افراد فراوانی، سؤال داشته باشند. روش پیامبر ﷺ در چنین مواردی رعایت نوبت افراد در پاسخگویی بوده است.^۱

گوش کردن به سؤال، با دقت کامل

اولین گام در پاسخگویی این است که پاسخگو کاملاً به پرسش طرف مقابل گوش فرا دهد؛ زیرا در غیر این صورت شاید تلاش او یکسره بی نتیجه بماند و پرسشگر سرانجام به پاسخ مناسب نرسد.

ارج گذاری به پرسشگر

این ارج گذاری را می توان با بیان های گوناگون انجام داد؛ امام صادق علیه السلام در پاسخ به شخصی که از توحید سؤال کرده بود، فرمود: "سألت رحمك الله عن التوحيد؛ رحمت خدا بر تو که از توحید پرسیدی. در واقع حضرت از این راه شیعیان را تشویق می کند که از این گونه سؤال ها بپرسند. ایشان در مورد ایمان و فضیلت عمره نیز همانند این عبارت را فرموده اند^۲ که امروزه نیز با عباراتی همچون: احسنت، سؤال بسیار خوبی بود، سؤال مناسب فضای امروز بود،

۱. "روي أن أنصاريًا جاء إلى النبي ﷺ يسأله و جاء رجل من ثقفيف فقال رسول الله ﷺ يا أبا ثقفيف إن الأنصاري قد سبقك بالمسألة فاجلس كيما نبدأ بحاجة الأنصاري قبل حاجتك" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۴).

۲. شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۰۲؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰۰؛ همان، ج ۴، ص ۵۳۶.

وقت صرف کند تا از نو خود پاسخ را بیابد.

یکی از راه های شناخت منابع هر دانش، مراجعه به متخصصان آن است. راه دیگر مراجعه به پایگاه های اطلاعاتی مانند کتابخانه ملی ایران است. همچنین برای آگاهی و استفاده از پژوهش های پاسخگویان دیگر، بهترین راه، مراجعه به وبگاه های معتبر پاسخگویی است.

ب) آداب بایسته پاسخگویی

آغاز با نام و ستایش خدا

هر امر مهمی که بدون نام خداوند آغاز گردد، ناتمام می ماند و چه امری مهم تر از پاسخگویی به پرسش های دینی.

پاکی تن

همیشه با وضو بودن یکی از محاسنی است که همواره مطلوب اسلام بوده است و آشکاراست که پاسخگوی دینی اگر با طهارت سخن بگوید، موفق تر خواهد بود از زمانی که این پاکیزگی را ندارد.

دعا

حضرت موسی علیه السلام پیش از رفتن به سوی فرعون از خداوند شرح صدر، گشایش زبان و فصاحت بیان می خواهد تا فرعون و پیروانش، سخنش را دریابند.^۱

۱. طه: ۲۵-۲۸.

کشوری اسلامی زندگی کرده و با معارف اسلامی تا حد زیادی آشنا هست، باید متفاوت باشد با پاسخ به همان پرسش جوانی که تازه مسلمان شده است.

به پیشواز پرسش رفتن

یکی از ویژگی‌های یک مناظره‌کننده توانا اعلام آمادگی به مخاطب است؛ مثلاً امام باقر علیه السلام به نصرانی فرمود: "شما اول سؤال می‌کنی یا من سؤال کنم؟" با چنین کاری هم آمادگی و توانایی پاسخگو بر همگان پیدا می‌شود و هم قاطعیت او.

امام صادق علیه السلام فرمودند: "مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ"؛ اینکه انسان پیش از اینکه سؤال را خوب بفهمد، بخواهد آن را پاسخ بگوید، نشانه نادانی اوست. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: "من أسرع في الجواب لم يدرك الصواب"؛ کسی که در پاسخگویی شتاب کند، به پاسخ درست نخواهد رسید.

پرهیز از پاسخگویی بی‌درنگ

از مهم‌ترین آسیب‌های پاسخگویی، پاسخ بی‌مطالعه و اندیشه

۱. "فَقَالَ النَّصْرَانِيُّ أَسْأَلُكَ أَمْ تَسْأَلُنِي فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: سَلْنِي فَقَالَ النَّصْرَانِيُّ" (همان، ج ۸، ص ۱۲۳).

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۳.

۳. "لَا يَسْتَجِيزُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَ لَا يَسْتَجِيزُ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ". (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۲۱)؛ "مَنْ تَرَكَ قَوْلَ لَا أَدْرِي أَصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ" (نهج البلاغه، ص ۴۸۲).

سؤال بیدارکننده‌ای بود و... می‌توان چنین شیوه‌ای را اجرا کرد.

مخاطب‌شناسی

ناگفته پیداست که پاسخگوی دینی برای آنکه تلاشش بی‌ثمر نماند، لازم است متناسب با شرایط مخاطب همچون سن و سطح سواد و زمان و مکان سخن بگوید. به فرموده امام صادق علیه السلام هیچ‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله با تمام ژرفای خرد خود، با مردم صحبت نکرد؛ بلکه فرمود: "همانا ما پیامبران مأمور هستیم که به اندازه فهم مردم با آنان سخن بگوییم". نیز محمدبن عبید می‌گوید نزد امام رضا علیه السلام بودم. حضرت به من فرمود: "به عباسی بگو با مردم به اندازه فهم آنان درباره توحید سخن بگوید و خودداری کند از گفتن چیزهایی که آنان (به سبب کمی توانایی درک) انکار می‌کنند".^۱ برای مثال پاسخی که به پرسش جوانی که همه عمر در

۱. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله "إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ". مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا علیه السلام فَقَالَ لِي قُلْ: "لِلْعَبَّاسِيِّ يَكْفُفُ عَنِ الْكَلَامِ فِي التَّوْحِيدِ وَ غَيْرِهِ وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ مِمَّا يَعْرِفُونَ وَ يَكْفُفُ عَمَّا يُنْكِرُونَ وَ إِذَا سَأَلُوكَ عَنِ التَّوْحِيدِ فَقُلْ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ إِذَا سَأَلُوكَ عَنِ الْكَيْفِيَّةِ فَقُلْ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ إِذَا سَأَلُوكَ عَنِ السَّمْعِ فَقُلْ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ كَلَّمَ النَّاسَ مِمَّا يَعْرِفُونَ" (شیخ صدوق، التوحید، ص ۹).

امام صادق علیه السلام: "مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ" وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: "إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ" (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰).

دلیل خواهی از مخاطب

وقتی پرسشگری به اعتراض ادعایی طرح می‌کند، بهتر است ما در آغاز، از او دلیل ادعایش را بپرسیم تا با آوردن پاسخ نقضی، ادعای او را ابطال کنیم؛ چون ادعای بی‌دلیل بی‌ارزش است؛ مانند این ادعای یهودیان که می‌گفتند: فقط یهود و نصاری وارد بهشت می‌گردند.^۱

شروع از مشترکات

برای ایجاد زمینه پذیرش در پرسشگر و بیرون آوردن او از لاک دفاعی، می‌توان بحث را از چیزهایی که هر دو، پذیرفته‌ایم آغاز کنیم. با این روش او با ما همراه می‌شود و امید قانع کردن او بیشتر می‌شود. قرآن کریم هم اهل کتاب را تشویق می‌کند که به دیدگاه‌های مشترک خود با مسلمانان روی کنند.^۲

استفاده از مقبولات طرف مقابل

تا زمانی که استفاده از مقبولات طرف مقابل امکان‌پذیر است،

است؛ حتی در سیره معصومان علیهم‌السلام نیز می‌بینیم آنان نیز بی‌تأمل پاسخ نمی‌دادند. عربی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و گفت: می‌خواهم چند چیز از تو بپرسم، خشمگین نشو. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: "اگر پاسخ آنها را بدانم که می‌گویم وگرنه منتظر می‌مانم تا جبرئیل فرود آید و پاسخ آن را [از سوی خدای تعالی] بیاورد."^۱

پرهیز از سخن نادانسته

در پرهیز از سخن گفتن بدون علم امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: "اگر از کسی چیزی پرسیدند که جوابش را نمی‌داند، حیا نکند از اینکه بگوید نمی‌دانم؛ و در سخن دیگری فرمودند: "هرکس گفتن "من نمی‌دانم" را رها کند، هلاک می‌شود."^۲ همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ابوذر غفاری توصیه نمود: "اگر از تو چیزی پرسیدند که نمی‌دانی، بگو نمی‌دانم که در این صورت از پیامدهای ناخوشایند آن در امان می‌مانی و هرگز ندانسته اظهار نظر نکن تا از عذاب خدا در امان بمانی."^۳

→

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۸.

۱. "و قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ" (بقره: ۱۱۱).

۲. "قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَنْشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ" (آل عمران: ۶۴).

۱. أن أعرابيا أتاه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فقال إني أريد أن أسألك عن أشياء فلا تغضب قال: "سل عما شئت

فإن كان عندي أجبتك و إلا سألت جبرئيل" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۸۱).

۲. "و لَا تَيْسَّرِينَ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سِئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَ لَا تَيْسَّرِينَ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ" (نهج البلاغه، ص ۴۸۲) و قَالَ: "مَنْ تَرَكَ قَوْلَ لَا أَدْرِي أُصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ" (نهج البلاغه، ص ۴۸۳).

۳. ما أوصى به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم إلى يَا أَبَا ذَرٍّ: "إِذَا سِئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ فَقُلْ لَا أَعْلَمُهُ تَنْجُ مِنْ تَبِعْتِهِ وَ لَا تَفْتِ مَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ تَنْجُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ" (مجلسی،

می‌گوئیم: اولاً: اگر برای آنها واجب است، برای مردها هم پوشش لازم است. پوشش مرد هرچند در کمیت با پوشش زن تفاوت دارد، ولی وجوب پوشش برای هر دو می‌باشد. دوماً: چه کسی گفته است پوششی که زن در برابر نامحرم باید داشته باشد (که تمام حجم بدنش مخفی باشد) در نماز لازم است؛ بلکه زن می‌تواند با لباسی چسبان و روسری دور از چشم نامحرم نماز بگذارد و پوشیدن چادر و مانتو در نماز لازم نیست؟

اگر کسی گفت: چرا نماز را باید به زبان عربی بخوانیم؟ ما که کلمات عربی را متوجه نمی‌شویم. در پاسخ نقضی می‌توانی بگوئیم: اولاً: این از اختصاصات اسلام نیست؛ بلکه در همه ادیان اتحاد در اعمال عبادی وجود دارد. مثلاً در مسیحیت کسی نمی‌گوید من در کلیسای شهر خودم به جای ناقوس از طبل استفاده می‌کنم! دوماً: لازم نیست همه نماز به زبان عربی باشد؛ بلکه به فتوای برخی مراجع می‌توان در قنوت با زبان مادری دعا کرد. سوماً: آیا اهمیت اتحاد زبان مسلمانان در نماز که یک امر اخروی است، از اهمیت اتحاد زبان خلبانان و مسئولان برج مراقبت فرودگاه‌های دنیا که یک امر دنیوی است کمتر است؟ چرا هیچ خلبانی اعتراض نمی‌کند که من دوست دارم با زبان خودم با برج مراقبت صحبت کنم و همه با زبان انگلیسی صحبت می‌کنند.

رابعاً: این گونه نیست که اعراب هم کاملاً مفاهیم قرآن را متوجه

پاسخگو نباید به سراغ برهان‌هایی برود که پذیرش آنها برای مخاطب دشوار است و او زیر بار آنها نمی‌رود. بنابراین باید گام به گام با آنچه او پذیرفتنی می‌داند، جلو رفت تا به نتیجه دلخواه رسید.

پرهیز از پرخاشگری

شاید گاهی پرسشگر با پرسش‌های بسیار و پریشان خود پاسخگو را در آستانه خشمگین شدن قرار دهد؛ ولی پاسخگو به هیچ‌روی نباید به خشم آید یا دست‌کم سکوت کند. این دستور پیامبر ﷺ است که انسان همان‌گونه که باید در برابر استاد خود نرم‌خو باشد، در برابر شاگردش نیز باید این چنین باشد.^۱

آوردن چند برهان برای یک پاسخ

هر پاسخگوی پیروزمندی باید بتواند از چند راه ادعای خود را اثبات کند؛ برای مثال از راه عقل یا نقل، از راه حلّ یا نقض، از راه مستقیم یا خُلف و ...

پاسخ نقضی در روبرویی با شبهه‌ها

پیش از پاسخ حلّی به اشکال پرسشگر در پی آن باشیم مواردی که ادعای او را می‌شکنند، پیدا و بیان کنیم. برای مثال پرسشگری می‌پرسد: چرا خانم‌ها باید در نماز پوشش داشته باشند؟ در پاسخ

۱. رسول خدا ﷺ: "لینوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه ..." (مجلسی، بحار الانوار،

ج ۲، ص ۶۲).

پرداختن به پاسخ حلی با استفاده از چهارچوب منضبط

پس از برداشتن گام‌های پیش، می‌توان به طرح پاسخ‌های حلی خویش پرداخت و با شناختی کافی که از ذهنیت مخاطب و مجهول‌های او پیدا کرده‌ایم، پاسخ شایسته‌ای بیان کنیم.

استفاده از قرآن

مرحله اول در پاسخگویی استفاده از قرآن کریم است؛ زیرا کتابی است که هیچ شک و شبهه‌ای در درستی آموزه‌های آن نیست؛ مثلاً اگر کسی بگوید آیا نماز در ادیان پیشین هم بوده؟ می‌توان با استفاده از آیه‌های قرآن به نماز در آیین حضرت شعیب، موسی، عیسی، ابراهیم علیهم‌السلام و دیگر پیامبران اشاره کرد و با اطمینان گفت که بوده. این بهتر است تا اینکه بخواهیم از سخنان مورخانی که خود در آن زمان نبوده‌اند، گواه بیاوریم.

البته باید گفت در برخی از پرسش‌ها، پاسخ دادن با آیات قرآن چندان سودمند نیست؛ زیرا در قرآن آیاتی متشابه وجود دارد و ممکن است مخاطب آیه را به‌گونه دیگری توجیه نماید. برای همین، حضرت علی علیه‌السلام به ابن عباس فرمود: "با قرآن با خوارج

→

لم یزالا و لایزالن فقالوا نعم. قال أفيجوز عندكم اجتماع الليل و النهار فقالوا لا. فقال عليه‌السلام فإذا ينقطع أحدهما عن الآخر فيسبق أحدهما، و يكون الثاني جارياً بعده. قالوا كذلك هو. فقال قد حكمتم بحدوث ما تقدم من ليل و نهار لم تشاهدوهما، فلا تنكروا... (سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن).

شوند. مثلاً هیچ عرب زبانی تاکنون نتوانسته است معادل کلمه "الله" را در یک واژه بیان کند. وجود صدها جلد تفسیر قرآن به زبان عربی، بیانگر این است که خود اعراب نیز به معانی حقیقی واژه‌ها و جمله‌های قرآن پی نبرده‌اند و همچنان نظرات جدید در تفسیر آیات قرآن تولید می‌شود. پس عرب زبان بودن دلیل بر فهم حقیقت کلمات و جملات قرآن نیست؛ حتی گاهی دیده می‌شود که عرب زبانی، کلمات قرآن را غلط می‌خوانند.

در سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز استفاده از پاسخ نقضی نمونه دارد. برای مثال عده‌ای نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند و گفتند: هر چیزی که ما به وجود آمدن و از بین رفتنش را ندیده‌ایم قدیم است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: "شما ابتدای شب و روز را به یاد دارید؟" گفتند: خیر. پرسید: "قبول دارید در یک زمان یا شب است یا روز و در یک زمان نمی‌شود هم شب باشد هم روز؟" گفتند: بله. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: "پس مشخص می‌شود یکی بعد از دیگری خلق شده و حادث است؛ درحالی‌که شما ابتدای خلقت شب و روز را ندیده‌اید با اینکه آنها حادث هستند! پس اینگونه نیست که هر چیزی را شما ابتدای خلقت و از بین رفتن آن را ندیده باشید، قدیم باشد. پس فقط خداوند قدیم است و دیگران چون مخلوق اویند، حادث هستند."^۱

۱... أو لستم تشاهدون الليل و النهار و أحدهما بعد الآخر فقالوا نعم. فقال أترونهما

بهره‌گرفتن از مثال

ذهن انسان آغشته است به اتفاق‌ها و حادثه‌هایی که پیرامون رخ می‌دهند؛ بنابراین برای درک بهتر موضوع‌ها و مفهوم‌ها می‌توان از مثال بهره‌گرفت؛ مثلاً درباره‌ی اینکه نماز تشکر از خداست و در تشکر باید به‌گونه‌ای رفتار کرد که شخص درخورِ سپاس‌خشنود شود، می‌توان هدیه‌ی دادن پدر به فرزند را مثال زد.

اهل بیت علیهم‌السلام نیز گاه مثال آورده‌اند. برای نمونه شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: معنای اینکه خدا فرموده او خدایی است که در آسمان، خداست و در زمین، خداست چیست؟ امام علیه‌السلام فرمود: "اسم تو در کوفه چیست؟" گفت: محمد. حضرت پرسید: "اسم تو در بصره چیست؟" گفت: عبدالله. حضرت علیه‌السلام فرمود: "پس خدا نیز این‌گونه است در آسمان خداست در زمین نیز؛ همچنین در دریا و صحرا نیز خداوند است."^۱

استفاده از داستان

بسیار دیده شده که فردی با شنیدن داستانی دگرگون شده است؛

۱. قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ علیه‌السلام: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ دَلَّنِي عَلَى اللَّهِ مَا هُوَ فَقَدْ أَكْثَرَ عَلَيَّ الْمُجَادِلُونَ وَحَبْرَوِي. فَقَالَ لَهُ: "يَا عَبْدَ اللَّهِ هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ" قَالَ: نَعَمْ قَالَ: "فَهَلْ كُسِرَ بِكَ حَيْثُ لَا سَفِينَةٌ تُنْجِيكَ وَلَا سَبَاحَةٌ تُغْنِيكَ" قَالَ: نَعَمْ قَالَ: "فَهَلْ تَعَلَّقَ قَلْبُكَ هُنَالِكَ أَنَّ شَيْئاً مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُخَلِّصَكَ مِنْ وَرَطْبِكَ" قَالَ: نَعَمْ قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: "فَدَلِّكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ص ۴۱).

مناظره نکن."^۱

استفاده از روایات

اگر در قرآن کریم پاسخ قانع‌کننده‌ای نیافتیم پس از آن با مراجعه به روایات امامان معصوم علیهم‌السلام به پاسخگویی می‌پردازیم؛ مثلاً اگر کسی پرسید از کجا بفهمیم نماز ما قبول شده است؟ اشاره می‌کنیم به حدیث امام صادق علیه‌السلام که فرمود: "اگر نماز باعث شده که دیگر گناه نکنی، بدان که نمازت سراسر پذیرفته شده است؛" یعنی حضرت بازماندن از گناه را نشان قبولی نماز دانسته است.^۲

استفاده از برهان عقلی

از پایه‌ای‌ترین ابزارهای پاسخگویی عقل است که به‌کارگیری آن، حتی برای فهم قرآن و روایات لازم است و حجت الهی شناخته گردیده است.^۳ از آنجا که شاید برخی با آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم‌السلام قانع نشوند، استفاده از دلیل‌های عقلی ناگزیر می‌شود.

۱. و من وصیة له علیه‌السلام لعبد الله بن العلاء "لا تُلَاصِحْهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ... وَ لَكِنْ حَاجِحُهُمْ بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصاً" (نهج البلاغه، ۴۶۵).

۲. "مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعْتَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ فَيَقْدِرْ مَا مَنَعْتَهُ قُبِلَتْ مِنْهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۸۸).

۳. "يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُمَّةُ علیهم‌السلام وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ" (كلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵).

اینکه فلسفه حجاب در نماز چیست؟ بگوید: برای اینکه دل آگاهی (حضور قلب) در نماز بیشتر شود، ممکن است بگوید که با رعایت نکردن حجاب نیز همین اندازه از دل آگاهی به دست می آید.

توجه به پرسش‌های پدیدآمده از پاسخ

گاهی در هنگام پاسخگویی ممکن است پرسش‌های جدیدی به وجود آید؛ مثلاً در میان پاسخ دادن به اینکه چرا نماز می خوانیم، شاید این پرسش به وجود آید که چرا نماز را به زبان عربی می خوانیم. در چنین مواقعی باید ابتدا پاسخ پرسش اول را کامل نمود و پس از آن به پاسخ پرسش دوم پرداخت.

توجه دادن پرسشگر به سخنان بزرگان دین

هر پاسخگویی زیرکی باید هنگام بیان مطلبی که گمان دارد، مخاطب آن را نمی پذیرد یا سخت می پذیرد، آن را از زبان بزرگان دین (در صورتی که آنها چنین چیزی را گفته باشند) بیان کند؛ تا احتمال پذیرش مخاطب را بیشتر کند. برای مثال اگر کسی بپرسد آیا این سخن درست است که رهاکرده نماز کافر است؟ در پاسخ صرفاً نباید گفت آری؛ بلکه باید سخن امام صادق را به یاد او آورد که منظور ترک نماز از روی استخفاف و کج‌دهنی به دستور خداست؛ چرا که امام رهاکننده نماز را با زناکار مقایسه کرده است و فرموده است: زناکار و مانند آن برای لذت مادی گناه می کنند، پس کافر نیستند؛ ولی ترک کننده نماز، از ترک نماز لذتی نمی برد،

در صورتی که چه‌بسا با شنیدن چندین آیه قرآن آن دگرگونی در درون او ایجاد نشده بود. این بدان سبب است که انسان با شخصیت‌های داستان همذات‌پنداری می کند و خود را به جای شخصیت‌های مثبت یا منفی داستان می گذارد و به صورت غیرمستقیم تأثیر می پذیرد و همین غیرمستقیم بودن آن باعث می شود که در افکار و رفتار او اثرگذارتر باشد.

تغییر استدلال

گاهی پیش می آید برخی استدلال‌ها مخاطب را قانع نمی کند؛ لذا در چنین مواردی باید شیوه استدلال را تغییر داد، همان گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام در استدلال بر ضد نمرود گفت: پروردگار من می میراند و زنده می کند. نمرود گفت: من نیز چنین می کنم. حضرت ابراهیم علیه السلام اینجا شیوه استدلالش بر توحید را تغییر داد و فرمود: خدای من خورشید را از مشرق می آورد و به مغرب می برد، اینجا نمرود مبهوت ماند.^۱

توجه به لوازم پاسخ

پاسخگو باید در میانه پاسخگویی، به نتایجی که ممکن است از پاسخش گرفته شود، دقت کامل داشته باشد؛ مثلاً اگر در پاسخ به

۱. "أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ" (بقره: ۲۵۸).

اثبات حقانیت ما کافی است؛ زیرا ما زاهدانه و با فقر زندگی می‌کنیم؛ درحالی‌که شما اهل بیت دستور می‌دهید مردم کار کنند و به شما خمس پرداخت کنند و شما راحت زندگی می‌کنید! امام متوجه می‌شود که او با مقایسه ایثار با مسئله خمس سعی در منحرف کردن پاسخ دارد. حضرت می‌فرماید: "فعلا سخن درباره خمس را واگذار! بحث درباره انفاق و ایثار است. کدام یک از شما از آیات ناسخ و منسوخ قرآن آگاه است؟" یکی از آنان گفت از برخی آیاتی که عمل به بعضی دیگری را نسخ می‌کند آگاهیم، نه همه آنها را. حضرت علیه السلام فرمودند: "اینکه خودم و خانواده‌ام محتاج باشند و به دیگران اموال را ببخشم، نسخ شده است. آنجا که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: همه اموالت را نبخش که مورد ملامت و حسرت واقع شوی. این آیه عمل به آیه ایثار که می‌فرماید: با آنکه خود محتاجند ایثار می‌کنند را نسخ می‌کند."^۱

با آنکه امام می‌توانست درباره حقانیت خمس از قرآن دلیل بیاورد؛ ولی چون متوجه مغالطه و انحراف از پاسخ سؤال کننده شدند، ابتدا سخن او را با آیه‌ای از قرآن رد کردند و سپس به بیان حقانیت خمس پرداختند.

۱. "... فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْجُلَسَاءِ إِنَّا رَأَيْنَاكُمْ تَزْهَدُونَ فِي الْأَطْعَمَةِ الطَّيِّبَةِ وَمَعَ ذَلِكَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْخُرُوجِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى مَتَّعُوا أَنْتُمْ مِنْهَا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام دَعُوا عَنْكُمْ مَا لَا تَنْتَفِعُونَ بِهِ أَخْبَرُونِي أَيُّهَا النَّقْرُ أَلَكُمْ عِلْمٌ بِنَاسِخِ الْقُرْآنِ مِنْ مَنْسُوخِهِ وَ مُحْكَمِهِ مِنْ مُمْتَسَبِهِه..." (کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۶).

پس تنها انگیزه او از ترک نماز، سخیف شمردن دستور خداست.^۱ گفتنی است، منظور از این کفر، کفر فقهی (که موجب نجاست فرد می‌شود) نیست؛ بلکه به فرموده امام صادق علیه السلام کفر در ترک امر خداست که سبب می‌شود ایمان ظاهریش برای او سودی نداشته باشد.^۲

بیرون رفتن از مسیر استدلال

گاهی سخنان پرسشگر به گونه‌ای است که می‌خواهد پاسخگو را از مسیر اصلی بحث و استدلال بیرون ببرد. در اینجا پاسخگو باید با مدیریت درست، مانع چنین اتفاقی شود. در مناظره صوفیه با امام صادق علیه السلام، صوفیه برای اثبات حقانیت خود از قرآن دلیل آورد که قرآن ایثارکنندگان و انفاق‌کنندگان را مدح کرده است و همین برای

۱. امام صادق علیه السلام: "مَا بَالُ الرَّائِي لَا تُسَمِّيهِ كَافِرًا، وَ تَارِكُ الصَّلَاةِ قَدْ تُسَمِّيهِ كَافِرًا؟ وَ مَا الْحُجَّةُ فِي ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ الرَّائِي- وَ مَا أَشْبَهَهُ- إِذَا يَفْعَلُ ذَلِكَ لِمَكَانِ الشَّهْوَةِ فَإِنَّهَا تَغْلِبُهُ، وَ تَارِكُ الصَّلَاةِ لَا يَتَزَكَّى إِلَّا اسْتِخْفَافًا بِهَا. وَ ذَلِكَ أَنَّكَ لَا تَجِدُ الرَّائِي يَأْتِي الْمَرْأَةَ إِلَّا وَ هُوَ مُسْتَلِدٌ لِإِثْمَانِهِ إِيَّاهَا قَاصِدًا إِلَيْهَا، وَ كُلُّ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ قَاصِدًا إِلَيْهَا فَلَيْسَ يَكُونُ قَصْدُهُ لِتَرْكِهَا اللَّذَّةَ، فَإِذَا انْتَفَتِ اللَّذَّةُ وَقَعَ الاسْتِخْفَافُ، وَ إِذَا وَقَعَ الاسْتِخْفَافُ وَقَعَ الْكُفْرُ" (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۸۶).

۲. امام صادق علیه السلام: "الكفر في كتاب الله على خمسة أوجه- فمنها كفر البراءة [و هو على قسمين] كفر النعم و الكفر بترك أمر الله- فالكفر بما نقول من أمر الله فهو كفر المعاصي- و ترك ما أمر الله عز و جل، و ذلك قوله: "وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ" إلى قوله "أَفْتَوْمُنُونَ بَعْضُ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ" فكفرهم بتركهم ما أمر الله و نسبهم إلى الإيمان- و لم يقبله منهم و لم ينفعهم عنده، فقال: "فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ" الآية إلى قوله عَمَّا تَعْمَلُونَ" (تفسير عیاشی، ج ۱ ص ۳۸).

می‌کنیم یا از نعمت‌های بهشت آماده می‌گردد؟ در این هنگام یاران خندیدند. مرد عرب گفت من نادان هستم که به نزد دانا آمده‌ام. برای چه می‌خندید؟ پیامبر ﷺ فرمود: "مرد عرب، راست می‌گویی. لباس‌های ما از نعمت‌های بهشت مهیا می‌شود."^۱

جمع‌بندی پاسخ‌ها

برای اینکه مخاطب دستاورد بهتری داشته باشد، شایسته است که پرسشگر در پایان گفتگو، پاسخ یا پاسخ‌هایش را جمع‌بندی کند؛ تا پرسشگر بتواند درک بهتری از آنچه گفته شده، داشته باشد.

تشکر از پرسشگر

سیره اهل بیت علیهم‌السلام این بوده است هنگامی که کسی از آنها سؤال می‌کرد یا آنها را به مناظره فرا می‌خواند در پایان گفتگو، با عمل خود از او تشکر می‌کردند. امام رضا علیه‌السلام بعد از مناظره با عمران صابی با فرستادن مرکب سواری و لباس و ده‌هزار درهم برای عمران از مناظره او که به اسلام آوردن او منجر شد، تشکر و حمایت کرد.^۲

۱. جاء اعرابي الي رسول الله فقال ثيابنا في الجنة ننسجها بايدنا ام تشق من ثمر الجنة؟ فضحك اصحاب رسول الله فقال الاعرابي مم يضحكون من جاهل يسال عالما فقال: "صدقت يا اعرابي و لكنها تشقق من ثمر الجنة". (شمس شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۷، ص ۸).

۲. "... صرّ إلى عمران الصابي فأتيته به فقلتُ جعلتُ فداك أنا أعرف مؤضعه و هو عند بعض إخواننا من الشيعة قال فلا بأس قربوا إليه دابةً فصرتُ إلى عمران فأتيته به

اقرار گرفتن پس از هر مرحله

در بیشتر مواقع تا مخاطب گام اول را بر ندارد و پاسخ بیان شده در آن مرحله را نپذیرد، برداشتن گام‌های بعدی بی نتیجه است؛ لذا پاسخگو پس از هر مرحله، لازم است از مخاطب تأیید بگیرد؛ مثلاً درباره این سؤال که چرا نماز می‌گذاریم، اول از مخاطب سؤال کند که آیا می‌پذیری که بین انسان و حیوان تفاوت هست؟ اگر گفت آری بعد از آن به سراغ گام بعدی برود؛ یعنی اینکه هدف خلقت حیوان و انسان متفاوت است و این همان کاری است که امام رضا علیه‌السلام در مناظره با جاثلیق (پیشوای مسیحیان) انجام داد که ابتدا از او اقرار گرفت که آیا به هر آنچه در انجیل است ایمان داری. او گفت: بله. حضرت پس از آن با آوردن دلایلی از انجیل او را محکوم کرد....^۱

ریشخند نکردن مخاطب

گاهی برخی سؤال‌ها به بسیاری سادگی، خنده‌دار به نظر می‌رسند در چنین مواردی پاسخگو نباید به گونه‌ای رفتار کند که پرسشگر حس کند، به ریشخند گرفته شده است. در روایتی آمده که عربی از پیامبر ﷺ پرسید: لباس‌های بهشتی را با دست خود درست

۱. فإن كذبت بما ينطق به الإنجيل فقد كذبت موسى و عيسى -عليهما السلام- ومتى أنكرت هذا الذكر وجب عليك القتل لأنك تكون قد كفرت بربك و نبيك و بكتابك قال الجاثليق لا أنكر ما قد بان لي في الإنجيل و إني لمقر به (عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۱۵۸).

سو و آگاهی او از درخواست مرد فقیر و دادن انگشتر در حال نماز به او از سوی دیگر. در اینجا پاسخگو به وقت نیاز، یکر است به سراغ آن می‌رود و دیگر نیازی به گشتن دور و دراز در همه پاسخ‌ها برای یافتن این مسئله ندارد.

(ج) دسته‌بندی بر اساس مخاطبان

در این شیوه، افزون بر موضوع و کلیدواژه که به صورت الفبایی است، پاسخگو می‌تواند با نوشتن نوع مخاطب در میان پراتنژ روبه‌روی کلمات، نوع پرسش را از نظر رده سنی مشخص کند تا در هنگام نیاز به آن مراجعه کند.

نمونه:

حضور قلب

تیر (دانش‌آموزی)... ص ۱۱۳.

گفتنی است می‌توان این سه لیست را جداگانه ایجاد کرد؛ گرچه آنچه بیان شد چند مزیت دارد:

- پاسخگو یکجا به همه سؤال‌ها احاطه پیدا می‌کند؛

- پاسخگو در یک زمان هم به موضوعات احاطه دارد و هم به نوع مخاطب؛

- کار جستجو پرشتاب‌تر انجام می‌گیرد؛

همچنین می‌توان همه کلیدواژه‌ها را بر اساس حروف الفبا به

ترتیب آورد و در برابر هر یک، گونه مخاطب و موضوع سؤال را

(ج) امور مؤثر در موفقیت پاسخگو

سازماندهی پرسش‌ها و پاسخ‌ها

یکی از مهم‌ترین معیارهایی که با آن می‌توان یک پاسخگوی موفق را شناخت، توانایی او در سازماندهی پرسش‌هاست. مهم‌ترین شاخص‌هایی که پاسخگو همزمان به همه آنها برای سازماندهی نیاز دارد، عبارتند از:

(الف) دسته‌بندی بر اساس موضوعات

در این نوع دسته‌بندی سؤال‌ها بر اساس موضوعاتی چون نماز همچون آثار، اسرار، آداب، احکام، شیوه‌های جذب و حضور قلب از یکدیگر جدا می‌شوند.

(ب) دسته‌بندی بر اساس کلیدواژه

در این دسته‌بندی کلمه شاخص هر پرسش، به صورت کلیدواژه‌ای، در فهرستی نهاده می‌شود؛ تا مراجعه پاسخگو را در هنگام نیاز، آسان‌تر کند. مثلاً در دنباله (ذیل) موضوع حضور قلب کلمه "تیر" آورده می‌شود تا اشاره کند به شبهه بیرون کشیدن تیر از پای حضرت علی علیه السلام در حال نماز بدون اینکه او آگاه شود از یک

→

قَرَحَبٍ بِهِ وَ دَعَا بِكُسُوفٍ فَخَلَعَهَا عَلَيْهِ وَ حَمَلَهُ وَ دَعَا بِعَشْرَةِ آلَافٍ دَرَّهْمٍ قَوَّصَلَهُ بِهَا" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۱۸).

فصل چهارم: اینگونه پاسخ دهیم

شناخت زمینه و انگیزه پرسش

هنگام رویارویی با شبهه لازم است در آغاز، زمینه‌های ایجاد آن را دریافت و سپس در پاسخگویی نخست پاسخ‌های نقضی داد و پس از آن پاسخ‌های حلی. برای مثال اگر کسی بگوید چرا خدا نماز را واجب کرده؟ شاید انگیزه او از این پرسش، محکم کردن اعتقاداتش نباشد؛ بلکه رهایی از گرهی روانی باشد که از دیرباز در درون او لانه کرده است و اکنون با بیان این پرسش به دنبال باز کردن آن است؛ بنابراین شیوه پاسخگویی به چنین پرسش، به یقین نباید برهانی باشد؛ بلکه باید با رویکردی روان‌درمانگرانه برای بهبود حال او کوشید.

به بیانی دیگر شما باید در پی به‌دست‌آوردن پرسش حقیقی پرسشگر باشید؛ زیرا خود پرسشگر نیز گاهی سؤال ریشه‌ای خود را نمی‌داند. چنانچه پرسشگری نتواند از نمای بیرونی پرسش، به پرسش نهانی و پایه‌ای پرسشگر راه پیدا کند، نخواهد نتوانست او را قانع و مشکلش را حل کند.

مثال: جوانی از شما می‌پرسد: چرا خداوند عدالت ندارد؟ شما

نوشت؛ اما چون در این شیوه، همه سؤال‌های وابسته به یک موضوع، کنار هم نیستند، آن را پیشنهاد نمی‌کنیم.

مثال: تیر {حضور قلب} {دانش‌آموزی}

هر چند برخی پیشنهاد می‌کنند برای مثال خود "حضور قلب" نیز با زیرشاخه‌هایش معین شود؛ مثلاً حضور قلب (در سیره معصومان) (شبهات) (تیر) (دانش‌آموزی)، ولی از آنجایی که سؤال‌های هر موضوع محدود است و دستیابی به آن بر اساس کلیدواژه‌های دارای ترتیب الفبایی آسان است، نیازی به آوردن ریزموضوعات احساس نمی‌شود؛ هر چند تهیه آن نیکو است.

رمزگذاری پاسخ

یکی از شگردهایی که به پاسخگو یاری می‌رساند تا در پاسخگویی چیزی را از قلم نیندازد، رمزگذاری پاسخ‌هایی است که چند بند دارند؛ مثلاً پیامدهای اهانت به نماز چیست؟ در پاسخ به این پرسش، دست کم شش مورد بیان می‌شود. سه پیامد در دنیا، سه پیامد هنگام مرگ، سه پیامد هنگام ورود به قبر و سه پیامد در روز قیامت. در اینجا پاسخگو می‌تواند با گزینش یک کلمه از هر پیامد، هر پانزده پیامد را به خاطر بسپارد.

مثال: دنیا، مرگ، قبر، قیامت.

۱. رزق: خداوند برکت را از رزق او برمی‌دارد؛

۲. عمر: خداوند برکت را از عمر او می‌برد؛

۳. دعا: دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود.

تصحیح پرسش

گاهی پرسشگر سؤالی را با واژه‌ای نادرست می‌پرسد که وظیفه پاسخگو آن است که او را به درست پرسیدن رهنمون کند. مثال: پرسشگر: منظور از بداع چیست؟ پاسخگو: به نظرم منظور شما بداء باشد. درسته؟

مرزبندی پرسش

برخی پرسش‌ها بسیار کلی و بی‌کرانه‌اند. برای پاسخگویی دقیق، پاسخگو باید برای چنین پرسش‌هایی مرزبندی کند؛ مثال: پرسشگر: توحید در اسلام یعنی چه؟ پاسخگو: توحید بر چند گونه است: توحید ذاتی، صفاتی، عبادی، افعالی منظور شما کدام یک از آنهاست؟

برای نمونه هنگامی که یحیی بن اکثم از امام جواد علیه السلام پرسید که کفاره فرد احرام‌بسته‌ای که شکار کرده، چیست؟ حضرت علیه السلام پرسش او را مرزبندی کرد و شاخه‌های گوناگون آن را گفت. حضرت علیه السلام فرمود: "در حرم شکار کرده یا بیرون آن؟ آگاه بوده یا ناآگاه؟ آزاد بوده یا برده؟ بالغ بوده یا نابالغ؟ اولین بار او بوده یا بیشتر؟ پشیمان شده یا نشده؟ در شب بوده یا در روز؟ در احرام عمره بوده یا تمتع؟ شکار پرنده بوده یا غیرپرنده؟ کوچک بوده یا

نیز در جواب او استدلالی عقلی یا نقلی در باب عدالت خداوند، برای او می‌آورد؛ اما او زیر بار نمی‌رود. چرا؟ چون شما ریشه و انگیزه پرسش او را نگاه نکرده‌اید. اگر شما از او بخواهید بیشتر برایتان توضیح بدهد یا از او بپرسید که چطور این سؤال برایش پیش آمده، شاید دریابید که مثلاً خانواده او فقیرند و مشکلات مالی فراوانی دارند و از این بابت در رنج است.

پیداست که در جواب این سؤال باید از چرابی و حکمت فقر در این دنیا برای او سخن گفت و یا با برخورد مهربانانه به او دلداری و روحیه داد تا اندوهش کمتر شود. با این شیوه است که او از پیش شما خشنود خواهد رفت.

اطمینان از پرسیدن پرسش درست

بعضی از پرسش‌ها بسیار به هم نزدیک هستند. گاهی ممکن است پرسشگر چیزی بپرسد و ما نیز پاسخ آن را بدهیم؛ درحالی که مقصود او پرسش دیگری بوده که شباهت زیادی با این پرسش دارد. بنابراین پاسخگو پیش از هر چیز باید مطمئن شود که پرسش پرسشگر را به‌درستی فهمیده است. برای این کار می‌توان با طرح سؤال یا سؤال‌هایی مطمئن شد که آیا پرسشگر سؤالش را درست مطرح کرده یا خیر؛ مثلاً هنگامی که سؤال می‌شود چرا باید نماز بخوانیم؟ پاسخگو باید دریابد آیا منظور پرسشگر آثار و فایده‌های نماز است یا اسرار واجب شدن آن یا علل عقلی و منطقی نماز خواندن.

بارش فکری به دو گونه اجراشدنی است:

- فردی: فرد به تنهایی به جواب‌های احتمالی دست پیدا می‌کند؛
- گروهی: پرسشگر از راه هم‌فکری با دیگران به پاسخ‌های گوناگون دست پیدا می‌کند.

آگاهی از پیشینه پرسش

پاسخگو باید بداند آیا این پرسش، پیش از این در جای دیگری طرح شده یا خیر. دانستن این نکته فایده‌های بسیاری برای پاسخگو دارد و او را در پاسخگویی بهتر یاری می‌کند.

فرض کنید کسی می‌پرسد که چگونه امیر مؤمنان علیه السلام در حال رکوع متوجه حضور سائل شد ولی در نمازی دیگر متوجه بیرون کشیدن تیر از پای خود نشد؟

با رجوع به پیشینه این پرسش در می‌یابیم که:

یک. این شبهه را نخستین بار فخر رازی مطرح کرده؛

دو. هدف او انکار نزول آیه در مورد حضرت علی علیه السلام بوده؛

از روی دشمنی این پرسش را بیان کرده نه برای رسیدن به حقیقت.

پیدا کردن واژه‌های هم‌معنا یا مرتبط

از کارهایی که در دستیابی به جواب دقیق، پاسخگو را کمک می‌کند، جستجو در واژه‌های هم‌معنا یا مرتبط با کلمات اصلی سؤال است. مثال: در بحث مصداق‌های "استخفاف" به نماز، توجه به واژه "سahون" در قرآن و روایات کمک بسیاری می‌کند به

بزرگ؟"۱ با مرزبندی پرسش منظور پرسشگر از پرسش، روشن‌تر می‌شود و پاسخگویی به آن هم آسان‌تر.

به‌کارگیری روش بارش فکری

بارش فکری

پاسخگوی سؤال کتبی، برای رسیدن به پاسخ، باید پیش از مراجعه به پاسخ‌های پیشین، اندیشه خود را به‌کار گیرد و هر پاسخی که به ذهنش رسید یادداشت نماید، هر چند احتمال دهد که پاسخ او درست نباشد. زیرا در صورت اشتباه بودن پاسخش پس از مراجعه به منابع می‌تواند آن را حذف کند. استفاده از این روش چند فایده دارد:

- خلاق و فعال شدن ذهن به مرور زمان؛

- ایجاد آمادگی برای پاسخگویی هنگام روبه‌رو شدن ناگهانی با پرسش‌ها؛

- دستیابی به پاسخ‌هایی که تاکنون دیگران بدان دست پیدا نکرده‌اند.

۱. عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ شَيْبٍ فِي حَدِيثٍ أَنَّ الْقَاضِيَّ يَحْيَى بْنَ أَكْثَمَ اسْتَأْذَنَ الْمُأْمُونَ أَنْ يَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ الْجَوَادَ علیه السلام عَنْ مَسْأَلَةٍ فَأَذِنَ لَهُ فَقَالَ مَا تَقُولُ فِي مُحْرِمٍ قَتَلَ صَبِيحًا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: "قَتَلَهُ فِي حِلٍّ أَوْ حَرَمٍ عَالِمًا كَانَ الْمُحْرِمُ أَمْ جَاهِلًا قَتَلَهُ عَمْدًا أَوْ خَطَأً خُرًّا كَانَ الْمُحْرِمُ أَوْ عَبْدًا صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا مُتَبَدِّئًا بِالْقَتْلِ أَمْ مُعِيدًا مِنْ ذَوَاتِ الطَّيْرِ كَانَ الصَّيْدُ أَمْ مِنْ غَيْرِهِ مِنْ صَغَارِ الصَّيْدِ كَانَ أَمْ مِنْ كِبَارِهَا مُصْرًّا كَانَ أَوْ نَادِمًا فِي اللَّيْلِ كَانَ قَتَلَهُ لِلصَّيْدِ أَمْ بِالنَّهَارِ مُحْرِمًا كَانَ بِالْعُمْرَةِ إِذْ قَتَلَهُ أَوْ بِالْحَجِّ كَانَ مُحْرِمًا فَتَحَرَّرَ يَحْيَى بْنُ أَكْثَمَ" (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۴۴).

جستجوی پاسخ‌های استوار و پشتوانه‌دار (مستند)

قرآن کریم می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزکار باشید و سخن استوار و مستند بگویید." ^۱ گواه آوردن از کلام الهی و روایات درست و پذیرفته‌های عقلی برای پاسخ‌های خود، شیوه پاسخگویان کارگشته و خبره است.

دسته‌بندی پاسخ‌ها

برای آنکه پرسشگر بتواند پاسخ را بهتر بگیرد و از آن خرسند گردد، بهتر است که پاسخگو، پاسخ خود را به صورت دسته‌بندی شده و آراسته ارائه دهد و از آشفتگی در پاسخ‌دهی دوری کند. مثال پرسشگر: آثار نماز چیست؟ پاسخ: آثار نماز دو دسته است: دنیوی و اخروی؛ و آثار اخروی، خود دو دسته است: آثار در برزخ و آثار در روز قیامت.

دادن پاسخ کوتاه و رسا

هر چه پاسخ کوتاه‌تر و در همان حال رساتر باشد، مخاطب آن را بهتر یاد می‌گیرد و به خاطر می‌سپارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هرگاه پاسخی به درازا کشد، لازم است، در جاهایی که پرسشگر احتمال می‌دهد، سررشته بحث از دست پرسشگر بیرون رفته

۱. "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا" (احزاب: ۷۰).

دستیابی معنای درستی از این واژه. امام صادق علیه السلام در شناسایی مصداق‌های "ساهون" می‌فرماید: "هی تأخیر الصلاة عن اول وقتها لغیر عذر". تأخیر آن از اول وقت بدون عذر است. نمونه دیگر اینکه امام باقر علیه السلام فرمودند: "شخصی در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله سجده‌اش را سبک انجام می‌داد و مانند کلاغ نوک به زمین می‌زد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله که این صحنه را مشاهده کردند، فرمودند: اگر (با این نماز خواندن) بمیرد بر دین من از دنیا نرفته است". ^۲ لذا با توجه به اینکه لفظ "خفف" در روایت آمده است، کامل انجام ندادن افعال نماز را می‌توان مصداق استخفاف دانست.

مطالعه پاسخ‌های بیشتر داده شده و انتخاب پاسخ‌های استوار آنها

پاسخگو باید از نیازهای روز افراد جامعه آگاه باشد. برای این کار لازم است پاسخ‌های قانع‌کننده برای مخاطب امروز را از سایر پاسخ‌ها جدا کند و تازه‌ترین کتاب‌ها و نرم افزارها در زمینه‌های پرسش و پاسخ را تهیه و مطالعه کند.

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۴۴.

۲. "زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ دَخَلَ رَجُلٌ مَسْجِدًا فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَصَلَّى فَخَفَّفَ سُجُودَهُ دُونَ مَا يَنْبَغِي أَوْ دُونَ مَا يَكُونُ مِنَ السُّجُودِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَقَرَ كَنْقَرِ الْغُرَابِ لَوْ مَاتَ عَلَى غَيْرِ دِينِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله" (برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۷۹).

است، چکیده مطالب گفته شده را برای او بازگو کند، تا وی بتواند پاسخ را تا رسیدن به نتیجه پیگیری کند.

شناسایی سؤال‌های مهم و رایج در جامعه درباره نماز
هر پاسخگویی برای اینکه در عرصه تخصصی خود کارآمد باشد، لازم است سؤال‌های رایج در جامعه و پاسخ را بداند تا هنگام مواجهه با آنها کاملاً آماده باشد.

بخش دوم

پاسخ به سؤال‌هاک پرتکرار درباره نماز

در این فصل سؤال‌های پرتکرار درباره نماز و جواب‌های کارشناسی آنها آمده است تا آنچه در فصل اول گفته شده است را اجرایی نماییم.



حداقل ده بار بگوییم: الحمد لله رب العالمین.

■ یاد خداوند

نماز بهترین وسیله برای یاد خداست. خود خداوند عزیز به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي"؛ و این یاد خداست که انسان را در سختی‌های زندگی یاری می‌کند و او را به رحمت حق امیدوار می‌سازد.

■ کسب آرامش

نیاز به آرامش یکی از نیازهای فطری بشر است و نماز، آرامش‌بخش دل‌هاست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" و بالاترین مصداق یاد خداوند نماز است.

■ ایمنی از عذاب

وقتی روز قیامت از اهل دوزخ می‌پرسند: چه چیز شما را روانه دوزخ کرد؟ پاسخ می‌دهند: "لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ"؛ [گویند:] ما از نمازگزاران نبودیم.^۱

■ رسیدن به بهشت

رسیدن به بهشت در پرتو عبودیت خداوند میسر می‌شود و نماز از بهترین مسیرهای عبودیت پروردگار و رسیدن به بهشت الهی است.^۲

۱. مدثر: ۴۲ و ۴۳.

۲. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "مَنْ أَشْبَحَ وَضُوءَهُ وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَأَدَّى زَكَاتَهُ وَكَفَّ غَضَبَهُ وَ...

فصل اول: چرا نماز بخوانیم؟

■ چرا نماز بخوانیم؟

علت‌های فراوانی برای ضرورت نماز خواندن می‌توان بیان کرد که ما به اختصار به چند تا از آنها اشاره می‌کنیم:

■ بندگی خدا

ما نماز می‌خوانیم زیرا هر موجودی در این عالم برای هدفی خلق شده است و هدف آفرینش هر موجودی را بهتر از هر کس دیگری، آفریننده آن موجود می‌داند؛ خداوند هدف از آفرینش انسان را عبودیت بیان کرده است. آنجا که می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ"؛ و نماز یکی از راه‌های برجسته اطاعت و بندگی خداست.

■ سپاس‌گزاری

هر انسانی در فطرت و عقل خود باور دارد که در برابر هدیه‌ای که دریافت می‌کند، باید سپاس‌گزاری کند؛ آن هم به‌گونه‌ای که رضایت هدیه‌دهنده را در پی داشته باشد و خداوند نماز را وسیله‌ای برای تشکر قرار داده است؛ لذا واجب است نماز بخوانیم و هر روز

است.^۱ او حاضر نشد در برابر روح خدا که در کالبد انسان دمیده شده بود سجده کند؛ لذا به انسان‌هایی که مقابل خداوند سجده نمی‌کنند، ارادت ویژه‌ای دارد! پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: همواره شیطان از کسی که بر نمازهای پنج‌گانه‌اش محافظت می‌کند فرار می‌کند؛ ولی اگر شخص نمازهایش را تباه کرد، شیطان بر او جرأت پیدا می‌کند و او را به ارتکاب گناهان بزرگ وارد می‌کند.^۲

■ چرا ما باید دائماً نماز خواندن را که یک عمل تکراری است انجام دهیم؟ آیا غذا خوردن تکراری نیست؟ آیا غذای دیروز مرا از غذای امروز بی‌نیاز می‌کند؟

همان‌طور که حیات و رشد بدن ما دائماً به غذا نیاز دارد، حیات روح ما نیز دائماً نیازمند غذاست. تابلوهای راهنمایی و رانندگی اگرچه تکراری هستند؛ ولی همیشه باید باشند چون همیشه به آنها نیازمندیم.

به طور کلی کارهای هدفمند گرچه تکراری باشند، مفید و گاهی نیز ضروری هستند. برای مثال بنا و معمار هر روز کارهایی تقریباً مشابه روزهای قبل انجام می‌دهند و اتفاقاً همین پیوستگی و دوام

۱. یس: ۶۰.

۲. "لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخَمْسِ فَإِذَا صَبَّحَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعَطَائِمِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۹).

■ آموزش گناهان

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سخنی نورانی نماز را به چشمه‌آبی تشبیه کردند که انسان هر روز پنج بار در آن شستشو می‌کند که در این صورت هیچ آلودگی‌ای بر او نخواهد ماند. نماز نیز این‌گونه انسان را از گناهان پاک می‌گرداند.^۱

■ رهایی از معاصی

به تصریح قرآن: "إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ"^۲؛ نماز بازدارنده از فحشا و منکر است؛ به این معنا که نماز باعث می‌شود کسی که اهل گناه است کم‌کم این آلودگی از او رفع شود و آنکه اهل گناه نیست، نسبت به گناه، نوعی عصمت پیدا کند و هواهای نفسانی بر او غلبه نکنند و گناه از او دفع گردد. به عبارتی نماز هم جنبه‌ی پیشگیری از گناه دارد و هم درمان بیماری گناه.

■ رهایی از شر شیطان

به فرموده قرآن کریم شیطان دشمن قسم خورده انسان

→

سَجَنَ لِسَانَهُ وَ اسْتَعْفَرَ لِدُنْيِهِ وَ أَدَى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ وَ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةً لَهُ" (احمدبن محمدبن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۱).
 ۱. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ فِيكُمْ كَمَثَلِ السَّرِيِّ وَ هُوَ النَّهْرُ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ يَغْتَسِلُ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَبْقَ الدَّرَنُ مَعَ الْغُسْلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ لَمْ يَبْقَ الذُّنُوبُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ" (شیخ صدوق، من لا يحضره

الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۲ و ۲۱۱).

۲. عنكبوت: ۴۵.

جلوگیری از فراموشی نقش پیامبر ﷺ در اسلام

امام صادق عليه السلام فرمودند: "یکی از علت‌های واجب شدن نماز این است که خداوند اراده فرموده است مسلمانان هرگز یاد پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم و کوشش‌های او برای اسلام را فراموش نکنند."^۱

→

حدثنا هشام بن الحكم قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن علة الصلاة فإن فيها مشغلة للناس عن حوائجهم و متعبة لهم في أبدانهم قال فيها علل و ذلك أن الناس لو تركوا بغير تنبيه و لا تذكر للنبي ص بأكثر من الخير الأول و بقاء الكتاب في أيديهم فقط لكانوا على ما كان عليه الأولون فإنهم قد كانوا اتخذوا دينا و وضعوا كتباً و دعوا أناسا إلى ما هم عليه وقتلوه على ذلك فدرس أمرهم و ذهب حين ذهبوا و أراد الله تبارك و تعالی أن لا ينسيهم أمر محمد ص ففرض عليهم الصلاة يذكرونه في كل يوم خمس مرات ينادون باسمه و تعبدوا بالصلاة و ذكر الله لكيلا يغفلوا عنه و ينسوه فيندرس ذكره. حدثنا علي بن أحمد بن محمد قال حدثنا محمد بن يعقوب قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله عن محمد بن إسماعيل عن علي بن العباس قال حدثنا القاسم بن ربيع الصحاف عن محمد بن سنان أن أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله أن علة الصلاة أنها إقرار بالربوبية لله عز و جل و خلع الأنداد و قيام بين يدي الجبار جل جلاله بالذل و المسكنة و الخضوع و الاعتراف و الطلب للإقالة من سالف الذنوب و وضع الوجه على الأرض كل يوم خمس مرات إعظاما لله عز و جل و أن يكون ذاكرة غير ناس و لا بطر و يكون خاشعا متذللا راغبا طالبا للزيادة في الدين و الدنيا مع فيه من الانزجار و المداومة على ذكر الله عز و جل بالليل و النهار لئلا ينسى العبد سيده و مدبره و خالقه فيبطر و يطغى و يكون في ذكره لربه و قيامه بين يديه زاجرا له عن المعاصي و مانعا من أنواع الفساد (شيخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۷).

۱. همان، ج ۲، ص ۳۱۷.

کار آنها سبب می‌شود که ساختمانی محکم و زیبا ساخته شود. انسان نیز در این دنیا در یک سفر طولانی و پر خطر به سوی هدفی بزرگ و مهم در حرکت است. "يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ".^۱

نماز وسیله نقلیه مطمئن و کارآمدی است که انسان باید پیوسته با آن باشد تا به سر منزل مقصود برسد.

■ چرا خداوند نماز را واجب نموده است؟

در پاسخ به این پرسش، علت‌های متعددی می‌توان بیان کرد که در ادامه به اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

جلوگیری از تحریف دین

امام صادق عليه السلام در پاسخ به این سؤال فرمودند: "اگر خداوند در فرستادن دین، تنها به فرستادن کتاب آسمانی اکتفا می‌کرد و عملی برای محافظت و یادآوری روزانه آن قرار نمی‌داد، حتما دین تحریف می‌گردید و به سرنوشتی دچار می‌شدند که ادیان گذشته گرفتار شدند؛ که دینشان از بین رفت و به عاقبتی دچار شدند که نایبست می‌شدند."^۲

۱. إنشقاق: ۶.

۲. حدثنا علي بن أحمد بن محمد رحمه الله قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن محمد بن إسماعيل البرقي قال حدثنا علي بن العباس عن عمر بن عبد العزيز قال

اظهار خشوع و اعتراف به کوچکی خود در برابر خداوند

خالق یکتا کمال مطلق است. خداوند برای آنکه کوچکی و ناتوانی انسان، از سوی دیگر قدرت خویش را به او نشان دهد تا از ستم و تعدی و طغیان و سرکشی بندگان جلوگیری نماید، نماز را بر او واجب کرد؛ در واقع نماز راهی برای اعتراف بندگان به کوچکی خود در برابر پروردگار و سبب خاشع شدن آنها در برابر اوست.^۱

طلب آمرزش گناه

خداوند نماز را واجب نمود تا راهی باشد برای اینکه انسان از خداوند بخواهد که گناهان گذشته او را ببخشد و بدین وسیله روح خود را از کثافات گذشته پاک کند.^۲

تعظیم برابر خداوند

امام رضا علیه السلام فرمودند: "خداوند نماز را واجب نمود تا بندگان با گذاشتن صورت بر خاک، در برابر خداوند، به بزرگی و عظمت خداوند اعتراف نمایند."^۳

افزایش معرفت دین

به سبب انجام نماز که ستون دین است، پایه‌های اعتقادی

۱. همان، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲. همان.

۳. همان.

جلوگیری از غفلت و فراموشی یاد خداوند

علت دیگر واجب شدن نماز، به فرموده امام صادق علیه السلام جلوگیری از فراموشی یاد خداوند می‌باشد؛ چون انسان موجودی فراموش‌کار است و برای جلوگیری از غفلت او نیاز به یادآوری دارد و چه یادآوری‌ای برتر از نماز که هر روز در پنج نوبت فرد با ستایش خالق خود، به یاد بزرگی و عظمت او بیفتد.^۱

اقرار به ربوبیت پروردگار

امام رضا علیه السلام فلسفه واجب شدن نماز را اقرار انسان‌ها به ربوبیت خداوند معرفی فرموده‌اند.^۲

جلوگیری از شرک

نماز نماد توحید و نشانگر موحد بودن انسان‌هاست؛ زیرا اگر جز الله خدای دیگری هم بود، بایستی آن خدای دیگر نیز، نوعی پرستش برای خود معلوم می‌نمود؛ لذا خداوند بدین وسیله راه شرک را ریشه‌کن نموده است تا مبادا اشخاص به شرک روی آورند؛ بلکه همگان با نماز، وحدت و هم‌صدایی خود را در پرستش آفریدگار یگانه نشان دهند.^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

تکبر واجب نمود.^۱

■ اگر خدا بی‌نیاز است پس چرا از ما می‌خواهد که برایش نماز بخوانیم؟

برای پاسخ به این پرسش دو مثال بیان می‌کنیم: فرض کنید پدر و مادری به فرزند خود سفارش می‌کنند که درس بخوان؛ آیا این دستور به نفع والدین است یا که آنها از روی دلسوزی و علاقه به آینده درخشان خود فرزند چنین تقاضایی از او می‌کنند؟ مثال دیگر: پزشکی که بیمار را به مصرف دارو یا انجام ورزش دستور می‌دهد، خودش به مصرف آن دارو یا ورزش نیاز دارد یا برای حفظ سلامتی و بهبود یافتن بیمار است که از او چنین تقاضایی می‌کند؟

خداوند نیز بندگان خود را به عبادت دستور داده چون رشد و تعالی آنها و رهایی از چنگال شهوت‌ها و شیطان‌ها در گرو عبادت خالصانه اوست؛ وگرنه خداوند به این عبادت‌ها هیچ نیازی ندارد و این عبادت‌ها هم هیچ سودی به حال او ندارد.

۱. عن فاطمه الزهراء عليها السلام: "ففرض الله الإيمان تطهيرا من الشرك و الصلاة تنزيها عن الكبر" (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸).

انسان‌ها تقویت می‌گردد.^۱

طلب برکت در زندگی دنیوی

خداوند نماز را وسیله‌ای برای طلب برکت در زندگانی مسلمانان قرار داده است که به وسیله آن روزی انسان وسعت یابد.^۲

بازدارندگی از گناه و انواع فساد

خداوند نماز را واجب نموده تا مایه دوری و انزجار انسان از گناه باشد و انسان به سبب آن به نوعی مصونیت عملی در برابر گناه، دست یابد.^۳

دوری از تکبر و خود پسندی

شیطان به سبب تکبر حاضر نشد به روح خداوند که در کالبد آدم دمیده شده بود، سجده کند؛ برای همین از درگاه خداوند رانده شد و او از سجده و تواضع برای خداوند متنفر است درحالی‌که انسان در هنگام نماز به بهترین شکل در برابر خداوند تواضع و خضوع می‌کند و به همین سبب تکبر از او دور می‌شود. به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خداوند نماز را برای دوری از

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۱۷.

مثلاً اولی هزار تومان، دومی ده هزار تومان و سومی صد هزار تومان. طبیعی است که میزهایی که آن نجار برای هر کدام خواهد ساخت، از نظر استحکام و زیبایی متفاوت با میز نفر دیگر خواهد بود. در ادامه به نمونه‌هایی از آثار عظیم نماز اشاره می‌کنیم:

نماز، کفاره گناهان

سلمان می‌گوید: زیر سایه درختی در کنار رسول خدا ﷺ بودیم. آن حضرت شاخه‌ای از آن را گرفته، تکان دادند. برگ‌هایی از آن بر زمین ریخت. فرمودند: "نمی‌پرسید که چرا چنین کردم؟" گفتیم: بفرمایید. فرمودند: "هنگامی که مسلمانی به نماز می‌ایستد گناهانش مانند برگ‌های این درخت بر زمین می‌ریزد."^۱

همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: "اگر بر در خانه شما نه‌ری باشد و شما در شبانه‌روز، پنج بار بدن را در نهر شستشو دهید، آیا اثری از چرک و آلودگی در بدنتان باقی خواهد ماند؟" گفتیم: نه. فرمودند: "همانا مثل نماز در میان شما، مانند نهری است که هر بار نماز در شبانه‌روز، اثر گناهان گذشته را از بین می‌برد."^۲

نماز دارای ثواب عظیم

نماز واجب معادل هزار حج و هزار عمره مقبول دانسته شده است؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: "بعد از شناخت الله، هیچ طاعتی را با

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۰، ح ۷.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ح ۱۸۹۳۱.

■ چه کنیم که نماز در دید ما اهمیت پیدا کند؟

الف) شناخت حق نماز

امام سجاد علیه السلام فرمود: "و حَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَ قَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ قُمْتَ مَقَامَ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ الرَّاجِي الْخَائِفِ الْمُسْتَكِينِ الْمُتَمَرِّعِ الْمُعَظَّمِ لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَ الْوَقَارِ وَ تُقْبَلُ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَ تُقِيمُهَا بِحُدُودِهَا وَ حُقُوقِهَا"^۱

و حق نماز این است که بدانی که آن کوچ کردن به سوی خداوند عز و جل است و تو در هنگام نماز در برابر خدای عز و جل ایستاده‌ای. وقتی این معنی و موقعیت را دانستی، در موضع بنده‌ای می‌ایستی که دلیل و بی‌مقدار و آرزومند و ترسان و امیدوار و بیمناک و فروتن و التماس‌کننده است و خداوند تعالی را که در برابر او ایستاده است با سکون و وقار خود، بزرگ می‌دارد و در این حال از صمیم قلب به نماز رو می‌آوری و آن را با حدود و حقوقش به‌پای می‌داری.

ب) توجه به آثار و پاداش‌های نماز

توجه به مزد و پاداش و مقدار آن، در "اهمیت قائل شدن برای یک عمل" بسیار مؤثر است. مثلاً اگر سه نفر، از نجاری درخواست کنند که برایشان میزی بسازد و هر کدام مبلغی را پیشنهاد کنند؛

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴، باب ۱ جوامع الحقوق ...

آسان تر می‌کنم، حسنات وی را قبول می‌کنم و از گناهانش در می‌گذرم و وقتی که بنده در نماز می‌گوید: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ** خداوند می‌فرماید: بندهام راست گفت؛ من را عبادت می‌کند. من شما را شاهد می‌گیرم که برای عبادت این بندهام چنان ثوابی بدهم که مخالفان عبادت او به آن ثواب غبطه بخورند و وقتی که بنده می‌گوید: **و إِيَّاكَ تَسْتَعِينُ** خداوند می‌فرماید: این بنده از من یاری خواست و به من پناه آورد. من شما را شاهد می‌گیرم که او را در کارهایش یاری دهم و در سختی‌ها از او حمایت کنم و روز قیامت هم دست او را بگیرم و داخل بهشت بکنم و وقتی که بنده می‌گوید: **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** تا آخر سوره حمد خداوند می‌فرماید: این صراط مستقیم برای بنده من است. آنچه را که از من خواست به وی می‌دهم و او را از هر چه که می‌ترسید ایمنی بخشیدم."

ح) توجه به جایگاه نماز در دین

نماز، رأس اسلام

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زمانی که معاذبن جبل را به یمن فرستادند در ضمن سفارشاتشان به او فرمودند: **"يَا مُعَاذُ عَلَّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ... وَ لِيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ- فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالدِّينِ"**؛ کتاب خدا را به ایشان بیاموز... و بیشترین همت خود را متوجه نماز کن؛ چرا که پس از

ارجح تر و پربهاتر از نماز نمی‌شناسم... و یک نماز واجب در نزد خداوند با هزار حج و هزار عمره‌ای که به خوبی انجام شود و مقبول درگاه الهی واقع شود، برابر است."

امام حسن عسگری عَلَيْهِ السَّلَام از پدرش و او از پدراننش تا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و او از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ایشان از خداوند متعال، نقل کرده که حضرت حق فرمود: **"من سورة فاتحة الكتاب را میان خود و بندگانم تقسیم کرده‌ام که نصفش مال من است و نصفش مال بندگانم و هر چه که بندهام از من درخواست کند اجابت می‌نمایم. وقتی که بنده‌ای بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خداوند متعال می‌فرماید: بندهام مرا ستایش کرد و می‌داند که نعمت‌هایی که دارد از من است و بلاهایی که هست از ناحیه من می‌باشد که اگر از او بردارم درباره او احسان کرده‌ام. شما ملائکه‌ها را شاهد می‌گیرم که من نعمت‌های آخرت را هم به نعمت‌های دنیای بندهام اضافه می‌کنم و بلاهای آخرت را از او دفع کردم. وقتی که بنده همان طوری که بلاهای آخرت را از او دفع کردم. وقتی که بنده می‌خواند: الرحمن الرحيم. خداوند می‌فرماید: بندهام شهادت به رحمان و رحیم بودن من داد. من هم شما را شاهد می‌گیرم که رحمت خود را درباره او زیادتر کنم و از عطا‌های خود به وی بیخشم. وقتی که بنده بگوید: **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ**. خداوند متعال می‌فرماید: من شما را شاهد می‌گیرم؛ چون او اعتراف به این کرد که من صاحب روز پاداش هستم من هم در آن روز، حساب او را**

شخصی غسل کرده یا وضوی کاملی گرفته، در مکانی خلوت به دور از چشم دیگران به رکوع و سجده مشغول شود. زمانی که بنده‌ای سر بر خاک می‌نهد و سجده می‌کند صدای شیطان به ناله بلند می‌شود که ای وای این بنده، خدا را اطاعت کرد و من نافرمانی کردم و او سجده کرد و من امتناع نمودم.^۱

نماز، نور چشم پیامبر ﷺ

آن حضرت به ابوذر فرمودند: "یا أَبَاذَرٍّ جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ تَنَاؤُهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ - وَ حَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ - كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمْآنِ الْمَاءَ - وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَّمْآنَ إِذَا شَرِبَ رَوِيَ - وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ؛" ای اباذر خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داده است و چنان مرا مشتاق نماز کرده که گرسنه را مشتاق به غذا و تشنه را مشتاق به آب و اشتیاق گرسنه و تشنه به غذا و آب گذراست ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.^۲

نماز وسیله نزدیک شدن به خدای عزیز؛

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا قَالَ: "الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ"؛^۳ امام رضا عليه السلام فرمود: نماز مایه نزدیکی پارسایان به خداوند است.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۸، باب فضل الصلاة ...
 ۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۷، باب ۴ ما أوصى به رسول الله ﷺ إلى أبي ذر رحمه الله ...
 ۳. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۱۰، باب فضل الصلاة ...

پذیرش اصل دین، نماز مهم‌ترین جایگاه را دارد.^۱

نماز، چهره دین

مُحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدَكُمْ وَجْهَ دِينِهِ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفٌ وَ أَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرُ؛" هر چیزی چهره‌ای دارد و چهره دین شما نماز است پس مبدا شخصی چهره دینش را زشت و نازیبا گرداند و هر چیزی شروعی دارد و شروع نماز با تکبیر است.^۲

نماز، دوست داشتنی‌ترین کار پیش خدا

عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَ صَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلُ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيُسَبِّحُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَيْسُّ فَيُشْرِفُ عَلَيْهِ وَ هُوَ زَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسَ يَا وَيْلَهُ أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أُبَيْتُ".

زید شحام می‌گوید از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: خداوند عز و جل نماز را بیش از سایر کارها دوست دارد و نماز آخرین سفارش همه پیامبران عليهم السلام است. چه منظره زیبایی است! اینکه

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۷، باب ۶، جوامع وصایا رسول الله ﷺ و مواظبه و حکمه ...
 ۲. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۴، باب من حافظ علی صلاته أو ضيعها ...

نماز، بهترین عمل بعد از معرفت خدا؛

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَ أَحَبُّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا هُوَ فَقَالَ: "مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ - عِيسَى - ابْنَ مَرْيَمَ عليها السلام قَالَ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ".

معاویه پسر وهب می گوید از امام صادق عليه السلام پرسیدم: والاترین چیزی که انسان را به خدا نزدیک کند و عملی نزد خدا محبوب تر از آن نباشد چیست؟ حضرت فرمود: بعد از شناخت خداوند، هیچ کاری را والاتر از همین نماز نمی شناسم. نمی بینی که بنده صالح خدا، عیسی بن مریم، گفته است: و خداوند مرا به ادای نماز سفارش کرد (مریم: ۳۱).^۱

نماز، اولین مورد پریشی در روز قیامت

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم: "أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ فَإِنْ قُبِلَتْ نُظِرَ فِي غَيْرِهَا وَ إِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنْظَرْ فِي عَمَلِهِ بَشَيْءٍ"^۲

پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: در روز قیامت، ابتدا به نماز بنده نگاه می کنند اگر نمازش مقبول افتاد آن وقت به سایر اعمال او هم نگاه می شود و اگر نمازش مردود شد، دیگر به هیچ یک از اعمالش توجه نمی شود.

۱. همان، ج ۶، ص ۷، ص ۱، باب فضل الصلاة ...

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۲۷، باب فضل الصلاة و عقاب تارکها ...

نماز، بهترین تکلیف؛

عن أبي ذر: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ فَمَا الصَّلَاةُ - قَالَ: "حَيْرٌ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ أَكْثَرَ"; ابوذر می گوید به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم عرض کردم: مگر نماز چیست که مرا به آن دستور دادید؟ فرمودند: نماز بهترین تکلیفی است که خداوند برای بندگانش قرار داده است. حال هر کس می خواهد بیشتر انجام دهد [به سود خود اوست] و هر کس می خواهد کمتر انجام دهد [به زیان خود اوست].^۱

نماز، ستون خیمه دین

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: "مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا تَبَّتْ الْعَمُودُ نَقَعَتِ الْأُطْنَابُ وَ الْأُوتَادُ وَ الْغِشَاءُ وَ إِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعِ طُنْبٌ وَ لَا وَ تَدٌ وَ لَا غِشَاءٌ"; امام صادق عليه السلام از زبان رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نقل فرمودند: مَثَلِ نماز مَثَلِ ستون خیمه (چادر) است، تا وقتی که ستون محکم باشد، طنابها و میخها و پرده به کار می آیند؛ ولی اگر ستون بشکند، هیچ طناب و میخ و پرده ای به درد نمی خورد. [چون در این حالت خیمه نقش بر زمین می شود و دیگر فایده ای ندارد].^۲

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۸، ح ۴۲، باب استحباب تحية المسجد و هي ركعتان ...

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۱۳، ح ۱، باب فضل الصلاة ...

مُنْتَهُونَ"؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید، تا رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟

(و دوری از کسانی که نماز را به سخره می‌گیرند؛

خداوند متعال مسلمانان را از ارتباط دوستانه با اهل کتاب و کفار به دلیل این که دین و نماز را به بازی و مسخره می‌گیرند، باز داشته است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا و لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ و الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ و اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ و إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا و لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید، تا رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟

۱. مائده: ۹۰ و ۹۱.

۲. مائده: ۵۷ و ۵۸.

مثل اینکه دکتری به مریض می‌گوید: از این نسخه اگر فلان دوا را نخوری، مصرف بقیه دواها بی‌فایده است. یا معلم به دانش‌آموز می‌گوید: اگر به فلان سؤال [که برای معلم پاسخ دادن به آن بسیار مهم است] جواب ندهی، ورقه‌ات را تصحیح نمی‌کنم یا به کسی گفته می‌شود: از این کتاب اگر فلان صفحه را نخوانی، گویی اصلاً کتاب را نخوانده‌ای.

در واقع نماز بهترین نتیجه و محصول کارخانه زندگی و بندگی انسان است که کیفیت مطلوب آن از سلامت همه دستگاه‌ها و عرصه‌ها حکایت دارد. بر عکس آن نیز صادق است؛ یعنی ناقص و مخدوش بودن نماز نشان‌دهنده بیمار و مشکل‌دار بودن سایر اعمال فرد است.

(د دوری از شراب و قمار و دیگر عوامل غلفت‌آور از یاد خدا

خداوند متعال انسان‌ها از کارهایی مانند شراب‌خواری و قماربازی و... منع کرده است، چون چنین کارهایی علاوه بر این روابط دوستانه مؤمنان را به هم می‌زند، سبب دوری از یاد خدا نیز می‌شود.

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ و الْمَيْسِرُ و الْأَنْصَابُ و الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ و الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ و الْمَيْسِرِ- و يَصَدِّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ و عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ

خانه‌ام ملاقات کند. آگاه باشید که احترام میهمان بر صاحب‌خانه لازم و واجب است. به آنانی که کارشان این است که در تاریکی‌های شب به سوی مساجد حرکت می‌کنند مژده بده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد.^۱

ج) برای نماز جهت ویژه قرار داده شده است.

د) کعبه معظم از مقدس‌ترین مکان‌های روی زمین است.

ه) مجموعه نماز از بهترین‌ها شکل گرفته است.

با تأمل در اجزاء نماز می‌بینیم که مجموعه‌ای از بهترین عبادت‌هاست؛ کارهایی مانند قرائت قرآن، ذکر، دعا استغفار، صلوات، شکر... که هر کدام خود به تنهایی عبادتی بزرگ و بافضیلت است، همه یک‌جا در نماز گرد هم آمده‌اند. به قول معروف هر چه خوبان همه دارند نماز آنها را یک‌جا دارد. علاوه بر وجود افعالی بسیار زیبا که هر کدام دارای معانی والا و اسرار بزرگی است؛ کارهایی مانند قیام، رکوع و سجود و... .

■ چه کنیم نماز برای ما سنگین نباشد؟

اینکه احیانا نماز خواندن برای ما سخت و سنگین است، برای آن است که هنوز به این درک و بینش نرسیده‌ایم که چقدر به نماز نیاز

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۸۱، ص ۱۰، باب استحباب الطهارة لدخول المساجد ...

توجه به ابعاد و ویژگی‌های نماز

الف) خداوند متعال نماز را در بهترین اوقات شبانه‌روز قرار داده است.

... قَالَ عَلَى النَّبِيِّ: "وَ ارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالْدُعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَ يَلْتَبِيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَ يُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَ يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ"^۱ امام علی علیه السلام فرمود: در وقت نماز دست به دعا بردارید که بهترین زمان [همان] است؛ [چرا که] خدا در آن وقت نظر لطف به بندگان خود دارد؛ به مناجات آنها پاسخ می‌دهد و فریاد آنها را لبیک می‌گوید و درخواست آنها را برآورده می‌سازد و دعای آنها را مستجاب می‌کند.

ب) برای نماز، مکانی ویژه و بافضیلت مخصوص در نظر گرفته شده است.

و روى أَنَّ فِي التُّورَةِ مَكْتُوبًا أَنَّ بِيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَرْزُورِ كَرَامَةَ الرَّائِرِ أَلَا بَشْرًا - الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

روایت شده که در تورات چنین آمده است: [که خداوند تعالی فرمود] بی‌شک خانه‌های من در روی زمین، همان مساجد است. خوشا به حال آن بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد و مرا در

۱. شیخ صدوق، امالی، ص ۹۴، المجلس العشرون.

آیات و روایات و تفکر در هدف آفرینش و صفات عدالت و حکمت خداوند به دست می آید.

■ چه اولین‌هایی در نماز وجود دارد؟

در جواب شما به چند مورد از این اولین‌ها اشاره می‌کنیم:

کعبه اولین بنا در زمین

قرآن می‌فرماید: "إِنَّ أَوْلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَاءَ مَبْرَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ"^۱ همانا اولین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم مقرر شد، همان است که در سرزمین مکه است که مایه برکت و هدایت جهانیان است.

نماز اولین دستور به حضرت موسی علیه السلام

خداوند تعالی پس از بعثت حضرت موسی علیه السلام به او فرمود: "وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي"^۲ و من تو را (به پیامبری) برگزیده‌ام، پس به آنچه وحی می‌شود گوش فراده، همانا منم الله، جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را به‌پادار تا به یاد من باشی.

پس از استقرار حضرت موسی علیه السلام در مصر خداوند به آن

۱. آل عمران: ۹۶.

۲. طه: ۱۳ و ۱۴.

داریم و اگر نماز نبود چه چیزهایی را از دست می‌دادیم. در واقع باید گفت نیاز ما به نماز بسیار بیشتر و مهم‌تر از نیازمان به آب و غذا و حتی اکسیژن است؛ زیرا اینها برای حیات جسم ضروری هستند؛ اما نماز برای حیات روح ضروری است. آنها تنها به درد زندگی چند روزه دنیا می‌خورند ولی نماز برای تأمین سعادت ما در زندگی ابدی آن جهان است که خانه حقیقی ماست.

در نتیجه برای اینکه به درکی واقعی از اهمیت نماز برسیم باید ایمانمان را به معاد تقویت کنیم؛ در این صورت نه تنها نماز بر ما دشوار و سنگین نخواهد بود، بلکه مثل هوای تازه‌ای است که در زندگی مادی و نفس‌گیر مادی ما در این دنیا به ما نشاط و شادابی معنوی می‌دهد و ما را پله پله به خدا نزدیک‌تر می‌کند.

خداوند تعالی نیز در قرآن می‌فرماید: "وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ؛ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ"^۱ و از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است. (خاشعان) کسانی هستند که به (قیامت و) ملاقات (با حساب) پروردگارشان و بازگشت به او ایمان دارند.^۱

همان‌طور که می‌بینید نماز تنها بر یک گروه سنگین نیست و آنها خاشعان هستند؛ کسانی که به قیامت اعتقاد دارند. پس در یک جمله راه درمان، تقویت اعتقاد به معاد است که با مطالعه در

۱. بقره: ۴۵ و ۴۶.

نماز اولین عملی که فرد تازه مسلمان لازم است بیاموزد

تازه مسلمان باید برای یادگیری مسائل اسلام همت کند و اولین چیزی که لازم است یاد بگیرد نماز است و این آموزش نماز به تازه مسلمان در سیره پیامبر نیز بوده است.^۱

نماز از اولین نشانه‌های تقوا

خداوند تعالی در قرآن کریم، از بین نشانه‌های متعدد تقوا، بیش از همه بر نماز تأکید کرده است.^۲

نماز اولین نشانه مؤمنان

قرآن کریم هنگامی که می‌خواهد شاخصه‌های مؤمنان را بر شمارد، اول از همه روی خشوع در نماز انگشت می‌گذارد.^۳

برپاداشتن نماز اولین شاخصه حکومت صالحان

اولین عمل در حکومت حضرت ولی عصر که تنها حکومتی است

→

لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ فَقَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ ... " (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸).

۱. "کان رسول الله ﷺ إذا اسلم الرجل اول ما يعلمه الصلاة" (متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹).

۲. "ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ" (بقره: ۲ و ۳).

۳. "قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ" (المؤمنون: ۱ و ۲).

حضرت وحی کرد که در مصر ساکن شوید و خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز را به‌پادارید.^۱

نماز اولین واجب در اسلام

پیامبر فرمود: "اولین چیزی که خداوند بر امت من واجب نمود نمازهای پنج‌گانه بود."^۲

ابن شهر آشوب می‌نویسد: در مدتی که پیامبر اکرم ﷺ در مکه بود، هیچ عبادتی تشریح نشد مگر طهارت و نماز که بر او واجب، و برای امت، سنت (مستحب مؤکد) بود. پس از معراج و در سال نهم بعثت نمازهای پنج‌گانه واجب شد.^۳

نماز اولین واجب در فروع دین

امام باقر علیه السلام فرمودند: "اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، حج، روزه، ولایت و بعد از ولایت که کلید قبولی بقیه است، مهم‌ترین فرع، نماز است."^۴

۱. وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمَكُمَا مِصْرَ بُيُوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (یونس: ۸۷).

۲. عن النبي ﷺ: "اول ما افترض الله على امتي الصلوات الخمس" (متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۶)؛ قال ﷺ: "إن أول ما فرض الله تعالى الصلاة..." (جامع الاخبار، ص ۷۳).

۳. "لم يشرع منها مدة مقامه مكة إلا الطهارة و الصلاة" (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب علیه السلام، ج ۱، ص ۴۳).

۴. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: "بُيِّتَ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزُّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ"

ترک نماز اولین عامل جهنمی شدن جهنمیان

بر اساس قرآن کریم، یکی از سؤالاتی که اهل بهشت از اهل جهنم می‌پرسند این است که چرا شما جهنمی شدید؟ آنها در پاسخ چهار عامل را ذکر می‌کنند، اولین مورد این است که ما از نمازگزاران نبودیم.^۱

نماز اولین عملی که از انسان بالا می‌رود

به فرموده پیامبر ﷺ اولین عملی که از مسلمانان به آسمان برده می‌شود، نماز است.^۲

■ آیا واقعا نماز این قدر که می‌گویند، اهمیت دارد؟

در پاسخ باید گفت نماز بسیار بیشتر از چیزی که ما فکر می‌کنیم و تا الان شنیده‌ایم در اسلام اهمیت دارد. در حقیقت با نگاهی به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام می‌فهمیم که نماز در بسیاری از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی مادی و معنوی انسان‌ها، نقش محوری

وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۰).

۱. "فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمُسْكِينِ * وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ" (المدرثر: ۴۰-۴۶).

۲. عن النبي ﷺ: "اول ما يرفع من اعمالهم الصلوات الخمس" (متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲).

که عدل فراگیر را در جهان برقرار می‌کند اقامه نماز است.^۱ لذا مهم‌ترین راه تشخیص حکومت اسلامی از غیر آن بعد از پابندی به اصول پنج‌گانه دین نگاه به اولویت نماز در آن حکومت است.

ساختن مسجد و برپاداشتن از اولین کارهای پیامبر ﷺ پس از هجرت؛

- پیامبر ﷺ پس از هجرت از مکه بلافاصله وارد مدینه نشدند، بلکه ابتدا در منطقه‌ای نزدیک مدینه توقف کردند تا پسر عمویشان، علی علیهما السلام و همراهانشان به او بپیوندند و در این مدت مسجد قبا را بنا کردند.

- در همان اولین روز ورود به مدینه نماز جمعه را خواندند.

- پیامبر ﷺ بعد از خواندن نماز در مدینه شروع کردند به ساختن مسجد مدینه.

نماز اولین چیزی که در قیامت از آن پرسیده می‌شود

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام در روز قیامت از بین تمام فروع دین، اولین عملی که مورد پرسش و محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است اگر نماز قبول شود سایر اعمال نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد.^۲

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ فِي قَوْلِهِ: "الَّذِينَ إِِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ - أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ" وَ هَذِهِ آيَةٌ لِأَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ إِلَى آخِرِ آيَةٍ - وَ الْمَهْدِيُّ وَ أَصْحَابُهُ" (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۷).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "... أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ الْعَبْدُ إِذَا وَ قَفَّ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى عَنِ الصَّلَاةِ فَإِنْ زَكَتْ صَلَاتُهُ زَكَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَ إِنْ لَمْ تَزُكْ صَلَاتُهُ لَمْ يَزُكْ عَمَلُهُ" (حر عاملی،

دین است".^۱

محوریت در تبلیغ دین

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که معاذ را به نمایندگی برای تبلیغ اسلام به یمن می‌فرستد به او دستور می‌دهد که همه معارف اسلام را بیان کند، ولی بیشترین همتش بر نماز باشد.^۲

محوریت در برنامه‌های حکومت دینی

قرآن کریم مهم‌ترین شاخصه حکومت صالحان را برپاداشتن نماز معرفی می‌نماید.^۳ حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ زمانی که مالک اشتر را حاکم مصر کرد در نامه‌ای به وی، او را به اهمیت دادن به نماز و به‌جا آوردن آن در اول وقت سفارش کرد.^۴

۱. عَنْهُ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: "بَنِي الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزُّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصُّومِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَأَيُّ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُهُمْ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِمْ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ قَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ" (أحمد بن محمد بن خالد برقي، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶).

۲. "... وَأَظْهَرَ أَمْرَ الْإِسْلَامِ كُلَّهُ صَغِيرُهُ وَكَبِيرُهُ وَلَيْكُنْ أَكْثَرَ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ" (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۶).

۳. "الَّذِينَ إِنْ مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزُّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ" (حج: ۴۱).

۴. "صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبَتْهَا الْمَوْتُ لَهَا وَ لَا تُعْجَلْ وَقْتَهَا لِقِرَافٍ وَ لَا تُؤَخَّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ" (نهج البلاغة، ص ۳۸۵).

و اساسی دارد که اکنون به بعضی از موارد آن اشاره می‌کنیم.

محوریت در ایمان به قرآن و معاد

در کلام خدا مراقبت از نمازهای خود، یکی از شاخصه‌های ایماد به قرآن و معاد معرفی شده است؛ یعنی مراقبت فرد نسبت به نماز و اوقات و بهبود انجام آن، نشانگر عمیق‌تر بودن ایمان او به معارف قرآن و نیز اصل معاد است.

محوریت در شناخت متقین

در قرآن کریم برای پرهیزکاران نشانه‌های فراوانی بیان شده که از مهم‌ترین آنها برپاداشتن است.^۲

محوریت در فروع دین

امام صادق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود: "حضرت لقمان فرزندش را از روزه‌ای که او را از نماز باز می‌دارد نهی کرده است".^۳

همچنین امام باقر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود: "بعد از مسئله ولایت ما اهل بیت رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ هیچ چیزی مهم‌تر از نماز نیست؛ زیرا آن ستون

۱. "و هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ" (انعام: ۹۲).

۲. "الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُسِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ" (بقره: ۳).

۳. عَنْ حَمَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فِي حَدِيثٍ يَذْكُرُ فِيهِ صِفَاتِ لِقْمَانَ وَ وَصَايَاهُ لِابْنِهِ قَالَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ "وَصُمْ صَوْمًا يَفْطَحُ شَهْوَتَكَ وَ لَا تَصُمْ صَوْمًا يَمْتَعَكَ مِنَ الصَّلَاةِ فَإِنَّ الصَّلَاةَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الصِّيَامِ ..." (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳).

آنها را در سه جا امتحان کنید: اول موقع نماز ببینید چقدر بر نماز محافظت می کنند و...^۱

محوریت در مسافرت

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: "انسان مؤمن به سفری که دین و نماز او در معرض خطر قرار می گیرد، نباید برود."^۲

■ وقتی خدا به نماز ما احتیاجی ندارد، چرا باید خودمان را این قدر به زحمت بیندازیم؟

البته خداوند نیازی به عبادت ما ندارد، ولی آیا عبادت فایده‌ای برای ما ندارد؟ در واقع خداوند تبارک و تعالی که بهتر از هر کس دیگری به کمال و سعادت ما آگاهی دارد و بیشتر از هر کس دیگری به آن علاقه‌مند و بهتر از خود ما، ما را می شناسد، می داند که رشد و کمال و سعادت ما در گرو عبادت اوست؛ برای همین ما را به عبادت فرمان داده است. در ادامه بعضی از فواید و حکمت‌های واجب شدن عبادت را بیان می کنیم:

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: "امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتِهِمْ عَلَيْهَا، وَ إِلَى أَسْرَارِنَا كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عَن عَدُوِّنَا، وَ إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مَوَاسَاتِهِمْ لِإِخْوَانِهِمْ فِيهَا" (قرب الإسناد - ط - الحديثة)، متن، ص ۷۸.

۲. عن علي عليه السلام: "لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَ صَلَاتِهِ" (شيخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۳۰).

محوریت در روابط اجتماعی

قرآن کریم ما را از دوستی با اهل کتاب مثل یهود و مسیحیانی که دین ما و از جمله نماز را مسخره می کنند بر حذر می دارد.^۱

محوریت در هجرت

حضرت ابراهیم علیه السلام علت هجرت خود از فلسطین به مکه مکرمه را، اقامه نماز معرفی می نماید.^۲

محوریت در قضاوت درباره افراد

هارون بن خارجه نزد امام صادق علیه السلام از اخلاق یکی از اصحاب آن حضرت ستایش کرد حضرت فرمودند: "نماز او چگونه است؟" [کنایه از اینکه آیا به نمازش هم اهمیت لازم را می دهد یا خیر].^۳

محوریت در شیعه بودن

امام صادق علیه السلام فرمودند: "اگر می خواهید شیعیان ما را بشناسید

۱. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِّن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ" (المائدة: ۵۷)؛ "وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُؤًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ" (مائدة: ۵۸).

۲. "رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ" (ابراهيم: ۳۷).

۳. هَارُونُ بْنُ خَارِجَةَ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَأَحْسَنْتُ عَلَيْهِ الشَّاءَ فَقَالَ لِي: "كَيْفَ صَلَاتُهُ؟" (كليني، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۸۷).

دارد و هم در صورت آلوده شدن انسان‌ها، جنبه درمانی دارد. به بیان دیگر نماز هم نهال تقوی را در انسان آبیاری می‌کند و به این وسیله دیواری بلند بین او و گناهان می‌کشد و هم وسیله شست‌وشوی انسان‌ها از گناهان و سبب نزول مغفرت و آمرزش الهی است؛ چرا که نماز، انسان را به توبه و اصلاح گذشته و بازبینی در رفتار دعوت می‌کند.

در حدیثی گهربار پیامبر ﷺ از یاران خود پرسید: "اگر بر در خانه یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز، پنج بار خود را در آن شست‌وشو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت بر بدن او می‌ماند؟" عرض کردند: خیر! فرمود: "نماز درست همانند آن آب جاری است، هر زمان که انسان نمازی می‌خواند گناهانی که در میان دو نماز انجام شده است از بین می‌برد."^۱

پاک‌کننده انسان از تکبر

نماز خودبینی و تکبر را درهم می‌شکند؛ چون انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار در برابر خدا پیشانی بر خاک می‌گذارد و خود را ذره‌ای در مقابل عظمت او می‌بیند و آگاهانه، به حقارت و ناچیزی خود اعتراف می‌کند؛ از این رو حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: "فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷ (باب ۲ از ابواب اعداد الفرائض، ح ۳).

■ یاد خدا

در حقیقت بزرگ‌ترین خطر برای انسان فراموش کردن خدا و هدف از آفرینش و نیز مقصدی است که در پیش رو دارد و هیچ عبادتی مانند نماز نمی‌تواند انسان را در برابر این خطر حفظ کند. ما با خواندن نماز هر روز چند بار چیزهایی را که هرگز نباید فراموش کنیم به خود یادآور می‌شویم.

در حقیقت روح و هدف نماز، یاد خداست. خدای تعالی به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد که "اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي".^۱ می‌دانیم که یاد خدا خود زمینه تفکر و پس از آن، عمل است. چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که در تفسیر عبارت قرآنی "و تَذَكَّرُ اللَّهُ أَكْبَرَ"^۲ فرمود: "مقصود یاد خدا در هنگام روبه‌رو شدن با حلال و حرام خداست."^۳

به این معنا که وقتی به کار حلالی رسیدیم بدانیم که از خدا و پرتویی از لطف و احسان اوست و وقتی به کار حرامی رسیدیم، بدانیم که خط قرمز خداست و باید از آن دوری کنیم.

■ از بین برنده ویروس گناه

نماز هم جنبه پیشگیری از آلودگی انسان‌ها به ویروس‌های گناه

۱. طه: ۱۴.

۲. عنکبوت: ۴۵.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۰.

دعوت‌کننده به پاکی همه‌جانبه

سراسر نماز دعوت به پاکی در جنبه‌های گوناگون زندگی است؛ زیرا مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، آبی که با آن وضو می‌گیرد یا غسل می‌کند و غیره باید از هرگونه غصب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد. با توجه به این شرایط، کسی که آلوده به ظلم، ربا، غصب، کم فروشی، رشوه‌خواری و کسب از راه حرام باشد، چگونه می‌تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟ بنابراین تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه‌روز، خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران و پاک کردن زندگی از هر آنچه ناپسند خدای متعال است.

تمرین نظم

نماز نظم و مهارت مدیریت زمان را در انسان تقویت می‌کند؛ چرا که باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن، موجب از دست رفتن آن می‌شود.

شرط قبولی عبادت

نماز از سویی به سایر اعمال انسان ارزش و اعتبار می‌دهد و از سوی دیگر بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان پرورش می‌دهد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصیت‌های خود در آخرین دقیقه‌های آخر عمر شریفشان فرمود: "اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ"؛ خدا را خدا را درباره نماز در نظر داشته باشید، چرا که نماز ستون دین شماست.^۱

۱. همان، نامه ۴۷.

الکبر؛ خداوند ایمان را برای پاک‌سازی انسان‌ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاک‌سازی از تکبر.^۱

همچنین نماز نقش مؤثری در دورشدن انسان از دیگر رذایل اخلاقی مانند حرص و آز و ناشکیبایی و... دارد. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: "انسان حریص و ناشکیبا آفریده شده و هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد مانع از دیگران می‌شود، مگر نمازگزاران؛ آنان که نمازها را پیوسته به‌جا می‌آورند."^۲

نردبان بالابرنده انسان

نماز وسیله پرورش فضائل اخلاق و تکامل معنوی انسان است؛ چرا که انسان را از چهار دیواری تنگ دنیای مادی بیرون می‌برد و به ملکوت آسمان‌ها دعوت می‌کند.

تکرار این عمل در شبانه‌روز، آن هم با تکیه بر صفات، رحمانیت، رحیمیت و عظمت خدا و با کمک گرفتن از سوره‌های مختلف قرآن، اثر فراوانی در پرورش فضائل اخلاقی انسان دارد. بدین جهت، امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره فلسفه نماز فرمودند: "الصلاة قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ"؛ نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خداست.^۳

۱. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۲. معارج: ۱۹ - ۲۴.

۳. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.

الرضا علیه السلام به پایان می‌بریم. آن حضرت در پاسخ نامه‌ای که آن حضرت درباره فلسفه نماز پرسیده بودند، فرمود: "علت تشریح نماز، توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار و مبارزه با شرك و بت‌پرستی و قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی و نهادن پیشانی بر زمین، در هر روز، برای تعظیم او است."^۱

■ نمی‌شود طور دیگری نماز بخوانیم؟

اولین نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه کرد این است: نمازی که خدا بر ما واجب کرده همین است که در کتاب و سنت آمده با همین تکبیرة الاحرام و قیام و قرائت و ذکر و رکوع و سجود و... اگر کسی دلش بخواهد طور دیگری بخواند، دیگر آن نمازی که نردبان مؤمن به آسمان است، نیست، یک چیز دیگر است.

نکته دوم اینکه آری راه‌های زیادی برای تشکر از خداوند وجود دارد که یکی از آنها نماز است. البته نماز تنها برای تشکر از خدا واجب نشده بلکه حکمت‌ها و فواید دیگری هم دارد. نکته حیاتی در اینجا این است که هیچ کدام از راه‌های دیگر تشکر از خدا، جای نماز را نمی‌گیرد. از طرفی آدم هم می‌تواند نمازش را آن طور که خدا خواسته بخواند و هم به روش‌های دیگر از خدا تشکر کند.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸ و ۹.

مثل روز روشن است که وقتی ستون خیمه بشکند یا سقوط کند، هر قدر طناب‌ها و میخ‌های اطراف محکم باشد، اثری در پایداری خیمه ندارد. همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود، سایر اعمال، اثر خود را از دست خواهند داد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: "أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ"; نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب می‌شود نماز است، اگر پذیرفته شد، سایر اعمالشان پذیرفته می‌شود و اگر رد شد، سایر اعمال نیز رد می‌شود.^۱

شاید علت این مسئله آن باشد که نماز، رمز ارتباط خلق و خالق است که اگر به طور صحیح انجام گردد، قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سایر اعمال است، در او زنده می‌شود و گرنه بقیه اعمال او ناخالص و بی‌اعتبار می‌شود.

نکته: تمام فوایدی که یاد کردیم تنها بخشی از آثار و برکات نماز است؛ تازه آن هم نمازی که شخص به طور فردی بخواند؛ حال اگر پاداش‌ها و آثار فراوان نمازهای جماعت را نیز به اینها اضافه کنیم خواهیم دید که خداوند با واجب کردن نماز چه لطف عظیمی در حق ما کرده است و ما چقدر به نماز نیازمندیم.

گفتار خود را با حدیثی نورانی و جامع از امام علی بن موسی

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۹.

افراد اسمش را می‌گذاشتند عبادت. به عبارت دیگر باعث می‌شد بدعت‌هایی در دین به‌وجود آید که با آنچه که خدا از انسان‌ها خواسته مخالف باشد و مردم به‌تدریج از اهداف اصلی دین منحرف شوند و به بیراهه‌ها بروند.

■ چرا حتماً باید نماز را به عربی خواند؟

پیش از هر چیز لازم است به این نکته توجه داشته باشید که تنها نماز و لبیک در حج است که باید به عربی بیان شود وگرنه هیچ تکلیف واجب دیگری نیازمند قرائت عربی نیست. اما خواندن نماز به صورت عربی و با همان کلماتی که پیامبر ﷺ و دیگر مسلمانان صدر اسلام می‌خواندند، دلائل مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

اول: اصل تعبد

به این معنا که شریعت اسلام، دستور به عربی خواندن نماز داده و با توجه به اینکه روح عبادت بر تسلیم و تعبد استوار است، انسانی که می‌خواهد خدا را عبادت نماید، باید کاری را انجام دهد که خواست خداوند است. طبق آیات و روایات و سیره پیامبر ﷺ این واجب و تکلیف دینی، به این شکل واجب شده است و برای انجام فرمان خدا باید آن را به همان شکل انجام داد تا مقصودها و مصلحت‌هایی که خداوند در نظر دارد و چه بسا ما از آن بی‌خبریم، حاصل گردد.

هر چیز به جای خویش نیکوست؛ علاوه بر این که نماز در بین شکل‌های مختلف تشکر از خدا برجستگی خاصی دارد، نماز عبادتی جامع است؛ هم زبان انسان در آن مشغول است، هم ذهن او، هم قلب او و هم اعضا و جوارح او و همین باعث می‌شود دارای تنوع باشد و برای نمازگزار نشاط‌آور. هر بخش نماز دارای اسرار و حکمت‌هایی است که بسیاری از آنها در سایر شکل‌های تشکر از خدا وجود ندارد.

از زاویه‌ای دیگر، عاشق همیشه دنبال این است که معشوق از چه چیزی خوشش می‌آید، که او هم دقیقاً همان کار را انجام بدهد. مؤمن عاشق خدا وقتی می‌بیند خدا دوست دارد هر روز آن هم پنج بار این شکل خاص از عبادت که نماز نام دارد، عبادت شود، همان‌طور رفتار می‌کند که او می‌خواهد.

از نظر اجتماعی نیز روشن است که انجام نماز به این شکل خاص نوعی هماهنگی و وحدت در بین پیروان اسلام ایجاد می‌کند که همین همسانی و یگانگی آثار مثبت زیادی از نظر فردی و اجتماعی دارد. اگر قرار بود هر کس هرطور که خودش دوست دارد خدا را عبادت کند این یکپارچگی و مشابهت بین مسلمانان پدید نمی‌آمد.

نکته پایانی اینکه اگر نماز و بعضی دیگر از عبادات (مثل روزه، حج و...) شکل مشخصی نداشتند و هر کس بنا به سلیقه خودش عمل می‌کرد الان ما شاهد رفتارهای عجیب و غریبی بودیم که

تمام مفاهیم آن را به زبان دیگر بیان کند، نیست. حتی تنها، کلمه "الله"، هیچ معادلی در زبان‌های دیگر ندارد و تنها می‌توان ترجمه آن را در قالب یک جمله بیان کرد. در مثال مذکور، کلمه "خدا" در زبان فارسی، صرفاً، معادل فارسی آن است نه هم‌معنای کلمه "الله".

چهارم: جلوگیری از تحریف

از طرف دیگر، تجربه زندگی انسان‌ها، روشن‌گر این حقیقت تلخ است که آنجا دست‌های انسانی در کارهای مختلف دخالت کرده است، آن را به صورت‌های مختلف در آورده که گاهی با اصل و حقیقت خود فاصله بسیار دارد. در ادیان امروزی، مفاهیم عبادی چنان مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته که روح عبادت کمرنگ شده و دیگر رغبت‌چندانی به انجام آن برای پیروانش باقی نمانده است، به همین علت آن ارتباط دائمی و همیشگی که مسلمانان با خدا دارند را، در ادیان دیگر مشاهده نمی‌کنیم.

یادآوری

اگرچه با توجه به دلایلی که اشاره شد، نماز باید به زبان عربی خوانده شود؛ اما این بدان معنی نیست که انسان نتواند به هیچ زبان دیگری با خداوند سخن بگوید. چنانچه در قنوت نماز که قسمت خواستن حاجت‌هاست، به فتوای اکثر مراجع، انسان

امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی پس از بیان اینکه معنای اسلام، تسلیم شدن در مقابل پروردگار است و علامت این تسلیم‌بودن در عمل آشکار می‌شود، می‌فرماید: "مؤمن، بنای دین خود را بر اساس رأی و نظر شخصی نمی‌گذارد، بلکه بر آنچه از پروردگارش رسیده بنیان می‌نهد".^۱

دوم: زبان مشترک مسلمانان

اینکه همه مسلمانان از هر نژاد و مملکتی نماز را به یک زبان بخوانند، باعث می‌شود که زبانی مشترک میان همه پیروان اسلام شکل بگیرد و در واقع زمینه وحدت و پیوند بین‌المللی دینی را فراهم کند.

سوم: نبود معادل واژه‌ها

کلماتی را که در نماز به زبان می‌آوریم نمی‌توان به صورت دقیق به زبان دیگری ترجمه کرد. چه بسا برخی از کلمات یا جملات، معانی بسیاری در خود جای داده که با یک یا چند جمله نیز نتوان همه آنها را بیان نمود.^۲

برای مثال از سوره حمد نام می‌بریم، هیچ ترجمه‌ای که بتواند

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۰۹.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ص ۱۰۲ - ۹۲، با تلخیص، مؤسسه آموزش و

پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰ هـ. ش.

می‌باشد و در قرآن کریم به آن اشاره شده است، ترک نماز گاهی موجب فقر می‌شود؛ ولی گاهی نیز چه بسا موجب ثروتمند شدن شخص گردد و آن زمانی است که خداوند یکی از سنت‌های خود را (که در ادامه خواهد آمد) درباره آن شخص اجرا کند. داشتن نعمت به خودی خود دلیل بر محبوب‌بودن بنده‌ای، پیش خدا نیست؛ چه بسا خداوند کسی را مورد توجه مادی خویش قرار می‌دهد و این فرصت، لغزش و انحطاطی را برای او پیش می‌آورد و چه بسا انسان مؤمن و حافظ نمازی که به سختی مبتلا گشته و این فرصتی است تا بیشتر با خدا خلوت کرده و مراتب معنوی و کمالاتی را درک نماید چنان که مولانا می‌گوید:

درد آمد بهتر از دُر گران تا بخوانی تو خدا را در نهان

سنت امهال

خداوند در قرآن می‌فرماید: "وَذُرِّي وَ الْمُكْدَّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَ مَهْلُهُمْ قَلِيلًا"^۱؛ مرا با تکذیب‌کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده!

که از این آیه مشخص می‌شود قرار نیست خداوند نعمت و مادیات را از آنها بگیرد و اگر خداوند نعمت دنیوی را از کافران دریغ کند در این صورت همه کافران برای رسیدن به مادیات دنیا، ایمان

۱. مزمل: ۱۱.

می‌تواند به فارسی یا هر زبان دیگر سخن بگوید.^۱ همچنین، در خانه خداوند مهربان برای گفت‌وگو و مناجات، هیچ‌گاه به روی بندگان بسته نیست و انسان هر لحظه که اراده نماید، می‌تواند با زبان دلخواه خویش با او به راز و نیاز بپردازد و همان‌گونه که اشاره شد، تنها برخی امور مانند نماز است که بنا بر مصلحت‌ها و فوایدی، باید به زبان عربی خوانده شود.

■ چرا وضع مادی کسانی که اهل نماز و اطاعت از خدا نیستند، بهتر از کسانی است که اهل نماز و اطاعت هستند؟
در پاسخ این پرسش باید با چند نکته توجه کرد:

کلیت نداشتن این وضعیت

اولاً این حالت کلیت ندارد؛ زیرا خیلی از افراد ترک‌کننده نماز فقیرند و از سوی دیگر برخی از اهل نماز ثروتمند هستند؛ پس به صورت کلی نمی‌توان این مطلب را اثبات نمود. مثلاً حضرت سلیمان عليه السلام و حضرت خدیجه کبری عليها السلام از ثروتمندترین افراد در زمان خود بودند و در همان حال اهل عبودیت و نماز هم بوده‌اند.

توجه به سنت‌های الهی

ثانیاً بنا بر سنت امهال و املاء و استدراج که از سنت‌های خداوند

۱. توضیح المسائل سیزده مرجع، مسئله ۱۱۳۵.

رابطه ثروت و طغیان

قرآن کریم می‌فرماید: اثر احساس ثروتمندی این است که انسان طغیان می‌کند "إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ"؛ بی‌گمان آدمی طغیان می‌کند؛ چون خود را بی‌نیاز می‌بیند.^۱

به همین علت اکثر معاندان و متکبرانی که در مقابل رسولان الهی ایستادگی می‌کردند، انسان‌های ثروتمندی بودند که به سبب تکبری که در درون آنها موج می‌زد، حاضر به اطاعت از خداوند و سجده نمودن در برابر او نبودند. اثر ذاتی چنین ثروتی این است که انسان را به تکبر و دوری از عبادت و نماز وا می‌دارد. درباره چنین انسان‌هایی خداوند هم اراده نکرده است به سبب ترک نماز، ثروت دنیوی را از او بگیرد! در مقابل، اکثر فقیران به سبب آنکه اهل خضوع‌اند در برابر خداوند سر به سجده می‌نهند.

توجه به هدف نماز

اصل عبودیت و بندگی برای این قرار داده شده است که انسان به کمال برسد و هدف عبودیت رسیدن به نعمات دنیوی نیست. ممکن است در پرتو عبودیت خداوند، نعمت‌های مادی نیز به انسان برسد؛ ولی این هدف عبادت نیست و تا کسی به معاد، اعتقاد قوی پیدا نکند و نعمت‌های قیامت را با دنیا غیر قابل

می‌آورند، در این صورت چنین ایمانی هیچ ارزشی نداشت؛ چون صرفاً راهی بود برای اینکه آنها ثروتمند بشوند.

قرآن کریم در سوره مبارک زخرف آیه ۷۱ به این سنت اشاره نموده است آنجا که می‌فرماید: "اگر نبود که همه مردم دست از ایمان خود می‌کشیدند و کافر می‌شدند هر آینه به کفار آن قدر ثروت می‌بخشیدیم که خانه‌های خود را از نقره قرار دهند و به آنها طلا می‌دادیم" اشاره به این دارد نعمت‌هایی که خداوند در دنیا به آنها داده است بسیار ناچیز است؛ زیرا خداوند می‌فرماید اگر همه، کافر نمی‌شدند این نعمت‌ها را می‌دادیم.

سنت املاء

خداوند در قرآن می‌فرماید: "کسانی که کافر شده‌اند گمان نکنند این فراوانی نعمت به سود آنهاست، ما فراوان به آنها می‌دهیم تا بیشتر در گناه فرو روند و برای آنها در قیامت عذابی دردناک است".^۱

بنابراین سنت خداست که کافران فقط در دنیا به نعمت برسند و از نعمات جاوید آخرت بی‌بهره گردند و خداوند از تارک نماز که به فرموده اهل بیت علیهم‌السلام نوعی کفر در درون اوست، متنفر است لذا گاهی نعمت مادی را به او می‌دهد تا با فرورفتن در گناه از نعمت‌های آخرت محروم گردد.

۱. آل عمران: ۱۷۸.

۱. علق: ۶ و ۷.

مقایسه بداند به حقیقت عبودیت و آثار آن پی نخواهد برد.

مال حرام

بسیاری از افرادی که به ثروت فراوان می‌رسند و اهل نماز هم نیستند، از طریق حرام به این ثروت رسیده‌اند؛ زیرا کسی که اهل نماز نیست اعتنائی ندارد به این که مالی که به دست می‌آورد از راه حلال باشد. در مقابل، کسی که اهل نماز است، به سبب آنکه به دنبال کسب حرام نرفته است، چه بسا وضع زندگی مادی او پایین‌تر باشد.

فصل دوم:

چرا اینگونه نماز بخوانیم؟

■ چرا نماز جزء اصول دین به شمار نیامده؛ درحالی که از مهم‌ترین واجبات و ستون دین است؟

هر مکتبی از دو بخش جهان‌بینی و ایدئولوژی، تشکیل شده است؛ جهان‌بینی عبارت است از پاسخ این پرسش که جهان چگونه هست و چگونه نیست؟ ایدئولوژی عبارت است از پاسخ به این پرسش که انسان چگونه باید رفتار کند و چگونه نباید رفتار کند؟ به طور خلاصه جهان‌بینی مربوط به هست‌ها و نیست‌ها و ایدئولوژی مربوط به بایدها و نبایدهاست. ریشه ایدئولوژی جهان‌بینی است؛ برای مثال وقتی کسی به این باور رسید که خدایی هست و قیامت هست و این جهان بیهوده آفریده نشده است، نتیجه می‌گیرد که باید او را عبادت کند و نباید او را معصیت کند.

اسلام نیز یک مکتب دارای جهان‌بینی و ایدئولوژی است. جهان‌بینی اسلام را اصول دین و ایدئولوژی آن را فروع دین می‌نامند. از آنجا که نماز مربوط به رفتارهای انسان است مربوط به حوزه ایدئولوژی یا به تعبیر دیگر فروع دین است و این به معنی

نماز جماعت، دادن صدقه و غیره؛ ولی شیطان فرد را وسوسه می‌کند که این کار ریاست تا به این وسیله او را از فیض شرکت در انجام کارهای خیر و عبادات دسته‌جمعی باز دارد؛ باید این موارد را شناخت و برای مبارزه با شیطان شائبه‌ریا را نادیده گرفت و آنها را آشکارا انجام داد.

در واقع در برخی از موارد بیان و آشکارکردن عمل نیک نه‌تنها ریا و مبعوض خداوند نیست، بلکه پسندیده است؛ مثل انجام آشکار اعمال نیک و صالح به قصد تشویق دیگران یا به قصد تبلیغ دین، یا مبارزه با وسوسه‌های شیطان و...^۱

■ چه کار کنیم که کیفیت نمازمان را بالاتر ببریم؟

در پاسخ به چند مورد از مهم‌ترین کارهایی که برای ارتقای نمازمان می‌توانیم انجام دهیم، اشاره می‌کنیم:

یادگرفتن احکام

احکام نماز را بدانیم تا مطمئن شویم نمازمان صحیح است؛ چون نماز باطل مثل زدن رمز اشتباه برای باز شدن یک در رمزدار است.

توجه به آداب ظاهری و باطنی نماز

در ادامه به بعضی از مهم‌ترین آداب ظاهری نماز اشاره می‌کنیم.

۱. برای آگاهی بیشتر ر. ک: چهل حدیث امام خمینی رحمته، بحث ریا.

بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت بودن نیست؛ بلکه به این معناست که نماز مربوط به حیطة رفتاری انسان است درحالی‌که اصول دین مربوط به حیطة باورها و اعتقادهای انسان است.

چگونه عبادت کنیم و نماز بخوانیم تا از ریا دور باشد؟

ریا عبارت است از اینکه انسان بخواهد با نشان دادن اعمال و کارهای نیک خود به دیگران، در اجتماع اعتبار و منزلت کسب کند. ریا نقطه مقابل اخلاص است.

بعضی از راه‌های درمان ریا عبارت‌اند از:

- توجه به خشم و غضب الهی از عمل ریاکارانه؛

- توجه به بی‌ارزشی پاداش و تشویق مردم در برابر پاداش‌های عظیم الهی؛

- توجه به خلف وعده‌ها، ناسپاسی‌ها و فراموش کاری‌ها و ناتوانی‌های مردم در قدردانی؛

- توجه به قدرت خداوند در تسخیر دل‌ها؛

- توجه به قدرت خداوند در افشای ریاکاری‌ها؛

- توجه به این که ریا، نابودگر اجر و پاداش اخروی اعمال انسان است و عادت دادن خود به این که اعمال و کارهای نیک خود را در پنهانی انجام دهیم.

گفتنی است در بسیاری از موارد واقعاً انجام کاری به صورت آشکار، ریا نیست؛ بلکه انجام وظیفه است؛ برای مثال شرکت در

می‌گویید: "امام صادق علیه السلام فرموده است که منظور از سکر در این آیه "خواب" است. در این صورت معنای آیه این‌گونه می‌شود. در وقت خواب آلودگی به نماز نزدیک نشوید.

در حدیث معراج نیز خواب آلودگی در وقت نماز، امری نامناسب دانسته شده است: "ای محمد، از سه دسته از بندگانم در شگفتم: دسته اول، بنده‌ای که به نماز می‌ایستد و می‌داند دستان خود را به سمت چه کسی بلند کرده و در برابر چه کسی ایستاده، و در عین حال خواب آلوده است."^۲

از سوی دیگر وقتی قرآن کریم درباره نماز منافقان می‌فرماید: "همانا منافقان با خدا مکر و حيله می‌کنند در حالی که خداوند (به کيفر عملشان) با آنان مکر می‌کند و هرگاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند."^۳

۱. داشتن نظم و برنامه در انجام نماز

انسان منظم هر کاری را سر وقت آن و به بهترین وجه ممکن انجام می‌دهد، لذا موقع نماز هم می‌داند در حال حاضر تنها کارش

۱. "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ" (نساء: ۴۳).

۲. في حديث المعراج: "يَا أَحْمَدُ عَجِبْتُ مِنْ ثَلَاثَةِ عِبِيدٍ عَبْدٌ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ وَهُوَ يَعْلَمُ إِلَى مَنْ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَفَدَامَ مَنْ هُوَ وَهُوَ يَنْعَسُ..." (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۲).

۳. "إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا" (نساء: ۱۴۲).

■ انتخاب مکان مناسب

انتخاب مکانی پاکیزه، آرام و به دور از چیزهایی که باعث حواس‌پرتی می‌شود. بهترین مکان، مسجد و در کنار سایر مؤمنان نمازگزار است.

■ انتخاب لباس مناسب

در روایات آمده است نماز خواندن با لباس کثیف و سیاه و تنگ، مکروه است و نماز در لباس تمیز و خوشبو و با عبا مستحب معرفی شده است.^۱

پرهیز از حرکتهای زائد در نماز

برای نمونه در بعضی روایات از بازی کردن با بدن و توجه به اطراف، در نماز نهی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "نماز کسی که در حال نماز، به کسی که سمت راست یا چپ اوست از روی عمد نگاه کند، کامل نیست."^۲

■ پرهیز از نماز در حالت کسالت

خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنکه بدانید چه

۱. ر.ک: رساله‌های عملیه، بخش مستحبات و مکروهات لباس نمازگزار.

۲. رَوَى مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: "مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۹).

خدا و نماز آخر وقت مشمول عفو خداوند می‌شود و عفو جز در مورد گناه صدق نمی‌کند.^۱

گویی کسی که نماز را آخر وقت می‌خواند، سزاوار سرزنش و مجازات است و این نمازی که خوانده است، تنها موجب بخشودگی‌اش می‌شود. چنین نمازی کجا و نمازی که رضوان پروردگار را به دنبال دارد کجا؟

۳. تلاش برای افزایش حضور قلب

انسان باید بکوشد هر چیزی را که ممکن است توجه کامل او را در نماز از بین ببرد، کنار بگذارد و با تمام وجود وارد نماز شود و تمام فکر و ذکرش متوجه عظمت پروردگار و گفتگو با او باشد.

۴. توجه به معانی و اسرار نماز

همه عبادات و از جمله نماز، دارای اسراری است که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است و بعضی از علما نیز در این باره کتاب‌های سودمندی نوشته‌اند؛ برای مثال درباره فلسفه وضو چنین آمده است: به‌درستی که وضو مرزی از مرزهای خداست تا خدا بداند چه کسی یا کسانی او را اطاعت می‌کنند و چه کسانی سربچی می‌کنند...^۲

۱. وَ قَالَ ﷺ: "أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضَاؤُ اللَّهِ وَ آخِرُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَ الْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ" (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۷).

۲. "إِنَّمَا الْوُضُوءُ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ وَ مَنْ يَعْصِيهِ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ

نماز است؛ ولی انسان نامنظم که کارهایش درهم و برهم است، هیچ کاری را با توجه تمام و به‌نحو درست انجام نمی‌دهد در نتیجه موقع نماز هم در فکر کارهای نصفه و نیمه دیگر خود است و همین موضوع باعث می‌شود با تمام وجود در اختیار نماز نباشد و ذهنش دائم از این شاخه به آن شاخه بپرد.

در این صورت معنای سخن نورانی رسول خدا ﷺ بهتر درک می‌شود که فرمود: "هنگامی که انسان مشغول نماز می‌شود، شیطان به سراغ او می‌آید و می‌گوید به یاد فلان مطلب باش به یاد فلان مطلب باش و (به حدی حواس انسان را پرت می‌کند) که شخص نمی‌داند بالأخره چند رکعت نماز خوانده است."^۱

۲. انجام نماز در اول وقت

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: "به یقین فضیلت و برتری نماز اول وقت بر آخر وقت، همانند فضیلت آخرت بر دنیا است."^۲ برای درک معنای این روایت و فهم عظمت و اهمیت نماز اول وقت، کافی است انسان دنیا و آخرت را با هم مقایسه کند و برتری آخرت بر دنیا را بشناسد.

در روایتی دیگر آمده است نماز اول وقت سرشار از خشنودی

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. "إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا" (کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۳۵، ح ۴).

عظیم و خاصیت پاک و پاکیزه‌کنندگی آن می‌شود.

- موقع گرداندن آب در دهان می‌گوید: خدایا روزی که ملاقاتت می‌کنم دلیل محکم را به من تلقین فرما و زبانم را به ذکر تو گویا کن.^۱ در آن لحظه صحنه قیامت پیش روی او مجسم می‌شود.
- موقع استنشاق (بالا کشیدن آب در بینی)، می‌گوید: خدایا بوی بهشت را بر من حرام مکن و از کسانی قرارم ده که بو و نسیم و عطر آن را ببوید.^۲ و به یاد بهشت می‌افتد.
- موقع شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها، صحنه‌هایی دیگر از قیامت برای او جان می‌گیرد...^۳

۵. اهمیت دادن به نماز جماعت

- در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: "... نماز کسی که از روی بی‌میلی، نماز جماعت را ترک کند، و از اجتماع مؤمنان بدون علت کناره‌گیری نماید، پذیرفته نیست."^۴
۶. امام باقر علیه السلام: "نماز جماعت بر نماز فراد بیست و پنج درجه"

۱. "اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْفَاكِ وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ".
 ۲. "اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَسْمُ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِبَّهَا".
 ۳. برای دیدن دعاهاى وارد شده برای هنگام وضو گرفتن ر.ک به مفاتیح الجنان.
 ۴. "حَمَادٌ عَنْ حَرِيرٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْقُضَيْلِ قَالَ قُلْنَا لَهُ الصَّلَاةُ فِي جَمَاعَةٍ قَرِيضَةٌ هِيَ فَقَالَ: "الصَّلَاةُ قَرِيضَةٌ وَ لَيْسَ الْإِجْتِمَاعُ مَمْرُوضٌ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ وَ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ" (كلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۳۲۱).

فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که امام فرمود: "وضو واجب قرار داده شده است تا شخصی که اطاعت می‌کند از کسی که نافرمانی می‌کند شناخته گردد و همچنین انسان هنگام رویارویی با خداوند منان از تمام آلودگی‌ها و نجاست‌ها پاک گردد و با حالت کسالت و چرت به دیدار دوست نرود و قلب انسان قبل از رکوع و سجده در برابر خداوند تزکیه گردد؛ ولی در نماز میت نیازی به وضو نیست؛ زیرا در آن، رکوع و سجده وجود ندارد و فقط دعای برای میت و ذکر خداست."^۱

توجه به دعاهاي وارد شده هنگام وضو می‌تواند فرد را به فلسفه کارهایی که در هنگام وضو انجام می‌دهد رهنمون کند برای نمونه:

- انسان موقع دیدن آب، می‌گوید: ستایش خدای را که آب را پاک‌کننده قرار داد، و آن را ناپاک نگردانید.^۲ و متوجه این نعمت

....→

لَا يُنَجِّسُهُ شَيْءٌ، إِنَّمَا يَكْفِيهِ مِثْلُ الدُّهْنِ" (كلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۷۰، ح ۱۴).
 ۱. "عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: "إِنَّمَا أَمَرَ بِالْوُضُوءِ وَ بَدِئُ بِهِ لِأَنَّ يَكُونَ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُتَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ تَقِيًّا مِنَ الْأَدْنَسِ وَ النَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النَّعَاسِ وَ تَزْكِيَةِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ قَالَ وَ إِنَّمَا جَوَزْنَا الصَّلَاةَ عَلَى الْمَمِيَّتِ بِغَيْرِ وُضُوءٍ لِأَنَّهُ لَيْسَ فِيهَا رُكُوعٌ وَ لَا سُجُودٌ وَ إِنَّمَا يَجِبُ الْوُضُوءُ فِي الصَّلَاةِ الَّتِي فِيهَا رُكُوعٌ وَ سُجُودٌ" (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۶۷).
 ۲. "الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا".

- امام صادق علیه السلام فرمود: "کسی که نماز صبح و عشا را با جماعت بخواند، در پناه خدای عزّ و جلّ قرار می‌گیرد و هر که به او ظلم کند، گویی به خدا ظلم کرده و هر که او را تحقیر نماید، گویی خدا را تحقیر نموده است."^۱

- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "هر کس نماز مغرب و عشا و صبح را در مسجد با جماعت بخواند، گویا تمام شب را احیا کرده است."^۲

۳. در نماز جماعت، نزدیک به امام ایستادن، در صف اول ایستادن و در سمت راست صف‌ها ایستادن، مورد سفارش اهل بیت علیهم السلام بوده است.

- امام باقر (ع) فرمود: "با فضیلت‌ترین صف‌های جماعت صف اول و در صف اول نیز بهترین جای آن جایی است که به امام جماعت نزدیک‌تر باشد."^۳

- امام کاظم علیه السلام فرمود: "نماز در صف اول نماز جماعت، مانند جهاد در راه خداوند متعال است."^۴

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: "مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهَ وَ مَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا يُحَقِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ" (همان، ج ۸، ص ۲۹۵).

۲. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: "فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ صَلَّى الْغَدَاةَ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحَبَّ النَّبِيَّ كُنَّهُ" (همان، ج ۵، ص ۳۷۸).

۳. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: "وَ أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أَوْلَاهَا وَ أَفْضَلُ أَوْلَاهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۲).

۴. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام: "إِنَّ الصَّلَاةَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

بهبستی فضیلت و برتری دارد."^۱

۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "کسی که به قصد شرکت در نماز جماعت به سوی مسجد گام بر می‌دارد، خداوند متعال در مقابل هر گامی که بر می‌دارد، هفتاد هزار حسنه به او پاداش می‌دهد و به همین میزان نیز درجات وی بالا خواهد رفت و اگر در چنین حالی بمیرد، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را مأمور می‌کند تا در قبر به دیدار او رفته، وی را بشارت دهند و در تنهایی قبر انیس او باشند و تا روز قیامت برایش طلب آمرزش کنند."^۲

چند نکته درباره نماز جماعت

۱. همسایه مسجد و کسی که صدای اذان را می‌شنود، باید نسبت به نماز جماعت عنایت بیشتری داشته باشد.
۲. اهتمام به جماعت، در نماز صبح و مغرب و عشا بیشتر مورد توصیه است؛ مستحب مؤکد است.

۱. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ: "...وَ فَضَّلُ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ قَدًّا (فردا) حَمْسٌ وَ عِشْرُونَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۱ پ).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: "وَ مَنْ مَسَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ عَلَى ذَلِكَ وَ كَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَعُودُونَ فِي قَبْرِهِ وَ يُبَشِّرُونَهُ وَ يُؤْنَسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲).

■ برای رسیدن به نمازی مطلوب، آیا چیزهای دیگری غیر از خود نماز هم هست که باید به آنها توجه کنیم؟

در این زمینه سخنی نورانی از حضرت امام علی علیه السلام در دست هست که خطاب به کمیل می‌فرماید: "ای کمیل! شأن و فضیلت فقط این نیست که نماز بخوانی، روزه بگیری، صدقه بدهی؛ بلکه شأن و فضیلت این است که با قلبی پاک و عملی مورد رضای او و با خشوع کامل به نماز بایستی. بنگر در کجا و روی چه چیز نماز می‌خوانی اگر از راه شایسته و حلال نباشد قبول نخواهد شد."^۱

از این جملات می‌توان فهمید که نماز جسمی دارد و روحی، پوسته‌ای دارد و مغزی و اگر روح نباشد، جسم، مرده و بی‌ارزش است و نباید به پوسته بدون مغز، دل خوش کرد. همان‌طور که امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: "اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَ لُبّاً رَاجِحاً..."^۲؛ بارالها مرا عقل کامل و خردی ممتاز نصیب گردان...

■ چرا باید قبل از نماز وضو بگیریم؟ آیا اگر پیش از نماز حمام برویم کافی نیست؟

وضو، تیمم و غسل ممکن است ظاهر انسان را هم پاکیزه کند؛

۱. "یا کمیل! لیس الشَّانُ أَنْ تَصَلَّى وَ تَصُومَ وَ تَتَصَدَّقَ، الشَّانُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةَ بِقَلْبٍ نَقَى وَ عَمَلَ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيَّ وَ خُشُوعَ سَوِيٍّ وَ انْظُرْ فِيمَا تُصَلِّي وَ عَلَى مَا تُصَلِّي أَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِ وَ حَلَّةٍ فَلَا قَبُولَ" (حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۴).

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۱۷.

– پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: "کسی که بر صف اول و تکبیر اول مداومت نماید و مسلمانی را اذیت نکند، خداوند به او اجری معادل اجری که مؤذن در دنیا و آخرت دریافت می‌کند، عطا خواهد کرد."^۱

– پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: "فضیلت صف‌های جماعت سمت راست بر سمت چپ همانند فضیلت نماز جماعت است بر نماز فرادی."^۲

۴. در نماز جماعت بهتر است کسانی در صف اول و نزدیک امام بایستند که شایستگی امام جماعت شدن را دارند.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: "کسانی که پشت سر امام قرار می‌گیرند از بزرگان شما باشند، پس اگر امام فراموش کرد و یا از ادامه نماز دور ماند او را کمک کنند."^۳

→

عَزَّ وَ جَلَّ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۰۵).

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: "وَمَنْ حَافَظَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَ التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى لَا يُؤْذِي مُسْلِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الْمُؤَدِّثُونَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۷).

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله: "فَضَّلُ مَيَّامِنِ الصُّفُوفِ عَلَى مَبَايِرِهَا كَفَضْلِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الْفَرْدِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۳).

۳. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: "لَيَكُنَّ الَّذِينَ يَلُونُ الْإِمَامَ أُولِي الْأَحْلَامِ مِنْكُمْ وَ النَّهْيُ فَإِنَّ نَبِيَّ الْإِمَامِ أَوْ تَعَايَا قَوْمُوهُ" (همان، ج ۶، ص ۳۷۲).

افزون بر این آگاهی از دعاهای وارد شده هنگام وضو هم می‌تواند ما را به فلسفه اجزای وضو رهنمون کند:

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام انسان موقع دیدن آب، متوجه این نعمت عظیم و پاک‌کنندگی آن می‌شود و به این فکر فرو می‌رود که اگر واقعا خداوند آب را پاک‌کننده قرار نمی‌داد، زندگی انسان فلج می‌گردید.

موقع شستن دست‌ها روحش را از تمام گناهان می‌شوید و درخواست توبه و پاکی از خداوند می‌کند.

موقع گرداندن آب در دهان صحنه قیامت را تصور می‌کند و از خداوند درخواست می‌کند که در آن روز زبانش را به یاد خود گویا کند.

موقع استنشاق آب، به یاد بهشت و جهنم می‌افتد و از خداوند می‌خواهد. مبادا بوی بهشت بر او حرام گردد [که لازمه آن دوری نمودن از تمام بوهای حرام در دنیا است؛ هر بویی که شهوت انسان را تحریک می‌نماید].

موقع شستن صورت از خداوند می‌خواهد او را از تمام گناهانی که با چشم و دهان انجام داده است پاک نماید و او را آبرو ببخشد و مقرب درگاه خودش قرار دهد.

با شستن دست راست نشان می‌دهد خداوند را به خاطر بهشت عبادت نمی‌کند و جاودانگی در بهشت و حساب آسان را از خداوند طلب می‌کند.

ولی باید توجه داشت هدف از انجام آنها پاکیزگی ظاهر نیست؛ زیرا انسانی که تازه از حمام بیرون آمده نیز باید برای نماز وضو بگیرد یا اگر نیاز به غسل دارد باید غسل کند و شستن بدن بدون نیت غسل و بدون قصد قربت کافی نیست.

در حقیقت باید برای رسیدن به پاکیزگی باطنی از نمادهای ظاهری استفاده کرد. لذا با این اعمال عبادی ظاهر بدن شستشو داده می‌شود تا طهارت باطن ایجاد گردد. در روایتی درباره فلسفه وضو آمده است: وضو واجب شد تا آنکه شخصی که اطاعت می‌کند از کسی که نافرمانی می‌کند، شناخته گردد. همچنین انسان هنگام رویارویی با خداوند منان از تمام آلودگی‌ها و رذایل اخلاقی پاک گردد و با حالت کسالت و چرت به دیدار دوست نرود و قلب انسان قبل از رکوع و سجده در برابر خداوند تزکیه گردد؛ ولی در نماز میت که رکوع و سجده وجود ندارد و فقط دعای برای میت و ذکر خداست نیازی به وضو نمی‌باشد.^۱

۱. إِمَّا الْوُضُوءَ حَدَّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ يَطِيعُهُ وَ مَنْ يَعْصِيهِ. عَنِ الْمُضَلِّ بْنِ شَادَانَ عَنِ الرَّضَا علیه السلام: "قَالَ إِمَّا أَمْرٌ بِالْوُضُوءِ وَ بُدِيَ بِهِ لِأَنَّ يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيًّا مِنَ الْأَدْنَائِسِ وَ النَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكُتْلِ وَ طَرْدِ النُّعَاسِ وَ تَزْكِيَةِ الْقُلُودِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ قَالَ وَ إِمَّا جَوْرَنَا الصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ بَعْدَ وَضُوءٍ لِأَنَّهُ لَيْسَ فِيهَا رُكُوعٌ وَ لَا سُجُودٌ وَ إِمَّا يَجِبُ الْوُضُوءُ فِي الصَّلَاةِ الَّتِي فِيهَا رُكُوعٌ وَ سُجُودٌ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶۷).

و سرانجام پس از پایان یافتن وضو، رضوان کامل الهی را از خداوند طلب می‌کند و با قلبی پاک وارد حریم الهی می‌گردد.^۱

■ چرا بعد از جنابت، غسل واجب می‌گردد؟ ارتباط آن با نماز چیست؟
در ابتدا باید بیان نمود علت حقیقی بسیاری از واجب‌ها و حرام‌ها بر ما پوشیده است و خداوند عمداً آن را بیان ننموده است تا مطیع از عاصی شناخته شود؛ چرا که اگر علت واقعی بسیاری از احکام گفته می‌شد، چه بسا برخی مردم با این نیت اینکه آن عمل دستور خداوند است، بدان عمل نمی‌کردند بلکه انگیزه عمل آنها بهره‌مندی از منافع یا دفع ضررهای مادی و معنوی بود و این برای خداوند مهم است که شخص آنقدر در خداشناسی رشد کرده باشد که بدون چون و چرا دستور او را بپذیرد؛ همان‌گونه که پزشک از بیمار خود چنین می‌خواهد.

در مورد وجوب غسل هنگام جنابت نیز حقیقت مطلب همین است؛ با این تفاوت که در بعضی روایات به گوشه‌ای از اسرار آن اشاره گردیده است. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که حضرت

تَعَالَى مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ مَلَكًا يُقَدِّسُهُ وَيُسَبِّحُهُ وَيُكَبِّرُهُ فَيَكْتُبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَوَابَ ذَلِكَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۱).
۱. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "يَا عَلِيُّ! إِذَا تَوَضَّأْتَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ وَ تَمَامَ رِضْوَانِكَ وَ تَمَامَ مَغْفِرَتِكَ فَهَذَا تَمَامُ الْوُضُوءِ وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ وَ تَمَامَ مَغْفِرَتِكَ وَ تَمَامَ رِضْوَانِكَ فَهَذَا زَكَاةُ الْوُضُوءِ" (شعیری، جامع الأخبار، ص ۶۵).

با شستن دست چپ دست از تمام تمایلات و خواهش‌های نفسانی می‌شوید و درخواست می‌کند که مبادا نامه عملش به این دست داده شود.

با مسح سر از خداوند می‌خواهد تمام افکار شیطانی که در مغز او تاکنون بوده شستشو داده شود و از خداوند می‌خواهد از فرق سر او تا نوک پا او را غرق رحمت نماید.

با مسح پاها صحنه‌های دیگر قیامت را ترسیم می‌کند و از خداوند می‌خواهد او را در دنیا و آخرت در صراط مستقیم ثابت قدم نگه دارد.^۱

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام بَيْنَمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ - إِذْ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ - ائْتِنِي بِإِتَاءٍ مِنْ مَاءٍ اتَّوَضَّأَ لِلصَّلَاةِ فَأَتَاهُ مُحَمَّدٌ بِالْمَاءِ فَأَكْفَأَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا - قَالَ ثُمَّ اسْتَنْجَى فَقَالَ - اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ أَعِمْهُ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ حَرِّمْ عَلَيَّ النَّارَ قَالَ ثُمَّ تَمَضَّمْ فَقَالَ - اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ ثُمَّ اسْتَنْشَقَ فَقَالَ - اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَسْمُ رِيحَهَا وَ رُوحَهَا وَ طِيبَهَا - قَالَ ثُمَّ غَسَلَ وَ جَهَّهُ فَقَالَ - اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَ جْهِ يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَ جْهِ يَوْمَ تَبْيَضُ فِيهِ الْوُجُوهُ ثُمَّ غَسَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى فَقَالَ - اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَّةِ بِسَارِي وَ حَاسِنِي حَسَابًا يَسِيرًا ثُمَّ غَسَلَ يَدَهُ الْيُسْرَى فَقَالَ - اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِسَارِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّي مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّارِ ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ عَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ ثُمَّ مَسَحَ رِجْلَيْهِ فَقَالَ - اللَّهُمَّ بَثِّنِي عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَرْتَلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَظَنَرَ إِلَى مُحَمَّدٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ تَوَضَّأَ مِثْلَ وَضوئِي وَ قَالَ مِثْلَ قَوْلِي خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ

است و کار حلال هم مایه آلودگی نیست. جنابت، همانند حیض است؛ چرا که نطفه، خونی است استحکام نیافته و آمیزش هم امکان‌پذیر نیست، مگر به حرکتی سخت و شهوتی چیره. پس چون به پایان رساند، بدن، نفس می‌کشد و مرد از نفس آن، در خود بویی بد احساس می‌کند. غسل برای همین واجب شده است و البته غسل جنابت، افزون بر این، امانتی است که خداوند به بندگان خویش سپرده است تا از این رهگذر، آنان را بیازماید.^۱

البته این مسئله که جنابت همه بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد در آزمایشات علمی نیز به اثبات رسیده است؛ لذا برخی از پزشکان در مورد فواید بهداشتی طهارت به‌ویژه بعد از مقاربت به موارد زیر اشاره نموده‌اند:

- الف) نشاط بخشیدن به بدن و ورزشی شدن آن از طریق تحریک پایانه‌های عصبی موجود در پوست.
- ب) کاهش حبس شدن و جمع شدن خون در پوست و دستگاہ تناسلی و دفع خون‌های جمع‌شده در این قسمت‌ها به سایر قسمت‌های بدن به‌ویژه قلب و مغز.
- ج) غسل، فعالیتی عضلانی است که موجب نشاط قلب و حسن جریان خون در بدن و ورزش عضلات ارادی بدن است.

۱. طب‌رسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۲۳۳.

فرمودند: "هنگام غسل با انگشتان موه‌ای سرت را باز کن تا آب به ریشه مو برسد؛ زیرا از پیامبر روایت شده است که در زیر هر مویی جنابتی وجود دارد."^۱

این روایت حاکی از آن است که در حال جنابت تمام بدن انسان دچار آلودگی باطنی جنابت می‌گردد؛ لذا بعد از آن دستور به غسل (شستن) تمام بدن داده شده است. همچنین امام رضا علیه السلام در این باره فرمودند: "علت غسل جنابت، پاکیزگی است تا انسان را از آلودگی‌ای که از آن کار دیده است، تطهیر کند و همه تن او پاک گردد؛ زیرا جنابت، از همه بدن شخص برخاسته و از همین رو، تطهیر همه بدن بر او واجب شده است؛ ولی در مورد ادرار و مدفوع این گونه نیست؛ زیرا آنها بیش از جنابت اتفاق می‌افتد و بیرون آمدن آنها بدون شهوت است و خداوند، درباره آنها وضو را کافی دانسته است، در حالی که جنابت بیشتر از لذت‌جویی و لذتیابی و واداشتن خود به این کار برای انسان رخ می‌دهد."^۲ امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ زندقی که پرسید: علت غسل جنابت چیست؟ فرمودند: "همانا آمیزش کننده، کاری حلال انجام داده

۱. و مَيَّرَ شَعْرَكَ بِأَمَانِكَ عِنْدَ غُسْلِ الْجَنَابَةِ فَإِنَّهُ نَزَوِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَّ تَحْتَ كُلِّ شَعْرَةٍ جَنَابَةٌ فَبَلِّغِ الْمَاءَ تَحْتَهَا فِي أَصُولِ الشَّعْرِ كُلِّهَا وَ خَلِّ أَدْنَبِكَ بِإِصْبَعِكَ وَ انظُرْ أَنْ لَا تَبْقِيَ شَعْرَةً مِنْ رَأْسِكَ وَ لِحْيَتِكَ إِلَّا وَ تَدْخُلُ تَحْتَهَا الْمَاءُ" (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۸۳).

۲. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۷۱.

واجب نمی‌باشد تا بگوییم خداوند فقط برای درک این آثار بهداشتی آن را واجب نموده است. برخی از این آثار بهداشتی که از شستشوی بدن حاصل می‌شود، با شستشوی ساده بدن (بدون نیت و شرایط دیگر غسل همانند رعایت ترتیب و...) نیز حاصل می‌شود. پس معلوم می‌شود که این آثار هدف اصلی شارع مقدس اسلام نبوده است؛ بلکه هدف تحصیل طهارت باطنی قبل از نماز و... می‌باشد که با شرایط خاص به دست می‌آید.

■ به فرموده قرآن، هر طرف رو کنیم خدا آنجاست؛ پس چرا حتما باید رو به قبله نماز بخوانیم؟

اولین نکته‌ای که در پاسخ این پرسش باید به آن توجه داشت، این است که لازم نیست انسان همه نمازها را به سمت قبله بخواند و فقط در نمازهای واجب، رو به قبله بودن لازم است وگرنه نمازهای مستحبی را به هر سمتی می‌توان خواند.

از اینکه خدا همه جا هست و به هر طرف که رو کنی سوی اوست، نمی‌توان نتیجه گرفت که پس به هر طرف می‌توان نماز خواند. در همه جا بودن خداوند یک چیز است و جهت نماز چیز دیگر. هرچند خدا همه زبان‌ها را می‌داند؛ ولی باید نماز را به زبان عربی خواند و یا اینکه خدا موجودی زمانی نیست؛ ولی نماز باید در زمان خاص خودش خوانده شود.

د) غسل، سلامتی پوست را تأمین می‌کند تا بهتر به وظایف گوناگون خود که از مهم‌ترین آنها، انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی بدن است، عمل کند. (ه) زدودن سلول‌های مرده، مواد چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها از پوست.^۱ اما علت غسل هنگام نماز:

الف) انسان هنگام نماز قرار است به دیدار خالق یکتا و آفریننده پاکی برود و از او طهارت روح را طلب کند، حال چگونه می‌تواند با جسمی آلوده به زیارت دوست برود و با چه رویی از خداوند درخواست طهارت و رشد روح خود را بنماید.

ب) باید بدانیم که احکام الهی تابع ضرر و نفع نیست؛ بلکه بر اساس مصلحت و مفسده‌ای است که خداوند حکیم آن را تشخیص می‌دهد. لذا اگر غسل هیچ اثر بهداشتی هم نداشته باشد، باز وجود مصلحت الهی در آن برای وجوب آن هنگام نماز کافی است و خداوند این گونه پاکی را قبل از نماز به مصلحت دیده است.

ج) غسل جنابت برای انجام عباداتی همچون نماز و طواف و خواندن سوره‌های واجب قرآن واجب است و به‌خودی خود

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن کریم، ج ۲، ص ۳۵۷ - ۳۶۱.

قبله. از فواید چنین دستورانی ایجاد نوعی یگانگی و وحدت در بین پیروان آن دین است. شما مسجدی را تصور کنید که هر کس به آن وارد می‌شود به یک طرف دلخواه نماز بخواند حالا آن را مقایسه کنید با وضع فعلی که همه رو به یک‌سو نماز می‌خوانند کدام زیباتر است و کدام در تقویت وحدت و همدلی بین آنها مؤثرتر است؟

نمایش شکوه و عظمت مسلمانان

شکوه و عظمت مسلمانان زمانی آشکار می‌گردد که همه آنها متحد و یک‌شکل به یک سمت به انجام عملی همانند نماز مشغول گردند؛ شاید تصاویر باشکوه و غرورانگیز نماز مسلمانان در کنار مسجدالحرام یا سایر اماکن اسلامی را دیده باشید که این خود نماد عظمت امت اسلام است و مایه احساس ناتوانی در دشمنان.

ایجاد حضور قلب

امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه می‌نویسد: قبله به معنای اقبال کردن (روی آوردن) به چیزی است؛ به طوری که روی آوردن به آن چیز، همراه با کندن و جدا شدن از چیزهای دیگر باشد.^۱ در واقع رو به قبله ایستادن به این معناست که خدای من، از هر چیز دیگری غیر از تو روی برگرداندم و با تمام وجود به تو روی آوردم. لذا همین

۱. عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۱۷۲ و ۱۷۳، به نقل از: آداب الصلاة؛ برای مطالعه بیشتر ر. ک: خمینی، روح الله، آداب الصلاة، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

در واقع حق تعالی به علت‌ها و حکمت‌های گوناگون، دستور داده است که به طرف قبله واحد، به زبان واحد و با شرایط مشترک دیگری نماز گزارده شود و این دستور، علاوه بر پیشرفت و پیشبرد علم و دانش بشری، مایه وحدت و هماهنگی بین مسلمانان نیز هست و تأثیرها و آموزش‌های فرهنگی دیگری نیز به دنبال دارد. از طرف دیگر، در هر يك از این دستورها، اسرار عرفانی شگرفی نهفته است که در جای خود بازگو شده است.

از سوی دیگر، همان خدایی که فرموده است به هر طرف رو کنید آنجا وجه خداست: "فَأَيُّهَا تَوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ"؛^۱ و اینکه او از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است: "و نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْكُمْ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ"؛^۲ همان خدا دستور داده است که به هنگام نماز، به طرف مسجدالحرام نماز بخوانید.^۳

اکنون در ادامه بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام و نیز درک عقلی خود، به بعضی از حکمت‌ها و فایده‌های وجوب خواندن نماز به سوی قبله اشاره می‌کنیم:

اتحاد مسلمانان

در هر دین و شریعتی از جمله اسلام دستوراتی مشترک و یکسانی برای همه وجود دارد؛ از جمله واجب بودن انجام نماز به سمت

۱. بقره: ۱۱۵.

۲. ق: ۱۶.

شریف را قبله پرستش خویش قرار داد. اکنون به حکمت این دستور اشاره‌ای می‌کنیم:

یادآوری توحید

کعبه اولین خانه توحید است که برای اولین بار به دست حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام برای هدایت انسان‌ها بنا شد و انسان با روی آوردن به سمت آن در نماز، با یاد آوردن اولین خانه توحید، بر ایمان خود به خداوند یگانه می‌افزاید.

مرکزیت کعبه

از دیگر اسرار توجه به کعبه، جنبه سیاسی - اجتماعی آن است. جابر بن حیان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا اهمیت مرکز بودن کعبه برای نماز، بیشتر است یا برای حج؟ آن حضرت فرمود: "مرکزیت آن برای نماز؛ زیرا بسیاری از مسلمانان نمی‌توانند در تمام عمر حتی يك بار به مکه بروند، ولی هر مسلمان در هر نقطه از جهان، روزی پنج بار به سوی کعبه نماز می‌خواند."^۱

می‌توان گفت در هر شبانه‌روز نگاه تمام مسلمانان جهان، پنج بار، در کعبه به هم می‌رسد؛ گویی تمام مسلمانان جهان، در هر شبانه‌روزی پنج مرتبه در چشمان یکدیگر می‌نگرند و سخن آنان در آنجا به هم می‌رسد و تکبیر مسلمان در شرق و غرب دنیا، در کعبه

۱. قرآنتی، تفسیر نماز، ص ۵۰.

رو به قبله ایستادن می‌تواند سبب شود قلب ما هم توجه به چیزهای دیگر را رها کند و تمام توجهش را صرف ارتباط و گفت‌وگو با خدا کند.

امام صادق علیه السلام فلسفه قبله را این‌گونه بیان می‌دارد:

"به هنگامی که برای نماز به جانب قبله ایستادی از دنیا و آنچه در آن است مأیوس شو، و نسبت به خلق و آنچه در آن است در کمال نومیدی باش."^۱

■ پیشرفت علمی مسلمانان

یکی از برکات دستور قرآن به نماز خواندن رو به قبله این بود که موجب گسترش و پیشرفت دانش‌های جغرافیا، هیئت، هندسه و ریاضی و اختراع قبله‌نما در بین مسلمان گردید؛ زیرا برای قبله‌یابی و تشخیص جهت آن، نیازمند این علوم بودند.

■ چرا خداوند کعبه را قبله مسلمانان قرار داد؟

قبله شدن کعبه، دستوری الهی است که در قرآن کریم بیان گردیده است؛ "... فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ..."^۲. بنابراین خداوند بر اساس حکمت خود، کعبه

۱. قال الصادق علیه السلام: "إذا استقبلت القبلة فأيس من الدنيا و ما فيها و الخلق و ما هم فيه و فرغ قلبك عن كل شاغل يشغلك عن الله تعالى و عاين بترك عظمة الله عز و جل و اذكر و قوفك بين يديه" (مصباح الشريعة، ص ۸۷).

۲. بقره: ۱۴۹.

يَتِيْتُ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي يَبْتَغَى مَبَارَكًا^۱.

در پاسخ، به چند عامل می‌توان اشاره کرد.

تقویت روحیه اطاعت و فرمانبری در اهل حجاز

اعراب حجاز، مخصوصاً اهل مکه، علاقه زیادی به سرزمین خود داشتند؛ لذا در آغاز کار لازم بود بر خلاف تمایل نفسانی و تعصب‌های محلی، کعبه را برای مدتی رها کنند و به طرف بیت‌المقدس نماز بگذارند تا تعصب‌ها در آنها کشته شود و روح اطاعت و فرمانبرداری در آنها تحکیم گردد.

جلوگیری از قضاوت‌های نادرست نسبت به اسلام

کعبه در اول مرکز قدرتمند بت‌پرستی بوده است. اگر این محل در اوج قدرت بت‌ها، قبله قرار می‌گرفت، ممکن بود سبب شود کسانی که از دور خبر اسلام را می‌شنوند، گمان کنند این دین هم به نوعی بت‌پرستی دعوت می‌کند؛ اما بعد از گذشت حدود پانزده سال از دعوت اسلامی و تأکید آن بر توحید دیگر جایی برای این توهم و شبهه باقی نمی‌ماند.

ایجاد تمایز بین مسلمانان و مشرکان

از آنجا که مشرکان در برابر بت‌هایی که در مسجدالحرام و در

شنیده می‌شود. این مرکزیت در هیچ يك از ادیان گذشته وجود نداشته است و در آینده هم به‌وجود نخواهد آمد.

علاوه بر موارد بالا، به موارد دیگری نیز می‌توان اشاره کرد از جمله:

ایستادن رو به قبله، یادآور خاطره‌ها و ارزش‌های بسیاری است: مکه قربانگاه اسماعیل علیه السلام، زادگاه علی بن ابی طالب علیه السلام، شکنجه‌گاه بلال، پایگاه قیام حضرت مهدی علیه السلام، محل آزمایش ابراهیم علیه السلام و عبادتگاه تمامی پیامبران و اولیاست و چه زیباست که نمازگزار آنگاه که رو به قبله می‌ایستد، پیش از شروع نماز، مروری بر این ارزش‌ها داشته باشد.^۱

■ با اینکه شرافت کعبه بیشتر از بیت‌المقدس است، چرا خداوند از

ابتدا قبله را کعبه قرار نداد؟

در مورد برتری کعبه بر بیت‌المقدس هیچ اختلافی بین مسلمانان نیست و روایات فراوانی در کتاب‌های شیعه و سنی بر برتری دلالت دارد و همراهی نمودن اولیه اسلام با ادیان بزرگ موجود چون یهودیت و پس از آن جدا شدن مسیر اسلام از آنان از دلایل مورد توجه می‌باشد و الا کعبه اولین محل عبادت و بندگی انسان‌هاست که تردیدی در تقدم آن وجود ندارد، چه از جهت قدمت بنا و چه از جهت سابقه عبادت و قرآن به این موضوع اشاره دارد که: "إِنَّ أَوَّلَ

این [تغییر قبله] جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود.

نشان دادن ضعف استدلال یهود

یهود برای خویش نقش محوری در ادیان قائل بود؛ به گونه‌ای که حتی مسیحیت را انشعابی از خود می‌دانست و با آن مبارزه می‌کرد. به همین دلیل با پیامبر ﷺ نیز بحث می‌کردند. دین یهود را برتر از اسلام می‌دانستند و اسلام را به دینی مستقل نمی‌شناختند. بهترین دلیل برای آنان، اتحاد قبله مسلمانان با آنها بود. خداوند برای اینکه این برتری جویی آنها را سرکوب نماید، این بهانه را از آنها گرفت.

برتری بخشیدن به پیامبر ﷺ و مسلمانان

همان گونه که از آیات قرآن پیداست، یکی بودن قبله بهانه‌ای بود برای اذیت کردن مسلمانان؛ زیرا قرآن پیشگویی کرده می‌فرماید: "سيقول السفهاء من الناس ما و لاهم عن قبلتهم التي كانوا عليها..."^۱؛ به زودی مردم بی‌خردی خواهند گفت: چه چیزی آنها [مسلمانان] را از [بیت المقدس] قبله‌ای که بر آن بودند برگردانید؟ لذا در ادامه آیات می‌فرماید: "فلنولينك قبلة ترضيها"^۲؛ اکنون تو را به سوی قبله‌ای

۱. بقره: ۱۴۲.
۲. همان.

خانه کعبه بودند خضوع و قربانی می‌کردند؛ شاید در ابتدای کار لازم بود برای جداسازی هویت مسلمانان از آنان سمت و سوی اعمال عبادی آنها متفاوت باشد تا مؤمن از کافر باز شناخته گردد و پس از آنکه تعداد مسلمانان در مدینه افزون بر مشرکان مکه گردید، دیگر نیازی به این تمایزگذاری نبوده است؛ لذا خداوند در ابتدا بیت المقدس و پس از افزایش جمعیت مسلمانان، کعبه را قبله قرار داد.

■ چرا خداوند در ابتدا قبله را به سمت بیت المقدس قرار داده و پس از مدتی به سمت کعبه معظمه تغییر داد؟
درباره علت تغییر قبله به چند علت می‌توان اشاره کرد:

امتحان الهی

قرآن کریم دلیل تغییر قبله را بازشناسایی پیروان حقیقی پیامبر ﷺ از کسانی که از اطاعت او سر باز می‌زنند و به تعبیر دیگر مشخص کردن میزان اطاعت‌پذیری مسلمانان از پیامبر اکرم ﷺ، معرفی می‌کند. در آیه ۴۳ سوره مبارک بقره به این مطلب اشاره شده است؛ آنجا که می‌فرماید: "...و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه و إن كانت تكبيرة إلا على الذين هدى الله؛ و ما آن قبله‌ای را که پیش از این بر آن بودی برنگردانیم، مگر برای آنکه افرادی را که از پیامبر پیروی می‌کنند از آنها که به جاهلیت باز می‌گردند، بازشناسیم. و همانا

است که تمام برنامه‌های دیگر این امت، این ویژگی را داراست.

اسرار قبله از نظر علمی

"هارولد بور" از دانشگاه "ییل" (یکی از دانشگاه‌های معتبر آمریکا) برای اولین بار با انجام یک آزمایش ساده، به وجود میدان مغناطیسی در اطراف موجود زنده پی برد. همان گونه که می‌دانید، در بدن ما میلیون‌ها عصب وجود دارد که کار انتقال پیام در بدن ما به وسیله تحریک الکتریکی این عصب‌ها صورت می‌گیرد. در اثر ایجاد بار الکتریکی در اطراف آنها در بدن ما یک میدان تشکیل می‌شود و میدان بدن ما در اثر فعالیت هم‌زمان میلیون‌ها عصب به وجود می‌آید.

امواج مغزی

دستگاه موج‌نگار مغز چهار نوع منحنی از امواج مغزی را ارائه می‌دهد که عبارتند از: آلفا، بتا، دلتا و تتا. ریتم‌های دلتا، کندترین امواج مغزی با تناوب از ۱ تا ۳ دور در ثانیه بوده و اغلب در خواب عمیق ظاهر می‌شود. به نظر می‌رسد که ریتم‌های تتا که دارای تناوب ۴ تا ۷ دور در ثانیه می‌باشند به خلق و خوی هر فرد بستگی داشته باشد. ریتم‌های آلفا از ۸ تا ۱۲ دور در ثانیه، در اوقات تفکر، تأمل آزاد رخ داده و در صورت تمرکز حواس و توجه، قطع می‌شوند و بالأخره ریتم‌های بتا با تناوب ۱۳ الی ۲۲ دور در ثانیه، ظاهراً منحصر به نواحی جلویی مغز، یعنی جایی که فعالیت‌های پیچیده

می‌گردانیم که از آن خشنود باشی، که نشانگر این است که خود رسول خدا ﷺ نیز از این موضوع ناراحت بوده است و با این تغییر، خشنودی پیامبر ﷺ به دست آمده است.

اعلام اعتدال اسلام در همه امور

خداوند در قرآن می‌فرماید: "ما شما را امت معتدل و میانه‌رو قرار دادیم."^۱ شاید در مورد قبله نیز این گونه بوده است که مسیحیان تقریباً به سمت مشرق می‌ایستادند به دلیل اینکه بیشتر ملل مسیحی در کشورهای عربی زندگی می‌کردند و برای ایستادن به سوی محل تولد حضرت عیسی عليه السلام که در بیت المقدس بود ناچار بودند به سمت مشرق، بایستند و به این ترتیب جهت مشرق قبله آنان محسوب می‌شد؛ ولی یهود که بیشتر در شامات و بابل و مانند آن به سر می‌بردند روبه سوی بیت المقدس که برای آنان تقریباً در سمت غرب بود می‌ایستادند و به این ترتیب نقطه غرب قبله آنان بود؛ اما "کعبه" که نسبت به مسلمانان آن روز [مسلمانان مدینه] در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت، يك خط میانه محسوب می‌شد.

به هر حال گویا قرآن می‌خواهد رابطه‌ای میان همه برنامه‌های اسلامی ذکر کند و آن اینکه نه تنها قبله مسلمانان، قبله‌ای میانه

۱. بقره: ۱۴۳.

که باعث می‌شوند در میدان مغناطیسی بدن، اختلال ایجاد شود. مهم‌ترین آنها بارهای الکتریکی هستند که هنگام شارژ بار در عصب، در اطراف آن به‌وجود می‌آیند و به صورت الکتریسیته ساکن در بافت‌های بدن ذخیره می‌شود و میدانی که در اطراف این بارها به وجود می‌آید، در میدان مغناطیسی بدن آشفتگی ایجاد می‌کند. این بارها به‌خصوص در تقاطعی که تراکم اعصاب بیشتر است ذخیره می‌شوند و به دلیل اینکه هم تراکم زیادی دارند و هم در نزدیکی عصب‌های بیشتر و مهم‌تری قرار دارند، به شدت برای بدن زیان‌آور است.

از جمله این نقاط، سر و دست‌ها و قسمت مچ پا به پایین است و در بین این سه قسمت، سر، اهمیت ویژه‌ای دارد.

شاید بیشتر افراد بر این باور باشند که ما روزانه تنها دقایقی را در معرض میدان مغناطیسی هستیم؛ مثلاً مواقعی که از دستگاه‌هایی مثل موبایل، سشوار و غیره استفاده می‌کنیم؛ درحالی‌که همه ما انسان‌ها در تمام دوران زندگی خود در معرض میدان مغناطیسی بسیار پر قدرتی هستیم به نام کره زمین. از طرفی عوامل درونی اغتشاش در میدان مغناطیسی بدن ما نیز، فعالیت‌هایی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر هستند که در تمام طول عمرمان در جریان هستند. پس چگونه می‌توان آثار منفی این فرایندها را که سبب پدید آمدن اختلال در بدن ما و باعث به وجود آمدن بیماری‌هایی مثل سرطان در افراد می‌شوند، خنثی کرد؟

مغزی رخ می‌دهد، هستند. امواج آلفا امواج بسیار مهمی هستند که به‌وسیله "هانسبرگر" آلمانی کشف شدند و به گفته وی با نوعی هوشیاری و خودآگاهی معطوف به درون ظاهر می‌شوند و تغییرهای فیزیولوژی مهمی در بدن ایجاد می‌کنند از جمله: تمرکز و یادگیری.

میدان مغناطیسی بدن و امواج مغزی در معرض خطر

حتماً تا به حال درباره خطرات گوشی‌های موبایل یا زندگی در نزدیکی نیروگاه‌های برق چیزهایی شنیده‌اید. بنا بر تحقیقات پروفیسور "لای"، امواج مغناطیسی که از نیروگاه‌های برق یا وسایل برقی مثل سشوار و ریش تراش برقی و... منتشر می‌شود به DNA سلول‌های مغزی آسیب می‌رساند و ترمیم‌پذیری را در آنها از بین می‌برد. میدان‌های مغناطیسی بیرون از بدن ما علاوه بر آسیب به DNA سلول‌های مغزی، اثر منفی دیگری نیز بر بدن ما دارد؛ این میدان‌ها باعث به‌وجود آمدن اختلال در میدان مغناطیسی طبیعی بدن می‌شود؛ همان‌طور که می‌دانید نزدیک به ۷۰ درصد بدن ما را آب تشکیل می‌دهد و مولکول‌های آب دو قطبی هستند؛ لذا وقتی بدن ما در معرض یک میدان مغناطیسی بیرونی قرار می‌گیرد، این مولکول‌ها در جهت آن میدان مغناطیسی قرار می‌گیرند و این پدیده باعث می‌شود نظم میدان مغناطیسی ما به هم بریزد.

علاوه بر عوامل بیرونی دسته‌ای از عوامل درونی نیز وجود دارد

چه سریع‌تر از آن نواحی دور شوند. به طرز حیرت‌آوری می‌بینیم که این نواحی دقیقاً همان‌ها هستند که در هنگام وضو شسته می‌شوند. بنابر تحقیقات انجام شده، بهترین راه دفع این بارهای الکتریکی زائد، استفاده از ماده‌ای رساناست و می‌دانیم که سریع‌ترین و ارزان‌ترین و بی‌زیان‌ترین رسانا در دنیا آب است و جالب اینجاست که آب هر چقدر خالص‌تر باشد، سریع‌تر بارهای ساکن را از بدن ما به اطراف گسیل می‌کند و هیچ مایعی مثل آب خالصی که در وضو به انسان سفارش شده این اثر را ندارد. با دفع بارهای الکتریکی زائد بدن در وضو، امواج مغزی در ایده‌آل‌ترین حالت قرار می‌گیرند. علاوه بر آن، تمرکزی که در هنگام نماز در انسان به‌وجود می‌آید، تشعشع امواج آلفا را به‌اندازه چشمگیری بالا می‌برد و توانایی مغز را در تولید این امواج بالا می‌برد.

■ چرا باید در هر نماز سوره حمد را بخوانیم؟

■ اهمیت سوره حمد

لازم است به برخی نکات اشاره نماییم تا اهمیت سوره حمد روشن گردد و هنگامی که اهمیت آن بر سایر سوره‌ها محرز شد به پاسخ این پرسش دست پیدا خواهیم کرد.

در اینجاست که باید گفت خداوند راه حل تمام این مشکلات را در یک رفتار ساده که اجرای آن برای همه افراد امکان‌پذیر است و بیش از چند دقیقه هم زمان نمی‌برد و هیچ ضرری هم ندارد، به انسان‌ها هدیه کرده و آن نماز است.

نماز و میدان مغناطیسی

آن‌گونه که از تصاویر به دست آمده از میدان مغناطیسی زمین پیداست، به طور شگفت‌انگیزی اگر انسان در هر نقطه از زمین رو به قبله بایستد، میدان مغناطیسی بدنش بر میدان مغناطیسی زمین منطبق می‌گردد و در نتیجه در مدتی که شخص در حال نماز است میدان مغناطیسی بدنش منظم می‌شود.

یکی از نکات بسیار جالبی که پروفسور "بور" به آن دست یافته بود این بود که در بدن تمام دانشجویان زن، هر ماه یک‌بار تغییر ولتاژ شدیدی ایجاد می‌شود که با آن، میدان بدن به منظم‌ترین حالت خود می‌رسد و به همین علت زنان لازم نیست در این مدت نماز بخوانند.

نماز و بارهای الکتریکی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، بارهای زائدی که در اثر تحریک‌های الکتریکی اعصاب به وجود می‌آیند که بر امواج مغزی انسان اثری منفی دارند. این آثار، در بخش‌هایی از بدن که اعصاب در آن تحرک بیشتری دارند، خطرات جدی‌تری را ایجاد می‌کنند و باید هر

سوره حمد همتای قرآن؛

امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: "از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: خداوند عز و جل در خطاب به من این گونه فرمود: به راستی، به تو سبع المثانی [سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را اعطا کردیم که به واسطه سوره حمد بر من منتی ویژه گذاشته و آن را همتای قرآن عظیم قرار داده است. فاتحه کتاب برترین موجودی گنجینه‌های عرش الهی است و خداوند عز و جل آن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله اختصاص داده و آن حضرت را به آن شرافت بخشیده و در این جهت هیچ یک از پیامبران را با ایشان شریک نکرده به جز حضرت سلیمان علیه السلام که به او بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را عطا فرموده است".^۱

ثواب قرائت سوره حمد معادل ثواب دوسوم قرآن

هر مسلمانی که سوره حمد را بخواند به اندازه‌ای پاداش می‌گیرد که گویی دو سوم قرآن را تلاوت نموده است و به اندازه‌ای که گویی

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: "... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ وَ لَقَدْ آتَيْتَكَ سَبْعًا مِنَ الْمُثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ فَأَفْرَدَ الْإِمْتِنَانَ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ جَعَلَهَا يَارَاءِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ إِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُتُوبِ الْعَرْشِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَصَّ مُحَمَّدًا وَ شَرَفَهُ بِهَا وَ لَمْ يُشْرِكْ مَعَهُ فِيهَا أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ مَا خَلَا سُلَيْمَانَ فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنْهَا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ... " (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۲۷).

سوره حمد، "سبع المثانی"

شرح اصول کافی فرموده است که همه مفسران "السبع المثانی" را سوره حمد دانسته‌اند که چون مشتمل بر هفت آیه است "السبع" نامیده شده و چون در هر نماز دو بار خوانده می‌شود و با اینکه دو بار نازل شده، یک بار در مکه و دیگر بار در مدینه، "المثانی" است.^۱

سوره حمد اساس قرآن

از ابن عباس نقل شده که هر چیزی اساسی دارد و اساس قرآن سوره حمد است.^۲

سوره حمد برترین سوره؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله فرمودند: "برترین سوره‌ای را که خداوند متعال در کتابش نازل فرموده به تو بیاموزم؟ جابر عرض کرد: آری پدر و مادرم به فدایت. حضرت به او سوره حمد را که اساس قرآن است تعلیم نمودند و پس از آن فرمودند: درباره سوره برایت بگویم؟ باز با اشتیاق پاسخ مثبت داد. فرمودند: این سوره شفای از هر دردی بجز "سام" است و منظور از سام، "مرگ" است".^۳

۱. مازندرانی، شرح فروع اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴، باب قراءه القرآن ...

۲. همان.

۳. أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: "يَا جَابِرُ أَلَا أَعْلَمُكَ أَفْضَلَ سُورَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ قَالَ فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ بَلَى يَا أَبَا أُتَيْتُ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمْتَنِيهَا - قَالَ فَعَلَّمَهُ الْحَمْدَ أَمْ الْكِتَابُ ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ أَلَا أَخْبِرُكَ عَنْهَا قَالَ بَلَى يَا أَبَا أُتَيْتُ وَأُمِّي فَأَخْبَرْتُهُ قَالَ هِيَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ وَ السَّامُ الْمَوْتُ" (شعیری، جامع الأخبار، ص ۴۳).

قرآن را درون خود جای داده است.^۱

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: "اسم اعظم خداوند در سوره فاتحه الكتاب پراکنده شده است."^۲
خلاصه آنکه همه برنامه‌های کلی نیک و حکمت، در امور دنیا و آخرت جمع شده است و این سوره کانون همه ابعاد قرآن شده است درحالی که سوره‌های دیگر، چنین جامعیتی وجود ندارد.

۱. چرا در هر نماز، خواندن سوره توحید مستحب است؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال به گوشه‌هایی از اهمیت سوره توحید اشاره می‌کنیم تا اهمیت آن بر سایر سوره‌های قرآن بعد از حمد مشخص گردد؛ زیرا اگر این نکته ثابت شود دلیل تأکید بر قرائت آن در نماز به دست خواهد آمد؛ چون نماز مهم‌ترین رکن عبادی است و در آن باید اعمال و اذکار مهم گنجانده گردد:

■ قرائت آن، معادل قرائت یک سوم قرآن و یک سوم تورات و یک سوم انجیل و یک سوم زبور

امام صادق علیه السلام فرمودند: "هر کس سوره توحید را بخواند، گویی یک سوم همه کتاب‌های آسمانی یعنی قرآن و تورات و انجیل و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۵۴؛ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۷؛ شعیری، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۰۷؛ پاسخ به پرسش‌های مذهبی شما، ص ۱۰۹.
۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۳۴، ج ۱۶.

به همه مؤمنان صدقه داده است.^۱

محتوای سوره حمد

این سوره در حقیقت فهرستی از معارف قرآن کریم است؛ به این معنا که بخشی از آن اشاره به توحید و شناخت صفات خداوند دارد، بخشی درباره معاد و رستاخیز سخن می‌گوید و در بخش دیگری از آن از هدایت و ضلالت که جداکننده مؤمنان و کافران است بحث می‌کند.

همچنین در این سوره به حاکمیت مطلق پروردگار و مقام ربوبیت و نعمت‌های بی‌پایانش و نیز به مسئله عبادت و بندگی و اختصاص آن به ذات پاک او اشاره شده است.

سوره مبارک حمد بیانگر توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی است. به فرموده حضرت رضا علیه السلام اگر بپرسند: چرا خداوند در همه نمازها امر کرده تا سوره حمد خوانده شود؟ در پاسخ می‌گوییم: برای اینکه قرآن مهجور و متروک نگردد و همواره نمازگزاران با قرآن ارتباط داشته باشند و آن را از یاد نبرند و انتخاب این سوره از این روست که همه معارف و مفاهیم قرآن در سوره حمد جمع است و سوره حمد با محتوای بلند و وسیعی که دارد، همه اصول و ارکان

۱. عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "أَيُّهَا مُسْلِمٌ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّهَا قَرَأَ ثَلَاثِي الْقُرْآنِ وَأُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّهَا تَصَدَّقَ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ" (همان، ج ۸۹، ص ۲۵۹).

خاصی دارم". پیامبر ﷺ فرمودند: "دلیل این محبت خاص این است که خداوند به تو محبت ویژه‌ای دارد".^۱

■ قرائت مستمر آن سبب توجه ویژه فرشتگان به شخص

سکونی از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر جنازه سعد بن معاذ نماز خواند و فرمود: "هفتاد هزار فرشته که جبرئیل علیه السلام نیز در میان آنان بود، بر جنازه او نماز خواندند. از جبرئیل پرسیدم که او چه عملی انجام داده بود که این شایستگی را پیدا کرد که شما بر جنازه او نماز خواندید؟" گفت: "به خاطر اینکه سوره قل هو الله احد را در حالت ایستاده و نشسته، سواره و پیاده و در حال رفت و آمد تلاوت می کرد".^۲

■ چرا در رکعت سوم و چهارم نماز تسیحات اربعه می خوانیم؟

درست است که با اذکار مختلفی انسان می تواند با خداوند ارتباط برقرار

۱. عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ سَرِيَّةً وَ اسْتَعْمَلَ عَلَيْهَا عَلِيًّا عليه السلام فَلَمَّا رَجَعُوا سَأَلَهُمْ فَقَالُوا كُلُّ خَيْرٍ غَيْرِ أَنَّهُ قَرَأَ بِنَا فِي كُلِّ صَلَاةٍ بِ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لِمَ فَعَلْتَ هَذَا فَقَالَ لِحُبِّي ل "قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "مَا أَحْبَبْتَهَا حَتَّى أَحَبَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ" (شيخ صدوق، توحيد، ص ۹۴، ح ۴).

۲. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام: "أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ صَلَّى عَلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فَقَالَ لَقَدْ وَ آتَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِلصَّلَاةِ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ فِيهِمْ جِبْرِيئِيلُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ يَا جِبْرِيئِيلُ بِمِ اسْتَحَقَّتْ صَلَاتُكُمْ عَلَيْهِ قَالَ بِقِرَاءَةِ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قَائِمًا وَ قَاعِدًا وَ رَاكِبًا وَ مَاشِيًا وَ ذَاهِبًا وَ جَائِيًا" (همان، ص ۹۵، ح ۴).

زبور را تلاوت نموده است".^۱

■ قرائت آن موجب آمرزش گناهان

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "هر کس هنگام خواب سوره قل هو الله احد را صد مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می آمرزد".^۲

■ محبت به آن نشانه محبت خداوند

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ سَرِيَّةً وَ اسْتَعْمَلَ عَلَيْهَا عَلِيًّا عليه السلام فَلَمَّا رَجَعُوا سَأَلَهُمْ فَقَالُوا كُلُّ خَيْرٍ غَيْرِ أَنَّهُ قَرَأَ بِنَا فِي كُلِّ صَلَاةٍ يُقُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لِمَ فَعَلْتَ هَذَا فَقَالَ لِحُبِّي ل "قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "مَا أَحْبَبْتَهَا حَتَّى أَحَبَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ".

عمران بن حصین می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لشکری را به فرماندهی علی علیه السلام گسیل داشتند و پس از بازگشت لشکر از ایشان درباره آن حضرت سؤال کردند. لشکریان در پاسخ گفتند: علی علیه السلام از هر جهت خوب و شایسته بود جز اینکه در همه نمازهای جماعت، پس از حمد، "قل هو الله احد" می خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از علی علیه السلام علت را پرسیدند. حضرت فرمود: "آخر من به سوره قل هو الله احد علاقه

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "مَنْ قَرَأَ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَ احِدَةً فَكَمَاذَا قَرَأَ ثَلُثَ الْفُرْقَانِ وَ ثَلُثَ التَّوْرَةِ وَ ثَلُثَ الْإِنْجِيلِ وَ ثَلُثَ الزَّبُورِ" (کلبنی، اصول کافی، ج ۴، ص ۶۴۴، ح ۱۲).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "مَنْ قَرَأَ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً" (همان، ج ۴، ص ۴۵۸، ح ۴۹).

■ تسبیحات اربعه موجب استجاب دعا

حارث بن مغیره می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: "هرکس بعد از هر نماز واجب، چهل بار "سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ" بگوید و پس از آن از خداوند درخواست کند، حاجتش برآورده می شود."^۱

■ تسبیحات اربعه متمم نماز شکسته

خواندن سی مرتبه تسبیحات اربعه بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام در سفر بعد از هر نماز شکسته سی مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر را بر زبان جاری می ساختند و می فرمودند: "این مکمل نماز شکسته است."^۲

■ تسبیحات اربعه زیربنای اسلام

از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدند: برای چه کعبه، کعبه نامیده شده؟ حضرت فرمودند: "زیرا چهارگوش می باشد". محضر مبارکش پرسیدند: برای چه چهارگوش می باشد؟ حضرت فرمودند: "زیرا مقابل بیت المعمور است و آن چهار گوش می باشد". پرسیدند:

۱. عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: "مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ قَرِيبَةً قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّأَ رَجُلِيهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ" (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۵۴، ح ۱۵).

۲. همان، ج ۵، ص ۴۹۵.

نماید؛ اما تسبیحات اربعه از اهمیت و اسرار و آثار خاصی برخوردار است که به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم:

■ تسبیحات اربعه دارای خوبی هایی ماندگار و باز دارنده از انواع حوادث ناگوار

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی به یاران خود فرمودند: "آیا اگر لباس ها و ظرف هایتان را جمع کرده و آنها را روی هم بگذارید به آسمان خواهد رسید؟" گفتند: خیر یا رسول الله! حضرت فرمودند: "نمی خواهید چیزی به شما بگویم که ریشه اش در زمین و شاخه اش در آسمان باشد؟" عرض کردند: بله یا رسول الله! حضرت فرمودند: "هر کدام از شما بعد از نماز واجبش می تواند سی بار بگوید: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر"; زیرا ریشه این ذکرها در زمین و شاخه اش در آسمان است. این ذکرها مانع زبر آوار ماندن، سوختن، غرق شدن، افتادن در چاه، طعمه درندگان شدن، مرگ بد و حادثه ناگواری که در آن روز از آسمان فرود می آید، می شود."^۱

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: "إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ أَرَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَكُمْ مِنَ الثِّيَابِ وَالْأَيِّتِ ثُمَّ وَصَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ أَ كُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَنْلُغُ السَّمَاءَ قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَفَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ أَصْلُهُ فِي الْأَرْضِ وَ قَرَعُهُ فِي السَّمَاءِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً- سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ أَصْلَهُنَّ فِي الْأَرْضِ وَ قَرَعَهُنَّ فِي السَّمَاءِ وَ هُنَّ يَدْفَعْنَ الْهَدْمَ وَ الْعَرَقَ وَ الْحَرَقَ وَ التَّرَدِّيَّ فِي الْبَيْتِ وَ أَكَلِ السَّبْعِ وَ مَيْتَةِ السَّوْءِ وَ الثَّلِيَّةَ الَّتِي تُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْعَبْدِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ هُنَّ التَّبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۷۴).

لااله الا الله اشاره به توحید صفاتی و الله اکبر اشاره به توحید ذاتی دارد و سبحان الله ابتدای تسبیحات بیانگر تنزیه خداوند از تمامی این مراتب تصور شده می باشد و چون سوره حمد نیز به نوعی مشتمل بر این توحیدهای سه گانه است؛ این تسبیحات می توانند در رکعت های سوم و چهارم، جایگزین سوره حمد گردند.

■ سر اینکه در نماز، صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیتش علیهم السلام واجب شده، چیست؟

یک. باید توجه داشت که خداوند متعال از صلوات پیوسته خود و فرشتگان بر پیامبر اکرم ﷺ خبر داده و همگان را به این موضوع و به تسلیم در پیشگاه ایشان فرمان داده است و روشن است که چیزی که برای خداوند مهم است مسلماً برای دیگران نیز مهم است؛ علاوه بر اینکه مخاطب ما در صلوات، خود خداوند است و از او درخواست تحیت و درود بر اهل بیت علیهم السلام می کنیم.

"إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا"^۱ همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر رحمت می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید! برای او طلب رحمت نمایید و چنان که شایسته است بر او سلام کنید.

دو. صلوات بر پیامبر و آل او موجب صلوات مضاعف خداوند بر

۱. احزاب: ۵۶.

برای چه بیت المعمور چهار گوش است؟ حضرت فرمودند: "زیرا مقابل عرش است و آن چهار گوش می باشد". پرسیدند: چرا عرش مربع است؟ فرمودند: "زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهار تاست و آنها عبارتند از: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر".^۱ با تأمل در معنای این تسبیحات در می یابیم که در ابتدای آنها نمازگزار سبحان الله گفته و خداوند را از نسبت هایی که بندگان به او می دهند پاک و منزه می شمرد و اقرار می کند که عبادت ما شایسته مقام قدس او نیست؛ اما چون خود خدا اذن داده و بلکه امر فرموده که همین عبادت های ناقص را انجام دهیم، ما نیز اطاعت می کنیم و از این بابت از خداوند قدردانی نموده، حمد و ثنای الهی را بر زبان جاری می کند و سپس لا اله الا الله گفته و اعلام می کند که هر گونه ستایش و پرستش فقط مخصوص خداست و در پایان الله اکبر گفته و مجدداً تأکید می نماید که اینها که ما می فهمیم و بر زبان جاری می نماییم هرگز لایق مقام ربوبی نبوده و خداوند متعال بزرگ تر از آن است که به وصف در آید. همچنین گفته شده است که الحمد لله اشاره به توحید افعالی و

۱. رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ سُمِّيَتِ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً قَالَ: "لِأَنَّهَا مُرَبَّعَةٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَتْ مُرَبَّعَةً قَالَ لِأَنَّهَا بِحِدَائِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعاً قَالَ لِأَنَّهُ بِحِدَائِ الْعَرْشِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعاً قَالَ لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بِنِيَّ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ وَ هِيَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ" (شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۱).

میزان بگذارند به سبب آن سنگین شود و (بر کفه دیگر) بچربد.^۱ خلاصه آنکه، نماز، عملی خواستنی و مورد توجه خداوند است و همان گونه که خداوند و ملائکه او بر پیامبر صلوات می فرستند، دستور می دهد مؤمنان نیز صلوات بفرستند و چه جایی برای این صلوات بهتر از نماز؟ علاوه بر اینکه خود وجود صلوات در نماز باعث می شود تا مسلمانان هیچ گاه رسول خدا و تلاش های او برای اسلام را از یاد نبرند و از او با صلوات قدردانی کنند.

■ خداوند که با همه محرم است، پس چرا خانم ها باید در نماز حجاب کامل داشته باشند؟

بی تردید، حکمت پوشش بدن و رعایت حجاب اسلامی زن در حال نماز، پنهان کردن و مستور نمودن خود از خدا نیست؛ زیرا چیزی از علم خدا پنهان نیست و خداوند بر همه چیز، در همه حالات آگاه است؛ اما حکمت های دیگری در کار است که ممکن است موارد زیر بعضی از آن حکمت ها باشد.

رعایت ادب

یعنی همان گونه که رعایت پوشش زن در برابر دیگران و در محافل

۱. "ما فی المیزان شیءٌ اُنْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ و إِنَّ الرَّجُلَ لَتَوَضَّعَ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ فَيُخْرِجُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرَحُّ بِهِ" (همان، ج ۴، ص ۲۵۲).

فرستنده صلوات است. پس ما با صلوات در نماز، تحیت و درود خداوند بر بر خودمان را به دست می آوریم.

اسحاق بن فروخ گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: "ای اسحاق هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد، خداوند و فرشتگان صد بار بر او صلوات می فرستند و هر که صد بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات فرستند، آیا گفتار خدای عز و جل را نشنیده ای که فرمود: اوست کسی که بر شما درود می فرستد و نیز ملائکه او تا شما را از ظلمت ها به سوی نور در آورد و خدا به مؤمنان مهربان است."^۲

به فرموده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نماز میزان (ترازو) است و با صلوات در نماز، میزان عمل خود را سنگین می کنیم. از امام باقر یا امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: "در میزان (و ترازوی اعمال در قیامت) چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله نیست و [پیش می آید] که اعمال مردی را در میزان بگذارند و سبک باشد؛ ولی ثواب صلوات او را که بیاورند و آن را در

۱. احزاب: ۴۳.

۲. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ فَرُوحٍ مَوْلَى آلِ طَلْحَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: "يَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرُوحَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّهِ و مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ و مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّهِ و مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا مَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ و جَلَّ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْنَا و مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ و كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا" (کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۱).

این گونه می‌پسندد. در حقیقت چه بسا این دستور تمرینی باشد برای حفظ حجاب.

رسمی حتی در برابر والدین نوعی حفظ حرمت محسوب می‌شود، نماز خواندن با پوشش لازم و کامل هم نوعی حفظ حرمت نسبت به خداوند یا به جایگاه نماز به حساب می‌آید. این مسئله در ادیان دیگر هم در هنگام عبادت وجود داشته و حفظ حجاب برای زنان به‌خصوص در وقت عبادت، دارای اهمیت ویژه بوده است.^۱ به‌همین دلیل است که برای مرد نیز پوشیدن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است.

تأثیر مثبت در کسب حضور قلب

حکمت دیگر این است که رعایت حجاب و آداب دیگر مانند پاک بودن بدن و لباس، در تحصیل حضور قلب مؤثر است. بی‌شک، وجود پوششی یکپارچه برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می‌کند و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می‌کاهد و ارزش نماز را صد چندان می‌کند.

یادآوری ارزش و اهمیت حجاب

این حکم به زنان مسلمان می‌فهماند که حجاب، مطلوب خداوند است، به‌گونه‌ای که حتی در نماز از زن مسلمان خواسته با حفظ حجاب با خداوند سخن بگوید؛ چون او بنده‌اش را

۱. تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۹، ص ۲۴۲، به نقل از مجله پیام زن، ش ۲۰، ص ۸۰-۸۳.

الاحسان... وینهی عن الفحشاء و المنکر...؛^۱ همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان... فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز، نهی می‌فرماید....

با توجه به اینکه نماز یک حقیقت است، نهی در آن شبیه نهی‌ای است که در آیه^۲ "و نهی النفس عن الهوی"؛ (و نفسش را از هوس بازداشت) آمده است؛ یعنی اینکه حقیقت و روح نماز، بازدارنده از فحشاء و منکر است و این هنر نماز است که انسان را از انجام گناه باز می‌دارد.

■ وقتی می‌بینیم برخی هم نماز می‌خوانند و هم گناه می‌کنند، بهتر نیست ما نماز نخوانیم و گناه هم نکنیم؟

تکالیف دین اسلام بر دو قسم است؛ انجام امور واجب و ترک امور حرام. خداوند بر اساس این تکالیف به انسان‌ها پاداش می‌دهد یا آنها را مجازات می‌کند. انسان هم باید امور واجب را انجام بدهد و هم امور حرام را ترک کند و انجام امور حرام دلیل نمی‌شود که ما امور واجب را انجام ندهیم؛ علاوه بر اینکه ترک نماز، خود گناه و بلکه گناهی بزرگ است و چه بسا خود ترک نماز باعث شود که فرد گناهکار بیشتر در منجلا ب فرو برود؛ از سوی دیگر، اگر گناهکاری

۱. نحل: ۹۰.

۲. نازعات: ۴۰.

فصل سوم:

نماز خواندن چه اثری دارد؟

■ اگر به فرموده^۱ قرآن، نماز بازدارنده از فحشا و منکر است، پس چرا بعضی افراد اهل نماز گناه می‌کنند؟

آری قرآن کریم می‌فرماید: نماز بازدارنده از گناه است؛ بنابراین اگر کسی اهل نماز بود ولی گناه هم می‌کرد، معلوم می‌شود نمازش آن نماز کاملی که این اثر را داشته باشد، نیست؛ مثل اینکه کسی غسل تقلبی بخورد که در آن صورت نباید انتظار اثر غسل واقعی را داشته باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: "واژه نهی به معنای بازداشتن روحانی و جسمانی به کار می‌رود که نهی جسمانی، خود به نهی دستوری و عملی تقسیم می‌گردد".^۱

برخی گفته‌اند کلمه "تنهی" در آیه^۲ شریفه به این معناست که خداوند به انسان‌ها دستور داده فحشا و منکر را ترک کنند؛ حال ممکن است بعضی‌ها از این دستور اطاعت کنند و بعضی سرپیچی؛ مثل آنجا که خداوند فرموده است: "ان الله یامر بالعدل و

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۴۲، ح ۲۵.

■ اگر شرط قبولی کارهای خوب، قبول شدن نماز است، آیا کارهای

خیر یک بی‌نماز، فایده‌ای دارد؟

در پاسخ باید گفت اگر کسی فکر کند که چون من نماز نمی‌خوانم دیگر هر کار خیری بکنم فایده‌ای ندارد و دیگر سراغ کارهای خوب نرود، برداشت نادرستی از این روایت کرده است. این طرز تفکر مثل این است که کسی بگوید از این روایت که "غیبت بدتر از زناست"^۱ نتیجه بگیرد که بهتر است به جای غیبت کردن برود دنبال زنا!

باید توجه داشت پاداش خداوند به افراد بر اساس دو چیز است:

۱. ایمان ۲. عمل صالح؛ پس به طور مسلم کسی که ایمان دارد ولی عمل صالحی ندارد از کسی که نه ایمان دارد و نه عمل صالح، بهتر و بالاتر است و خداوند نیز به‌ازای ایمانش به او پاداش می‌دهد و از آن طرف، کسی که ایمان ندارد ولی عمل صالح دارد، باز بهتر است از کسی که نه ایمان دارد و نه عمل صالح. خلاصه اینکه هر کسی به اندازه ایمان یا عمل صالحش از مورد فضل و رحمت و بخشش خداوند خواهد شد؛ هر چند وضعیت ایده‌آل آن است که انسان هم ایمان داشته باشد و هم عمل صالح.

نکته دیگر اینکه وقتی می‌گوییم خداوند به عملی پاداش می‌دهد، به این معنا نیست که حتماً آن عمل را قبول هم کرده است، خیر. چه بسا خداوند به فردی به خاطر عملی پاداش دنیوی و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۴۲، باب ۶۶ الغیبة.

نماز بخواند، ممکن است به تدریج همین نماز خواندن، باعث شود از گناهانش دست بردارد.

■ وقتی نماز، ما را از گناه باز نمی‌دارد، چه فایده‌ای دارد که بخوانیم

یا نخوانیم؟

آری از شرایط قبولی نماز، دوری از گناه است و ارتکاب گناه با روح نماز سازگاری ندارد و اثر آن را کم می‌کند؛ اما آیا فرد گناهکاری که نمازش را هم می‌خواند حال و روز بهتری در دنیا و آخرت دارد یا گناهکاری که نمازش را ترک می‌کند؟

بدون شك نماز در همین فرد آلوده و خطاکار تا اندازه‌ای اثرگذار است، به گونه‌ای که اگر این نماز ترك شود، آلودگی و گناه فرد بیشتر می‌شود؛ یعنی اثر نماز که همان بازداری از فحشا و زشتی‌هاست^۱ هرچند در حد ناچیزی در این فرد ظاهر می‌گردد.

در روایت آمده است: جوانی از انصار نمازش را با پیامبر ﷺ می‌خواند، ولی گاهی گناه نیز می‌کرد. موضوع را به پیامبر ﷺ گفتند. پیامبر ﷺ فرمود: "روزی نمازش او را از بدی و زشتی باز می‌دارد." طولی نکشید که دیدند آن جوان توبه کرد و دست از کارهای زشتش برداشت.^۲

۱. عنکبوت: ۴۹.

۲. ری شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۳۷۱، ح ۱۰۲۵۴.

نیست که اگر همسایهٔ مسجد، نمازش را در خانه بخواند، باطل است؛ بلکه به این معناست اگر در مسجد بخواند، فضیلت بیشتر و ثواب بیشتری دارد. هدف معصومان علیهم السلام از بیان این روایت بیان ارزش و اهمیت مسجد و تشویق مؤمنان به رفتن مسجد است.

به نظر می‌رسد روایتی که در سؤال بالا آمده در صدد بیان اهمیت نماز و جایگاه بلند آن در معارف دینی و برای یادآوری اهمیت و ارزش و تأثیر عمیق نماز در روح و جان آدمی و ایجاد توفیق برای انجام کارهای خوب دیگر است، نه کم‌ارزش جلوه دادن دیگر کارهای خیر.

تفسیر دیگری که دربارهٔ حدیث فوق به نظر می‌رسد، این است که اعمال نیک ما همانند همهٔ امور با ارزش دیگر در معرض خطر فساد و سرقت و از دست رفتن هستند. در مفاهیم دینی به ما سفارش شده در حفظ اعمال نیک و ضایع نکردن آنها تا هنگام ملاقات پروردگار و روز حساب کوشا باشیم؛ چه بسا معنای اینکه فرموده‌اند اگر نماز قبول شد، سایر اعمال هم قبول می‌شود و اگر رد شد سایر اعمال هم رد می‌شود، این باشد که دقت در به‌جا آوردن درست نماز و تلاش برای انجام نماز مقبول، ضامن سلامتی سایر اعمال و محفوظ ماندن آنها از گزند خطرات است؛ همانند خانه‌ای که سقف و دیوارهای آن محافظ دارد و چارچوب آن استوار و محکم است؛ اما اگر خانه‌ای سقف نداشته باشد، هر چقدر هم

اخروی بدهد؛ ولی آن را قبول نکرده باشد؛ برای مثال خداوند عبادت‌های ابلیس را نپذیرفت؛ ولی پاداش عبادت‌های او را به خواست خود او در دنیا به او داد.

به بیان دیگر، میان پذیرش خداوند و پاداش دادن تفاوت وجود دارد؛ بدین معنا که پذیرش الهی آن است که هم پاداش دنیوی به فرد بدهد و هم پاداش اخروی داشته باشد و پاداش اخروی قابل مقایسه با پاداش دنیوی نیست. آری شیطان پاداش دنیوی از خدا می‌گیرد؛ ولی همین نعمت می‌تواند برای او مضر باشد چنان‌که هست؛ چون او از این نعمت برای فریب انسان‌ها استفاده می‌کند.

در مورد نماز نیز همین‌گونه است؛ به این معنا که بله چون او نماز نخوانده اعمال خیر دیگرش هم مورد قبول حق قرار نمی‌گیرند؛ ولی نه اینکه دیگر هیچ پاداشی به او تعلق نمی‌گیرد.

شرایطی که در روایات برای اعمال ذکر می‌شود، دو گونه است:

- شرط صحت که بدون رعایت آن اصلاً آن عمل صحیح نیست، بلکه باطل است؛ مثلاً شرط صحیح بودن نماز، وضو یا تیمم است و یا شرط صحیح بودن روزه، نخوردن و نیاشامیدن است.
- شرط کمال که رعایت آن، باعث بهتر شدن عمل و تأثیر بیشتر آن است؛ مثلاً گفته شده که "لا صلاه لجار المسجد الا فی المسجد"؛ همسایهٔ مسجد نماز ندارد مگر در مسجد. منظور این روایت این

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۴، ح ۲.

می‌سازد، به یتیمان کمک می‌کند، در این صورت اعمال او می‌تواند مقبول درگاه خداوند باشد.

■ چه چیزهایی باعث می‌شود نماز ما پذیرفته نشود؟

در آموزه‌های دینی عوامل گوناگونی برای این مسئله بیان شده است، به بعضی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

■ ایمان نداشتن به امام زمان خود

امام باقر علیه السلام فرمود: "کسی که به وجود امام زمانش اعتقاد نداشته باشد نمازش قبول نمی‌گردد".^۱

■ شراب‌خواری

در روایت است نوشیدن شراب باعث می‌شود تا چهل روز نماز شخص پذیرفته نشود.^۲ البته این بدان معنا نیست که شخص چه نماز بخواند و چه نخواند، فرقی نداشته باشد؛ در واقع اگر چنین کسی نماز را نیز ترک کند دو گناه بزرگ را انجام داده است؛ یکی شراب‌خواری و دیگری ترک نماز؛ بلکه این روایت به این معناست که ارزش و تأثیر آن نماز پایین آمده است.

■ تحت فشار بول بودن در حال نماز

۱. قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: "كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعْيُهُ غَيْرَ مَقْبُولٍ وَ هُوَ صَالٍ مُتَحَيِّرٌ" (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۹).
 ۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: "مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا" (کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۰۰).

داخل خانه وسایل و لوازم لوکسی باشد، فایده‌ای ندارد؛ زیرا با نفوذ باد و باران و... آن وسایل خراب می‌شوند و از بین می‌روند.

بنابراین اگر نماز به شکل درست و کامل انجام شود و خداوند نیز آن را قبول کند هم کاستی‌های اعمال دیگر را جبران می‌کند و هم از آنها محافظت می‌کند؛ ولی اگر به هر دلیلی نماز انسان مقبول درگاه حق واقع نشود، هیچ عمل دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد؛ چون هیچ عملی مانند نماز، ضامن بقا و حفظ و اعمال نیک انسان نیست.

مطلب دیگری که شایسته است در اینجا به آن توجه شود این است که فردی که نماز نمی‌خواند، ولی اعمال نیک انجام می‌دهد، یکی از این دو حالت را دارد:

الف) گاهی، فرد با اینکه می‌داند نماز از ضروریات دین است، اصل واجب بودن نماز را انکار و رد می‌کند، در این صورت چنین فردی کافر به‌شمار می‌آید و واضح است که از فرد کافر هیچ عمل نیکی مقبول نمی‌باشد؛ زیرا چنین فردی که منکر وجوب نماز است در واقع منکر وجود خداست و کسی که به خدا هیچ اعتقادی نداشته باشد، چگونه می‌تواند انتظار پاداش اعمال خود را از خدا داشته باشد!؟

ب) گاهی فرد به واجب بودن نماز اعتقاد دارد ولی در انجام آن سستی و کاهلی می‌کند؛ گاهی می‌خواند و گاهی نمی‌خواند؛ ولی اعمال نیک دیگری انجام می‌دهد؛ مثلاً روزه می‌گیرد، مدرسه

پیامبر ﷺ فرموده‌اند: "مَنْ صَلَّى صَلَاةً يُرَانِي بِهَا فَقَدْ أَشْرَكَ"؛^۱ کسی که برای خودنمایی نماز بخواند، مشرک است.

■ نداشتن حضور قلب

"لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا يَحْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ"؛^۲ خداوند نماز بنده‌ای را که دلش همراه بدنش نیست، نمی‌پذیرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصَلِّي الصَّلَاةَ لَا يُكْتَبُ لَهُ سُدُسُهَا وَلَا عُشْرُهَا وَإِنَّمَا يُكْتَبُ لِعَبْدٍ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا"؛^۳ گاهی بنده‌ای نماز می‌خواند درحالی که برای او، نه يك ششم نماز نوشته می‌شود و نه یک‌دهم. از نماز بنده تنها آن مقدار نوشته می‌شود که با توجه خوانده است.

■ نارضایتی والدین از نمازگزار

قال ابو عبد الله ﷺ: "مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظَرَ مَاقَتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً"؛^۴ هر کس به پدر و مادرش از روی غضب نگاه کند، خدا هیچ نمازی را از او قبول نمی‌کند، اگر چه آنها در حق او ستم نیز کرده باشند.

■ غیبت

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: "هر کس غیبت مرد یا زن مسلمانی را بکند تا چهل روز نمازش قبول نمی‌شود مگر اینکه آن شخص او را

۱. حلی، عده الداعي و نجاح الساعي، ص ۲۱۸

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۲، باب ۱۶ آداب الصلاة ...

۳. همان، ج ۸۱، ص ۲۴۹، باب ۱۶ آداب الصلاة ...

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۶۵، ج ۱۴۳، باب العقوق ...

در رساله‌های عملیه مراجع تقلید خودداری از بول و باد معده از مکروه‌ها دانسته‌اند؛ یعنی بهتر است که در این حالت فرد نماز نخواند؛ بلکه وقتی از آنها خلاصی یافت، به نماز بایستد. در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که فرموده‌اند: "لا صَلَاةَ لِحَاقِنِ وَلَا حَاقِبٍ"؛^۱ کسی که در حال نگه‌داشتن از بول یا باد معده نماز بخواند، نمازش کامل نیست.

■ پرخوری

پرخوری ضررهای بسیاری دارد که یکی از آنها، آسیب زدن به عبادت و نماز است. ابن عباس از پیامبر ﷺ روایت کرد که فرمودند: "لَا يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ مَنْ مَلَأَ بَطْنَهُ"؛ کسی که شکمش پر باشد وارد ملکوت آسمان نمی‌شود. و نیز حضرت علی علیه السلام فرمودند: "از پرخوری دوری کنید؛ چون موجب قساوت قلب و کسالت در انجام نماز و سبب تباهی بدن است".

■ ریا و خودنمایی در نماز

امام صادق علیه السلام فرمودند: "در روز قیامت بنده‌ای را می‌آورند که اهل نماز بوده و خود نیز چنین ادعا می‌کند. به او می‌گویند: تو برای آن نماز خواندی که تو را ستایش کنند؛ پس به فرشتگان دستور می‌رسد او را به سوی آتش ببرند".

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۶.

نمی‌شود".^۱

■ آزار دادن شوهر

پیامبر ﷺ فرمود: "خداوند هیچ عملی را از زنی که همسرش را آزار دهد، نمی‌پذیرد".^۲ پیداست این روایت درباره زن است ولی شاید بتوان آن را درباره مرد نیز صادق دانست؛ زیرا برای مرد هم حرام است که زنش را آزار دهد.

■ سبک شمردن نماز

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: "چه بسا شخصی پنجاه سال نماز می‌خواند ولی یک نمازش قبول نمی‌شود؛ چون نمازش را سبک می‌گیرد و نمازی که سبک شمرده شود قبول نمی‌گردد".^۳

■ ندادن زکات

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: "یک گروه از کسانی که نمازشان قبول

۱. قال رسول الله ﷺ: "يا ابا ذر! إياك و هجران اخيك، فإن العمل لا يتقبل مع الهجران" (طبرسی، مکارم الأخلاق، الفصل الخامس، ص ۴۷۰).

۲. "من كانت له امرأة تؤذيه لم يقبل الله صلاتها و لا حسنة من عملها - حتى تُعينه و تُرضيه و إن صامت الدهر - و قامت و اعتقت الرقاب و أنفقت الأموال في سبيل الله و كانت أول من يرث الثار ثم قال رسول الله ﷺ و على الرجل مثل ذلك الوزر و العذاب - إذا كان لها مؤذياً ظالماً" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶).

۳. "و الله إنه ليأتي علي الرجل خمسون سنة و ما قبل الله منه صلوة و احدة. فأني شيء أشد من هذا؟! و الله انكم لتعرفون من جيرانكم و اصحابكم من لو كان يصلي ليعضكم، ما قبلها منه لاستخفافه بها. إن الله عز و جل لا يقبل إلا الحسن، فكيف يقبل ما يستخف به؟" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۹).

ببخشد". قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: "مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ و لَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا و لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ".^۱

■ بی‌اعتنایی نسبت به محرومان

امام صادق علیه السلام فرمود: "نماز کسانی که نسبت به آوارگان و برهنگان جامعه بی‌اعتنا هستند، قبول نیست".^۲

■ حرام خواری

در بعضی روایات، نماز کسی که حرام‌خوار است به ساختن ساختمان بر روی ماسه نرم تشبیه شده است.^۳ چنین ساختمانی چون پایه محکمی ندارد، به‌زودی فرو می‌ریزد و تباہ می‌شود.

■ بدخواهی برای مسلمانان؛

خدا از مؤمنی که بدخواه برادر مؤمن خود باشد، هیچ عملی را نمی‌پذیرد.^۴ چه نماز و چه غیر نماز.

■ قطع رابطه با برادر دینی؛

پیامبر ﷺ به ابوذر فرمودند: "ای ابوذر مبادا با برادر دینی‌ات قطع رابطه کنی که در این صورت هیچ عملی از تو پذیرفته

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۵۸، باب ۶۶ الغيبة ...

۲. همان، ج ۸۴، ص ۲۴۲.

۳. الصلوة مع أكل الحرام كالبناء علي الرمل (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۸).

۴. ابو عبدالله علیه السلام: "لا يقبل الله من مؤمن عملاً و هو مضر علي اخيه سوءاً" (كلینی، اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۵، ص ۳۴۱).

تکرار می‌کنیم که توجه معنای هر کدام از آنها دری به سوی خداشناسی است. همچنین اعمالی مانند قیام و رکوع و سجده در ما نوعی بینش معنوی نسبت به بزرگی و عظمت خداوند در ما ایجاد می‌کند و باعث می‌شود معرفت ما نسبت به خدا در اعماق قلبمان رسوخ کند.

نکته دیگر اینکه شناخت ما نسبت به خداوند همانند بسیاری از چیزهای دیگر در زندگی به صورت تدریجی رشد می‌کند. اگر قرار بود عبادت خداوند موکول می‌شد به وقتی که انسان شناختی گسترده و ژرف نسبت به او پیدا کند، چند نفر در کل زمین می‌توانست به عبادت خدا بپردازد؟! مخصوصاً وقتی می‌بینیم که حتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که هیچ کس در معرفت نسبت به خدا به گرد پای او هم نمی‌رسد، ندا سر می‌دهد "مَا عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ."؛ تو را نشناختیم آن‌گونه که باید، و تو را عبادت نکردیم آن‌گونه که تو شایسته‌اش بودی! در حالی خود آن حضرت از اولین نمازگزاران بود و همیشه همه را به نماز خواندن دعوت و سفارش می‌کرد.

موضوع با اهمیت دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که استعداد و ظرفیت انسان‌ها در شناخت خدا متفاوت است. نباید انتظار داشت همه مسلمانان به اندازه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خداوند را

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۳.

نمی‌شود، کسی است که زکات نمی‌پردازد".^۱

در پایان گفتنی است با توجه به اینکه در روایات انجام برخی از اعمال مانع قبولی نماز معرفی شده‌اند که جزء مکروهات هستند، معلوم می‌شود معنای عدم قبولی نماز در این موارد، پایین بودن ارزش آن نماز و عدم توانایی این نماز برای بالا بردن انسان به ملکوت است؛ نه اینکه باعث باطل شدن آن نماز شود.

■ وقتی ما خدا را خوب نمی‌شناسیم، عبادت کورکورانه چه سودی دارد؟

پیش از هر چیز لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که اساساً عبادت بدون شناخت خدا غیرممکن است؛ به بیان دیگر هر کسی خداوند را عبادت می‌کند، حتماً شناختی هر چند سطحی و ابتدایی از او دارد و همین مقدار از شناخت خدا هم برای انجام عبادت در مراحل اولیه کافی است و لازم نیست انسان شناخت بسیار عمیقی نسبت به خدا داشته باشد تا بتواند او را عبادت کند. در واقع همین اندازه که شخص بداند خداوند یگانه خالق همه چیز است کافی است تا در برابر او سر به سجده گذارد و خضوع کند.

از این گذشته اتفاقاً یکی از مهم‌ترین ابزارهای شناخت خداوند متعال نماز است؛ زیرا ما در نماز، آیات قرآن و ذکرهایی را دائماً

۱. ع "لِيُفَاهِيَهُ لَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ الصَّلَاةَ... وَ النَّاشِرُ وَ رُوجَهَا عَلَيْهَا سَاحِطٌ - وَ مَانَعُ الرُّكَاةَ... وَ إِمَامٌ قَوْمٌ يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۵۰، باب

به انجام برساند و نقص آن را جبران کند و این دستور خود خداوند است. البته درجهٔ چنین شخصی نزد خدا از درجهٔ افرادی که تمام نمازهایشان را در زمان حیاتشان، خود به جا آورده‌اند پایین‌تر است و بهره‌های معنوی کمتری از نماز می‌برد؛ هر چند که هر دو تکلیف الهی‌شان را انجام داده‌اند.

در واقع اینکه خداوند امکان به جا آوردن قضای نمازهای فرد را پس از مرگ او فراهم کرده است، هدیه و تخفیفی از جانب خداوند برای مؤمنان است تا به این وسیله زمینهٔ غفران الهی و کاهش عذاب برای فرد ایجاد گردد؛ لذا می‌بینیم که غیر از نماز استیجاری که یکی از واجبات الهی است در اسلام توصیه شده است که بازماندگان مؤمنان از دنیا رفته، بعضی اعمال مستحبی همچون قرائت قرآن و نمازهای مستحبی و صدقات جاری را به نیابت از آنها انجام دهند و به آنها هدیه دهد.^۱

■ چه تفاوتی می‌کند که نمازتان را اول وقت بخوانیم یا بعد از آن؟

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام آثار فراوانی برای نماز اول وقت بیان گردیده که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. فی الحدیث النبوی صلی الله علیه و آله: "اذکروا موتاکم بالخیر" (ابن حجر الهیثمی، الصوامع المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، فیض‌الإله، ص ۵۰).

بشناسند و بعد از آن به سمت نماز بروند؛ هرچند هر کس باید بکوشد روز به روز بر معرفت خود نسبت به خداوند بیافزاید تا عبادتش در سطح والاتری قرار گیرد و جالب اینجاست که بر اساس قرآن کریم، خود عبادت یکی از راه‌های افزایش شناخت انسان نسبت به خدای عزیز است. در قرآن کریم خداوند خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: "و اعبد ربک حتی یاتیک الیقین"^۱؛ و پروردگارت را پرستش کن تا آنکه یقینی (مرگ)، تو را فرا رسد. البته این آیه نیز مانند بسیاری از آیات دیگر اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندارد؛ بلکه هر کس با عبادت می‌تواند به مقام یقین که بالاترین درجهٔ معرفت نسبت به خداست برسد.

■ اگر نماز برای این است که نمازگزار به کمال برسد، نمازهای استیجاری چیست؟

نماز عبادتی است دارای جنبه‌های متعدد. یک جنبهٔ آن این است که نمازگزار را از فحشاء و منکر باز می‌دارد و این یعنی اینکه آن شخص به کمال می‌رسد؛ اما جنبه‌های دیگری هم دارد از جمله تکلیفی الهی است که شخص باید آن را در زمان حیات خود به بی‌کم و کاست به انجام برساند و اگر چیزی از آن را در زمان حیاتش به انجام نرساند، باید پس از مرگش دیگری به نیابت از او

۱. حجر: ۹۹.

همسر خوب، خدا به من عنایت کند. فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان. و حاجت سومم این است که خدا یک کسب آبرومندی به من عنایت فرماید. فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان. این عملی را که ایشان فرمودند من شروع کردم و در فاصله سه سال هم به حج مشرف شدم، هم خدا به من زن مؤمن و صالح داد و هم کسب و کار آبرومندی به من عنایت کرد.^۱

برطرف شدن گرفتاری و ناراحتی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "بنده‌ای نیست که به اوقات نماز و اینکه خورشید در چه موقعیتی در آسمان قرار گرفته اهمیت بدهد، مگر اینکه من سه چیز را برای او ضمانت می‌کنم: برطرف شدن گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها، آسایش و خوشی به هنگام مردن و نجات از آتش."^۲

ورود به بهشت و دوری از جهنم

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: "هر کس نماز واجب را درحالی که نسبت به حق آن شناخت داشته باشد، به موقع بخواند و هیچ چیز دیگری را بر آن ترجیح ندهد، خداوند برای او سند رهایی از جهنم می‌نویسد که او را عذاب نکند و کسی که در به موقع به جا

۱. علی میرخلف‌زاده، داستان‌هایی از نماز اول وقت، ص ۱۲۱.

۲. قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۲.

برآورده شدن خواسته‌ها

حضرت عبدالعظیم حسنی از امام حسن عسکری علیه السلام روایت می‌کند آن حضرت فرمودند: "خداوند متعال با حضرت موسی علیه السلام تکلم کرد، حضرت موسی علیه السلام فرمود: خدای من! کسی که نمازها را در وقتش به‌جای آورد چه پاداشی دارد؟ خداوند فرمود: حاجت و درخواستش را به او عطا می‌کنم و به او اجازه می‌دهم وارد بهشتم شود."^۱

حجة الاسلام و المسلمین هاشمی نژاد فرمودند: پیرمردی مسن، ماه مبارک رمضان به مسجد لاله‌زار می‌آمد. خیلی آدم موفقی بود، همیشه قبل از اذان داخل مسجد بود. یک بار به او گفتم: حاج آقا، من هر روز که به مسجد می‌آیم می‌بینم شما زودتر از ما آمده‌اید جا بگیرید! گفت: آقا، من هرچه دارم از نماز اول وقت دارم و ادامه داد: من در نوجوانی به مشهد رفتم. مرحوم حاج شیخ حسن علی نخودکی را پیدا کردم و گفتم: من سه حاجت مهم دارم، دلم می‌خواهد هر سه را خدا در جوانی به من بدهد، یک چیزی به من یاد بدهید؟ ایشان فرمودند: چه می‌خواهی؟ گفتم: اول اینکه دلم می‌خواهد در جوانی به حج مشرف شوم، چون حج در جوانی لذت دیگری دارد. فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان. گفتم: دومین حاجتم این است که دلم می‌خواهد یک

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

استجاب دعا و بالا رفتن اعمال

در حدیث شریفی آمده است که به هنگام ظهر درهای آسمان گشوده می‌شود و درهای بهشت باز می‌گردد و دعا مستجاب می‌شود؛ پس خوشا به حال کسی که در آن هنگام برای او عمل صالحی بالا رود. در حدیثی دیگر از حضرت صادق علیه السلام آمده است که فرمودند: "... بهترین ساعت‌های شب و روز، وقت‌های نماز است." سپس فرمودند: "چون ظهر می‌شود درهای آسمان گشوده شده و بادها می‌وزند و خداوند به خلق خود نگاه می‌کند. به راستی که من بسیار دوست دارم در آن هنگام، عمل صالحی برای من بالا رود. آنگاه فرمودند: بعد از نمازها دعا کنید؛ چون مستجاب می‌شود."^۱

دوری شیطان و تلقین شهادتین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "تا زمانی که مؤمن مراقب انجام نمازهای پنج‌گانه در وقت آنها باشد، شیطان پیوسته از او هراسان است؛ اما اگر آنها را ضایع نمود، شیطان بر وی جرأت پیدا کرده و او را در گناهان بزرگ می‌اندازد."^۲ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "کسی که مراقب نمازهایش باشد ملک الموت، هنگام

۱. قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

۲. محمدعلی شرقی، اصول وافی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱ و ۹ و ۸۶.

نیابرد؛ بلکه چیزی دیگری را بر آن ترجیح دهد، خداوند می‌تواند او را ببخشد یا عذابش کند.^۱

در امان بودن از بلاهای آسمانی؛

قطب راوندی گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "هنگامی که خداوند از آسمان آفت و بلایی بفرستد، سه گروه از آن، در امان می‌مانند: حاملان قرآن، رعایت کنندگان خورشید؛ یعنی کسانی که وقت‌های نماز را محافظت می‌کنند و کسانی که مساجد را آباد می‌نمایند."^۲

خشنودی خداوند؛

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "اول وقت، خشنودی خداست و آخر وقت عفو خدا و عفو تنها به جهت گناه است."^۳ از طرف دیگر به تأخیر انداختن نماز، موجب خشم خداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمودند: "نماز را با وضوی کامل و شاداب در وقتش به‌جا آور که تأخیر انداختن نماز بدون جهت، باعث غضب پروردگار است."^۴

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱، ح ۲۳ و ص ۷۸، ح ۱.

۲. ری شهری، الصلاة فی الكتاب و السنة، ج ۱، ص ۳۲۹.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۹۰، ح ۱۶.

۴. محمدتقی مقدم، سرمایه سخنوران، ص ۳۰۶.

خود را صدا زدند و فرمودند: ناراحتیم. از اول عمرم تا حالا نمازم را اول وقت خوانده‌ام، چرا الان باید ده دقیقه تأخیر بیفتد؟

■ آثار و برکات معنوی نماز برای انسان چیست؟

توجه فرشتگان الهی به نمازگزار

حضرت علی علیه السلام فرمود: "وقتی فرد به نماز می‌ایستد، سه اتفاق خوب برای او می‌افتد: فرشتگانی او را از جای پاهایش تا آسمان احاطه می‌کنند و از آسمان بر سرش رحمت و نیکی فرو می‌ریزد و فرشته‌ای از سمت راست و چپ بر او گماشته می‌شود. در این حال اگر او توجه خود را از دست بدهد خدای تبارک و تعالی ندا می‌دهد: بهتر از من کسی را یافته‌ای که به او توجه می‌کنی؟ اگر نمازگزار می‌دانست با چه کسی مشغول مناجات است خسته نمی‌شد."

باز شدن درب رحمت الهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "... ای ابوذر، تا زمانی که در نماز هستی، در خانه پادشاه عالم را می‌کوبی و هر کس در خانه پادشاه را بسیار بکوبد، در برای او گشوده می‌شود. ای ابوذر، هیچ مؤمنی به نماز نمی‌ایستد مگر اینکه از بین عرش تا سرش بر او نیکی فرو می‌ریزد و فرشته‌ای مأمور می‌شود که بانگ برآورد: ای فرزند آدم اگر می‌دانستی از نماز چه بهره‌ای به دست می‌آوری و با چه کسی مشغول مناجات هستی خسته نمی‌شدی."

مرگ او، شیطان را از او دور می‌کند و شهادت به یگانگی خدا و نبوت پیامبرش را در آن لحظات مهمم به او تلقین می‌کند.^۱ بعضی دیگر از آثار و برکات نماز اول وقت که در روایات به آنها اشاره شده است، عبارتند از: زیاد شدن عمر، ثروت و فرزندان صالح در دنیا؛ در امان بودن از ترس و وحشت مرگ در موقع جان دادن، آسان شدن سؤال نکیر و منکر در قبر، وسیع شدن قبر، نورانی شدن چهره، دادن نامه عمل به دست راست و آسان گرفتن حساب در محشر، رضایت خداوند، سلام دادن خداوند عزیز به او و نگاه کردن از روی رحمت به او در هنگام عبور از صراط.^۲

حجة الاسلام انصاری می‌گوید: امام خمینی رحمته الله علیه در روزهای آخر عمرشان می‌خواستند بخوابند؛ به من فرمودند اگر خوابیدم، اول وقت نماز صدایم بزن، گفتم چشم. اول وقت نماز که فرا رسید دیدم امام رحمته الله علیه خوابیده‌اند، حیقم آمد صدایشان بزنم؛ عمل جراحی کرده بودند و هنوز بی‌رُم به دستشان وصل بود، گفتم صدایشان نزنم بهتر است. چند دقیقه‌ای از اذان گذشت و امام رحمته الله علیه چشم‌هایشان را باز کردند، گفتند: وقت نماز شده؟ گفتم: بله فرمودند: چرا صدایم نزدی؟ گفتم: ده دقیقه بیشتر از وقت نگذشته است. گفتند: مگر به شما نگفتم. سپس امام رحمته الله علیه فرزند

۱. همان.

۲. صدری مازندرانی، حیات عارفانه فرزندان، ص ۱۰ (به نقل از ثمرات، ص ۴۰۸).

است و محبوب خدا شده است در پرتو اهمیت دادن به نماز بوده است.

آرامش

انسان به طور فطری خداپرست آفریده شده است و از طرفی در دنیا گاهی استرس و اضطراب او را آزار می‌دهد. یاد خدا داروی شفابخش این اضطراب‌ها و تشویش‌هاست^۱ و مهم‌ترین راه یاد خدا نماز است.^۲

دور شدن از غفلت

غفلت باعث پیروی انسان از هوای نفس و شیطان می‌گردد و یاد خدا موجب از بین بردن غفلت است و نماز برجسته‌ترین شیوه یاد خداوند است.^۳

همراهی خدا در زندگی

خداوند به بندگان مؤمن خود وعده داده که همراه آنها باشد به

صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۰).

۱. "الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" (رعد: ۲۸).

۲. "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي" (طه: ۱۴).

۳. قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: "أَمَّا مُؤْمِنٌ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَاةً لَوْ قَتَلَهَا قَلْبَسَ هَذَا مِنَ الْعَافِلِينَ" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷۰).

حسادت شیطان

هنگامی که شخصی به نماز می‌ایستد، شیطان می‌آید و با حسادت به او نگاه می‌کند؛ زیرا می‌بیند که رحمت خدا او را فرا گرفته است.^۱

توجه نمودن خدا به بنده

امام علی علیه السلام فرمودند: هنگامی که شخصی به نماز می‌ایستد، چنان رحمت خداوند سر تا پای وجودش را می‌گیرد که حسادت شیطان برانگیخته می‌شود و شیطان با حسادت به او می‌نگرد.^۲

■ آیا نماز در دنیا هم برای انسان آثاری دارد؟

در پاسخ باید گفت در آموزه‌های دینی، برای نماز آثار فراوانی در دنیا بیان شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

بهترین وسیله تقرب به خدا

امام صادق علیه السلام نماز را بعد از شناخت خداوند مهم‌ترین وسیله تقرب به خدا معرفی می‌کنند.^۳ هر کس در این دنیا به مقامی رسیده

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۲۰۷.

۲. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: إِذَا اسْتَقْبَلَ الْمُصَلِّيَ الْقِبْلَةَ اسْتَقْبَلَ الرَّحْمَنَ بِوَجْهِهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹ ص ۲۱۹).

۳. سَأَلَ مَعَاوِيَةَ بْنَ وَهْبٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَ أَحَبِّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا هُوَ فَقَالَ: "مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليه السلام قَالَ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ" (شیخ

بازدارندگی از گناهان

بسیاری از افراد دوست دارند در زندگی به سراغ گناه و هوای نفس نروند ولی راه آن را نمی‌دانند، قرآن کریم راه دوری از فحشا و منکر را نماز معرفی می‌کند. به هر اندازه عیار نماز انسان بیشتر باشد، بازدارندگی آن از گناه بیشتر است.^۱

→

بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۲۰.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ قَالَ: "صَلَاةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمَلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ" (كليني، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۶).
عَنْ عَلِيِّ عليه السلام فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعَاءِ قَالَ: "مَنْ آتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غُفِرَ لَهُ ..." (حر
عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۸).

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فِي ظِلِّ شَجَرَةٍ فَأَخَذَ غُصْنًا مِنْهَا فَتَفَضَّهُ فَتَسَاقَطَ وَرَفَهُ فَقَالَ أَلَا تَسْأَلُونِي عَمَّا صَنَعْتُ فَقَالُوا أَخْبِرْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: "إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَحَاثَّتْ خَطَابَاتُهُ كَمَا تَحَاثَّتْ وَرَقُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ" (همان، ج
۴، ص ۱۰۳).

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم: "مَا مِنْ صَلَاةٍ يَخْضُرُ وَفَتْهَا إِلَّا تَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيِ النَّاسِ أَيُّهَا النَّاسُ قُومُوا إِلَى نيرانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ" (شيخ صدوق،
من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۸).

۱. "اتل ما أوحى إليك من الكتاب و أقم الصلاة إن الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنكر و
لذكر الله أكبر و الله يعلم ما تصنعون" (عنكبوت: ۴۵)

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: "اعلم أن الصلاة حُجْرَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا أَدْرَكَ
مِنْ تَفْعِ صَلَاتِهِ فَلْيَنْظُرْ فَإِنَّ كَانَتْ صَلَاتُهُ حَجْرَتَهُ عَنِ الْقَوَاحِشِ وَ الْمُنْكَرِ فَإِنَّمَا أَدْرَكَ مِنْ
تَفْعِهَا بِقَدْرِ مَا اخْتَجَرَ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَعْلَمْ مَا لِلَّهِ عِنْدَهُ" (وسائل
الشيعة، ج ۵، ص ۴۷۶)

عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: "الصَّلَاةُ حُجْرَةُ اللَّهِ وَ ذَلِكَ أَنَّهَا تَحْجِزُ الْمُصَلِّيَّ عَنِ الْمَعَاصِي مَا

شرط آنکه نماز را برپا کنند.^۱

بخشش گناهان

در روایات فراوانی نماز از مهم‌ترین عوامل بخشش گناهان معرفی گردیده است. به فرموده امیر مؤمنان عليه السلام آیه ۱۱۴
سوره هود، امیدوارکننده‌ترین آیه قرآن است که در آن خداوند نماز
را پاک کننده گناهان معرفی می‌نماید.^۲

۱. "و لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ
لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ ..." (مائده: ۱۲).

۲. "و أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذَكَرَى
لِلَّذَاكِرِينَ" (هود: ۱۱۴); عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَحَدَهُمَا عليه السلام يَقُولُ إِنَّ
عَلِيًّا عليه السلام أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ: "أَيُّهُ آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَرْجَى عِنْدَكُمْ" فَقَالَ بَعْضُهُمْ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ قَالَ حَسَنَةً وَ لَيْسَتْ إِيَّاهَا وَ
قَالَ بَعْضُهُمْ وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ الْآيَةُ قَالَ حَسَنَةً وَ لَيْسَتْ إِيَّاهَا فَقَالَ
بَعْضُهُمْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ قَالَ حَسَنَةً وَ
لَيْسَتْ إِيَّاهَا وَ قَالَ بَعْضُهُمْ وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ
فَأَسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ قَالَ حَسَنَةً وَ لَيْسَتْ إِيَّاهَا قَالَ ثُمَّ أَحْجَمَ النَّاسُ فَقَالَ مَا لَكُمْ يَا
مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ قَالُوا: "لَا وَ اللَّهَ مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُولُ
أَرْجَى آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ وَ قَرَأَ الْآيَةَ كُلُّهَا وَ
قَالَ يَا عَلِيُّ وَ الَّذِي بَعْتَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَقُومُ إِلَى وَضُوئِهِ فَتَسَاقَطُ
عَنْ جَوَارِحِهِ الذُّنُوبُ فَإِذَا اسْتَقْبَلَ اللَّهُ بِوَجْهِهِ وَ قَلْبِهِ لَمْ يَنْفَتِلْ عَنِ صَلَاتِهِ وَ عَلَيْهِ مِنْ
ذُنُوبِهِ شَيْءٌ كَمَا وَ لَدَيْهِ أَمَةٌ فَإِنَّ أَصَابَ سَيِّئًا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى عَدَّ
الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّمَا مَثَرَةُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ لِأُمَّتِي كَنَهْرٍ جَارٍ عَلَى بَابٍ
أَحَدِكُمْ فَمَا ظَنَّ أَحَدُكُمْ لَوْ كَانَ فِي جَسَدِهِ دَرَنْ ثُمَّ اغْتَسَلَ فِي ذَلِكَ النَّهْرِ خَمْسَ مَرَّاتٍ
فِي الْيَوْمِ أَوْ كَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ دَرَنْ فَكَذَلِكَ وَ اللَّهُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ لِأُمَّتِي" (مجلسی،

بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد.^۱

دوری از حرص، طمع و ناشکیبایی

خداوند نوع انسان را حریص و بخیل و عجول آفریده است و این صفات تنها با نماز از بین می‌رود. بنابراین یکی از آثار نماز، رهایی از این صفات مذموم است.^۲

دفع بلا

امام صادق علیه السلام فرمودند: "به واسطه شیعیانی که اهل نماز هستند خداوند عذاب را از بی‌نمازها بر می‌دارد و گرنه اگر همه نماز را ترک می‌کردند هلاک می‌شدند"^۳ و در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همین مطلب را فرموده‌اند؛ البته با این تعبیر که "به سبب کسانی که با نمازشان زمین و مساجد را آباد نگاه می‌دارند."^۴

۱. "...فَمَا أُزْغَمُ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَ أُزْغَمُ أَنْفَ الشَّيْطَانِ" (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۸).

۲. "إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُصَلِّينَ" (معارج: ۱۹-۲۲).

۳. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: "إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ مَنَ يُصَلِّي مِنْ شَيْعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُصَلِّي مِنْ شَيْعَتِنَا وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الصَّلَاةِ لَهَلَكُوا ... وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لَوْ لَا دَفَعَهُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸).

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: "إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَ فِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَنَ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ"

سپری در مقابل شیطان

شیطان قسم خورده است همه انسان‌ها را گمراه کند و قرآن کریم نیز شیطان را دشمن آشکار انسان‌ها معرفی نموده است؛ حال برای دوری از این دشمن قسم خورده لازم است به سراغ چیزی رویم که او از آن متنفر است و آن نماز است که در روایات فراوانی به این مسئله اشاره شده است؛^۱ زیرا شیطان در برابر خداوند تکبر ورزید و سجده نکرد و حضرت زهرا علیها السلام هم فرمودند: "خداوند نماز را برای دوری از تکبر واجب نمود". از اینجا معنا و دلیل سخن امام زمان علیه السلام روشن می‌شود که فرمودند: "هیچ چیزی مانند نماز،

دَامَ فِي صَلَاتِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۵).

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: "لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِإِبْنِ آدَمَ دَعِرًا مِنْهُ مَا صَلَّى الصَّلَاةِ الْخَمْسَ لَوْ قَتَلَتْهُ فَإِذَا صَبَعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَادَّخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۱)؛ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم: "أَوَّلُ مَا يَمَسُّ الْمَاءَ يَتَّبَعِدُ عَنْهُ الشَّيْطَانُ فَإِذَا هَمَّ مَضَّ نَوْرَ اللَّهِ قَلْبَهُ وَ لِسَانَهُ بِالْحِكْمَةِ..." (همان، ج ۱، ص ۳۹۶)؛ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: "أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَ صَابَا الْأَنْبِيَاءِ فَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلُ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيَسْبِغُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أُنَيْسٌ فَيَشْرَفُ عَلَيْهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسَ يَا وَيْلَاهُ أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتُ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۴)؛ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام فِي حَدِيثٍ "إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ يُثَنِّتُهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ" (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۸).

■ نماز چه آثاری برای انسان در هنگام مرگ و عالم برزخ و قیامت دارد؟

راحتی هنگام مرگ

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای کسی که به نماز اهمیت بدهد موارد زیر را ضمانت کرده است: راحتی هنگام مرگ و رهایی از غم اخروی و نجات از آتش دوزخ.^۱

انس نماز با انسان در قبر و دفع وحشت قبر

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: "نماز در قبر به صورت شخصی نورانی نزد میت می آید و با او در قبرش انس می گیرد و ترس و اضطراب عالم برزخ را از او دور می سازد."^۲

دفع عذاب جهنم و ورود در بهشت

نماز کلید بهشت و رسیدن به پاداش های عظیم الهی^۳ و ترک

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "مَا مِنْ عَبْدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا صَمِنَتْ لَهُ الرَّوْحُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقَطَعَ الْهَمُومُ وَ الْأَحْزَانُ وَ النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ كُنَّا مَرَّةً رُعَاةَ الْإِبِلِ فَصَرْنَا الْيَوْمَ رُعَاةَ الشَّمْسِ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۹).
 ۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنَّ الصَّلَاةَ تَأْتِي إِلَى الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ بِصُورَةِ شَخْصٍ أَنْوَرُ الْوَلُونِ يُؤْنِسُهُ فِي قَبْرِهِ وَ يَدْفَعُ عَنْهُ أَهْوَالَ الْبَرْزَخِ" (الحکم الزاهرة، ترجمه انصاری، ص ۳۷۵).
 ۳. عَنْ أَبِي بَنْ بِنٍ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: "يَا أَبَانَ هَذِهِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ مَنْ أَقَامَهُنَّ وَ حَافِظًا عَلَى مَوَاقِيتِهِنَّ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدَهُ عَهْدٌ يُدْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّهِنَّ لِمَوَاقِيتِهِنَّ قَدَلِكَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ عَقَرَ لَهُ وَ إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۷).

برطرف شدن مشکلات

قرآن کریم به مؤمنان دستور می دهد که از نماز و صبر کمک بگیرند و این موضوع اهمیت نماز و نقش نماز در رفع سختی ها و گرفتاری ها را می رساند.^۱ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز هر گاه مشکلی برایشان رخ می داد به نماز پناه می برد.^۲ همچنین خانواده خود را در مشکلات به سمت نماز سوق می دادند.^۳

برکت در مال و دوری از فقر

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره نماز سؤال شد. حضرت فرمودند: "نماز موجب برکت مال و وسعت در رزق و روزی است."^۴

بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لِأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي" (همان، ج ۱۶، ص ۹۲).
 ۱. "وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ" (بقره: ۴۵); "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ" (بقره: ۱۵۳).
 ۲. رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ "كَانَ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ فَرَعَ إِلَى الصَّلَاةِ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۲).
 ۳. عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَصَابَ أَهْلَهُ حَاصَةٌ قَالَ لَهُمْ: "قُومُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَ قَالَ بِهِذَا أَمَرَ رَبِّي" (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۴۲).
 ۴. سَأَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الصَّلَاةِ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا ... وَ بَرَكَتٌ فِي الرِّزْقِ ..." (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۳۱); قال: "... وَ هِيَ (نماز) ... وَ الْبَرَكَةُ فِي الْمَالِ وَ سَعَةُ الرِّزْقِ ... وَ اسْتِنزَالُ الرَّحْمَةِ ... وَ حِصْنُ الْمَالِ ..." (شعیری، جامع الأخبار، ص ۷۲).

فصل چهارم: نماز پیامبر و ائمه علیهم السلام چگونه بوده؟

■ رابطه پیامبران با نماز و دیدگاه آنها نسبت به آن چگونه بود؟
با مطالعه قرآن کریم متوجه می شویم که خداوند پیامبران و اولیای بزرگ خود را به نماز دستور داده و سفارش کرده است. برای نمونه مواردی را بیان می کنیم:

ابراهیم و اسحاق و یعقوب علیهم السلام

خداوند پیامبران بزرگ خود ابراهیم و اسحاق و یعقوب را به اقامه نماز، فرمان می دهد.^۱

حضرت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام پس از تولد، اولین سخنانی که گفت این بود که خداوند مرا به نماز و زکات سفارش نموده است.^۲

۱. " وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ * وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ" (انبیا: ۷۲ و ۷۳).

۲. " وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَوَصَّيَنِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا" (مریم: ۳۱).

نمازی سبب ورود به جهنم و عذاب است^۱ و امام صادق علیه السلام در سخنی بسیار بزرگ و شایسته اندیشیدن عمیق می فرماید: " برای رهایی از عذاب کافی است یک نماز انسان پذیرفته گردد".^۲

۱. " فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * فَالْوَالِمُ نَكَ مِنَ الْمُصَلِّينَ" (مدثر: ۴۰-۴۳)

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: " مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاجِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۶).

مثل حضرت ابراهیم علیہ السلام نہ تنها آرزو می کند خودش پیش خدا جزء بر پا دارندگان نماز به شمار آید؛ بلکه فرزندانش هم به این فضیلت برسند. همچنین ایشان پس از هجرت و جای دادن هاجر و اسماعیل در سرزمین مکه، هدف خود از این کار را اقامه نماز معرفی می کند.^۱

حضرت اسماعیل صادق الوعد علیہ السلام

این پیامبر الهی همیشه خانواده خود را به نماز سفارش می کرد.^۲

حضرت شعیب علیہ السلام

قوم حضرت شعیب علیہ السلام وقتی پافشاری حضرت شعیب بر اقامه نماز را می دیدند، او را مسخره می کردند و به او می گفتند: "ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می دهد آنچه را پدرانمان می پرستیدند، ترک کنیم، یا آنچه را می خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی!"^۳

۱. "رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ" (ابراهيم: ۳۷).

۲. "و اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا * وَكَانَ بِأَمْرٍ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا" (مریم: ۵۴ و ۵۵).

۳. "قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يُعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْخَلِيمُ الرَّشِيدُ" (هود: ۸۷).

حضرت مریم علیہا السلام

خداوند به حضرت مریم علیها السلام به قنوت و سجده و رکوع دستور داده است.^۱

حضرت موسی علیہ السلام

خداوند پس از بعثت موسی و نیز پس از ساکن شدن او در مصر، وی را به نماز دستور می دهد.^۲

همچنین می بینیم که انبیاء الهی و بندگان برجسته خداوند، خود به نماز اهمیت زیادی می دادند و خانواده و جامعه خود را به آن سفارش می کردند و سختی هایی را هم که گاهی در این راه برایشان پیش می آمد، با آغوش باز پذیرا می شدند. اکنون چند مورد را با هم بازخوانی می کنیم.

حضرت ابراهیم علیہ السلام

حضرت ابراهیم علیہ السلام از خداوند درخواست می کند او و بعضی از فرزندانش را جزء برپادارندگان نماز قرار دهد.^۳ این نشان دهنده آن است که نمازگزار بودن چقدر ارزش و اهمیت دارد. شخصیت بزرگی

۱. "يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ" (آل عمران: ۴۳).

۲. "و اَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمَ كَمَا مِمْصَرَ بُونَا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ" (يونس: ۸۷)؛ "و أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى * إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي" (طه: ۱۳ و ۱۴).

۳. "رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ" (ابراهيم: ۴۰).

در این زمینه باز هم می‌توان نمونه‌های دیگری را بیان کرد، ولی به همین اندازه اکتفا می‌کنیم؛ فقط به یک نکته دیگر اشاره کنیم که آخرین وصیت تمام پیامبران الهی نیز سفارش به نماز بود.^۱ این شیوه در سیره رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نیز گزارش شده است.^۲

■ جایگاه نماز در روایات اهل بیت علیهم السلام چیست؟

- نماز، نخستین واجب دینی است.
- مرحوم ابن شهر آشوب روایت نموده است تا زمانی که پیامبر اکرم در مکه بودند هیچ عبادتی غیر از طهارت و نماز بر ایشان واجب نگردید.^۳

۱. عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: "أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ وَهِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلُ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيُسَبِّحُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَنْبَسُ فَيُشْرَفُ عَلَيْهِ وَهُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِلَيْسُ يَا وَيْلَاهُ أَطَاعَ وَعَصَيْتُ وَسَجَدَ وَأَبَيْتُ" (كليني، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۴).

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تَتَهَاوَنُ بِصَلَاتِكَ فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ... لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْخَوْضُ لَا وَاللَّهِ. (همان، ج ۳، ص ۲۶۹)؛ فِيمَا أَوْصَى بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ وَفَاتِهِ الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ... (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۰)؛ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ أُعْزِبُهَا بِأبي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَكَتُ وَبَكَتُ يُبَاكِئُهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتُ عَجَبًا فَتَحَّ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَجْمَعُوا كُلَّ مَنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ قَرَابَةً قَالَتْ فَمَا تَرَكْنَا أَحَدًا إِلَّا جَمَعَنَاهُ فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ سَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَحْفًا بِالصَّلَاةِ (حر

عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۶).

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۲.

الثانية ما رواه الشعبي و داود بن عامر أن الله تعالى قرن جبرئيل بنبوة نبيه ثلاث سنين

حضرت لقمان علیهم السلام

لقمان حکیم این شخصیت درخشان که خداوند تعالی سخنان درست و استوار او را در کتاب مقدس خود آورده است، فرزندش را به اقامه نماز سفارش می‌نماید.^۱

پیامبر اکرم ﷺ

حضرت محمد مصطفی ﷺ نیز خانواده خود را به نماز توصیه می‌نمود؛ آنجا که قرآن به او دستور می‌دهد خانواده‌اش را به نماز فرمان دهد و می‌دانیم که آن حضرت پیش و بیش از هر کس دیگری به دستورات خداوند عمل می‌کرده است. همچنین پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که معاذ را به نمایندگی از خود به سوی مردم یمن می‌فرستد، به او می‌فرماید: "همه اسلام را برای مردم یمن آشکار نما ولی بیشترین همت تو صرف برپاداشتن نماز باشد".^۲

و نیز ایشان در موارد دیگری مانند غدیر خم نیز مردم را با ندای "اقیموا الصلاة" به نماز سفارش کردند.^۳

۱. "يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ" (لقمان: ۱۷).
۲. "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا تَحْنُ تَزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى" (طه: ۱۳۲).
۳. "... وَأَظْهَرَ أَمْرَ الْإِسْلَامِ كُلَّهُ صَغِيرُهُ وَكَبِيرُهُ وَ لِيَكُنْ أَكْثَرَ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ" (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۶).
۴. "مَعَايِرَ النَّاسِ - أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ * كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ" (طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۶۵).

- شرط نایل شدن به شفاعت معصومان و نوشیدن از حوض کوثر، اهمیت دادن به نماز است.^۱
- آخرین سفارش همه پیامبران نماز بود.^۲
- اولین دستوری که بعد از بعثت به حضرت موسی عليه السلام وحی گردید.^۳

→

یحاسب به العبد الصلاة فإن قبلت قبل ما سواها إن الصلاة إذا ارتفعت في أول وقتها رجعت إلى صاحبها و هي بيضاء مشرقة تقول حفظتني حفظك الله و إذا ارتفعت في غير وقتها يغير حدودها رجعت إلى صاحبها و هي سوداء مظلمة تقول ضيعتني ضيعك الله" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۸).

۱. عنه عن ابن فضال عن عبد الله بن بكر عن زرارة قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: "دخل رجل مسجدا فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فصلى فخفف سجوده دون ما ينبغي أو دون ما يكون من السجود فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم نقر كنقر الغراب لو مات مات على غير دين محمد صلى الله عليه وآله وسلم و في رواية أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لا ينال شفاعتي من استخف بصلاته و لا يرد علي الحوض لا و الله و في رواية ابن محبوب رفع الحديث إلى أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في مرضه الذي توفي فيه و أغمي عليه ثم أفاق فقال لا ينال شفاعتي من آخر الصلاة بعد وقتها" (أحمد بن محمد بن خالد برقي، المحاسن، ج ۱، ص ۷۹).

۲. علي بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن هارون بن خارجة عن زيد الشحام عن أبي عبد الله عليه السلام قال سمعته يقول: "أحب الأعمال إلى الله عز و جل الصلاة و هي آخر و صايا الأنبياء عليهم السلام فما أحسن الرجل يغتسل أو يتوضأ فيسبغ الوضوء ثم يتنحى حيث لا يراه أنيس فيشرف عليه و هو راكع أو ساجد إن العبد إذا سجد فأطال السجود نادى إبليس يا و يلاه أطاع و عصيت و سجد و أبيت" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۴).

۳. " و انا اخترتك فاستمع لما يوحى ...واقم الصلاة لذكرى" (طه: ۱۴).

- اولین چیزی که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم به مسلمانان تعلیم داد، نماز بود.^۱
- نماز، ستون عملی دین مبین اسلام معرفی شده است.^۲
- اولین فرع از فروع دین مبین اسلام نماز است.
- اولین چیزی که در روز قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد و قبولی سایر اعمال بستگی به قبولی آن دارد، نماز است.^۳

→

یسمع حسه و لا یری شخصه و یعلمه الشيء بعد الشيء و لا ينزل عليه القرآن فكان في هذه المدة مبشرا غير مبعوث إلى الأمة و الثالثة حديث خديجة و و رقة بن نوفل الرابعة أمره بتحديث النعم فأذن له في ذكره دون إنذاره قوله و أما بنعمة ريك فحدث أي بما جاءك من النبوة و الخامسة حين نزل عليه القرآن بالأمر و النهي فصار به مبعوثا و لم يؤمر بالجهر و نزل يا أيها المدثر فأسلم علي و خديجة ثم زيد ثم جعفر و السادسة أمر بأن يعم بالإنذار بعد خصومه و يجهر بذلك و نزل فاصدع بما تؤمر قال ابن إسحاق و ذلك بعد ثلاث سنين من مبعثه و نزل و أندر عشرتك الأقرين فنأدى يا صباحاه و السابعة العبادات لم يشرع منها مدة مقامه بمكة إلا الطهارة و الصلاة و كانت فرضا عليه و سنة لأمته ثم فرضت الصلوات الخمس بعد إسرائه و ذلك في السنة التاسعة من نبوته (متقى هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۶، اول ما افترض الله على امتی الصلوات الخمس).

۱. همان، ج ۷، ح ۱۸۸۵.

۲. أحمد بن إدريس عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان عن حمزة بن حمران عن عبيد بن زرارة عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: "مثل الصلاة مثل عمود القسط إذا ثبت العمود نفعت الأطناب و الأوتاد و الغشاء و إذا انكسر العمود لم ينفع طناب و لا وتد و لا غشاء" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۶).

۳. أبا جعفر عليه السلام: "كل سهو في الصلاة يطرح منها غير أن الله تعالى يتم بالنوافل إن أول ما

- نماز، مایه فرار و ترس شیطان است.^١

- پرچم دین مبین اسلام، نماز است.^٢

→

بها- فلما أصبح أخرجه إلى عرفات و قد كان علمه حين أخرجه من مكة الإحرام و علمه التلبية- فلما زالت الشمس يوم عرفة قطع التلبية و أمره أن يغتسل فلما صلى العصر أوقفه بعرفات و علمه الكلمات التي تلقاها من ربه- و هي "سبحانك اللهم و بحمدك لا إله إلا أنت- عملت سوءا و ظلمت نفسي و اعترفت بذنبي- فاغفر لي إنك أنت الغفور الرحيم- سبحانك اللهم و بحمدك لا إله إلا أنت- عملت سوءا و ظلمت نفسي و اعترفت بذنبي- فاغفر لي إنك خير الغافرين" (تفسير القمي، ج ١، ص ٤٤)، و أما صلاة المغرب فهي الساعة التي تاب الله تعالى فيها على آدم و كان بين ما أكل من الشجرة و بين ما تاب الله عليه ثلاثمائة سنة من أيام الدنيا و في أيام الآخرة يوم كألف سنة ما بين العصر و العشاء فصلى آدم ثلاث ركعات ركعة لخطيئته و ركعة لخطيئة حواء و ركعة لتوبته فافترض الله عزوجل هذه الثلاث ركعات على أمتي (شيخ صدوق، عمل الشرائع، ج ٢، ص ٣٣٨).

١. علي بن محمد عن سهل بن زياد عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: "لا يزال الشيطان ذعرا من المؤمن ما حافظ على الصلوات الخمس فإذا ضيعهن تجرأ عليه فأدخله في العظام" (كليني، اصول کافی (ط - الإسلامية)، ج ٣، ص ٢٦٩).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: "لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يَرْعَبُ مِنْ نَبِيِّ آدَمَ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ وَ أَوْقَعَهُ فِي الْعِظَائِمِ" (مجلسي، بحار الانوار، ج ٧٩، ص ٢٠٢).

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: "إِنَّ لِلَّيْلِ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الرَّهَاءُ فَإِذَا اسْتَيْقَظَ الْعَبْدُ وَ أَرَادَ الْقِيَامَ إِلَى الصَّلَاةِ قَالَ لَهُ لَيْسَتْ سَاعَتُكَ ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ مَرَّةً أُخْرَى فَيَقُولُ لَهُ لَمْ يَأْنِ لَكَ فَمَا يَزَالُ كَذَلِكَ يَزِيلُهُ وَ يَخْبِسُهُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ بَالَ فِي أذُنِهِ ثُمَّ انْصَاعَ يَمْصَعُ بِدَنْبِهِ فَخَرًّا وَ يَصِيحُ" (حر عاملي، وسائل الشيعه، ج ٨، ص ١٦٣)

٢. "علم الاسلام الصلاة" (متقى هندی، كنز العمال، ج ٧، ص ٢٧٩).

- اولین عبادتی که حضرت آدم عليه السلام از هبوط انجام داد، نماز است.^١

١. أقول روى السيد في كتاب سعد السعود أنه رأى في صحف إدريس عليه السلام أمر الله الملائكة فحملت آدم و زوجته حواء على كرسي من نور و أدخلوهما الجنة- فوضعا في و سط الفردوس من ناحية المشرق ثم ذكر حديث إقامة آدم ع- خمس ساعات من نهار ذلك اليوم في الجنة و أكله من الشجرة و ذكر حديث إخراجهم من الجنة و هبوط آدم بأرض الهند على جبل اسمه باسم علي و اد اسمه نهيل بين الدهنج و المندل بلدي الهند و هبطت حواء بجدة و معاينة الله جل جلاله لهما ثم قال الله لهما قد بتما ليلتكما هذه لا يعرف أحدكما مكان صاحبه و أنتما بعيني و حفظي أنا جامع بينكما في عافية و إن أفضل أوقات العباد الوقت الذي أدخلتكم و زوجتكم الجنة عند زوال الشمس فسبحتماني فيها فكتبتها صلاة و سميتها لذلك الأولى و كانت في أفضل الأيام يوم الجمعة ثم أهبطتكم إلى الأرض وقت العصر فسبحتماني فيها فكتبتها لكما أيضا صلاة و سميتها لذلك بصلاة العصر ثم غابت الشمس فصليت لي فيها فسميتها صلاة المغرب ثم جلست لي حين غاب الشفق فسميتها صلاة العشاء و قد فرضت عليك و على نسلك في كل يوم و ليلة خمسين ركعة فيها مائة سجدة فصلها يا آدم أكتب لك و لمن صلاها من نسلك ألفين و خمسمائة صلاة و هذا شهر نيسان المبارك فصمه لي فصام آدم ثلاثة أيام من شهر نيسان و ذكر حديث فطوره و حديث حج آدم عليه السلام إلى الكعبة (مجلسي، بحار الأنوار، ج ١١، ص ١٩٦).

فإنه حدثني أبي عن ابن أبي عمير عن أبان بن عثمان عن أبي عبد الله عليه السلام قال إن آدم عليه السلام بقي على الصفا أربعين صباحا ساجدا- يبكي على الجنة و على خروجه من الجنة من جوار الله عز و جل- فنزل عليه جبرئيل عليه السلام فقال يا آدم ما لك تبكي فقال يا جبرئيل ما لي لا أبكي و قد أخرجني الله من الجنة من جواره- و أهبطني إلى الدنيا فقال يا آدم تب إليه قال و كيف أتوب- فأنزل الله عليه قبة من نور فيه موضع البيت فسطح نورها في جبال مكة فهو الحرم فأمر الله جبرئيل أن يضع عليه الأعلام- قال قم يا آدم فخرج به يوم التروية و أمره أن يغتسل و يحرم- و أخرج من الجنة أول يوم من ذي القعدة فلما كان يوم الثامن من ذي الحجة أخرج جبرئيل عليه السلام إلى منى فبات

از اینکه بنده، خدا را یاد می‌کند. نمی‌بینی خداوند در قرآن^۱ می‌فرماید: مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم".^۲

- نماز موجب بهره‌مندی از رحمت الهی است به گونه‌ای که اگر بنده حقیقتاً می‌دانست در وقت نماز چه کسی به او نظر می‌کند و او دارد با چه کسی مناجات می‌کند هرگز از حالت نماز خارج نمی‌شد.^۳

- نماز یکی از مهم‌ترین وسایل شستشوی انسان از گناهان است.^۴

- کلید همه خوبی‌هاست.^۵

- اولین عمل امام زمان علیه السلام پس از ظهور، اقامه نماز است.^۱

۱. بقره: ۱۵۲.
۲. عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام: "أَنَّه قَالَ ذَكَرَ اللهُ لِأَهْلِ الصَّلَاةِ أَكْبَرَ مِنْ ذِكْرِهِمْ إِيَّاهُ أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹).
۳. محمد بن الحسن عن سهل بن زیاد عن ابن محبوب عن أبي حمزة عن أبي جعفر علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: "إذا قام العبد المؤمن في صلاته نظر الله إليه أو قال أقبل الله عليه حتى ينصرف وأظلمته الرحمة من فوق رأسه إلى أفق السماء والملائكة تحفه من حوله إلى أفق السماء و وكل الله به ملكاً قائماً على رأسه يقول له أيها المصلي لو تعلم من ينظر إليك و من تناجي ما التفت و لا زلت من موضعك أبداً" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۵).
۴. و عن النبي صلی الله علیه و آله قال: "مثل الصلاة و أعمال بني آدم كرجل أتى مراغة فأثار عليه منها حتى امتلأ تراباً و دنسا ثم عمد إلى غدير ماء طيب فاغتسل به فيذهب عنه التراب و الدنس كذلك الصلوات الخمس تغسل عن العبد الذنوب إذا صلى لله من قلبه" (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۹۱).
۵. "الصلاه مفتاح كل خير" (ری شهری، الصلاة، ص ۱۲۰).

- اولین عملی که به سوی خداوند بالا می‌رود، نماز است.^۱

- حضرت ابراهیم علیه السلام دعا کرد خداوند او را جزء برپادارندگان نماز قرار دهد.^۲

- هدف حضرت ابراهیم علیه السلام از هجرت به مکه و رها کردن همسر و فرزند خود بدون سرپرست کنار کعبه، اقامه نماز بود.^۳

- به سبب بر پا داشتن نماز، دین پا برجا می‌ماند.^۴

- نماز، نور و مایه روشنایی مؤمن است.^۵

- نماز، مایه روشنی چشم پیامبر است.^۶

- نماز، وسیله رهایی از غفلت است.^۷

- نماز باعث می‌شود خداوند آن نمازگزار را یاد کند. امام باقر علیه السلام فرمود: "اینکه خداوند اهل نماز را یاد کند، بزرگ‌تر است

۱. "اول ما يرفع من اعمالهم الصلوات الخمس" (همان، ج ۷، ص ۲۷۶).
۲. "رب اجعلني مقيم الصلاة و من ذريتي ربنا و تقبل دعاء" (ابراهيم: ۴۰).
۳. "رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ و ارزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ" (ابراهيم: ۳۷).
۴. "قيم الدين الصلاة" (ری شهری، الصلاة، ص ۲۴).
۵. عن النبي صلی الله علیه و آله: "الصلاة نور المؤمن (جامع الأخبار للشعيري)، ص ۸۵).
۶. محمد بن أبي عمير عن بكار بن كردم و غير و احد عن أبي عبد الله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: "جعل قرّة عيني في الصلاة" (كلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۱).
۷. قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: "أَيُّهَا مُؤْمِنِ حَافِظْ عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَاهَا لَوْ قَفَيْتَهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ" (كلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷۰).

■ نماز خواندن پیامبر ﷺ چگونه بود؟ این گونه که اکنون شیعه می‌خوانند یا آن گونه که اهل سنت؟ به چه دلیل؟
این گونه که امروز شیعه می‌خوانند و اما دلیل این سخن را در ضمن چند نکته بیان می‌کنیم.

اول. حدود صد سال، نگارش احادیث پیامبر ﷺ در بین اهل سنت ممنوع بود؛ در نتیجه بیشتر روایاتی که در اختیار اهل سنت هست، روایاتی است که پس از آن دوره ممنوعیت صدساله، نوشته شده‌اند و طبیعی است که در این مدت طولانی بسیاری از همراهان (صحابه) پیامبر ﷺ از دنیا رفتند و لذا اهل سنت بسیاری از روایات خود را نه از زبان کسانی که پیامبر ﷺ را دیده و با او هم‌نشینی کرده بودند؛ بلکه از زبان کسانی که صحابه پیامبر ﷺ را دیده بودند (تابعان) دریافت کرده‌اند.

درحالی‌که امامان شیعه، سیره و سنت پیامبر اکرم ﷺ را از همان آغاز، نسل به نسل و بدون کم و زیاد چه به صورت نوشته و چه به صورت شفاهی به امام بعد از خود و نیز یاران نزدیک و نیز دیگر شیعیان منتقل کردند. بنابراین ارزش و اعتبار روایات شیعه و اطمینان به صحت و درستی آنها که از زبان فرزندان معصوم پیامبر ﷺ دریافت کرده‌اند، بیش از روایات اهل سنت است که روایان آنها انسان بوده‌اند و ممکن الخطا و بعضی از آنها نیز انسان‌هایی مغرض و فریبکار بوده‌اند. در نتیجه، شیوه نماز خواندن

- وسیله ارتباط بنده با پروردگار نماز است.^۲
- مرز بین ایمان و کفر نماز است.^۳
- دوست داشتنی‌ترین عمل نزد خداوند متعال است.^۴
- گران‌بهاترین عمل در روز قیامت است.^۵
- رمز رستگاری انسان‌های مؤمن است.^۶
- به‌جا آوردن واجبات مخصوصاً نماز موجب استجاب دعا می‌گردد.^۷

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.
۲. فإن النبي ﷺ قال: "المصلي يناجي ربه" (همان، ج ۶۸، ص ۲۱۶، باب ۶۶).
۳. و عنه عن محمد بن علي عن ابن محبوب عن جميل بن صالح عن يزيد بن معاوية العجلي عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ: "ما بين المسلم و بين أن يكفر إلا ترك صلاة فريضة متعمدا أو يتهاون بها فلا يصلحها" (أحمد بن محمد بن خالد برقي، المحاسن، ج ۱، ص ۸۰).
۴. "ليس عمل أحب إلى الله عز و جل من الصلاة فلا يشغلنكم عن أوقاتها شيء من أمور الدنيا" (شيخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۱).
۵. جعفر بن أحمد القمي في كتاب الغايات، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: "إن أفضل الأعمال عند الله يوم القيامة الصلاة" (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۴۲).
۶. اعلی: ۱۴.
۷. و بإسناده قال قال رسول الله ﷺ: "من أدى فريضة فله عند الله دعوة مستجابة" (صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۳).

همین وقفه صد ساله در نگارش حدیث در بین اهل سنت و عواملی دیگر سبب شده است که اهل تسنن درباره شیوه نماز خواندن پیامبر ﷺ اختلاف نظر فاحشی داشته باشند و این خود دلیل محکمی بر تحریف سنت رسول خدا ﷺ در روایات آنان است؛ برای مثال در برخی روایات اهل سنت دست روی دست گذاشتن در نماز برای رسول خدا گزارش نشده است و این در حالی است که امامان معصوم شیعه که بیان کننده حقیقی سنت رسول خدا هستند، این کار را بدعت و حرام و عمل مجوس دانسته‌اند و فقهای شیعه نیز بر اساس آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در این مورد اختلاف ندارند و همه آن را حرام و موجب باطل شدن نماز دانسته‌اند؛ بر خلاف فقهای اهل سنت که برخی همچون مالکی‌ها مستحب نمی‌دانند و برخی مستحب می‌دانند.

بازگشت، پیامبر ﷺ نیز فرمود: برگرد باز نماز بگذار، این کار سه بار تکرار شد، سرانجام آن مرد عرض کرد: سوگند به خدایی که تو را به حق مبعوث کرده است، من جز آنچه انجام می‌دهم، چیزی نمی‌دانم، چه بهتر که نماز را به من بیاموزی. در این هنگام پیامبر ﷺ فرمود: "هرگاه به نماز ایستادی تکبیر بگو، سپس آنچه از آیات قرآن می‌دانی، بخوان، سپس رکوع کن به گونه‌ای که بدنت آرام گردد" آنگاه پیامبر ﷺ دیگر اجزا و شروط نماز را به او می‌آموخت.

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: "قُلْتُ لَهُ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ قَالَ النَّحْرُ الْإِعْتِدَالُ فِي الْقِيَامِ أَنْ يُقِيمَ صَلْبُهُ وَ نَحْرُهُ وَ قَالَ لَا تُكْفَرُ فَإِنَّمَا يَصْنَعُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳۶).

شیعه همان نحوه نماز خواندن پیامبر ﷺ است.^۱

۱. الف: حدیث ابی حمید ساعدی: حدیث ابی حمید ساعدی را برخی از محدثان (سَنِي) روایت کرده‌اند و ما از کتاب سنن بیهقی نقل می‌کنیم که گفت: او رو به اصحاب پیامبر کرد و گفت: من داناترین شما به نماز رسول خدا ﷺ هستم. گفتند: به چه سبب؟ زیرا تو نه بیش از ما پیرو آن حضرت بوده‌ای و نه افزون‌تر از ما مصاحبش کرده‌ای. گفت: چرا، گفتند: پس (کیفیت نماز آن حضرت را) بر ما عرضه کن.

ابوحمید گفت: رسول خدا ﷺ هرگاه می‌خواست به نماز بایستد، دست‌ها را تا برابر شانه‌هایش بالا می‌برد، سپس تکبیر می‌گفت و هنگامی که همه اعضایش به حال اعتدال در جای خود قرار می‌گرفت به قرائت می‌پرداخت، آنگاه تکبیر می‌گفت و دست‌ها را تا برابر شانه بالا می‌برد، پس از آن به رکوع می‌رفت و دو کف دست را بر زانوها می‌گذاشت و در حال اعتدال که نه سرش را بالا می‌گرفت و نه پایین می‌انداخت، رکوع را انجام می‌داد. سپس از رکوع سر بلند می‌کرد (می‌ایستاد) و می‌گفت: سمع الله لمن حمده. آنگاه دست‌ها را تا برابر شانه‌ها بالا می‌برد و تکبیر می‌گفت، سپس (برای سجده) متوجه زمین شده و دست‌هایش را (در سجده) از پهلوهایش جدا می‌گرفت، آنگاه سر از سجده برمی‌داشت و پای چپش را خم می‌کرد و بر آن می‌نشست. انگشتان پاهایش را در سجده باز می‌نمود و سجده دوم را نیز همین‌گونه انجام می‌داد و پس از سجده، تکبیر می‌گفت، سپس پایش را خم کرده بر آن می‌نشست در حالی که هر عضوی به حال اعتدال قرار می‌گرفت. رکعت بعدی را هم به همین کیفیت انجام می‌داد و پس از دو رکعت در حال قیام تکبیر می‌گفت و دست‌هایش را تا برابر شانه‌ها بالا می‌برد همان‌گونه که تکبیر افتتاحیه را انجام می‌داد و در بقیه نمازش نیز همین‌طور عمل می‌کرد تا به سجده آخر. پس از آن سلام می‌گفت، پای چپ را عقب قرار می‌داد و بر سمت چپ بر و رک می‌نشست همه گفتند: ابوحمید راست گفت، رسول خدا ﷺ بدین گونه نماز می‌گزارد.

ب) ابوهیره می‌گوید: پیامبر ﷺ وارد مسجد شد، مردی نیز وارد مسجد شد و نماز گزارد، سپس به حضور پیامبر ﷺ آمد و سلام کرد. پیامبر ﷺ سلام او را پاسخ گفت و فرمود: برگرد و دو مرتبه نماز بخوان، رفت و نماز گزارد و به سوی پیامبر ﷺ

شدند در غار مشغول عبادت بودند".

آنچه مسلم است این است که شکل عبادت آن حضرت در پیش از بعثت با نمازی که پس از بعثت بر آن حضرت و سایر مسلمانان واجب شد، همسان نبوده است. مسلم آن است که ایشان بر اساس صریح آیات قرآن مأمور بودند از آیین حنیف که همان آیین حضرت ابراهیم علیه السلام بود، پیروی کنند.^۱

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر سوره علق می نویسد: از سیاق آیات سوره علق می توان فهمید که نماز و مناجات، پیش از بعثت نیز وجود داشته است؛ ولی در مورد کیفیت آن اطلاعاتی در دست نیست؛ آنچه پیداست این است که نماز آیین حنیف با اسلام متفاوت بوده است.

در منابع تاریخی آمده است که پس از بعثت روزی علی علیه السلام نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفت و دید که مشغول نماز است. از ایشان پرسید: "ای ابوالقاسم! این حرکات چیست؟ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این

۱. "ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ" (النحل: ۱۲۳).

۲. ازاین سوره (علق) استفاده می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قبل از نازل شدن اولین سوره از قرآن هم نماز می خوانده و خود بر طریق هدایت بوده و احیانا دیگران را هم به تقوا امر می کرده، و این همان نبوت است، ولی رسالت نیست، و به همین جهت این وضع آن جناب را انذار ننماید، پس آن جناب قبل از بعثت هم نبی بوده و نماز می خوانده؛ با اینکه هنوز قرآن بر او نازل نشده بود و سوره حمد که جزء نماز است نیامده و او مأمور به تبلیغ نشده بود (طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۲، ص ۲۸).

از سوی دیگر در برخی از گزارش های تاریخی آمده است که نه تنها این عمل، جزء مستحبات زمان رسول خدا نیست؛ بلکه از بدعت هایی است که خلیفه دوم در دین وارد کرد. آن هنگام که اسیران ایرانی را در مقابل او آوردند آنها را دید که دست روی دست نهاده اند و وقتی علت آن را پرسید اسیران در پاسخ گفتند: رسم ما ایرانیان این است که در برابر پادشاهان برای ادای احترام این گونه می ایستیم. عمر از این عمل خوشش آمد و دستور داد از این پس در نماز نیز این چنین بایستند و بدین ترتیب این رفتار بدعت آمیز وارد فرهنگ دینی اهل سنت شد.^۱

■ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت چگونه نماز می خواند؟

آری پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم همچون پدر و جدش عبدالمطلب، موحد و خداپرست بود و در سال های پیش از بعثت، هر سال مدتی را در غار حرا اعتکاف می کرد و مشغول مناجات با خدای خویش می شد. در این باره حضرت علی علیه السلام می فرماید: "پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر سال در کوه حرا اقامت می گزید؛ من او را می دیدم و جز من او را کسی نمی دید.^۲ حتی روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اسلام (نبوت) مبعوث

۱. محمدحسن النجفی الجواهری، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۹.

۲. "و یا مرنی بالافتداء به و لقد کان یجاور فی کل سنة بحراء فأراه و لا یراه غیري و لم یجمع بیت و احد یومئذ فی الإسلام غیر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجة علیها السلام" (سید رضی، نهج البلاغة، ص ۳۰۰).

و سجود و... حضرت فرمود: حماد خوب نماز نمی‌خوانی و چقدر زشت است که کسی به شصت سالگی برسد؛ ولی [هنوز] يك نماز کامل و تمام ادا نکند. حماد می‌گوید: شرمنده شدم و عرض کردم: قربانت کردم نماز را به من بیاموز.

امام صادق علیه السلام تمام قد رو به قبله ایستاد و دو دست را تا ران پایین انداخت؛ طوری که انگشتانش به هم چسبیده بود و دو پایش را به هم نزدیک کرد تا فاصله بین آنها به اندازه سه انگشت باز شد و نوک همه انگشتان پایش دقیقاً رو به قبله بود. بعد با حالتی خاشعانه گفت: الله اکبر. سپس سوره حمد و سوره توحید را به آرامی خواند و به اندازه یک نفس کشیدن مکث کرد بعد در همان حالت ایستاده گفت: الله اکبر.

پس از آن به رکوع رفت و دو کف دست خود را درحالی که که انگشتانش باز بود از دو سر زانو پر کرد و زانو را عقب داد تا پشت او تخت شد؛ طوری که اگر قطره آبی یا روغنی بر آن می‌چکید، نمی‌لغزید؛ از بس که پشتش تخت بود و گردنش را کشید و چشم‌ها فرو خوابانید و سه بار به آرامی گفت: سبحان الله ربی العظیم و بحمده و بلند شد.

وقتی ایستاد گفت: سمع الله لمن حمده و در همان حالت ایستاده تکبیر گفت و دو دست را تا برابر صورتش بلند کرد و به سجده رفت و دو کف دستش را درحالی که انگشتانش به هم چسبیده بود کنار صورتش بر زمین گذاشت و سه بار گفت: سبحان ربی الاعلی و بحمده و

نماز است که خداوند مرا بدان امر کرده است."

این ماجرا نشانگر آن است که نماز به شیوه‌ای که خداوند پس از بعثت به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت، تازگی داشته است؛ در غیر این صورت یعنی اگر پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت هم به این روش نماز می‌خواند با توجه به ارتباط نزدیک و همیشگی حضرت علی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حتماً حضرت علی علیه السلام با آن آشنا بود و دیگر آن سؤال را از پیامبر خدا نمی‌پرسید.^۱

■ اهل بیت علیهم السلام چگونه نماز می‌خواندند؟

روایاتی که در آنها نماز اهل بیت علیهم السلام توصیف شده است فراوان است. برای نمونه یکی از آنها را که درباره چگونگی نماز امام صادق علیه السلام است، بیان می‌کنیم.

حماد پسر عیسی که از یاران نزدیک امام صادق علیه السلام است می‌گوید: روزی امام صادق علیه السلام به من فرمود: می‌توانی خوب نماز بخوانی. عرض کردم: آقای من! من کتاب نماز حریر را حفظ کرده‌ام. فرمود: مشکلی نیست. بلند شو و نماز بخوان. حماد می‌گوید: رو به قبله ایستادم و تکبیره الاحرام گفتم و رکوع

۱. و كان علي بن أبي طالب علیه السلام يألفه و يكون معه في مجيئه و ذهابه لا يفارقه، فدخل على رسول الله صلی الله علیه و آله و هو يصلي، فلما نظر إليه يصلي قال: "يا أبا القاسم ما هذا؟" قال: "هذه الصلاة التي أمرني الله بها" (طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - الحدیثة)، ج ۱، ص ۱۰۲).

■ چگونه تیر را از پای امیر مؤمنان علیه السلام در نماز در آوردند در حالی که ایشان متوجه نشدند؛ ولی در حال رکوع متوجه حضور سائل شدند و انگشترشان را به او بخشیدند؟

اولین نکته‌ای که در پاسخ به این پرسش باید به یاد داشت این است که در آوردن تیر از پای آن حضرت در حال نماز و متوجه نشدن ایشان مطلبی تاریخی است و اولین بار فخر رازی از اهل سنت و ملا احمد نراقی از شیعیان آن را نقل کرده است^۱ و واقعیت آن یقینی نیست؛ در حالی که بر اساس آیه قرآن، اینکه حضرت علی علیه السلام در حالت رکوع، انگشتر خود را به آن سائل داده، یقینی است. پس اگر قرار باشد یکی از این دو را بپذیریم، قطعاً سخن قرآن را می‌پذیریم.

نکته دوم اینکه به نظر می‌رسد انگیزه فخر رازی این بوده که فضیلت بزرگ بخشیدن انگشتر در نماز را که در قرآن کریم در شأن حضرت علی علیه السلام آمده است، زیر سؤال ببرد و بگوید علی در حال نماز غرق توجه به خداست؛ پس این آیه در شأن او نیست؛ بلکه درباره فرد دیگری نازل شده است.^۲

نکته سوم اینکه از روایات به دست می‌آید پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در نماز همیشه حالات یکسانی نداشته‌اند؛ برای

۱. ملا احمد نراقی، معراج السعادة، ص ۸۲۳.

۲. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۳۸۶.

چیزی از اعضای بدن را بر هم نگذاشت و بر هشت عضو سجده کرد: پیشانی، دو کف دست، دو سر زانو و دو سر انگشت بزرگ پاها که این هفت تا واجب است و سر بینی را هم بر زمین نهاد و این کار مستحب است و ایرغام نام دارد. سپس سر از سجده برداشت و نشست و گفت: الله اکبر و بر طرف چپ نشست و روی پای راستش را بر پشت پای چپش گذاشت و گفت: أستغفر الله ربی و اتوب الیه و در همان وضعیت نشسته دوباره تکبیر گفت و به سجده دوم رفت و دوباره همان چیزهایی را گفت که در سجده اول گفته بود.

در هنگام رکوع و سجود هیچ یک از اعضای بدنش از هم کمک نگرفتند و دست‌ها را از زیر بدنش بیرون داده بود مانند پَر و آرنج‌هایش را بر زمین نگذاشته بود. به همین روش دو رکعت نماز خواند و فرمود: "ای حماد چنین نماز بخوان و رو بر نگردان و با دست و انگشت بازی مکن و به سوی راست و چپ و پیش روی خود آب دهن نینداز".

نکته: باید به یاد داشت آنچه بیان شد آدابی است که مردها باید در نماز رعایت کنند وگرنه آداب نماز زنان در برخی موارد، متفاوت است.

و نکته آخر، بر اساس روایات، آن سائلی که از حضرت علی علیه السلام درخواست کمک کرد، یکی از فرشتگان الهی بود و سائلان دیگری که از سایر امامان درخواست کمک می کنند، نیز از فرشتگان هستند^۱ تا دلیلی برای امامت آنان باشد.

→

يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا بَشِيءٍ مِّنَ الدُّنْيَا أُعْطِيَ إِحْدَى النَّاقَتَيْنِ إِنْ صَلَّاهُمَا وَ إِنَّهُ جَلَسَ فِي التَّشْهِيدِ فَتَفَكَّرَ فِي نَفْسِهِ أَيُّهُمَا يَأْخُذُ فَقَالَ جَبْرَيْلُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ تَفَكَّرَ أَيُّهُمَا يَأْخُذُهَا أَسْمَنَهُمَا وَ أَعْظَمَهُمَا فَيَنْحَرِمَا وَ يَتَصَدَّقُ بِهَا لَوَجْهِ اللَّهِ فَكَانَ تَفَكَّرَهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا لِنَفْسِهِ وَ لَا لِلدُّنْيَا فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ وَ أَعْطَاهُ كِلَيْهِمَا وَ أَرْزَلَ اللَّهُ فِيهِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِعِظَةِ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ عَقْلٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ يَعْنِي يَسْتَمِعُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِأَدْبَتِهِ إِلَى مَنْ تَلَاهُ بِلِسَانِهِ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ وَ هُوَ شَهِيدٌ يَعْنِي وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ شَاهِدَ الْقَلْبِ لِلَّهِ فِي صَلَاتِهِ لَا يَتَفَكَّرُ فِيهَا بِشَيْءٍ مِّنْ أَمْرِ الدُّنْيَا (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۰).

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: "إِنَّمَا وَ لِيُكْمِ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا" قَالَ: "إِنَّمَا يَعْنِي" أُولَى بِكُمْ، أَي أَحَقُّ بِكُمْ وَ بِأَمُورِكُمْ وَ "أَنْفُسِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ" اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، وَ الَّذِينَ آمَنُوا: يَعْنِي عَلِيًّا وَ أَوْلَادَهُ الْأُمَّةَ عليهم السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَ صَفَّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ "فَقَالَ: "الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ" وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ وَ قَدْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ هُوَ رَاكِعٌ، وَ عَلَيْهِ حُلَّةٌ فِيمَتَهَا أَلْفُ دِينَارٍ، وَ كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله كَسَاهُ إِيَّاهَا، وَ كَانَ النَّجَاشِيُّ أَهْدَاهَا لَهُ، فَجَاءَ سَائِلٌ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، تَصَدَّقْ عَلَى مُسْكِينٍ فَطَرَحَ الْحُلَّةَ إِلَيْهِ، وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَيْهِ: أَنْ أَحْمِلَهَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ هَذِهِ الْآيَةَ، وَ صَيَّرَ نِعْمَةَ أَوْلَادِهِ بِنِعْمَتِهِ، فَكُلُّ مَنْ بَلَغَ مِنْ أَوْلَادِهِ مَبْلَغَ الْإِمَامَةِ يَكُونُ بِهَذِهِ الصَّفَةِ مِثْلَهُ، فَيَتَصَدَّقُونَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ، وَ السَّائِلُ الَّذِي سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ الْأُمَّةَ مِنْ أَوْلَادِهِ يَكُونُونَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ" (كليني، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱).

نمونه پیامبر اکرم در نماز جماعت متوجه گریه کودک می شود و با سرعت نماز را تمام می کند.^۱

نکته چهارم، اگر هم این ماجرا حقیقت داشته باشد این کار (بخشیدن انگشتر در نماز) از قبیل عبادت در عبادت بوده؛ یعنی (به تعبیر قرآن) زکات در نماز؛ مانند جریبان دو شتری است که برای پیغمبر اکرم آوردند و حضرت بنا گذاشتند یکی از آنها را به کسی که دو رکعت نماز با حضور قلب بخواند، بدهند. هیچ کدام از اصحاب نتوانستند جز حضرت علی علیه السلام در حالی که ایشان حین نماز به ذهنشان آمد هر کدام را که چاق تر است، در راه خدا انفاق کند. این فکر در حال نماز، با حضور قلب ایشان منافاتی نداشت؛ زیرا این خود عبادتی دیگر بود در ضمن عبادت نماز.^۲

۱. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَحَفَفَ فِي الرُّكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَّثَ قَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالُوا حَفَفْتَ فِي الرُّكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاحَ الصَّبِيِّ" (كليني، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۸).

۲. قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ أُهْدِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَاقَتَانِ عَظِيمَتَانِ سَمِيَتَانِ فَقَالَ لِلصَّحَابَةِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ بِقِيَامِهِمَا وَ رُكُوعِهِمَا وَ سُجُودِهِمَا وَ وَضُوءِهِمَا وَ حُشُوعِهِمَا لَا يَهْتَمُّ فِيهِمَا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ وَ لَا يُحَدِّثُ قَلْبُهُ بِفِكْرِ الدُّنْيَا أُهْدِيَ إِلَيْهِ إِحْدَى هَاتَيْنِ النَّاقَتَيْنِ فَقَالَهَا مَرَّةً وَ مَرَّتَيْنِ وَ ثَلَاثَةً لَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَصْلَى رَكَعَتَيْنِ أَكْبَرَ تَكْبِيرَةَ الْأُولَى وَ إِلَى أَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمَا لَا أَحَدٌ نَفْسِي بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ صَلِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ فَكَبَّرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ فَلَمَّا سَلَّمَ مِنَ الرُّكَعَتَيْنِ هَبَطَ جَبْرَيْلُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ أُعْطِيَ إِحْدَى النَّاقَتَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّي شَارَطْتُهُ أَنْ

■ توجه اهل بیت علیهم السلام به نماز چگونه بوده است؟

در پاسخ به این پرسش، به نمونه‌هایی از توجه بعضی از اهل بیت علیهم السلام به نماز اشاره می‌کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

همسر آن حضرت می‌گوید: قبل از نماز با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت می‌کردیم و او نیز سخن می‌گفت؛ ولی هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسید (سخن با ما را رها می‌کرد) گویا اصلاً نه ما او را می‌شناسیم نه او ما را می‌شناسد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام

هنگام فرارسیدن وقت نماز لرزه بر اندام آن حضرت می‌افتاد و رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد. افرادی از ایشان می‌پرسیدند که چرا این حالت به شما دست داد؟ حضرت می‌فرمودند: "وقت ادای امانت الهی فرا رسیده است و من نمی‌دانم که آیا این امانت را خوب ادا می‌کنم یا خیر؟"

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "دخترم فاطمه، سرور زنان جهان - از گذشتگان تا آیندگان - است و او پاره‌ای از من و نور چشم من و

۱. "و قَالَتْ عَائِشَةُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحَدِّثُنَا وَ نُحَدِّثُهُ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَكَأَنَّهُ لَمْ يَعْرِفْنَا وَ لَمْ نَعْرِفْهُ. مجلسی" (بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸).

■ آیا اهل بیت علیهم السلام هم دچار وسوسه شیطان می‌شدند که برای دوری

از آن نماز می‌خواندند؟

در پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا به روایتی از پیامبر اکرم اشاره نماییم که فرمودند: "لا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخَمْسِ فَإِذَا صَبَّحَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ"^۱

تا وقتی آدمی از نمازهای پنج‌گانه خویش محافظت می‌کند، شیطان از او ترسان و گریزان است؛ ولی هنگامی که نمازها را تباه کند شیطان بر او دست می‌یابد و او را به گناهان بزرگ می‌کشاند.

بنابراین نه تنها اهل بیت علیهم السلام بلکه هر کس که مراقب نمازهایش باشد شیطان اصلاً به او نزدیک نمی‌شود؛ تا چه رسد به اینکه بخواهد او را وسوسه کند. لذا اهل بیت علیهم السلام با محافظت بر نماز، شیطان را از خود دفع می‌کردند؛ در همان حال که برخی گناهکاران نیز با پناه بردن به نماز، وسوسه شیطان را از خود رفع می‌کنند. بنابراین اثر نماز برای معصومان علیهم السلام دفع و برای گناهکاران رفع وسوسه شیطان است.^۲

۱. همان، ج ۳، ص ۲۶۹.

۲. رفع در مورد چیزی است که در خارج موجود باشد؛ ولی دفع در مورد چیزی است که موجود نیست؛ ولی زمینه وجود یافتن آن فراهم است. به عبارتی، دفع همان پیشگیری است.

امام زین العابدین علیه السلام

وقتی آن حضرت به نماز می ایستاد همچون ساقه درختی بود و هیچ جزئی از بدن و لباس او حرکت نمی کرد؛ مگر آن مقداری را که باد به حرکت در می آورد.^۱

امام باقر و امام صادق علیهما السلام

هنگامی که امام پنجم و امام ششم علیهما السلام به نماز می ایستادند، رنگ چهره شان گاه قرمز و گاه زرد می شد، گویا با کسی مناجات می نمایند که او را می بینند.^۲

خواننده گرامی می تواند با مراجعه با کتاب حدیثی و تاریخی معتبر، نمونه های دیگری نیز از توجه فراوان اهل بیت علیهم السلام به نماز بیابد.



۲۲۴

این گونه پاسخ دهید

میوه دل من است. او روح من است که در میان دو پهلوی من جای دارد. او حوریه ای در قالب بشر است. هر وقت در محراب عبادتش در مقابل پروردگارش می ایستد؛ نورش برای فرشتگان آسمان درخشش دارد، همانند نور ستارگان آسمان که برای مردم زمین می درخشد. در این هنگام، خدای عزّ و جلّ به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگان من! نگاه کنید به بنده من فاطمه که سرور همه زنان می باشد. به او نگاه کنید که چگونه ما بین پهلو و شانیه های از خوف عظمت من می لرزد و با قلبش به عبادت من روی آورده است. شما ملائکه را شاهد می گیرم که شیعیان او را از آتش دوزخ در امان داشتیم.^۱

امام حسن علیه السلام

آن حضرت عابدترین و زاهدترین و با فضیلت ترین مردم روزگار خود بود. هرگاه به نماز می ایستاد بدنش در پیشگاه پروردگارش می لرزید. هرگاه از بهشت و دوزخ سخن به میان می آمد، مانند مارگزیده به خود می پیچید و بهشت را از خداوند درخواست می کرد و از آتش دوزخ به او پناه می برد.^۲

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۱۶، ح ۹۴.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۳۳۱، ح ۱.



۲۲۳

بخش دوم: پاسخ به سؤالاتی پر تکرار...

۱. همان، ج ۸۴، ص ۲۴۸.

۲. همان، ج ۸۱، ص ۲۴۸.

برای آثانی است که معانی نماز را نمی‌دانند؛ مثل اینکه شعری را به‌دست کودکی بدهند که آن را در مدح شخصی بخواند. در اینجا این کودک به صورت کلی می‌داند که دارد با این شعر آن شخص را ستایش می‌کند؛ هر چند معنای شعر را به‌درستی نمی‌داند.

■ مرتبه دوم

علاوه بر مرحله قبلی، شخص به معانی کلمات و ذکرهای نماز نیز توجه دارد و می‌داند که چه می‌گوید. در این مرحله، قلب تابع زبان است؛ یعنی وقت به آوردن زبان توجه قلبی به معانی آنها می‌شود.

■ مرتبه سوم

علاوه بر مراتب پیشین، نمازگزار اسرار عبادت و حقیقت ذکرها و تسبیح و تحمید و سایر مفاهیم را نیز می‌فهمد و در حال نماز به آنها توجه می‌کند تا خوب بداند چه می‌گوید و چه می‌خواهد.

■ مرتبه چهارم

نمازگزار علاوه بر مراحل سابق، اسرار و حقایق اذکار را به‌طور کامل در باطن ذات خود نفوذ داده و به مرحله یقین و ایمان کامل رسیده است. در این صورت است که زبان از قلب پیروی می‌کند؛ یعنی اینکه قلب چون به آن حقایق ایمان دارد، زبان را به گفتن ذکرها وادار می‌کند.

■ مرتبه پنجم

در این مرحله، نمازگزار به مرتبه کشف و شهود و حضور کامل

فصل پنجم:

چه کنیم در نماز حضور قلب داشته باشیم؟

■ معنای حضور قلب در نماز چیست؟

"حضور قلب در نماز" به این معناست که انسان در نماز، دل را با زبان همراه نماید، به‌گونه‌ای که با تمام وجود، خود را در محضر خداوند یکتا ببیند و تمام توجه و حواس خود را متوجه او کند؛ به تعبیر عامیانه، شش‌دانگ حواسش پیش او باشد.

به بیان دیگر، یعنی اینکه انسان تمام مملکت باطن را در اختیار حضرت حق قرار دهد و با چشم دل به جمال یار بنگرد تا شربت حیات‌بخش عشق را به او بچشانند و عمق وجودش را سیراب کنند.

مراتب حضور قلب

در سخنان بزرگان اهل معرفت برای حضور قلب مراتبی بیان شده است که در ادامه به اختصار به آن اشاره می‌کنیم.

■ مرتبه اول

نمازگزار همین اندازه می‌داند که دارد با خداوند سخن می‌گوید و او را ستایش می‌کند؛ اگر چه به معانی الفاظ توجه ندارد. این مرتبه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد، آن حضرت فرمود: "اگر قلب او خاشع بود، اعضا و اندام او نیز چنین بودند."^۱

اثر بخشی نماز و پذیرش آن، به میزان خشوع و حضور قلب انسان بستگی دارد، همان‌گونه که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: "با تمام وجود نماز بخوان، چرا که در مقابل آن مقدار از نماز پاداش داده خواهی شد که با حضور قلب انجام می‌دهی."^۲

رسیدن به آثار معنوی فراوان

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن و رستگار را، خشوع آنان در نماز دانسته و می‌فرماید: "به‌راستی که مؤمنان پیروز و رستگار شدند، آنان که در نماز خشوع می‌کنند."^۳

خشوع یعنی تواضع، اظهار ادب بندگی، توجه قلبی و حضور انسان در پیشگاه خداوند با تمام وجود. نمازگزار واقعی کسی است که به هنگام نماز چنان غرق در تفکر حضور پروردگار است و به راز و نیاز مشغول، که ذره‌ای از دل خود را برای غیر خدا و امور مادی خالی نگذاشته است.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: "کسی که در یک نماز واجب، قلب

۱. جامع الاحادیث، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۶۷.

۲. مجلسی، بحار الانوار، همان، ص ۲۰۱.

۳. مؤمنون: ۲۰۱.

می‌رسد که به این مرحله حضور قلب در معبود می‌گویند نه حضور قلب در نماز؛ یعنی مرحله‌ای که اسماء و صفات و کمالات حق را با چشم باطن مشاهده می‌کند و چیزی را جز خدا نمی‌بیند، حتی به خودش و افعال و حرکات و اذکارش نیز توجه ندارد و در حقیقت در انجذاب (کشیده‌شدن) کامل قرار دارد، البته در این مرحله هم مراتبی است که نسبت به سالکان متفاوت است.

■ داشتن حضور قلب در نماز چه اهمیت و ضرورتی دارد؟

حضور قلب در نماز از چند جهت مهم و ضروری است:

معیار قبولی نماز

در روایات فراوانی شرط قبولی نماز، حضور قلب در آن دانسته شده است؛ پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: "گاهی از بعضی نمازها [فقط] نصف آن پذیرفته می‌شود و گاهی یک‌سوم آن و گاهی یک‌چهارم آن و گاهی یک‌پنجم آن و گاهی یک‌دهم آن پذیرفته می‌شود و برخی نمازها همانند لباسی کهنه درهم پیچیده شده، به صورت نمازگزار زده می‌شود. به یقین از نماز تنها آن مقدار که با توجه قلبی خوانده شده برای تو مفید است."^۱

۱. عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنَّ مِنَ الصَّلَاةِ لَمَا يُقْبَلُ نَصْفُهَا وَ ثُلُثُهَا وَ رُبُعُهَا وَ خُمْسُهَا إِلَى الْعَشْرِ - وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَا يُلْفُ كَمَا يُلْفُ الثُّوبُ الْخَلْقُ قَيْضَرُبُ بِهَا وَ جُهْ صَاحِبِهَا وَ إِهْمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ بِقَلْبِكَ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۶۰).

که آن را درست انجام دهند؛ مثل کسی که سر جلسه کنکور تمام ذهنش متوجه امتحان است؛ زیرا قبولی در آن آزمون برای او حیاتی است. همین طور اگر بدانیم نماز چه اثر مهمی در سعادت انسان دارد و بدانیم که خداوند در قرآن و اهل بیت علیهم السلام در روایات خود چقدر به نماز سفارش کرده‌اند و اهمیت این موضوع را باور کنیم، آنگاه حواس‌پرتی ما در نماز از بین خواهد رفت یا به شدت کم خواهد شد.

وسواس در قرائت نماز

یکی از عوامل حواس‌پرتی در نماز وسواس داشتن در قرائت آن است که موجب می‌شود بیشتر توجه نمازگزار، صرف ظاهر نماز شود تا باطن و حقیقت آن. اگر چه قرائت صحیح، از شرایط نماز است، نباید در توجه به آن افراط کرد.

ارتکاب گناه

یکی دیگر از عوامل حواس‌پرتی در نماز، ارتکاب گناه است؛ چون همان طور که نماز، عامل بازدارنده از گناه است، فحشا و منکرات نیز مانع حضور قلب در نماز است. نماز و گناه رابطه‌ای متقابل و متضاد دارند. کسی که اهل فحشا و منکر است، توفیق تحصیل حضور قلب در نماز را ندارد؛ زیرا گناه اثر منفی خود را در نماز می‌گذارد و از طرفی نماز به میزان حضور قلب در آن، بازدارنده از معصیت و بزهکاری می‌باشد.

خود را از افکار پراکنده باز دارد و رکوع و سجود و خشوع آن را به طور کامل انجام دهد و خدای تبارک و تعالی را تقدیس و تمجید کند و تا هنگام فرا رسیدن نماز دیگر کار بیهوده‌ای انجام ندهد، خداوند برای او پاداش حج و عمره می‌نویسد و او را از اهل علیین قرار می‌دهد.^۱

■ عوامل حواس‌پرتی در نماز چیست؟

بعضی از اصلی‌ترین عوامل حواس‌پرتی را در پایین بیان شده است.

ضعف ایمان

هر درجه ایمان و اعتقاد قلبی انسان نسبت به خدا بیشتر باشد و عظمت و بزرگی و مهربانی و رحمت او را بیشتر درک کند و از نارضایتی و غضب او بیشتر ترسان باشد، در نماز احساس حضور و خشوع و خضوع بیشتری می‌کند و حواس جمع‌تری کمتری خواهد داشت.

ناآشنایی یا بی‌توجهی به اهمیت و آثار نماز

وقتی کاری برای کسی مهم باشد تمام حواسش را جمع می‌کند

۱. و قَالَ ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: "مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى صَلَاةٍ قَرِيبَةٍ يَنْتَظِرُ وَقْتَهَا فَصَلَّاهَا فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا فَأَتَمَّ رُكُوعَهَا وَ سُجُودَهَا وَ خُشِعَهَا ثُمَّ مَجَّدَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَظَّمَهُ وَ حَمَّدهُ حَتَّى يَدْخُلَ وَقْتُ صَلَاةِ الْآخِرَى لَمْ يَلُغْ بَيْنَهُمَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ كَأَجْرِ الْحَاجِّ وَ الْمُعْتَمِرِ وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ عَلِيَّينَ" (شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۱).

ولی افراد دسته دوم برای درمان شک خود، باید چند گام به شرح زیر بردارند:

گام اول: این حالت که کسی تنها در نماز دچار شک می‌گردد ولی در بقیه مسائل زندگی خود دچار شک نمی‌شود، گاه بیانگر این است که این فرد به اندازه‌ای که به مسائل روزمره خود اهمیت می‌دهد، به نماز اهمیت نمی‌دهد؛ لذا انسان باید در گام اول، با فلسفه، ارزش و جایگاه نماز آشنایی پیدا کند که این موضوع در آیات و روایات فراوانی مطرح و در آثار عالمان زیادی تبیین شده است.

گام دوم: شک در نماز ناشی از عدم حضور قلب و حواس پرتی است؛ لذا باید عوامل ایجاد حضور قلب را شناخت و آنها را فراهم کرد. بدیهی است که ذهن انسان در یک لحظه نمی‌تواند به دو مسئله فکر کند؛ لذا یا باید متوجه معانی نماز باشد یا متوجه کارهای روزمره؛ پس شخص باید به ترجمه و مفهوم جمله‌های نماز، هنگام بیان آنها توجه کند و تا معنای جملات در ذهن نیامده و ذهن متمرکز نشده، الفاظ را بیان نکند. همچنین انتخاب مکانی خلوت، نقش بسزایی در تمرکز او دارد.

گام سوم: باید دانست که شک و تردید از ناحیه دشمن نماز، یعنی شیطان است و او به این ترتیب می‌خواهد انسان را از نماز بازدارد؛ لذا باید از شر وسوسه‌های او به خدا پناه برد و با گفتن اذکاری همچون "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم" و "لا حول ولا قوة الا بالله

■ چه کنیم در نماز دچار حواس پرتی نشویم؟

بعضی از راهکارهای مناسب برای رسیدن به این مقصود عبارت‌اند از:

- تصمیم و تلاش برای داشتن حضور قلب در نماز؛
- خواندن نماز در اول وقت؛
- ادای نماز در مکانی خالی از صدا و تصویر و اشیاء جلب توجه‌کننده؛
- حضور در مسجد و ادای نماز به جماعت؛
- توجه به معنا و اسرار مقدمات نماز مانند وضو، اذان، اقامه و...؛
- بیرون کردن علایق دنیوی از دل پیش از نماز؛
- توجه به معانی و اسرار اذکار و اعمال نماز.

■ راه‌های جلوگیری از شک در نماز چیست؟

- افرادى که در نماز دچار شک می‌گردند، دو دسته‌اند:
 - الف) افرادی که در همه مسائل زندگی خود شک می‌کنند و شک آنها منحصر به نماز نیست؛
 - ب) افرادی که فقط در نماز دچار شک می‌گردند؛
- افراد دسته اول باید به روانشناسان و مشاوران مراجعه کنند و این بیماری روانی را درمان کنند و در باب وظیفه شرعی نیز، باید به حکم "کثیر الشک" (کسی که زیاد شک می‌کند) که در رساله‌های عملیه آمده است، عمل کنند.

و. از اول تا آخر نماز هر کلمه یا جمله‌ای را که می‌خواهد به زبان بیاورد، قبلاً مفهوم آن را از دل بگذراند.

■ راه‌های ایجاد حضور قلب در نماز چیست؟

عوامل مختلفی برای ایجاد حضور قلب در نماز وجود دارد که برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

پی‌بردن به اهمیت نماز

مهم‌ترین عامل مؤثر در پیدایش حضور قلب در نماز، اهمیت دادن به راز و نیاز با خدا و ارتباط با او از راه نماز خواندن است. آثار و برکات و نتایج حاصل از نماز هر چه برای انسان مهم‌تر و ضروری‌تر جلوه کند، عشق و توجه قلبی او بیشتر و توجه او به غیرخدا کمتر خواهد شد.

فهم معنای واژه‌ها و جمله‌های نماز

گاهی نداشتن حضور قلب در نماز، از آن ناشی می‌شود که نمازگزار با الفاظ عربی آشنا نیست و نمی‌داند چه بر زبان جاری می‌کند؛ در واقع او الفاظی را که از کودکی به او آموخته‌اند، بدون توجه به معنای آنها فقط طوطی‌وار تکرار می‌کند. پر واضح است این‌گونه سخن گفتن، نه احساس نیاز به صحبت کردن با خدا را در دل انسان زنده می‌کند و نه ایجاد کننده حضور قلب است.

العلی العظیم"، قبل از نماز شیطان را از خود دور نماییم.

■ چگونه می‌توانیم نمازمان را با توجه بخوانیم؟

کسی که می‌خواهد نماز با توجه بخواند، باید موارد زیر را مراعات کند: الف) در طول روز تا جایی که می‌تواند به یاد خدا باشد و هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، رضای خدا را در نظر بگیرد، مثلاً می‌خواهد به مهمانی برود تأمل کند که اگر رضای خدا در آن باشد برود، اگر چنین نباشد نرود، یا غذا می‌خواهد بخورد، ببیند رضای خدا در آن است بخورد، اگر چنین نباشد نخورد و از همه مهم‌تر اینکه خود را در محضر خدا ببیند و معصیت نکند.

ب) پیش از نماز حواس خود را جمع کند و متوجه باشد که از باطن هستی به مناجات پروردگار دعوت شده است و ذهن و قلب خود را از چیزهای دیگر فارغ نماید و تنها به فکر نماز باشد.

ج) هنگام وضو گرفتن با توجه وضو بگیرد و سعی کند هنگام حرکت به سوی آب متوجه باشد که دارد به سوی رحمت خدا حرکت می‌کند.

د) اذان و اقامه را بلند بخواند، به‌خصوص اذان را بلندتر بخواند، هر کلمه‌ای که به زبان می‌آورد به همان توجه کند.

ه) قبل از تکبیرة الاحرام با ذلت و اضطراب بخواند که خداوند به او توفیق نماز مقبول، عنایت کند.

حضور قلب بسیار مشکل است؛ از این رو برای پیدایش حضور قلب، باید نماز را در شرایط و محیط مناسب به جا آورد.

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود می فرماید: "إِنَّخَذَ مَسْجِدًا فِي بَيْتِكَ؛" در خانه خود محلی را برای مسجد انتخاب کن.^۱

انتخاب مسجد یا محل مناسب برای مناجات و راز و نیاز با خدا در منزل، در ایجاد حضور قلب بسیار تأثیر دارد. وقتی انسان در چنین مکان‌هایی قرار می‌گیرد فکر و ذهن او خود به خود از چیزهای دیگر جدا شده و یاد خدا جایگزین آن می‌گردد و آمادگی انسان برای نماز گزاردن با حضور قلب بیشتر می‌شود.

تعیین وقت اختصاصی برای نماز

یکی از عوامل موفقیت انسان، برنامه‌ریزی است. هر کاری باید در وقتی مشخص انجام شود تا از هدر رفتن نیروها و سردرگمی جلوگیری شود. نماز که یکی از وظایف ما در شبانه‌روز است، از این قاعده بیرون نیست و بهتر است آن را در زمان مشخصی و بهتر از همه در اول وقت انجام داد.

آنگونه نماز بخواند که گویی نماز آخرش است

هیچ انسانی نمی‌داند چند سال زنده خواهد بود و هر روز این احتمال می‌رود که شاید فردا زنده نباشد؛ نمازگزاری که با توجه به

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۵.

در نظر گرفتن زمان و مکان مناسب برای ادای نماز

حضرت علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: "ای مالک، در برنامه خود بهترین وقت‌ها را برای نماز و ارتباط با خدا قرار بده."^۱

بسیار اتفاق افتاده است که انسان بی‌حوصله می‌شود و انگیزه و شوق انجام هیچ کاری را ندارد یا موضوع مهمی فکر و ذهن او را به خود مشغول کرده است و یا مشکلی سر راه او قرار گرفته که او را از اندیشیدن به سایر مسائل زندگی باز داشته است؛ هر چند در چنین اوضاع و احوالی، شرایط مناسب برای حضور قلب در نماز فراهم نیست؛ اما باید سعی شود در هنگام نماز این فکرها را از ذهن خارج کند و گره‌گشایی از مشکلات خود را به خداوند واگذاریم و بدانیم در این صورت یا نماز مشکل ما را حل می‌کند و یا توفیق و قدرت صبر بر آن مشکل را به ما می‌دهد.

گاهی نیز ممکن است در اطراف انسان، اشیایی وجود داشته باشد که حواس انسان را از توجه به نماز باز دارد؛ مانند: آئینه، عکس، تلویزیون روشن و... که از نظر اسلام نماز خواندن در مقابل آنها مکروه است.^۲ در چنین محیطی نیز به دست آوردن

۱. "واجب افضل اوقاتك للصلاة..." (سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲. برای آگاهی بیشتر به رساله‌ی عملیه‌ی مراجع تقلید خود (قسمت مکروهات نماز) مراجعه کنید.

ملاقات با خودت محروم مساز.^۱ این درسی است برای ما پیروان و شیعیان آن بزرگواران که دست نیاز به سوی پروردگار مهربان دراز کرده و از او بخواهیم به ما توفیق عنایت کند که با تمام وجود و با حضور قلب به درگاهش شرفیاب شویم.

در این راه می‌توانیم به اهل بیت علیهم‌السلام نیز متوسل شویم و از آبرو و مقام آنها نزد خدا برای رسیدن به این خواسته خود کمک بگیریم.

تلاش و تمرین

فردی که ممکن است در طول يك نماز، بیش از يك لحظه حضور قلب نداشته باشد، می‌تواند با تمرین و تداوم، به مرور چنان قدرتی پیدا کند که با تمام وجود به نماز بایستد و در لحظه‌ای از لحظات نمازهای خود، چیزی غیر از خدا را در ذهن و قلبش راه ندهد.

در حقیقت کسب حضور قلب مانند کسب یک مهارت است (مثلاً مهارت تایپ یا رانندگی یا خطاطی) و نیاز به تلاش دارد نه اینکه انتظار داشته باشیم با ذکر و وردی انجام شود. و توقع حصول دفعی آن در هر شرایطی دور از واقعیت است.

پرهیز از گناه

گناه آینه قلب را مکدر می‌کند و مانع آن می‌شود که جمال محبوب حقیقی در آن منعکس شود؛ به همین دلیل، قبل از هر نماز و دعا

۱. اشاره به دعای معروف: "إلهی لا تکلنی إلی نفسی طرقة عین أبداً".

این نکته نماز می‌خواند و چنین تصویری در ذهن او وجود دارد که شاید این آخرین نمازی باشد که توفیق انجام آن را دارد، بیشترین حضور قلب را خواهد داشت. خواندن نماز در اول وقت، تمرین و گامی مهم در این جهت به‌شمار می‌رود.

امام صادق علیه‌السلام به نمازگزاران توصیه می‌کنند که هنگامی که می‌خواهی نماز واجب خود را بخوانی، در وقت بخوان و مانند کسی باش که نماز وداع می‌خواند و می‌ترسد که بعد از این توفیق نماز خواندن نصیب او نشود.^۱

انجام مستحبات

انجام مستحبات نماز، چه آن اموری که مربوط است به پیش از آغاز نماز؛ مانند اذان، اقامه، پوشیدن لباس سفید، استعمال عطر و بوی خوش و... و چه آن اموری که همراه نماز یا بعد از آن مستحب است، در تحصیل حضور قلب در نماز تأثیر بسیاری دارد.

یاری خواستن از خدا

انسان‌های والامقام و نزدیکان به درگاه پروردگار، در ضمن دعا و مناجات‌های خود، همواره این خواسته را مطرح می‌کرده‌اند که: خدایا ما را لحظه‌ای به خودمان وامگذار و از شیرینی مناجات و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۲.

اینکه شما از من نافرمانی می‌کنید و به سخن من گوش فرا نمی‌دهید، این است که شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر خورده که حق را نمی‌پذیرید. وای بر شما! آیا انصاف نمی‌دهید؟ آیا گوش فرا نمی‌دهید؟^۱

۱. محدث قمی، نفس المهموم، ترجمه کمره‌ای، ص ۱۱۰.

باید از گناهان توبه کرد و خود را به خدا سپرد.

مردی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسید: من از نماز شب محروم شده‌ام. حضرت فرمود: "تو کسی هستی که گناهان تو را در بند و زندانی کرده است."^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: "کسی که مرتکب گناهی شود، از نماز شب محروم می‌گردد و به‌درستی که تأثیر کار ناپسند در انجام دهنده آن، از نفوذ چاقو در گوشت سریع‌تر است."^۲

پرهیز از غذاهای حرام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "كَسْبُ الْحَرَامِ يُبَيِّنُ فِي الذَّرِيَةِ؛" درآمد حرام در فرزندان اثر [نامطلوب] می‌گذارد [و هدایت آنها را دچار مشکل می‌کند].^۳

اگر خوراکی که انسان تناول می‌کند، پلید و حرام باشد، قلب را تیره می‌سازد، در این صورت دیگر از او امید خیری نیست و پند و اندرز در او اثر نمی‌کند و سخت‌ترین مناظر رقت‌بار نیز او را متأثر نمی‌کند. امام حسین علیه السلام به لشکریان عمر سعد فرمود: "دلیل

۱. یا امیرالمؤمنین إني قد حرمت الصلاة بالليل! فقال أميرالمؤمنين: "أنت رجلٌ قد قَيَّدتَكَ

دُؤُوبُكَ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۵۰).

۲. "إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَشْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنْ

السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ" (همان، ج ۲، ص ۲۷۳).

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۳.

به‌سوی پروردگارت روی آور) فرمودند: "بعد از اینکه نمازت را خواندی و سلام دادی درحالی‌که نشسته‌ای و هنوز بلند نشده‌ای دعا کردن برای امور دنیا و آخرت بکوش و وقتی که از دعا فارغ شدی، مُلتمسانه از خدا بخواه که نمازت را از تو بپذیرد".^۱
بعضی از آثار و فواید نماز عبارتند از:

۱. استجاب دعا

امام صادق علیه السلام فرمودند: "خدواند نماز را در بهترین زمان‌ها واجب نموده است پس حاجت‌های خود را بعد از نمازهای واجب از خدا بخواهید".^۲ همچنین پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: "هر نمازگزاری، پس از هر نماز واجبی، دعایی مستجاب دارد".^۳

۲. کامل شدن نماز

"بگو پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما

۱. عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "كَانَ أَبِي يُثَوِّلُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْعَبْ- إِذَا فَصَيْتَ الصَّلَاةَ بَعْدَ أَنْ تُسَلِّمَ وَ أَنْتَ جَالِسٌ فَأَنْصَبْ فِي الدُّعَاءِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَارْعَبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَتَقَبَّلَهَا مِنْكَ" (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۳۱، ح ۱).
۲. أَحْمَدُ بْنُ قَهْدٍ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: "إِنَّ اللَّهَ فَارَصَ الصَّلَوَاتِ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ- فَاسْأَلُوا حَوَائِجَكُمْ عَقِيبَ قِرَائَتِكُمْ" (همان، ج ۶، ص ۴۳۱، ح ۱).
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله "مَنْ أَدَى لِلَّهِ مَكْتُوبَةً فَلَهُ فِي آثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ" (همان، ج ۶، ص ۴۳۲، ح ۱).

فصل نهم:

تعقیبات نماز چه آثار و اسراری دارد؟

■ چه کنیم که کیفیت نمازمان را بالاتر ببریم؟

■ منظور از تعقیبات نماز چیست و چه فایده‌ای دارد؟

تعقیب عبارت است از اینکه نمازگزار پس از ادای نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و اموری از این قبیل همچون تفکر در عظمت خداوند، گریه از ترس و یا اشتیاق به او بپردازد که از سنت‌های تأکیدشده بوده و منافعش در دین و دنیا زیاد است.^۱

تعقیبات نماز دارای اهمیت فراوانی است. در روایتی از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام آمده است که ایشان در ذیل آیه "فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْعَبْ"^۲ (چون از کار فارغ شوی، به عبادت کوش و با اشتیاق

۱. "و هو الاشتغال عقیب الصلاة بالدعاء أو الذکر أو التلاوة أو غيرها من الأفعال الحسنة مثل التفکر فی عظمة الله و نحوه و مثل البكاء لخشية الله أو للرغبة إليه و غیر ذلك و هو من السنن الأكيدة و منافعه فی الدین و دنیا کثیرة" (السید الخوئی، الصلاة، ج ۴، ص ۴۱۹).

۲. شرح: ۸۷.

آری، چون نمازگزار محبوب‌ترین کارهای خود را نادیده می‌گیرد و بر فرمان خدا و رسول گردن می‌نهد و فریضه الهی را بر همه منافع خود مقدم می‌دارد، خداوند نیز محبوب‌ترین و بهترین جایگاه را که بهشت است، برای او مباح و حلال می‌گرداند و او را به بهترین نعمت‌های بهشت خویش بهره‌مند می‌سازد.^۱

۵. بخشش گناهان

امام صادق علیه السلام فرمودند: "هر کس تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بلافاصله بعد از نماز انجام دهد خداوند گناهانش را می‌آمرزد."^۲

۶. افزایش رزق و روزی

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: "تعقیب بعد از نماز صبح سریع‌تر از حرکت برای طلب روزی، انسان را به رزق می‌رساند."^۳

۷. دعوت شدن به میهمانی خداوند

امام صادق علیه السلام فرمودند: "هر کس نمازی واجب بخواند و بعد از آن تعقیب بخواند تا نماز دیگر (یعنی به خواندن دعاهایی که بعد از

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: "مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ عليها السلام قَبْلَ أَنْ يَتَّيَّنَ رَجُلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لَيُبَدَأُ بِالتَّكْبِيرِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۲).

۳. "التَّعْقِيبُ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ يَعْزِي بِالِدُّعَاءِ أَلْبَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّارِبِ فِي الْبِلَادِ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۳۳).

نباشد..."^۱، آنچه موجب جلب توجه الهی است دعا و نیاز ما به خداوند است.

۳. جلب خشنودی خداوند

خداوند عامل خشنودی اش از اسماعیل علیه السلام را توجه او به نماز می‌داند:

"وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَ كَانَ يُأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزُّكُوفِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا"; و در این کتاب اسماعیل را یاد کن. او درست‌قول و فرستاده‌ای پیامبر بود و خاندان خود را به نماز و زکات امر می‌کرد و نزد پروردگارش شایسته و پسندیده بود.^۲

۴. رحمت الهی و بهشت

حضرت عبدالعظیم حسنی از امام یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: "موسی بن عمران علیه السلام با خداوند سخن گفت و عرض کرد: بار خدایا، جزای کسی که نماز را در اول وقت می‌خواند چیست؟ خداوند فرمود: خواسته‌هایش را بر می‌آورم و بهشتم را به او مباح می‌گردانم."

۱. "قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ..." (فرقان: ۷۷).

۲. مریم: ۵۴ و ۵۵.

ظاهراً نشستن بعد از نماز بدون دعا کردن یا دعا کردن بدون نشستن در غیر سفر و حالت ناچاری، تعقیب نماز به حساب نمی‌آید. بهتر این است انسان در حال انجام تعقیب نماز مانند خود نماز رو به قبله و با طهارت باشد و ذکرها و دعاها را به عربی بگوید و دعاهای وارد شده را بخواند.^۱

■ برای تعقیبات نماز چه بخوانیم؟

در پاسخ به این پرسش چند مورد از تعقیبات وارد شده را بیان می‌کنیم:

تکبیر؛

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: "... وقتی که سلام [نماز را] دادی دو دستت را بالا ببر و سه مرتبه تکبیر بگو."^۲

۱. تسبیح حضرت زهرا علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: "تسبیح حضرت زهرا علیها السلام مصداق ذکر کثیر است که خداوند دستور داد و فرموده: "و اذکروا الله ذکراً کثیراً؛ (فراوان ذکر خدا بگویید)."^۳

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. قال امیر المومنین علیه السلام: "... فإذا سلمت رفعت یدیک وکبرت ثلاثاً (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۰).

۳. عن زرارة بن اعین عن أبي عبد الله علیه السلام، قال: "تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ علیها السلام مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ، الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: "اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا" (کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۳۸۸، ح ۲۳).

نماز باید خواند و قرائت قرآن و غیره مشغول گردد تا وقت نماز دیگر) آن بنده مهمان خدا می‌باشد و حق است بر خداوند که مهمان خود را اکرام کند.^۱

۸. بهره‌های معنوی دیگر

حضرت علی علیه السلام فرمودند: "کسی که در جایگاه نمازش بنشیند و به ذکر خدای تعالی و به تعقیبات بپردازد، خداوند فرشته‌ای را مأمور می‌گرداند که به وی می‌گوید: ای نمازگزار ای که مشغول دعا هستی، به شرف و کرامت و فضیلت خود بیفزای (یعنی بیشتر و زیادتیر دعا کن) که برای تو حسنات ثبت می‌گردد و سیئات و بدی‌هایت محو می‌شود و درجات تو افزون می‌گردد و این گفت‌وگو ادامه دارد تا وقتی که او از دعا و تعقیباتش فارغ شود."^۲

چند نکته فقهی درباره تعقیب نماز

تعقیب، پس از نمازهای مستحب هم مستحب است؛ هر چند استحباب آن بعد از نمازهای واجب بیشتر است. تعقیب باید از نظر عرف متصل به نماز باشد.

۱. "مَنْ صَلَّى صَلَاةً فَرِيضَةً، وَ عَقَبَ إِلَى أُخْرَى، فَهُوَ صَيِّفُ اللَّهِ، وَ حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ صَيِّفَهُ" (کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۳۰، ح ۳۲).

۲. قال علی علیه السلام من جلس فی صلاة ثانيا رجلیه یذکر الله - تبارک الله و تعالی - و کل الله - عزوجل - به ملکا یقول: "ازدد شرفا تکتب لك الحسنات و تمحی عنک السيئات و تبنی لك الدرجات حتی ینصرف" (ابن حیون، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۵).

- تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در همه حال مطلوب است، خصوصاً بعد از نماز و قبل از خواب؛ کسی که با تسبیح فاطمه علیها السلام بخوابد، از مردان و زنانی است که خدا را فراوان یاد می‌کنند.^۱

۲. تسبیحات اربعه

تسبیحات اربعه سی مرتبه یا چهل مرتبه از مصادیق "باقیات صالحات"^۲ و "ذکر کثیر"^۳ شمرده شده و موجب آمرزش گناهان است و نیز موجب استجاب دعا^۴.

کسی که پس از نماز واجب، چهل بار **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** بگوید هر چه بخواهد، به او داده می‌شود.^۵

امام صادق علیه السلام فرمودند: "هر کس پس از به‌جا آوردن نماز واجب، سی مرتبه تسبیح بگوید، همه گناهانش فرو می‌ریزد

عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۲).

۱. فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: "مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ" (همان، ج ۶، ص ۴۴۷).

۲. كهف: ۴۶.

۳. احزاب: ۴۱.

۴. فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ قَالَ رُوِيَ عَنْ أُمِّتِنَا عليها السلام أَنَّ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهُ ذِكْرًا كَثِيرًا (همان، ج ۶، ص ۴۵۴).

۵. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ قَرِيبَةً قَبْلَ أَنْ يَتْبِيحَ رَجُلُهُ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهُ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ (همان، ج ۶، ص ۴۵۵).

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: "خدای تعالی با چیزی بهتر از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام تمجید و عبادت نشده است؛ زیرا اگر بهتر از آن چیزی بود، رسول خدا آن را به فاطمه علیها السلام می‌آموخت."^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: "تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در هر روز، به دنبال هر نماز، نزد من از هزار رکعت نماز (مستحبی) در هر روز، محبوب‌تر است."^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: "ای ابا هارون! ما بچه‌های خود را همان‌طور که به نماز امر می‌کنیم به تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام نیز امر می‌کنیم. تو نیز بر آن مداومت کن؛ زیرا بنده‌ای که بر آن مداومت نموده است، هرگز به شقاوت نیفتاده است."^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: "تسبیح زهرا علیها السلام صد ذکر است ولی در میزان سنجش اعمال، هزار ذکر محسوب می‌گردد، شیطان را دور و خدای تعالی را راضی می‌کند."^۴

۱. عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: "مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فَاطِمَةَ عليها السلام" (همان، ج ۳، ص ۳۴۳).

۲. عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَاطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: "تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عليها السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ" (همان).

۳. عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "يَا أَبَا هَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ فَالزِّمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزِمَهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ" (همان).

۴. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: "قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عليها السلام ثُمَّ اسْتَعْفَرَ غُفِرَ لَهُ وَ هِيَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَ أَلْفٌ فِي الْمِيزَانِ وَ تَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ تَرْضِي الرَّحْمَنَ" (حر

خواندن سی مرتبه تسبیحات بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام هر نمازی را که در سفر می‌گذارد و شکسته می‌خواند، بعد از اتمام آن سی بار می‌گفتند "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" و می‌فرمود که این تکمیل کننده نماز شکسته است.^۱

۳. لعن أعداء دین

هر گاه نماز واجب را تمام کردی، جز با لعن بنی امیه، از جای خود حرکت نکن.^۲

۴. خواندن سوره توحید

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: "هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد باید بعد از نماز واجب، خواندن قل هو الله احد را ترك نکند؛ زیرا هر کس پس از هر نماز واجب، [سوره] قل هو الله احد بخواند، خدا به او خیر دنیا و آخرت کرامت فرماید و گناه او و پدر و مادر او و فرزندان پدر و مادر او را ببامرزد."^۳

و در روایتی دیگر آمده که خواندن آن بعد از هر نماز، موجب نزول رحمت از آسمان بر سر خواننده و نزول سکینه و نظر رحمت

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۹۵.

۲. عَنِ ابْنِ جَمِيلٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: "إِذَا انْحَرَفْتَ عَنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَلَا تَنْحَرَفْ إِلَّا بِانْصِرَافٍ لِعَنْ بَنِي أُمَيَّةٍ" (همان، ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۱۹).

۳. همان، ج ۹۲، ص ۳۴۵.

[آمرزیده می‌شود].^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "وقتی من را به آسمان‌ها بردند، وارد بهشت شدم. دیدم کاخی آنجاست از یاقوت سرخ، آنقدر شفاف بود که داخل آن دیده می‌شد. در آن دو گنبد بود، یکی از دُر و دیگری از زبرجد. از جبرئیل سؤال کردم این قصر برای چه کسی است؟ گفت: کسی که سخنش را پاکیزه کند، دائم روزه بگیرد، به دیگران غذا بدهد، شب به پا خیزد درحالی که مردم خوابند. علی گفت که من پرسیدم: ای فرستاده خدا! چه کسی از امت قادر است چنین باشد؟ فرمود: می‌دانی پاک کردن کلام چیست؟ گفتم: خدا و رسولش داناترند. فرمود: کسی که بگوید: "قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ..."^۲

۱. عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ صَلَّى صَلَاةً مَكْتُوبَةً ثُمَّ سَبَّحَ فِي دُبُرِهَا ثَلَاثِينَ مَرَّةً لَمْ يَبْقَ عَلَى بَدَنِهِ شَيْءٌ مِنَ الذُّنُوبِ إِلَّا تَنَاءَرَ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۱).

۲. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ فِيهَا قَصْرًا مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ يَرَى بَاطِنَهُ مِنْ ظَاهِرِهِ لُضْيَانَهُ وَنُورَهُ وَفِيهِ قُبَّتَانِ مِنْ دُرٍّ وَزَبَرْجَدٍ فَقُلْتُ يَا جِبْرِيئِيلُ لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ قَالَ هُوَ لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَآدَمَ الصِّيَامَ وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ وَتَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَفِي أُمَّتِكَ مَنْ يُطِيقُ هَذَا فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنْ تَدْرِي مَا إِطَابَهُ الْكَلَامُ فَقُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَ تَدْرِي مَا إِدَامَهُ الصِّيَامُ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ صَامَ شَهْرَ الصَّبْرِ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ لَمْ يُفْطَرْ مِنْهُ يَوْمًا أَ تَدْرِي مَا إِطْعَمَهُ الطَّعَامُ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ طَلَبَ لِعِيَالِهِ مَا يَكْفِي بِهِ وَ جُوهَهُمْ" (همان، ج ۱۸، ص ۳۴۲).

عمران)، آیه الكرسي (آیه ۲۵۵ بقره)، آیه الملك (آیه ۲۶ آل عمران) [۱].

۶. خواندن ذکر پیامبر ﷺ پس از فتح مکه؛

از مفضل بن عمر نقل شده است که به امام صادق علیه السلام عرض کردم چرا باید نمازگزار بعد از سلام دادن سه مرتبه در حالی که دو دستش را بالا می برد تکبیر بگوید؟ حضرت فرمود: "چون نبی اکرم ﷺ زمانی که مکه را فتح کردند، نماز ظهر را با اصحابشان کنار حجر الاسود اقامه کردند و پس از سلام نماز سه مرتبه دو دست خود را بالا آوردند و تکبیر گفتند و فرمود: "لا إله إلا الله وحده وحده أنجز وعده ونصر عبده وأعز جنده و غلب الأحزاب وحده فله الملك و له الحمد يحيي و يميت و هو علي كل شيء قدير" سپس رو به اصحابشان کردند و فرمودند: این تکبیر را و این دعا را بعد از هر نماز واجب ترک نکنید؛ پس اگر کسی این کار را بعد از سلام نماز انجام دهد، آن شکری را که بر عهده اوست نسبت به خدای متعال، برای تقویت اسلام و لشکر اسلام به جا آورده است" [۱].

۱. عن المفضل بن عمر قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام لآي علة يكبر المصلي بعد التسليم ثلاثاً يرفع بها يديه فقال: "لأن النبي ﷺ لما فتح مكة صلى بأصحابه الظهر عند الحجر الأسود فلما سلم رفع يديه وكبر ثلاثاً وقال لا إله إلا الله وحده أنجز وعده ونصر عبده وأعز جنده و غلب الأحزاب وحده فله الملك وله الحمد يحيي ويميت ويحيي ويميت وهو على كل شيء قدير ثم أقبل على أصحابه فقال لا تدعوا هذا التكبير وهذا القول في دبر كل صلاة مكتوبة فإن من فعل ذلك بعد

خدا به او و آمرزش گناهان و برآورده شدن حاجاتش و در امان خدا بودن، دانسته شده است [۱].

۵. قرائت حمد، آیه شهد الله، آیه الكرسي و آیه ملك، بعد از هر نماز واجب

امام صادق علیه السلام فرمود: "هنگامی که خداوند عز و جل به این آیات امر کردند که به سوی زمین هبوط کنند، به عرش آویزان شدند و گفتند: ای پروردگار! ما را به کجا می فرستی؟ به سوی اهل خطاها و گناهان؟

خداوند عز و جل به سوی آنها وحی کرد که هبوط کنید. به عزت و جلالم سوگند که هیچ کس از آل محمد و شیعیان آنها، پس از هر نماز واجب شما را نمی خواند مگر این که با چشم پنهانم در هر روز، هفتاد نظر [رحمت] به او می کنم و در هر نظر، هفتاد حاجت او را برآورده می کنم و گناهان او را می بخشم. [۲] آن آیات عبارت اند از: اُم الكتاب [سوره حمد]، شهد الله انه لا اله الا هو (آیه ۱۸ آل

۱. همان، ج ۹۱، ص ۳۸۴.

۲. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: "لما أمر الله عز وجل هذه الآيات أن يهبطن إلى الأرض تعلقن بالعرش و قلن أي رب إلى أين تهبطنا إلى أهل الخطايا و الذنوب فأوحى الله عز وجل إليهن أن اهبطن فو عزبي و جلاي لا يتلوكن أحد من آل محمد و شيعتهم في دبر ما افترضت عليه من المكتوبة في كل يوم إلا نظرت إليه بعيني المكتوبة في كل يوم سبعين نظرة أفصي له في كل نظرة سبعين حاجة و قبلته على ما فيه من المعاصي و هي أُم الكتاب و - شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائكة و أولوا العلم و آية الكرسي و آية الملك" (كليني، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۰).

۸. سجده شکر

۹. خواندن نافله

به سبب اهمیت ویژه سجده شکر و نافله در ادامه، هر یک از این دو را به طور جداگانه مطرح کرده، درباره آنها توضیح می‌دهیم.

■ سجده شکر چه اسرار و آثاری دارد؟

یکی از مهم‌ترین تعقیبات بعد از نماز، سجده شکر است که حداقل آن گفتن سه مرتبه "شکراً لله" (شکر برای خداست) در سجده است. نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند بزرگ وقتی است که در سجده است. خداوند فرمود: "سجده کن و تقرب جوی".^۱

اگر انسان در حال سجده خوابش ببرد، خداوند به فرشته‌ها می‌گوید: نگاه کنید "قَبَضْتُ رُوحَهُ وَ هُوَ فِي طَاعَتِي" روحش را گرفته‌ام و او در اطاعت من است.^۲

سعد بن عبدالله به اسنادش از حسن بن علی بن فضال نقل کرده که حضرت ابا الحسن علیه السلام را دیدم که قصد وداع قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشت و می‌خواست از آنجا به عمره برود... شش یا

۱. عَنِ الْوُضَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاءَ رضی الله عنه يَقُولُ: "أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هُوَ سَاجِدٌ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ" (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۴).

۲. عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوُضَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاءَ رضی الله عنه يَقُولُ: "إِذَا نَامَ الْعَبْدُ وَ هُوَ سَاجِدٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدِي قَبَضْتُ رُوحَهُ وَ هُوَ فِي طَاعَتِي" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۸۰).

۷. خواندن دعاهای وارد شده

در باب سیزدهم و باب بیستم ارشاد القلوب دیلمی در حدیثی قدسی آمده است که:

هرکس محدث شود و وضو بگیرد، به من جفا کرده است و اگر کسی وضو بگیرد و پس از وضو دو رکعت نماز بخواند، به من جفا کرده است. همچنین اگر کسی وضو بگیرد و دو رکعت نماز هم بخواند، اما دعا نکند، به من جفا کرده است. سپس می‌فرماید: اما اگر کسی وضو بگیرد و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند و سپس دعا کند و از خدا چیزی بخواهد، ولی خدا به او عنایت نفرماید، خداوند به او جفا کرده است و مسلماً خداوند رحمان به کسی جفا نمی‌کند. [در نتیجه دعای او مستجاب است].

التَّسْلِيمِ وَ قَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ قَدْ أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَ جُنْدِهِ" (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۰).

۱. بی‌مهری کردن، بی‌وفایی کردن (ر.ک: فرهنگ معین).

۲. قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: "يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: "مَنْ أَحْدَثَ وَ لَمْ يَتَوَضَّأْ فَقَدْ جَفَانِي، وَ مَنْ أَحْدَثَ وَ تَوَضَّأَ وَ لَمْ يَصِلْ رَكَعَتَيْنِ فَقَدْ جَفَانِي، وَ مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ لَمْ يَدْعُنِي فَقَدْ جَفَانِي، وَ مَنْ أَحْدَثَ وَ تَوَضَّأَ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ دَعَانِي فَلَمْ أَجِبْهُ فِي مَا يَسْأَلُ مِنْ أَمْرِ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ فَقَدْ جَفَوْتَهُ وَ لَسْتُ بِرَبِّ جَافٍ" (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۶۰).

اهمیت و آثار سجده شکر

امام صادق علیه السلام: "سجده شکر بعد از نماز، سبب کامل شدن نماز و خشنودی خدا و خوش آمدن و اعجاب فرشتگان است. خداوند از آنان می‌پرسد: پاداش این بنده شاکر چیست؟ می‌گویند: رحمت تو، بهشت تو، حلّ مشکل او، ... خداوند می‌فرماید: همان‌گونه که او از من تشکر کرد، من هم از او سپاسگزارم. این جمله می‌فهماند که رضایت و سپاس الهی از همه نعمت‌ها برتر است."^۱

تشکر از خداوند برای هر نعمتی موجب افزونی آن نعمت می‌گردد. حضرت موسی علیه السلام به قوم خود فرمود: "خداوند این چنین مقرر نموده است که اگر شکر کنید نعمتم را بر شما زیاد

شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَأَدَاءِ فَرَضِهِ وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ - تَمَّ بِهَذِهِ السَّجْدَةِ" (همان، ج ۷، ص ۶، ح ۱).

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبُّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَبَحَّ الرَّبُّ تَعَالَى الْجَنَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فُرْجَتِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحْمَتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتْكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كَفَّابُهُ مُهِمَّهُ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِأَشْكُرُنَّهُ كَمَا شَكَرَنِي وَأَقْبَلَ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأَرِيهِ رَحْمَتِي" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶).

هشت رکعت نماز خواندند. راوی می‌گوید: مقدار رکوع و سجود آن حضرت به قدر گفتن سه تسبیح یا بیشتر بود و وقتی از نمازها فارغ شدند به سجده رفته و آنقدر سجده را طول دادند تا ریگ‌ها از عرق بدن آن حضرت مرطوب شدند.

راوی می‌گوید: بعضی از اصحاب گفته‌اند: که آن حضرت را دیده که صورت مبارکشان روی زمین مسجد نهاده بودند.^۱

معنای سجده شکر و فلسفه آن

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: "حداقل چیزی که بنده می‌تواند پس از نماز به‌عنوان تشکر از خداوند برای توفیق او در انجام [نماز] واجبش بگوید این است: شُكْرًا لِلَّهِ، شُكْرًا لِلَّهِ، شُكْرًا لِلَّهِ." از حضرت سؤال شد که معنای این گفته چیست؟ فرمود: "با این سجده می‌گوید از من است این شکر برای خدا نسبت به آنچه که توفیق داده به اینکه خدمتش و انجام نماز واجب را به‌جای آورم. و این شکر موجب افزایش (معنوی) می‌شود. پس اگر در نمازش کوتاهی بوده است که با نوافل جبران نشده، با این سجده جبران می‌شود."^۲

۱. وَعَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام صَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ أَوْ ثَمَانٍ رَكَعَاتٍ قَالَ وَكَانَ مِقْدَارُ رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ ثَلَاثَ تَسْبِيحَاتٍ أَوْ أَكْثَرَ فَلَمَّا فَرَغَ سَجَدَ سَجْدَةً أَطَالَ فِيهَا حَتَّى بَلَ عَرْقُهُ الْخَصَى - قَالَ وَذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ الْصَقَّ حَدِيثَهُ بِأَرْضِ الْمَسْجِدِ (همان، ج ۷، ص ۸).

۲. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: "السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ أَدَاءِ فَرَضِهِ وَأَدَّى مَا يُجْزِي فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ

سر بر خاک گذارد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: "خداوند تبارک و تعالی به موسی علیه السلام وحی فرستاد: آیا می‌دانی چرا از میان همه مردم تو را برای سخن گفتن با خودم برگزیدم؟ موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا چرا؟ خداوند فرمود: من بندگانم را آزمایش کردم و در میان آنها ذلیل‌تر و خاکسارتر و فروتن‌تر از تو نسبت به خود ندیدم. ای موسی! برای اینکه چون تو از نماز فارغ می‌شوی، روی خود را بر خاک می‌نهدی؛ یعنی اظهار کوچکی و ناچیزی می‌نمایی."^۲

سجده شکر، بعد از فریضه و نافله و بعد از تذکر هر نعمتی مطلوب است.

مستحب است که در سجده شکر ساق دست‌ها باز و قفسه سینه و شکم خود را به زمین بچسباند. (عکس آنچه در نماز انجام می‌شود).

مستحب است که انسان دست بر موضع سجده خود بمالد و بعد به صورت (و سایر اعضایی) خود بکشد.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۲.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام أَنْ يَا مُوسَى اتَّذِرِي لِمَا صَطَفَيْتُكَ بِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي قَالَ يَا رَبِّ وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي قَلَّبْتُ عِبَادِي ظَهْرًا لِبَطْنٍ فَلَمْ أَحِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَذْلَلِي نَفْسًا مِنْكَ يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَ صَعْتَ خَدَّكَ عَلَى التُّرَابِ أَوْ قَالَ عَلَى الْأَرْضِ" (همان، ج ۷، ص ۱۰).

می‌کنم و اگر کفر بورزید عذاب من شدید است".^۱ و چه توفیق و نعمتی از این بالاتر که خداوند به انسان لیاقت داده است که او را یاد نماید. پس هر کس به حقیقت نماز و اینکه بزرگ‌ترین توفیق است واقف گردد، اهمیت و بایستگی سجده شکر را بیشتر احساس می‌کند.

■ ذکر سجده شکر

حداقل سه مرتبه "شکراً لله" است؛ ولی هر چه طولانی‌تر باشد، بهتر است. از حضرت رضا علیه السلام در سجده بعد از نماز، تا پانصد "سبحان الله" هم شنیده شده.^۲ و مکرر اتفاق افتاده که موسی بن جعفر علیه السلام بعد از نماز به سجده رفته‌اند و تا بالا آمدن روز همچنان در سجده بوده‌اند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمودند: "حضرت ابراهیم علیه السلام به سبب زیاد سجده نمودن بر زمین به مقام خلیل الهی رسید."^۴

■ چند نکته درباره احکام سجده شکر

بهتر است انسان دو بار سجده کند؛ به این صورت که بعد از سجده اول گونه راست و بعد گونه چپ را به خاک بمالد و مجدداً

۱. ابراهیم: ۷.

۲. همان، ج ۷، ص ۱۲.

۳. همان.

۴. "... لَمْ اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا قَالَ لِكَثْرَةِ سُجُودِهِ عَلَى الْأَرْضِ" (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۵).

درک مظاهر خداوند که بالاترین آن اهل بیت عصمت و طهارت هستند، می باشد.

در حقیقت اینکه خالق از مخلوق تشکر نماید یعنی بزرگ‌ترین لطف الهی که از بهشت و رحمت و مغفرت و رضوان الهی برتر و بالاتر است.

■ نماز نافله چیست و چه آثار و اسراری دارد؟

اهمیت نوافل

مستحب است انسان قضای نمازهای مستحبی نمازهای یومیه را به‌جا آورد و ترک آن برای دنیا مکروه است. کسی که توانایی قضای آن را ندارد به‌جای آن صدقه دهد و کم‌ترین مقدار آن برای هر دو رکعت نماز یک مد طعام است و اگر نتوانست برای هر چهار رکعت نماز، یک مد بدهد و اگر باز هم توانایی نداشت برای هر یک از نماز شب و روز یک مد طعام بدهد.^۱

سجده

۲۶۰

این گونه پاسخ دهید

→

قَالَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةُ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَأَقْبِلُ إِلَيْهِ فَضَلِي وَأُرِيهِ وَجْهِي" (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۳).

۱. "یستحب قضاء النوافل الرواتب و یکره أكیداً تركه إذا شغله عنها جمع الدنيا. و من عجز عن قضائها، استحَبَّ له التصدق بقدر طوله. و أدنی ذلك التصدق عن كل ركعتين بمد و إن لم يتمكّن، فعن كل أربع ركعات بمد و ان لم يتمكّن فمدّ لصلاة الليل و مدّ

■ آثار و برکات سجده شکر

در این زمینه دو روایت بیان می‌کنیم:

امام رضا علیه السلام فرمودند: "یکی از آثار مهم سجده شکر بعد از نماز، جبران برخی کاستی‌های موجود در نماز است."^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: "اگر بنده با عبودیت و نماز به دنبال جلب رضوان الهی است این رضایت با انجام سجده شکر کامل می‌گردد به گونه‌ای که فرشتگان مقرب الهی که مدام در حال تقدیس و تسبیح خدای سبحان هستند به شگفتی در می‌آیند از رحمت الهی که بر شخص سجده‌گزار نازل می‌گردد؛ به نحوی که خداوند بر فرشتگان فخر فروخته و (از روی لذت ربوبی و رضایت) می‌گوید که ای ملائکه من بیایید و نیک بنگرید بنده مرا که علاوه بر انجام فریضه به سجده شکر افتاده و از من به سبب توفیق نماز واجب تشکر می‌کند؛ حال سزاوار است من که خدای او هستم نیز از او تشکر نمایم و صورتم را به او نشان می‌دهم."^۲ [که منظور دیدن و

۱. همان، ج ۷، ص ۶، ح ۱.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: "سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُمْتَمُ بِهَا صَلَاتُكَ وَ تُرْضِي بِهَا رَبَّكَ وَ تَعَجِبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَخَّرَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرِيضَتِي وَ أَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتَهُ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةٌ لَهُمْ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَ لَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا

سجده

۲۵۹

بخش دوم: پاسخ به سؤالاتی برتر...

هنگامی که او را دوست بدارم گوش او می شوم آنگاه که می شنود و چشم او می شوم آنگاه که می بیند و زبان او می شوم آنگاه که سخن می گوید و دست او می شوم آنگاه که ضربه می زند و پای او می شوم آنگاه که راه می رود، هنگامی که به درگاه من دعا کند اجابت می کنم و اگر از من درخواست کند به او می دهم.^۱

در روایات زیادی، "نوافل" مکمل فریضه، تلقی شده است. به این معنا که خداوند نقصان نماز واجب را با نافله جبران می کند. امام صادق علیه السلام فرمود: "گاهی از نماز بنده، نصف یا ثلث یا ربع و یا خمس آن بالا می رود (پذیرفته می شود)؛ چرا که پذیرفته نمی شود از او مگر نمازهایی که با توجه قلبی (و خلوص نیت) باشد و به جا آوردن نافله را دستور دادیم تا کاستی های (نماز) واجب را جبران کند."^۲

پس اگر قبول نمازهای واجب به طور کامل منوط به نافله است و اگر پذیرش همه اعمال منوط به پذیرفته شدن نماز است، پس سهل انگاری در نافله امر ناپذیرفتنی است. تا جایی که در روایات زیادی، قضای نوافل، مطلوب و مورد سفارش واقع شده که پیش از

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، ج ۶، باب ۱۷.

۲. عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث قال أبو عبد الله عليه السلام: "يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الْعَبْدَ يَرْفَعُ لَهُ ثُلُثُ صَلَاتِهِ وَ نِصْفُهَا وَ ثَلَاثَةُ أَرْبَاعِهَا وَ أَقَلُّ وَ أَكْثَرُ عَلَى قَدْرِ سَهْوِهِ فِيهِ وَ لَكِنَّهُ يُتَمُّ لَهُ مِنَ النَّوَافِلِ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ مَا أَرَى النَّوَافِلَ يَنْبَغِي أَنْ تُتْرَكَ عَلَى حَالٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَجَلٌ لَا" (طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۱۶).

از امام باقر علیه السلام سؤال شد که مراد خداوند متعال در آیه: "الذین هم علی صلاتهم یحافظون" (و آنها که بر نماز مواظبت دارند)^۱ چیست؟ فرمود: "مراد نماز واجب است". سؤال شد: مراد از آیه: "الذین هم علی صلواتهم دائمون" چیست؟ (آنها که نمازها را پیوسته به جا می آورند)،^۲ ایشان فرمود: "نماز مستحبی".^۳

شاید وجهش این باشد که چون نماز نافله مکمل فریضه (نماز واجب) است، کسی که نافله می خواند، هر روز نمازش به طور کامل بالا می رود و لذا دائم الصلاة به شمار می آید.^۴

در حدیث قرب نوافل که با سندهای معتبر در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت روایت شده، آمده: امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کردند که خداوند فرمود: "اظهار دوستی نکرد بنده من به چیزی دوست داشتنی تر از آنچه واجب کردم بر او و او با نوافل به سوی محبت من می آید تا اینکه من نیز او را دوست بدارم. پس

→

صلاة النهار" (ر.ک: تعلیقات حضرت امام خمینی بر عروة الوثقی، نوشته سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی، جلد ۳، ص ۶۴).

۱. معارج: ۳۴.

۲. معارج: ۲۳.

۳. عن الفضیل قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزّ و جلّ: "الذین هم علی صلاتهم یحافظون"، قال: هی الفریضة. قلت: "الذین هم علی صلواتهم دائمون"، قال: هی النافلة (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۷۰، ح ۱۷).

۴. ر. ک: حدیث ۴، باب ۱۸ از ابواب اعداد الفرائض.

فصل هفتم:

چرا این همه به مسجد رفتن

تأکید شده است؟

■ مسجد در اسلام چه جایگاهی دارد؟

برای مسجد ویژگی‌های فراوانی در روایات اسلامی بیان گردیده که نشان‌دهنده اهمیت این مکان مقدس است. در اینجا برای نمونه به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

مسجد خانه خدا

واضح است که هر چیزی که به خداوند نسبت داده شود، باید چیز بسیار باارزشی باشد. برای نمونه آنجا که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام دستور تطهیر خانه کعبه را می‌دهد و آن را خانه خود معرفی می‌کند.^۱ در مورد مساجد نیز چنین است با اینکه خداوند، محدود در مکان خاصی نیست مساجد را خانه خود معرفی می‌کند. در حدیثی قدسی آمده است:

۱. "و إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاْمَنًا وَاَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِيْمَ مُصَلًّی وَاَعِدُّنَا لِيَوْمِ اِبْرَاهِيْمَ وَاِسْمَاعِيْلَ اَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِيْنَ وَاَلْعَاكِفِيْنَ وَاَلرُّكَّعِ السُّجُوْدِ" (بقره: ۱۲۵).

این از آن سخن گفتیم. همچنین در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است که انجام پنجاه و یک رکعت نماز در روز از نشانه‌های شیعه است.^۱

۱. اَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام قَالَ: "عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِيْنَ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۷۵).

از مرگش. با این حال دفن مؤمن در مسجد حرام است؛ برای آنکه مسجد برای همیشه یک مکان عبادی باقی بماند و تبدیل به مقبره اموات نگردد. هر چند زیارت قبور اموات نیز از امور نیکو و مورد تأکید اسلام است.

تعمیر مسجد ملاک ایمان

اگر مسجدی به گونه‌ای دچار خرابی شود که باعث شود از احترام آن کاسته شود، واجب است تعمیر شود. قرآن کریم نشانه ایمان به خدا و روز معاد و نترسیدن از غیرخدا را تعمیر و آباد ساختن مسجد معرفی می‌کند.^۱ همچنین خداوند به اندازه‌ای آبادکننده مساجدش را دوست دارد که پیامبر ﷺ فرمودند: "وقتی مرضی از آسمان بر مردم فرود آید، خداوند آن را از بنیان مساجد دور می‌گرداند."^۲

لزوم رعایت ادب نسبت به آن

حفظ احترام مسجد در اسلام واجب است و هر کاری که بی‌احترامی به مسجد به‌شمار آید، حرام دانسته شده است تا آنجا که برای حفظ حرمت مسجد دستور داده شده است که همسایگان

"خوشا به حال کسی که در خانه خودش وضو بگیرد آنگاه به سوی خانه من بیاید و مرا در خانه‌ام زیارت نماید."^۱

نجس کردن مسجد، حرام و پاک کردن آن واجب

اینکه مکانی همیشه باید پاک بماند و نجس کردن آن حرام باشد، دلیل بر ارزش و اهمیت فوق‌العاده آن است؛ زیرا هر چه مکانی مقدس‌تر باشد، رعایت احترام آن لازم‌تر است. پاک بودن مسجد تا آنجا اهمیت دارد که اگر کسی ببیند مسجد نجس شده و هنوز وقت نماز نیز وسعت دارد، اول باید مسجد را پاک کند بعد نماز بخواند.

حرمت توقف جنب و حائض

نه تنها نجاست مسجد؛ بلکه حضور انسان آلوده نیز در مسجد حرام است. یکی از احکام خاص مسجد، حرام بودن توقف انسان جنب یا زن حائض در آن است.

حرام بودن دفن اموات در مسجد

در اسلام، انسان مؤمن محترم است چه در زمان حیاتش و چه بعد

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ نُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا نُضِيءُ النَّجْمُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طَوْبِي لِمَنْ كَانَتِ الْمَسْجِدُ بَيْتَهُ أَلَا طَوْبِي لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَيَّ الْمُرُورَ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشَرُ الْمَشَاءِ يَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ الشَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (أحمد بن محمد بن خالد البرقي، المحاسن، ج ۱، ص ۴۸).

۱. "إِنَّمَا يَعْمرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزُّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ" (التوبة: ۱۸)
 ۲. قال رسول الله ﷺ: "ان الله تعالى، اذا انزل عاهة من السماء على اهل الارض صرفت من عمار المساجد" (پاینده، نهج الفصاحة، ح ۶۸۲).

محل اختصاصی یاد خدا

تمام مکان‌ها برای کارهای گوناگونی در نظر گرفته شده است که یکی از آن کارها می‌تواند یاد خدا باشد؛ همانند اینکه، خانه هم محل عبادت است، هم خواب، هم خوراک و هم مهمانی؛ ولی تنها مکانی که به فرموده خداوند در قرآن کریم برای خداست و نباید غیرخدا را در آن خواند مسجد است؛^۱ به همین دلیل از انجام هر کاری در مسجد که غیر از یاد خدا باشد، نهی شده است؛ کارهایی از قبیل سخن درباره دنیا و کار و زندگی و یا خوابیدن در مسجد؛ تا این مکان تنها برای عبادت باقی بماند.

محل رفع مشکلات مادی و معنوی مسلمانان

اگر مساجد وجود نداشت هیچ محل مطمئن دیگری برای ارتباط مؤمنان با یکدیگر و اطلاع از اوضاع یکدیگر و یاری رساندن به هم برای رفع مشکلات مادی و معنوی‌شان سراغ نداشتیم. لذا امروزه نیز می‌بینیم که آیین‌های جدیدی نیز که قد علم می‌کنند، برای عبادت و ارتباط پیروان خود با هم مکان خاصی را در نظر می‌گیرند.

قرآن می‌فرماید: "ای فرزندان آدم هنگامی که به مسجد می‌روید زینت خود را با خود بر دارید"^۲ و در آیه‌ای دیگر، مال و فرزند را

۱. "وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا" (جن: ۱۸).

۲. اعراف: ۳۱.

مسجد نماز خود را در مسجد بخوانند.^۱ حضرت علی علیه السلام فرمود: "نماز همسایه مسجد جز در مسجد درجه کامل قبولی را ندارد؛ مگر اینکه شخص معذور باشد"^۲ و نیز آن حضرت تا چهل منزل کنار مسجد را جزء همسایگان آن مسجد معرفی کردند.^۳

■ چرا اسلام این‌همه بر حضور افراد مؤمن در مساجد تأکید می‌کند؟

علل و عوامل فراوانی سبب شده‌اند که اسلام به مؤمنان، بسیار سفارش کند که به مسجد بروند. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

پایگاه مقابله با دشمن

طبیعی است که در هر مبارزه‌ای، دو طرف درگیر دارای سنگرها و پایگاه‌های مقاومتی هستند؛ سنگر و پایگاه حزب خدا در برابر حزب شیطان نیز مسجد است.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۹.

۲. عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: "لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عَذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ فَقِيلَ لَهُ وَ مَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ مَنْ سَمِعَ الشَّدَاءَ" (ابن حيون

تمیمی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۸).

۳. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: "حَرِيمُ الْمَسْجِدِ أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا وَ الْجَوَارُ أَرْبَعُونَ دَارًا مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِهِ" (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۳۳).

پیدا کنند. به آسانی می‌توان دید کسانی که اهل مسجد هستند، دچار بزهکاری اجتماعی و مفاسد اخلاقی و دوست ناباب نمی‌شوند و همیشه کسانی گمراه شده‌اند که به جایی غیر از مسجد پناه برده‌اند.

حرام بودن ورود مشرک و کافر به مسجد

جایگاه مسجد همانند خانه انسان نیست که هر انسانی حق وارد شدن به آن را داشته باشد؛ بلکه اگر کسی به خدا و روز قیامت ایمان نداشته باشد، حق وارد شدن مسجد را ندارد؛ حتی اگر زیباترین و تمیزترین و خوشبوترین لباس‌ها را هم پوشیده باشد؛ زیرا چنین فردی بر خلاف ظاهر آراسته‌اش، باطنی آلوده به شرک و کفر دارد.

محل نشست و برخاست مؤمن

در اسلام، حضور در مسجد، معیار شناخت مؤمن حقیقی از غیر آن دانسته شده است. چنان‌که در بعضی روایات، مسجد محل نشست انسان مؤمن یا به تعبیر امروز پاتوق مؤمن معرفی گردیده است.^۱ موارد دیگری نیز در روایات بیان شده است که اندیشیدن درباره آنها اسرار دیگری را از تأکید فراوان اسلام بر حضور پیروان خود در

۱. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: "إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدٌ" (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۲).

زینت دنیا معرفی می‌نماید؛ کنایه از اینکه پول بردارید تا در صورت وجود مشکلات مادی یا معنوی (همچون عیادت بیمار، تسلیت به بازماندگان و...) بتوانید دست‌گیری و یاری کنید.

مسجد محلی برای واکسینه کردن نوجوانان و جوانان

رفت‌وآمد نوجوانان و جوانان به مسجد آنها را در برابر ویروس‌های فکری و روحی واکسینه می‌کند. بردن فرزندان به مسجد هم دستور قرآن است و هم مورد تأکید روایات. در جاهایی که پایگاه فکری و روحی جوانان و نوجوانان مسجد است به مراتب آمار بزهکاری از جاهای دیگری که این‌گونه نیستند، کمتر است. علت هم پیداست؛ زیرا افراد در مسجد با آموزه‌ها و باید و نبایدهای شریعت مقدس آشنا می‌گردند و همچنین انگیزه آنها برای عمل کردن به آنها و به تعبیر بهتر تقوای آنها بیشتر می‌شود؛ لذا امام مجتبی علیه السلام فرمود: "هر کس مدام به مسجد برود علم و حکمت استوار می‌آموزد."^۱ و از این راه در برابر تمام میکروب‌های جامعه مصونیت پیدا می‌کند.

محل دست‌یابی به علم حقیقی، دوست سودمند

باید در اسلام پایگاهی مطمئن وجود داشته باشد تا در آن، مؤمنان علم اصیل اسلامی را کسب نمایند یا دوست خوب و قابل اعتماد

۱. ر.ک: ابن شعبه حرانی، تحف العقول، النص، ص ۲۳۵.

۲. رفیقی سودمند؛

۳. مطلبی آموزنده و جدید؛

۴. برخورداری از رحمتی که انتظار دارد؛

۵. سخنی که او را هدایت کند؛

۶. سخنی که او را از گمراهی بازدارد؛

۷. ترک گناه از روی حیا و شرم از مردم؛

۸. ترک گناه از روی ترس از خداوند."

درک رحمت الهی و آموزش گناهان

از آثار رفتن به مسجد، آموزش گناهان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمودند: "خداوند تا زمانی که در مسجد نشسته‌ای، برای هر نفست يك درجه به تو اعطا می‌کند و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و ده ثواب نوشته و ده گناه از گناهانت پاک می‌کنند."^۱

طلب مغفرت همه اشیاء برای اهل مسجد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "هر کس به‌سوی مسجدی برود، پایش را روی هیچ‌تر و خشکی نمی‌گذارد، مگر آنکه آن اشیاء تا اعماق زمین برای او استغفار می‌کنند."^۲

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۰۶.

۲. عن ابي عبد الله عليه السلام قال: "من مشى الى المسجد لم يضع رجله على رطب و لا يابس الا سبحت له الى الارضين" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۳).

مساجد، آشکار می‌کند؛ مواردی از قبیل مسجد خانه پرهیزکاران،^۱ بهترین مکان‌ها بر روی زمین،^۲ محل خرید متاع آخرت،^۳ مجلس پیامبران الهی^۴ و مسجد زیارتگاه خداوند است.^۵

■ رفتن به مسجد چه آثار و فوایدی دارد؟

در آغاز روایتی جامع را می‌آوریم که در آن فواید متعددی برای رفتن به مسجد از زبان امام حسن مجتبی علیه السلام بیان شده است. سپس با استفاده از روایاتی دیگر، مواردی را نیز می‌افزاییم. امام مجتبی علیه السلام فرمودند: "کسی که پیوسته به مسجد برود، یکی از هشت مورد زیر را به‌دست می‌آورد:"^۶

۱. حکمتی محکم و استوار؛

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: "المسجد بيت كل تقى" (نهج الفصاحة، ص ۷۹).

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: "أحب البلاد إلى الله مساجدها" (نهج الفصاحة، ص ۱۶۷).

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: "المساجد سوق من أسواق الآخرة" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۴).

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: "المساجد مجالس الانبياء" (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳).

۵. "ألا طوبى لمن كانت المساجد بيوته ألا طوبى لعبد توطأ في بيته ثم زارني في بيتي ألا إن على المزور كرامة الزائر" (أحمد بن محمد بن خالد برقي، المحاسن، ج ۱، ص ۴۸).

۶. "من أدام الاختلاف إلى المسجد أصاب إثم إن آية محكمته و أخطأ مستفاداً و علماً مستطرفاً و رَحمة مُنتظرة و كلمة تدلُّه على الهدى أو تُردُّه عن ردى و ترك الذنوب حياءً أو حشية" (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، النص، ص ۲۳۵).

"کسی که وضوی نیکویی بگیرد و به سوی مسجد و محل نماز حرکت کند اگر در راه مرگش فرا رسد، خداوند بهشت را برای او ضمانت می‌کند."^۱

■ چرا بعضی جوانان از مسجد گریزان هستند؟

- برخی از علت‌های این پدیده عبارتند از:
- متنوع و جذاب نبودن برنامه‌های مسجد؛
- ناهمخوانی برنامه‌های بعضی از مساجد با نیازهای فکری و روحی جوانان و وضع زمان و مسائل روز؛
- تکراری بودن موضوع و محتوای سخنرانی برخی روحانیان؛
- ناآشنایی بعضی جوانان با جایگاه و ارزش مسجد در اسلام و آثار و فواید و برکات آن؛
- غفلت بعضی جوانان از پیامدهای منفی دوری از مساجد؛
- اختصاصی شدن تدریجی برخی مساجد برای سالخوردگان؛
- طولانی بودن نماز جماعت و سخنرانی در بعضی مساجد؛
- تمیز و آراسته نبودن ظاهر بعضی مساجد و امام جماعت آنها؛
- وجود دوگانگی بین حرف و عمل بعضی از اهل مسجد؛
- مشاهده ضعف‌های رفتاری و اخلاقی در بستگان درجه اول امام جماعت (همسر، فرزندان و...)

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۴.

نجات از آتش سوزان قیامت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "در روز قیامت فرمان می‌رسد گروهی را به سوی آتش ببرند. خداوند به نگهبان دوزخ می‌فرماید: قدم‌های آنان را به آتش نسوزان؛ زیرا آنان به سوی مساجد گام برداشتند."^۱

تکفیر گناهان

هیچ کس از امت من نیست که وضو بگیرد و به سوی مسجد برود، مگر اینکه [این کار او] کفاره [گناهان] اوست تا جمعه آینده.^۲

همراهی با شهدا و صدیقان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "قدم برداشتن به سوی مسجد اطاعت از خدا و پیغمبر اوست. هر کس از خدا و پیغمبرش اطاعت کند خداوند او را به همراه صدیقان و شهدا داخل بهشت می‌کند."^۳

ورود به بهشت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "کسی که به سوی مسجد گام بر می‌دارد مؤمن و اهل بهشت است"^۴ و در روایت دیگری فرمودند:

۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۶۶.

۲. سید حسین بروجردی، جامع الاحادیث شیعه، ج ۴، ص ۴۳۳.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸.

۴. "لَا يَمْشِي إِلَى الْمَسْجِدِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۰۴).

نظافت و پاکیزگی

مسئولان مسجد باید به اموری مانند غبارروبی، نظافت منظم روزانه یا هفتگی، شستن فرش‌ها و عطرافشانی توجه کافی داشته باشند. اموری به‌ظاهر جزئی و کوچک و در واقع بااهمیت و بزرگ مانند نظافت دستشویی‌ها، فراهم کردن امکانات بهداشتی نظیر صابون، مایع ضدعفونی‌کننده، آب گرم در زمستان‌ها و شستشوی مرتب و منظم محیط دستشویی‌ها و استفاده از خوشبوکننده‌های مناسب، سیستم گرمایشی و سرمایشی مناسب و سیستم صوتی مناسب، نقش مهمی در علاقه‌مندی و دلبستگی مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد دارد.

مدیریت کارآمد مسجد

مؤمنان و نمازگزاران و مسئولان مربوط می‌توانند به منظور تنظیم برنامه‌ها و امور مساجد و جلوگیری از تعدد تصمیم‌گیری‌ها و احیاناً پدیدآمدن اختلاف‌های ناخوشایند، با انتخاب شماری از افراد جوان و متعهد و دارای صلاحیت و انگیزه در کنار ریش‌سفیدان با نظارت امام جماعت در قالب هیئت امناء، به‌طرز صحیحی برای امور مسجد، برنامه‌ریزی و به‌نحو مطلوبی آن را اداره کنند.

فراهم آوردن امکانات فرهنگی و ورزشی

مسئولان و گردانندگان مساجد می‌توانند با تهیه امکاناتی فرهنگی از قبیل: کتابخانه، سالن مطالعه، تشکیل گروه‌های تواشیح،

- تندخویی و بدرفتاری هیأت امناء و خادمان و دیگر اهالی بعضی از مساجد با جوانان؛
- ناآشنایی امام جماعت و مسئولان بعضی از مساجد با شیوه‌های صحیح ارتباط و برخورد با جوانان؛
- نبود صلاحیت‌های اخلاقی، رفتاری، علمی و تبلیغی کافی در امامان جماعت بعضی از مساجد؛
- بیگانگی امامان جماعت بعضی از مساجد با دنیای جوانان و ناآشنایی با زبان آنها و ناتوانی در ارائه پاسخ‌های قوی و قانع‌کننده به پرسش‌های آنها؛
- ارائه دین از سوی برخی امامان جماعت به صورت تصویری خشک، تک‌بعدی و سختگیرانه به جوانان.

■ چگونه می‌توان مسجدی مطلوب و جذاب داشت؟

برای رسیدن به چنین هدف ارزشمندی باید به نکاتی توجه جدی داشت که در ادامه به بعضی از آنها اشارتی می‌کنیم:

فضای مناسب و آراسته

انتخاب محل ساختن مسجد، نقشه و معماری آن، امکانات و فضای سبز و... باید حساب‌شده و از روی اصولی صحیح باشد؛ مسلم است که احداث مسجد در کوچه و پس‌کوچه‌ها و با مساحت کم و به‌طرزی نامناسب، جذابیت لازم برای جذب جوانان و نوجوانان به مسجد را نخواهد داشت.

که نماز جماعت را دوست داشته باشد، خدا و فرشتگان [نیز] او را دوست خواهند داشت.^۱ در کنار چنین روایاتی برخی از حکمت‌ها و فواید شرکت در نماز جماعت را بیان می‌کنیم.

آشکار شدن توحید بر همگان

اصل نماز، به جماعت خواندن است؛ زیرا ما در نماز با خداوند از زبان جمع سخن می‌گوییم. در سوره حمد می‌خوانیم: "ایاک نعبد، ایاک نستعین. اهدنا الصراط المستقیم...".^۲ تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. ما را به راه است هدایت فرما.

برای همین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نخستین نمازهای خود را به همراه حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه رضی الله عنها در مکه به جماعت می‌خواند تا از همان ابتدا توحید را آشکار نمایند.

امام رضا علیه السلام نیز در مورد علل سفارش اسلام به نماز جماعت فرمود: "خداوند متعال نماز جماعت را قرار داده است که شعائر اسلامی و معارف الهی همانند اخلاص، توحید، ارزش‌های اسلامی، عبادت و نیایش برای خدا آشکار شود؛ زیرا با علنی بودن آنها حجت خداوند بر مردم شرق و غرب عالم تمام می‌شود."^۲

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۸۸.

۲. ر.ک: فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۰۱.

سرود، همخوانی قرآن و تشکیل جلسه‌های آموزش قرآن در دوره‌های گوناگون، کلاس‌های تقویتی رایگان و کلاس‌های آموزشی دیگر، باعث جذب جوانان به مساجد شوند. در کنار این موارد تهیه امکانات ورزشی مرتبط با مسجد تا جایی که حرمت آن حفظ شود، نیز از عوامل جذب کننده است.

استفاده از افراد خوش صدا

گاه دیده می‌شود در بعضی مساجد از افراد بدصدا برای خواندن قرآن و اذان و دعا و تعقیبات نماز استفاده می‌شود. طبیعی است این موضوع جوانان را از مساجد فراری می‌دهد.

■ چرا این همه در اسلام نسبت به شرکت در نماز جماعت سفارش شده است؟

درباره جایگاه و ارزش نماز جماعت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ"؛ نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی‌سبب در نماز جماعت شرکت نکند، ارزشی ندارد.^۱

همچنین فرمود: "صف‌های نماز جماعت، همانند صف‌های فرشتگان در آسمان چهارم است."^۲ در حدیثی دیگر آمده است: "هر

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵ ص ۳۷۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۸ ح ۲۲۷۹۹.

۲. همان.

ولی نماز با جماعت، از نماز فردی برتر است به طوری که در روایت است که اگر تعداد نمازگزاران بیش از ده نفر شوند، ثواب آن قابل شمارش و نگارش توسط مخلوقات نیست.^۱

نماز جماعت عامل ایجاد الفت و نماد وحدت

در اسلام اصل بر گردهم آمدن مسلمانان است نه پراکنده بودن آنها. برای مثال خداوند برای حج تمتع زمان مشخصی را قرار داده است تا مسلمانان گرد هم آیند و اجتماع آنها به چشم آید و گرنه خداوند می توانست کل سال را زمان انجام حج قرار دهد و هر کس هر زمان دوست داشت برود و اعمال آن را انجام دهد؛ همان گونه که در حج عمره چنین است و وقت معینی ندارد. در واقع جمع شدن عده ای در یک مکان، برای انجام یک عمل، نشان دهنده اتحاد آنها در هدفی است. نماز جماعت نیز نماد هم صدایی مسلمانان است.

ویل دورانت می نویسد: بر هیچ انسان منصفی پوشیده نیست که شرکت مسلمانان در نمازهای جماعت روزانه، چه اثر خوبی در وحدت و تشکل آنها دارد. با کمی دقت می توان دریافت که در پرتو همین نمازهای جماعت و جمعه است که انسجام و اتحادی در اقشار مختلف ایجاد می شود و در سایه آن، برکات و ارزش هایی

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۴.

راه شناخت نمازگزار حقیقی

یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت پرسید که چرا باید نمازهای یومیه را به جماعت بخوانیم؟
امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند:

إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ وَالْإِجْتِمَاعُ إِلَى الصَّلَاةِ لِكَيْ يُعْرَفَ مَنْ يُصَلِّي مِمَّنْ لَا يُصَلِّي
وَمَنْ يَحْفَظُ مَوَاقِيتَ الصَّلَاةِ مِمَّنْ يُصْبِعُ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُمْكِنُ أَحَدًا أَنْ يَشْهَدَ
عَلَى أَحَدٍ بِالصَّلَاحِ لِأَنَّ مَنْ لَمْ يُصَلِّ فِي جَمَاعَةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ لِأَنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ فَلَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُصَلِّ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ؛
همانا نماز جماعت و اجتماع برای مسلمین مقرر شد تا نمازگزار از بی نماز و کسی که نماز خویش را در اوقاتش به جا آورد و مراقب نمازش هست از کسی که نمازش را تباه کند، معلوم شود و اگر این گونه نبود کسی به صالح بودن کسی شهادت نمی داد و به همین سبب است کسی که نمازش را با جماعت نخواند در بین ما مسلمانان بی نماز به حساب می آید؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "کسی که بدون علت و عذر نمازش را با مسلمین در مسجد برگزار نمی کند بی نماز است" (یعنی به منزله بی نماز است).

نیل به ثواب نامحدود

برخی از اعمال عبادی در اسلام ثواب محدود و مشخص دارد؛

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۹۳، ح ۲.

اهل نماز جماعت هستند، نسبت به افراد دیگر، آگاهی بیشتری نسبت به مسائل دین دارند.

رشد انسان در پرتو جماعت

اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد و یکی از آنها خاموش شود، چراغ‌های دیگر روشن است و آن مکان تاریک نمی‌ماند؛ ولی اگر هر یک از چراغ‌ها در یک اتاق در بسته روشن باشد، همین که یکی از آنها خاموش شود آن اتاق در تاریکی فرو می‌رود. انسان‌ها نیز این‌گونه‌اند. بعضی از آنها گناهکارند و اگر در خانه به‌تنهایی نماز بخوانند مانند همان چراغ خاموشند که نوری ندارد و نماز این دسته نیز تأثیر و فایده کمی دارد. بنابراین شاید از رحمت و برکات الهی نیز محروم بمانند؛ ولی اگر همین افراد در مسجد باشند و نماز را به جماعت برگزار کنند شاید خداوند به خاطر افرادی پاک و شایسته که همچون چراغ‌های فروزان و وسیلهٔ نزول رحمت او هستند، این دسته را نیز مشمول رحمت‌ها و برکت‌های خود قرار دهد.

تغییر رفتار و اخلاق نامناسب

انسان‌ها از نظر رفتاری با یکدیگر متفاوتند. چه بسیار بوده‌اند افرادی که با دیدن یک رفتار پسندیده از فردی اهل مسجد و نماز جماعت، رفتار ناپسندی را کنار گذاشته‌اند. در حقیقت مسلمان‌ها با این حضور معنوی در کنار یکدیگر، خوبی‌های خود را به‌هم منتقل می‌کنند.

وجود دارد. از کارهای عمرانی يك منطقه گرفته تا راه حل سایر مشکلات افراد و جامعه.

آگاهی از اوضاع و مشکلات جامعه

در نماز جماعت که کم‌هزینه‌ترین اجتماع دنیاست آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر و زمینه‌سازی تعاون اجتماعی اتفاق می‌افتد و زمینه رفع مشکلات فرد و جامعه فراهم می‌شود.

آگاهی از حال برادران دینی

اسلام عزیز، بر زیارت و دیدار مؤمنان و آگاهی آنها از حال یکدیگر تأکید فراوانی نموده است. در سیرهٔ پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم که اگر یکی از یارانش را سه روز بیایی نمی‌دید، جویای حال او می‌شد. اگر در سفر بود، برایش دعا می‌کرد، اگر در شهر بود، به دیدارش می‌رفت و اگر بیمار بود، به عیادتش می‌رفت. آسان‌ترین و بهترین فرصت دیدار مؤمنان، مسجد و صف‌های نماز جماعت است.

آگاهی از مسائل دینی

بسیاری از مسائل دین و احکامی که افراد فرا می‌گیرند در اثر حضور در نماز جماعت و استفاده از برنامه‌های آموزشی پیش یا پس از نماز جماعت است. به‌وضوح پیداست که غالباً افرادی که

۱. برای اطلاع بیشتر، به کتاب سنن النبی، علامه طباطبایی مراجعه کنید.

مراعات حال نمازگزاران و اقامه نماز به صورت مختصر

به یقین ثواب نماز جماعت با انجام حداقل مستحبات همراه با جمعیت بیشتر، بسیار بهتر از نماز طولانی با انجام همه مستحبات با جمعیت کمتر است. به تجربه دیده‌ایم که یکی از چیزهایی که مردم را از مسجد گریزان می‌سازد، طولانی کردن نماز و طولانی شدن فاصله بین دو نماز است.

امام صادق علیه السلام در زمینه مختصر بودن می‌فرمایند: "إِذَا كُنْتَ إِمَامًا أَجْرًا نِكَ تَكْبِيرَةً وَاحِدَةً لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَالضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ؛" هرگاه امام جماعت بودی، یک الله اکبر برای تو کافی است؛ زیرا همراه تو افرادی هستند که کار دارند یا ضعیف و پیر هستند.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: "أَخِرُ مَا فَارَقْتُ عَلَيْهِ حَبِيبَ قَلْبِي أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةً أضعفَ مَنْ خَلَّفَكَ؛" آخرین سخنی که محبوب قلبم [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] وقت فراق به من گفت، این بود که یا علی! وقتی نماز [جماعت] می‌خوانی، نمازت را مناسب حال ضعیف‌ترین کسی که به تو اقتدا کرده است بخوان.

یا در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: "مَنْ أَمَّ قَوْمًا فَلَمْ يَقْتَصِدْ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَقِرَاءَتِهِ وَرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقُعودِهِ وَقِيَامِهِ رَدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَلَمْ تُجَاوِزْ تَرَاقِيَهُ وَكَانَتْ مَنزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنزِلَةَ أَمِيرٍ جَائِرٍ مُتَعَدِّ لَمْ

■ امام جماعت شدن چه اجر و پاداشی دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بیان پاداش امام جماعت می‌فرماید: "مَنْ أَمَّ قَوْمًا يَأْذِنُهُمْ وَهُمْ بِهِ رَاضُونَ فَأَقْتَصَدَ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ بِقِيَامِهِ وَقِرَاءَتِهِ وَرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقُعودِهِ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْقَوْمِ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ؛" هر کس امامت گروهی را با اجازه آنها به عهده بگیرد و آنان به امامت او راضی باشند و او به موقع برای نماز جماعت حاضر شود و نماز را از نظر قیام، قرائت و رکوع و سجود و نشستن، نیکو انجام دهد؛ اجری مانند اجر همه اقتداکنندگانش به او می‌رسد بی‌آنکه از اجر آنان چیزی کم شود.

همچنین می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ أَنْ يُدْخِلَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ يَغْتَبِرُ حِسَابٍ وَيَشْفَعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي ثَمَانِينَ أَلْفًا الْمُؤَدَّنُ وَالْإِمَامُ وَرَجُلٌ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيُصَلِّي فِي الْجَمَاعَةِ؛" خداوند متعال وعده داده است که سه نفر را بدون حساب وارد بهشت نماید و هر یک از آنها شفاعت هشتاد هزار را بنماید؛ مؤذن و امام جماعت و کسی که وضو بگیرد و وارد مسجد شود و به جماعت نماز بخواند.

■ وظایف امام جماعت نسبت به نمازگزاران چیست؟

در پاسخ به بعضی از وظایف امام جماعت اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۶.

۲. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۶، ص ۴۴۹.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۱۰.

۲. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۸۴.

در صورت نیاز در این زمینه‌ها با مراکز حوزوی و متخصصان در تماس باشد تا حضوری مؤثر و مفید داشته باشد.

■ امام جماعت نمونه چه ویژگی‌های باید داشته باشد؟

امام جماعت در هر مسجد، عاملی مهم در پیشرفت مسجد به‌شمار می‌رود و چنانچه دارای شرایط لازم باشد، تأثیر بسزایی در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت؛ این صفات از این قرار است:

محبوبیت

از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که امام جماعت باید داشته باشد، محبوبیت او بین مردم است. پیشوایان اسلام بر محبوبیت امام جماعت و رضایت نمازگزاران از او، تأکید فراوانی کرده‌اند. رسول مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: "مَمَانِيَّةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةَ الْعَبْدِ الْأَبِيْقُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ وَ النَّاشِزُ عَنْ زَوْجِهَا وَ هُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ إِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ وَ..."^۱ هشت طایفه‌اند که خداوند نمازی از آنها نمی‌پذیرد: بنده فراری تا وقتی که به‌سوی مولایش برگردد، زن سرکش که همسرش بر او خشمناک باشد، منع‌کننده زکات، امام [جماعت] قومی که مردمش از وی ناخشنودند....

۱. أحمد بن محمد بن خالد برقي، المحاسن، ج ۱، ص ۱۳.

يُضَلِّحُ لِرَعِيَّتِهِ وَ تَمَّ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ"^۱

کسی که امامت گروهی را به عهده گیرد و در حاضر شدن [برای نماز] و قرائت و رکوع و سجده و نشستن و برخاستن خود، راه اعتدال و میانه را در پیش نگیرد، نمازش پذیرفته نخواهد شد و از شانه‌های او بالاتر نخواهد رفت و چنین فردی نزد خداوند همچون سلطان ستمگر و تجاوزگری است که برای بهبود مردم خود، تلاش نموده و فرمان الهی را در میان آنان به پای نداشته است. اهمیت این مطلب تا آنجاست که رسول خدا به سبب گریه بچه‌ای در مسجد، فوراً نماز خود را به پایان برد^۲ شاید برای اینکه نکند آن بچه و مادرش از مسجد و نماز جماعت دل‌زده شوند.

تعیین ساعتی مشخص برای رسیدگی به مشکلات مردم

در صدر اسلام مسجد فقط محلی عبادی نبوده است؛ بلکه محل انجام بسیاری از امور جامعه مسجد بوده است. لذا مناسب است امام جماعت با توجه به نیاز محل، ساعتی را به‌صورت روزانه یا هفتگی در مسجد حضور یابد و به سؤال‌های مردم پاسخ گوید و برای رفع مشکلات فردی و اختلافات خانوادگی آنها تلاش کند و

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۱۹.

۲. ابي عبد الله عليه السلام قال: "الطهر و العصر فحقت الصلاة في الركعتين فلما انصرف قال له الناس يا رسول الله احدث في الصلاة شيء قال و ما ذاك قالوا حقت في الركعتين الاخيرتين فقال لهم ا و ما سمعتم صراخ الصبي" (همان، ج ۸، ص ۴۱۹).

تغییر نکردن مکرر امام جماعت، زمینه‌ساز چنین تصمیم‌ها و رفتارهای درست و سنجیده‌ای است.

توانایی علمی

از عواملی که می‌تواند به‌شدت در جذابیت امام جماعت مؤثر باشد، گستردگی و عمیق بودن دانش اوست. طبیعی است که قدرت علمی امام جماعت مسجد، باعث اطمینان و اعتماد مردم به‌خصوص جوانان به او می‌شود و آنان نیز همواره سعی می‌کنند در مواقع لزوم با او ارتباط برقرار کنند و با اطمینان و رضایت خاطر با وی معاشرت کنند و از دانش او بهره‌مند شوند و پاسخ پرسش‌های خود را پیدا کنند.

نظم

ضرورت دارد که امام جماعت در همه امور مربوط به مسجد نظم و انضباط را مراعات کند؛ به‌موقع به مسجد بیاید، نماز را اقامه کند، سخنرانی کند و... .

بیان ساده و شیوا

بیان امام جماعت باید تا جایی که ممکن است ساده و شیوا باشد و کلمات غریب و نامأنوس به‌کار نبرد؛ چرا که بیشتر مخاطبان وی غالباً بی‌سواد یا کم‌سواد و یا ناآشنا با اصطلاحات تخصصی هستند. اگر امام جماعت با زبانی سنگین و نامأنوس با مأمومان خود سخن بگوید آنها به‌سرعت خسته و دل‌زده می‌شوند و او

آشنایی با کارکردهای مسجد

مسجد، علاوه بر کارکرد اصلی‌اش که عبارت است از مکانی برای ارتباط با خداوند و برگزاری نماز جماعت، کارکردهای دیگری نیز دارد که هر امام جماعتی باید با آنها آشنا باشد. برای مثال کارکرد آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، جهادی و رسانه‌ای.

آشنایی با دانش مدیریت مسجد

اهمیت این موضوع تا آنجاست که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شخصاً مدیریت و امامت مسجدالنبی را به عهده داشتند و در غیاب ایشان، مدیریت مسجد به عهده کسانی بود که به تشخیص آن حضرت صلاحیت امامت را داشتند. متأسفانه امروزه مشاهده می‌شود که در برخی مساجد، امام جماعت هیچ‌گونه اختیاری نداشته و برخی از افراد بر اساس منافع شخصی یا گروهی خود، هر برنامه‌ای را در مسجد اجرا و یا از اجرای آن جلوگیری می‌کنند.

ثابت بودن

شناخت کامل امام جماعت نسبت به مسجد، مؤمنان محل و نمازگزاران و... از جمله اموری است که در عملکرد خوب و مؤثر او نقشی مهم دارد. شناخت خصوصیات و اوضاع خاص هر محل و اهالی آن باعث می‌شود که او بتواند در هر موقعیتی تصمیم مناسبی بگیرد و اقدام مناسبی بکند. ثابت بودن امام جماعت و

آراستگی ظاهری

امام جماعت باید ظاهری آراسته داشته باشد؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ایت علیهم السلام این چنین بوده‌اند؛ بدن و لباس او تمیز، محاسنش مرتب، موی سر و صورتش به اندازه و متناسب باشد؛ از عطر استفاده کند، نظافت دهان و دندان را رعایت کند و... تا علاوه بر این که الگویی مناسب برای آموزه‌های دینی باشد، مردم نیز پیوسته به معاشرت با او به‌عنوان عالم دینی علاقه‌مند باشند.

توانایی جسمی

طبیعی است که امام جماعت سالم و سرحال و بانشاط در بسیاری از موارد بهتر می‌تواند وظایفش را انجام دهد.

درک موقعیت سنی جوانان

امام جماعت باید با شناخت و درک روحیات و موقعیت جوانان با آنها رفتار مناسب داشته باشد و بیش از توان و ظرفیتشان از آنها انتظار نداشته باشد و چیزی بیش از توانایی‌شان بر آنها تحمیل نکند. همچنین اصل تدریج در تغییر رفتار را در برنامه‌های تبلیغی‌اش رعایت کند.

■ چه چیزهایی باعث محبوبیت امام جماعت، پیش مردم می‌شود؟
بعضی از چیزهایی که باعث محبوبیت امام جماعت پیش مردم می‌شود عبارتند از:

مخاطبان خود را از دست خواهد داد.

ابتکار خلاقیت

بعضی از ائمه جماعت هنگام سخنرانی آموخته‌های علمی خود را با زبانی علمی و خشک بیان می‌کنند، درحالی‌که می‌توانند با ذکر مثال‌ها و حکایت‌های تاریخی، سخنان بزرگان، داستان‌های شیرین و شوخ‌طبعی سخن خود را شیرین و دلچسب و مخاطب را به پیگیری مطالب علاقه‌مند کنند.

دوستی با جوانان و نوجوانان

امام جماعت باید با شناخت روحیات نوجوانان و جوانان به آنان نزدیک و رفیق شود تا بتواند از راه دوستی و رفاقت، آنها را ارشاد کند و باعث رشدشان شود. متأسفانه گاهی بعضی از امامان جماعت با حرکات و سکنات نامناسب زیاد و تکلف‌های غیرضروری بین خود و جوانان فاصله می‌اندازند و در نتیجه از تأثیر تبلیغی خود می‌کاهند.

احترام و تواضع

احترام به مردم و فروتنی نسبت به آنها از بهترین شیوه‌های جذب مردم به دین و فراهم کردن زمینه تأثیرگذاری مثبت بر آنهاست. چنان‌که در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این روش به‌وضوح دیده می‌شود.

امام جماعت می تواند با مسئولیت دادن به نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های مسجد سبب محبوبیت خود و رشد آنها شود.

■ برگزاری برنامه‌های متنوع

راه‌اندازی برنامه‌های جذاب و متنوع مانند اردوهای یک‌روزه یا چندروزه، برگزاری مسابقات ورزشی، فرهنگی، هنری و... می‌تواند امام جماعت را نزد نمازگزاران به‌ویژه جوانان محبوب‌تر کند.

حضور پیش از وقت نماز در مسجد و گفت‌وگو با نمازگزاران

روبه‌روی مردم نشستن امام جماعت پیش و پس از نماز و گوش دادن به حرف‌های آنها و سخن گفتن با آنها از نظر تربیتی و روحی، اثرات مثبت فراوانی بر روحیه نمازگزاران از یک‌سو و افزایش محبوبیت امام جاعت از دیگرسو دارد.

به‌روز بودن امام جماعت

آگاهی امام جماعت از پیشرفت‌های علمی روز و فناوری‌های نو و استفاده از آنها در راه پیشرفت علمی و معنوی نمازگزاران از عوامل مهم محبوبیت اوست؛ برای مثال تلاش او برای تجهیز کتابخانه مسجد و امکانات رایانه‌ای مانند نرم افزارهای اسلامی برای تحقیق در زمینه معارف دینی چهره‌ای فرهیخته و به‌روز از امام جماعت در ذهن‌های نمازگزاران ترسیم می‌کند و محبوبیت او را افزایش می‌دهد.

ارتباط مناسب منظم و مستمر با نمازگزاران

این همان روش رسول گرامی اسلام ﷺ و حضرت علی (علیه السلام) در ارتباط با یارانشان بود. وقتی یکی از آنها یک یا دو جلسه در نماز غایب می‌شد، بلافاصله احوالش را جویا می‌شدند و اگر باخبر می‌شدند که او در بستر بیماری افتاده، به عیادتش می‌رفتند و در صورتی که دچار گرفتاری بود، سعی می‌کردند با مشارکت سایر مؤمنان، گرفتاری‌اش را برطرف می‌کردند و اگر بیمار شده بود، برای بهبودی‌اش دعا می‌کردند.^۱

سرزدن به خانواده‌های شهدا و جانبازان

در تاریخ می‌خوانیم که آن حضرت همراه با گروهی از اصحاب از مسجد حرکت کردند و به دیدار خانواده "سعدبن ربیع" که از شهدای جنگ احد بود، رفتند و پس از کمی گفت‌وگو، همسر سعد مشکل خود را درباره میراث سعد مطرح کرد.

احترام به شخصیت جوانان و نوجوانان و تشویق آنان در مسجد

روحیه جوان حساس و لطیف است و زود تأثیر مثبت می‌پذیرد؛ لذا امام جماعت گاهی می‌تواند با یک برخورد شایسته، جوان بیگانه با مسجد و نماز جماعت را اهل مسجد و جماعت کند.

■ شخصیت‌دادن به جوانان

۱ برگرفته از کتاب جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، علی رضایی، ص ۳۴۴

فاصله اسلام و ایمان] ترک نماز است.^۱

لذا ترک کننده نماز از دایره ایمان بیرون می‌رود؛ ولی همچنان مسلمان به‌شمار می‌آید^۲ و کافر به آن معنایی که در شرع آمده است نیست؛ برای مثال چنین شخصی نجس نیست مگر اینکه آگاهانه و جوب نماز را انکار و آن را ترک کند که در این صورت چون منکر ضروری دین شده است کافر و مرتد خواهد بود؛ اما کسی که از روی جهل و تنبلی و یا بی‌مبالاتی نماز را ترک می‌کند کافر نیست. در واقع کسی که واجبات عملی خود از جمله نماز را انجام نمی‌دهد، ایمان عملی ندارد نه ایمان اعتقادی؛ زیرا یک بخش ایمان عمل با اعضا و جوارح است و به فرموده امام صادق علیه السلام با انجام گناه، انسان از ایمان بیرون می‌رود؛ ولی از دایره اسلام بیرون نمی‌رود؛ مگر اینکه وجوب یک واجب را انکار کند یا حرامی را حلال شمارد.^۳

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۹.

۲. عن ابی عبد الله علیه السلام: "... فَمَنْ تَرَكَ فَرِيضَةً مِنَ الْمُوجِبَاتِ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهَا وَ جَحَدَهَا كَانَ كَافِرًا وَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ بِأُمُورٍ كُلُّهَا حَسَنَةً فَلَيْسَ مَنْ تَرَكَ بَعْضَ مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عِبَادَةً مِنَ الطَّاعَةِ بِكَافِرٍ وَ لَكِنَّهُ تَارِكٌ لِلقُّصَلِ مَنقُوصٍ مِنَ الحَيْرِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۳).

۳. عَبْدُ الرَّجِيمِ القَصِيرِ قَالَ: كَتَبْتُ مَعَ عَبْدِ المَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الإِيْمَانِ مَا هُوَ فَكَتَبَ إِلَيَّ مَعَ عَبْدِ المَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ سَأَلْتُ "رَحِمَكَ اللَّهُ عَنِ الإِيْمَانِ وَ الإِيْمَانُ هُوَ الإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَ عَقْدُ فِي القَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالأَرْكَانِ وَ الإِيْمَانُ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ وَ هُوَ دَارٌ وَ كَذَلِكَ الإِسْلَامُ دَارٌ وَ الكُفْرُ دَارٌ فَقَدْ يَكُونُ العَبْدُ مُسْلِمًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ

فصل هشتم:

تارک نماز به چه کسی گفته می‌شود؟ آثار ترک نماز چیست؟

■ تارک نماز به چه کسی گفته می‌شود؟ آثار ترک نماز چیست؟
تارک نماز کسی است که نماز را همیشه و به عمد ترک می‌کند؛ اما کسی که گاهی اوقات نمازش را عمداً نمی‌خواند، تارک نماز به حساب نمی‌آید.
برخی از آثار ترک نماز عبارتند از:

کفر

در روایات فراوانی تارک نماز کافر معرفی شده است؛ البته با در نظر گرفتن روایاتی دیگر، معلوم می‌شود که مقصود از کفر در این روایات، کفر در برابر "اسلام" نیست؛ بلکه کفر در مقابل "ایمان" است. به بیان دیگر کافر در این دسته از روایات، به معنی غیر مسلمان نیست؛ بلکه به معنای مسلمان بی‌ایمان است. چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فاصله کفر و ایمان [نه

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲.

ملعون است، در زبور ملعون است، در قرآن ملعون است در زبان جبرئیل ملعون است، در زبان میکائیل ملعون است، در زبان اسرافیل ملعون است، در زبان محمد ملعون است.^۱

نامسلمان مردن

پیامبر ﷺ فرمود: "کسی که نماز را ترک کند درحالی که به پاداش نمازش امید ندارد و از عذاب آن نیز ترسناک نیست، پس من اهمیتی نمی‌دهم به اینکه یهودی بمیرد یا نصرانی یا مجوسی."^۲

عذاب قیامت

پیامبر ﷺ فرمود: "هر کس انجام نماز را در وقت‌های مشخص آن نخواند در "ویل"^۳ در جهنم قرار خواهد گرفت."^۱

۱. قال رسول الله ﷺ: "تارك الصلاة ملعون في التوراة ملعون في الانجيل ملعون في الزبور ملعون في القران ملعون في لسان جبرئيل ملعون في لسان ميكائيل ملعون في لسان اسرافيل ملعون في لسان محمد" (انوار الهداية، ص ۱۹۷؛ الحكم الزاهره، ص ۲۹۴).

۲. و قال ﷺ: "مَنْ تَرَكَ صَلَاةً لَا يَرْجُو تَوَابَهَا وَ لَا يَخَافُ عِقَابَهَا فَلَا أَبَالِي إِيَّاهُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲).

۳. امیرمؤمنان (علیه السلام) فرماید: روزی پیامبر اکرم ﷺ فرمود: "ای علی! جبرئیل به من خبر داد که امت من بعد از من با تو حيله و نیرنگ می کنند وای بر آنان باد. و سه بار این جمله را تکرار کرد. عرض کردم: یا رسول الله ویل چیست؟ فرمود: یک وادی است در جهنم که بیشتر اهل آن، دشمنان تو و قاتلان فرزندان تو و پیمان شکنان یا...

فرور یختن بنای دین شخص

پیامبر ﷺ فرمود: "نماز ستون دین است و کسی که نماز را عمدی ترک کند دینش را ویران کرده است"^۱؛ چرا که با خراب شدن ستون‌های یک ساختمان، کل آن فرو می‌ریزد.

باطل شدن سایر اعمال

بر اساس آیات و روایات بعضی گناهان سبب می‌شود اعمال نیک انسان باطل شوند؛^۲ یکی از آن گناهان، ترک نماز بدون عذر است.^۳

گرفتار شدن به لعنت خدا و فرشتگان و رسول خدا

پیامبر ﷺ فرمود: "تارک نماز در تورات ملعون است، در انجیل

.....→

مُؤْمِنًا وَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ مُسْلِمًا- فَالْإِسْلَامُ قَبْلَ الْإِيمَانِ وَ هُوَ يُشَارِكُ الْإِيمَانَ فَإِذَا أَتَى الْعَبْدُ كَبِيرَةً مِنْ كِبَائِرِ الْمَعَاصِي أَوْ صَغِيرَةً مِنْ صَغَائِرِ الْمَعَاصِي الَّتِي نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهَا كَانَ خَارِجًا مِنَ الْإِيمَانِ سَاقِطًا عَنْهُ اسْمُ الْإِيمَانِ وَ ثَابِتًا عَلَيْهِ اسْمُ الْإِسْلَامِ فَإِنْ تَابَ وَ اسْتَغْفَرَ عَادَ إِلَى دَارِ الْإِيمَانِ وَ لَا يُخْرِجُهُ إِلَى الْكُفْرِ إِلَّا الْجُحُودُ وَ الْإِسْتِحْلَالُ" (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷).

۱. وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ" (شعیری، جامع الأخبار، ص ۷۳).

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱.

۳. وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَتَفَوَّتَهُ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ" (شعیری، جامع الأخبار، ص ۷۳).

- افزایش دانش دینی خود؛
 - انس و قرائت مداوم آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام)؛
 - تفکر در نشانه‌های عظمت خداوند در عالم هستی؛
 - تصمیم گرفتن و تلاش برای انجام هر چه بهتر و بیشتر تکالیف دینی؛
 - یاد معاد و بهشت و جهنم؛
 - هم‌نشینی با انسان‌های متدین و معنوی و شرکت در مراسم مذهبی؛
 - رفت‌وآمد به مکان‌های مذهبی از قبیل قبور اهل بیت (علیهم السلام)، مساجد، امامزادگان؛
 - توجه به حلال بودن لقمه؛
 - دوری از هر چیزی که او را از یاد خدا غافل می‌کند.

ضعف ایمان به معاد

قرآن کریم یقین داشتن به معاد را عامل اقامه نماز معرفی کرده است: "الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ"^۱ آنان که نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به آخرت یقین دارند.

درمان: (به درمان ضعف ایمان به خداوند رجوع شود.)

۱. نمل: ۳.

■ عوامل فکری ترک نماز در جامعه امروزی و راه درمان آن چیست؟
 بعضی از عوامل فکر و اعتقادی ترک نماز عبارتند از: ضعف ایمان به خداوند، ضعف ایمان به معاد، غفلت، جهل، عدم تفکر.

ضعف ایمان به خداوند

خداوند آنجا که به نماز فرمان می‌دهد از تعبیر "یا ایها الذین امنوا" (ای کسانی که ایمان آورده‌اید)، استفاده می‌کند. از این نکته به خوبی می‌توان دریافت که یکی از ریشه‌های اصلی کم‌توجهی به نماز، ضعف ایمان است؛ به‌راستی کسی که از نعمت ایمان به خدا بهره‌ای نبرده باشد یا بهره‌اش ناچیز باشد، نمی‌تواند از نماز لذت ببرد. این‌گونه افراد یا نمازی بی‌اثر و بی‌کیفیت می‌خوانند یا نماز را ترک می‌کنند.^۲

درمان

برای درمان این بیماری راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

تو هستند" (همان، ج ۸، ص ۳۱۲- ص ۷۸).

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ وَ مَنْ تَرَكَ أَوْقَاتَهَا يَدْخُلُ الْوَيْلَ وَ الْوَيْلُ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲).

۲. نساء: ۱۴۲.

عوامل غفلت

شیطان؛

رفیقان بد؛

مشغول شدن بی اندازه به کسب ثروت و قدرت و شهرت؛

سرگرمی بیش از حد به نعمت‌ها و لذت‌های دنیوی.

درمان غفلت

تفکر در اینکه از کجا آمده؟ برای چه آمده؟ و به کجا می‌رود؟

یاد خدا به طور پیوسته در قلب و بر زبان؛

یاد معاد و زندگی پس از مرگ؛

انس با آیات و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و قرائت مستمر آنها؛

توجه به آثار منفی دنیوی و اخروی غفلت؛

دوری از انسان‌های غافل و پیوستن به دوستان خدایی؛

فرار از محیط‌های آلوده به گناه؛

کنترل چشم و گوش و زبان از گناه؛

دوری از امور لهو و بیهوده؛

محاسبه و مراقبه؛

دیدار با عالمان وارسته و رفتن به قبرستان، زیارت مکان‌های

مقدس و عیادت از مریض؛

مواظبت در استفاده از فناوری‌های جدید غفلت‌زا از قبیل

تلویزیون، موبایل، ماهواره و اینترنت.

غفلت

غافل کسی است که نسبت به سرنوشت و سعادت دنیوی و اخروی

خود بی توجه است؛ غرق در دنیا شده و نیازهای اساسی فطری‌اش

را فراموش کرده است. غفلت سبب می‌شود که قلب او دیگر

نفهمد، چشم او نبیند، گوشش نشنود.^۱ در حقیقت انسان غافل به

تعبیر قرآن کریم در زمره حیوانات به‌شمار می‌آید و حتی بدتر؛

"أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ، بَلْ هُمْ أَضَلُّ...";^۲ و همانا بسیاری از جن و انس را

برای دوزخ آفریدیم، [که سرانجامشان به آنجا می‌کشد، چرا که]

آنان دل‌هایی دارند که [با آن حق را] درک نمی‌کنند و چشمانی

دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند،

آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلان‌اند.

انواع غفلت

غفلت از یاد خدا؛

غفلت از معاد (ثبت اعمال، مرگ، شب اول قبر، حشر، حساب،

بهشت و جهنم و...)

غفلت از نعمت‌ها و نشانه‌های الهی؛

غفلت از ناپایداری زندگی دنیا؛

غفلت از انجام تکالیف دینی از جمله نماز.

۱. اعراف: ۱۷۹.

۲. اعراف: ۱۷۹.

دنیازدگی؛

هم‌نشینی با جاهلان؛

درمان جهل:

افزایش اطلاعات دینی؛

معاشرت با اهل علم و ایمان؛

تفکر و تأمل در نشانه‌های الهی؛

عمل کردن به دانسته‌ها؛

دوری از محیط‌های آلوده.

عدم تفکر

خداوند در قرآن کریم بندگان را توصیه‌ اکید به تفکر کرده و آنان را که اهل تفکر نیستند به شدت توبیخ کرده است؛ برای مثال در این آیه می‌فرماید: "آیا آنان در وجود خودشان فکر نکردند؟ خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز بر اساس حق و زمان‌بندی معین نیافریده است و بی‌شک بسیاری از مردم به لقای پروردگارشان [در قیامت] کفر می‌ورزند".^۱ در آیه دیگری کسانی را که اهل تعقل و تفکر نیستند را بدترین موجودات دانسته است؛ "همانا بدترین جنندگان نزد خداوند، (کسانی هستند که نسبت به شنیدن حق) از کرها (و نسبت به گفتن حق) لال‌هایند،

۱. روم: ۸.

جهل

انسان نادان قدرت تشخیص خیر و صلاح واقعی خود را ندارد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: نادان کسی است که نافرمانی خدا کند، اگرچه دارای چهره‌ای زیبا و موقعیتی بزرگ باشد. با توجه به این روایت، می‌توان گفت که احمق و جاهل کسی است که از فرمان خداوند تبارک و تعالی سرپیچی می‌کند و نماز را که ستون دین است و از بالاترین عبادت‌ها به‌شمار می‌رود، کنار می‌گذارد.

انواع جهل

جهل به خدا، صفات و نعمت‌های او؛

جهل به جایگاه خود در عالم هستی؛

جهل به ارزش، احکام، اسرار نماز و عواقب ترک نماز.

عوامل جهالت

بی‌سوادی یا کم‌سوادی دینی؛

تکبر و خود بزرگ‌بینی؛

تعصب بی‌جا؛

تقلید کورکورانه؛

استفاده نکردن از نعمت عقل؛

غرق شدن در گناهان و مهر شدن قلب او به همین سبب؛

۱: "إِنَّ الْجَاهِلَ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ جَمِيلَ الْمَنْظَرِ عَظِيمَ الْخَطَرِ" (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸).

بی‌نظمی و بی‌برنامگی؛
بی‌خیالی.

درمان

توجه به هدف زندگی؛
برطرف کردن موانع تفکر (همان عواملی که در بالا بیان شد)؛
توجه کردن به آثار مثبت تفکر و آثار منفی بی‌فکری.

■ عوامل درونی (اخلاقی) ترک نماز و درمان آنها چیست؟

بعضی از عوامل درونی و کاستی‌های اخلاقی که سبب می‌شود بعضی از افراد نماز را رها کنند، عبارتند از: کبر، ناامیدی، ضعف اراده، احساس ریا و خودنمایی، احساس تحجر و عقب‌ماندگی، لجاجت. در ادامه به توضیح مختصر و ریشه‌یابی هر یک از آنها پرداخته، راهکارهایی برای درمان آن بیان می‌کنیم.

کبر

حالتی است که انسان بر اثر خودپسندی خود را از دیگران برتر ببیند.^۱ البته چه‌بسا اگر از متکبر بپرسی چرا نماز نمی‌خوانی، نگوید به خاطر غرور و تکبرم و واقعا خود هم خیال نمی‌کند به این علت باشد؛ اما چون وجودش را تکبر فراگرفته ناخودآگاه کششی

۱. راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۴۲۱.

آنها که تعقل نمی‌کنند.^۱ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "یک ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت برتر است."^۲ اهل تفکر قطعاً از نجات‌یافتگان هستند و آنان که تفکر را رها کرده، عاقبتشان گمراهی است درحالی‌که در جهنم معذب هستند. به فرموده قرآن آنها می‌گویند: "اگر تعقل می‌کردیم امروز در بین جهنمیان نبودیم."^۳ بنابراین کسی که نماز نمی‌خواند اهل تفکر نیست؛ زیرا کسی که در دین و خلقت خود تفکر کند حتماً سر به بندگی می‌نهد و نماز را بر پا می‌دارد؛ زیرا نجات خود را در نماز می‌بیند.

عوامل عدم تفکر صحیح

وابستگی به دنیا و اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی؛
اشتغال به سرگرمی‌های بی‌فایده؛
اشتغال به کار و کسب درآمد به‌صورت افراطی؛
تعصب؛
پیروی از نفس اماره؛
آلودگی به رذائل اخلاقی؛
احساس بی‌هویتی و پوچی؛
داشتن آرزوهای طولانی؛

۱. انفال: ۲۲.

۲. مصباح الشریعة، ترجمه مصطفوی، ص ۴۲۳.

۳. ملک: ۱۰.

توجه به آثار مثبت تواضع در دنیا و آخرت؛
مطالعه در روش و سیره متواضعانه انبیا و اولیا و صالحان؛
وادار کردن خود به رفتار کردن شبیه فروتنان؛
عیادت از بیماران؛
هم‌نشینی و هم‌سفره شدن با فقرا.

ناامیدی

بعضی از افراد به خاطر گناهکار بودن خیال می‌کنند دیگر نماز خواندنشان فایده‌ای ندارد و نماز خواندن با گناهکار بودن سازگار نیست پس دیگر برای چه نماز بخوانند لذا نمی‌خوانند و از آنجا که گناه معمولاً لذت‌بخش است و آنها نیز با گناه بیشتر مأنوس هستند، بر سر دو راهی ترک گناه کند یا ترک نماز، گزینه دوم را انتخاب می‌کند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: "از جمله گناهان کبیره ناامیدی از رحمت خداوند است."^۱

انواع ناامیدی

ناامیدی از خود، ناامیدی از خدا.

عوامل ناامیدی

گرفتاری در محیط آلوده؛
هم‌نشینی با افراد ناامید؛

به سمت عبادت که همراه با تواضع است، ندارد. حضرت زهرا علیها السلام در فلسفه وجوب نماز فرموده‌اند: "خدا نماز را واجب کرد برای زدودن کبر [از انسان‌ها]".^۱

انواع کبر

تکبر در برابر خداوند تعالی؛
تکبر در برابر بندگان خدا؛
تکبر در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛
تکبر در برابر حق.

عوامل کبر

ضعف‌های شخصیتی، کینه، حسادت، جهل، نشناختن بزرگی خدا و کوچکی خود، غرور، تفاخر، کفر، اشرافیت و رفاه بیش از حد.

درمان کبر

توجه به عظمت و قدرت خداوند؛
توجه به ضعف انسان؛
یادآوری نحوه خلقت و مرگش؛
توجه به آثار منفی کبر؛
عبرت از عاقبت تلخ متکبران در تاریخ؛
توجه به آفات مال و مقام و شهرت؛

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲.

۱. "مِنَ الْكِبَائِرِ... الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ" (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۸).

ضعف اراده

نماز تکلیفی است که در تمام روزهای سال همراه فرد است بر خلاف بعضی از تکالیف مانند روزه که در تمام سال تنها یک ماه ملزم به ادای آن هستیم؛ لذا ادای شایسته آن، نیازمند اراده‌ای قوی و محکم است.

عوامل ضعف اراده

تأثیرات منفی محیط (خانواده، مدرسه، دوستان، محیط کاری و...)

کمال‌طلبی و سواس‌گونه؛

ضعف شناخت؛

شکست‌های پی‌درپی؛

ضعف یا بیماری یا نقص جسمی؛

رفاه‌طلبی و لذت‌محوری؛

باور نداشتن توانایی‌های خود؛

افراط و تفریط در خوف و رجاء؛

ترس‌های ناموجه؛

ناآشنایی با ارزش و آثار و اسرار نماز و عواقب ترک آن؛

آلودگی به گناه؛

پرداختن به امور لهو و لغو؛

ضعف ایمان به خدا و معاد؛

بی‌نظمی و بی‌برنامگی.

گناه؛

جهل و بی‌اعتقادی خدا و رحمت و غفران و مهربانی او؛
نداشتن اهداف صحیح و والا در زندگی؛

وسوسه‌های شیطان؛

انتظارات بیش از اندازه؛

مقایسه نابه‌جای خود با دیگران؛

بحران هویت.

درمان ناامیدی:

شناخت و توجه به رحمت بی‌کران الهی؛

توجه به توبه‌پذیری خداوند و اهمیت و فضیلت توبه؛

توجه به بزرگ بودن گناه ناامیدی؛

تغییر محیط زندگی خود (در صورت فاسد بودن آنجا)؛

یافتن دوستان صالح و پارسا؛

دیدار با عالمان و اولیای الهی؛

انتخاب اهدافی باارزش در زندگی و برنامه‌ریزی صحیح برای

رسیدن به آنها؛

شناخت شیطان و شگردهای او؛

توکل و اعتماد به خداوند تبارک و تعالی؛

توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام)؛

توجه به عواقب شوم ناامیدی.

باعث مواظبت بیشتر شخص نسبت به خلوص عملش شود. از طرفی جای این پرسش وجود دارد آیا این احساس ریا عامل نفوذی شیطان و دشمنان خدا نیست که بنا دارند کاری کنند تا نمازگزار از نماز خواندن باز بماند؟

نکته دیگر اینکه اگر قرار باشد، انسان به صرف ترس از آلوده شدن نماز به ریا آن را ترک کند، باید همه کارهای خوب دیگر را نیز ترک کند؛ زیرا در همه آنها چنین احتمال و نگرانی ای وجود دارد و روشن است چنین کاری نادرست و ناپذیرفتنی است. باید به چنین شخصی گفت آیا در برابر این احساس باید فرار کرد یا آن را درمان کرد؟ با نماز نخواندن علاوه بر اینکه مشکل حل نمی‌شود، مشکل تازه‌ای نیز به مشکل‌های پیشین افزوده می‌شود.

نکته دیگر، باید به چنین شخصی توجه داد که ریا نیت و نقشه از پیش مشخص شده است درحالی که او بنای چنین کاری را ندارد؛ پس این حس او ریا نیست. همچنین چنین شخصی می‌تواند در خلوت نماز بخواند نه اینکه آن را به‌طور کامل ترک کند.

بر اساس سخن رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می‌فرمایند: "يقول الله سبحانه انى اغنى الشركاء فمن عمل عملا ثم اشرك فيه غیری فانا منه برىء و هو للذی اشرك به دونى"؛ خداوند سبحان می‌فرماید: من بی‌نیازترین شریکانم، هرکس عملی به‌جا آورد و غیر مرا در آن شریک کند من از او بیزارم و این عمل از آن کسی است که شریک قرار داده نه از

درمان ضعف اراده

هدف‌گذاری در زندگی؛

برنامه‌ریزی صحیح؛

شناخت توانایی‌ها و استعدادهای خدادادی خود؛

تفکر در نشانه‌ها و نعمت‌های الهی و معاد؛

تلقین مثبت؛

رعایت اصل تدریج در تقویت اراده؛

مبارزه با عادات ناپسند؛

هم‌نشینی با افراد دارای اراده نیرومند؛

توجه به اهمیت و آثار و اسرار نماز و عواقب ترک آن؛

رعایت حد میانه در ترس از خدا و امیدواری به او؛

انجام عبادات تا حد ممکن؛

انس با قرآن و دعا و ذکر.

احساس ریا و خودنمایی

بعضی افراد وقتی نماز می‌خوانند به‌ویژه وقتی دیگران هم آنها را می‌بینند، احساس می‌کنند دچار ریا یا خودنمایی می‌شوند و عمل آنها بی‌ارزش است؛ لذا با خود می‌گویند بهتر است اصل عمل را ترک کنیم و نماز نخوانیم درحالی که باید گفت چنین شخصی اصلا معنای ریا را نمی‌داند.

افزون بر این، ترس از ریا نباید عامل ترک نماز شود؛ بلکه باید

افراطی، تکبر، عدم تعقل، برداشت‌های غلط از دین، نگاه مادی داشتن به همه مسائل.

درمان

اکنون به بعضی از راهکارهای درمان این حالت اشاره می‌کنیم: کسب دانش صحیح دینی، شناخت ارزش عبادت و کارکردهای مثبت فراوان آن در زندگی دنیوی و اخروی، هجرت از محیط‌های ناسالم، تقویت خداآوری، بازگشت به فطرت توحیدی، تعقل و دوری از تقلید و تعصب و...

لجاجت

انواع لجاجت

لجاجت با خداوند، لجاجت با دولتمردان، لجاجت با مریبان و والدین.

عوامل لجاجت

برداشت‌های نادرست از دین، غرور و تکبر، بدبینی، تقلید کورکورانه، جلب توجه، سرزنش‌های بیش از حد و نابه‌جای والدین و مریبان، هوپرستی، توقع بیش از اندازه اطرافیان از نمازگزاران، شیوه‌های نادرست تبلیغ دین، مخالفت با محیط، حسادت، خودنمایی و...

درمان

بعضی از راه‌های درمان لجاجت عبارتند از:
به‌دست آوردن دیدگاه درست نسبت به دین و زندگی؛

آن من؛^۱ آنچه موجب ریاکاری است دوری از نیت خالصانه و توجه به غیر در نیت است و اگر این توجه به غیر خدا نبود ریا واقع نمی‌شود و چه‌بسا شیطان از حربه ترس از ریا استفاده کرده و آدمی را از اصل عبادت باز دارد.

عوامل احساس ریا و خودنمایی

محیط؛

شیطان؛

احساس حقارت؛

ضعف اراده؛

تلقین منفی؛

پیروی از هوای نفس؛

وسوسه‌های شیطان.

احساس عقب‌ماندگی

برخی افراد به دلیل ناآگاهی از فلسفه نماز، آن را کاری متحجرانه و به قول معروف امل‌بازی می‌دانند. چنین نظرگاه نادرستی معلول عوامل مختلفی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم از جمله: جهل، تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب، قرار گرفتن در محیط‌های غیرمذهبی یا ضدمذهبی، خودباختگی، تجددگرایی

۱. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۱۷.

درمان

- برخی از راهکارهای درمان تنبلی در ادامه بیان شده است:
- تفکر و توجه به عواقب تنبلی از قبیل پشیمانی، عقب ماندن از کارها، افسردگی، بی‌اعتمادی به خود؛
- تفکر و توجه به آثار مثبت دنیوی و اخروی کار و تلاش؛
- تلقین نشاط و شادابی به خود؛
- برنامه‌ریزی صحیح برای زندگی خود؛
- دوری از افراد تنبل و معاشرت با افراد پرتلاش؛
- ورزش کردن؛
- مشارکت در کارهای گروهی و گروه‌های کاری مثبت؛
- تغییر محیط زندگی در صورت لزوم؛
- اصلاح تغذیه و تنظیم خواب؛
- تعیین جریمه برای خود در صورت تنبلی.

تسویف (امروز و فردا کردن)

تسویف از ریشه "سوف" و به معنای تأخیر انداختن و کار امروز به فردا افکندن است.

گاهی حالتی در انسان به وجود می‌آید که او خود می‌داند در کاری اشتباه می‌کند و قصد برگشتن از آن کار را هم دارد؛ اما گویی توان تصمیم‌گیری و اقدام کردن را از دست داده است و هرگاه تصمیم به بازگشت می‌گیرد، وسوسه می‌شود که هنوز فرصت

توجه به آثار منفی لجاجت و حق‌گریزی؛
توجه به آثار مثبت حق‌پذیری؛
هم‌نشینی با انسان‌های صالح و معتدل.

■ عوامل رفتاری ترک نماز چیست؟

عوامل گوناگونی باعث می‌شود بعضی افراد نماز را ترک کنند؛ رفتارهایی مانند تنبلی، تسویف، کثرت گناه و شهوترانی، افراط و تفریط، کم‌رویی.
در اینجا به چند مورد از آنها و راه درمانشان اشاره می‌کنیم:

تنبلی

عوامل

بعضی از عوامل تنبلی اینها هستند:

ضعف ایمان، مشغولیت‌های خارج از اندازه دنیوی، جهل، نشناختن قدر نعمت‌های الهی، نفاق، ترس از شکست، افسردگی، ضعف اراده، کم‌همتی، رفاه‌زدگی، عادت، بی‌علاقه و انگیزه بودن، استفاده بیش از حد از فناوری‌های سرگرم‌کننده جدید مانند بازی‌های کامپیوتری و تلویزیون و ماهواره و موبایل و اینترنت، تأثیرهای منفی خانواده، هدف و نداشتن برنامه در زندگی، بدبینی و منفی‌بافی، شکاک بودن بیش از حد،، تغذیه نامناسب، افراط و تفریط در خواب، ورزش نکردن و بی‌تحركی.

عوامل تسویف

ضعف ایمان، تنبلی و بی‌حوصلگی، عاقبت نیندیشی، توقع بیش از حد از خود، کمال‌طلبی و سواس‌گونه، رفاه‌طلبی، ضعف اراده، وسوسه‌های شیطان، آلودگی به گناه، بی‌برنامگی در زندگی، ترس بی‌مورد، جهل، اشتغال افراطی به امور دنیوی.

درمان

- بعضی از راه‌های درمان تسویف از این قرارند:
- توجه به آثار منفی تسویف در دنیا و آخرت؛
- تقویت ایمان و یقین به خدا و معاد؛
- توجه به سرعت از دست رفتن عمر و فرصت‌ها؛
- برنامه‌ریزی؛
- تعیین وقت معین برای انجام هر کار؛
- از کم شروع کنید؛
- استفاده از تکنیک "جزء جزء"؛^۱
- اولویت‌بندی کردن کارها؛

بسیار است و خویشتن را به فردا وعده می‌دهد و انجام آن کار را به وقت دیگری موکول می‌کند. لحظه‌ها پشت سر هم می‌آیند و می‌روند و او اسیر کارهای دیگری است. این حالت، ممکن است هم در کارهای مادی پیش آید و هم در کارهای معنوی. به این حالت "تسویف" یا "مطال" گفته می‌شود.

همان‌طور که "تسویف" در امور مادی و دنیوی، انسان را از تنگی وقت غافل می‌کند و از انجام آن کار باز می‌دارد، در امور معنوی نیز باعث غفلت از خدا، مرگ و قیامت می‌شود و از اعمال نیک باز می‌دارد.

در آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام به شدت چنین حالتی تقبیح و نسبت به عواقب آن هشدار داده شده است. امام علی علیه‌السلام در دعای کمیل از این حالت به خدا شکایت کرده، می‌فرماید: "و خدعتنی الدنيا بغرورها و نفسی بجنایتها و مطالی"؛ و دنیا مرا با غرور (و ظاهر فریبنده‌اش) فریفته است، و نفسم با جنایتش و با امروز و فردا کردنش مرا بازداشته است.

انواع تسویف

- تسویف در همه امور زندگی؛
- تسویف، فقط در امور معنوی و عبادی؛
- تسویف، فقط در مواردی خاص مثل نماز.

۱. کار خود را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم کنید تا بتوانید بر آن مسلط شده و از عهده انجامش برآیید؛ برای مثال، هر پنج صفحه مقاله خود را بخش- به حساب آورده و پس از انجام هر بخش، پاداشی مناسب برای خود در نظر بگیرید، سپس به انجام سایر بخش‌ها بپردازید.

| علل | درمان |
|--|--|
| شرایط محیط یا عوامل خارجی مانند: سردرگمی، نبود تشکیلات، سرو صدا، فشار کاری بیش از اندازه و.... | ابزار و مواد لازم را تهیه کنید، محل کار و فعالیت علمی خود را مرتب و منظم کنید، دمای محل کار را بین ۲۰ تا ۲۶ درجه نگهدارید، عوامل حواس پرتی را با مهندسی محیط حذف کنید، تمرکز خود را روی یک هدف یا یک فعالیت قرار دهید و از انجام کارهای پراکنده پرهیز نمایید. |
| موانع جسمانی موجود بر سر راه مانند: خستگی، استرس، بیماری، ورزش نکردن، بی تحرکی در طول روز، پشت میز نشستن و.... | هر روز یا یک روز در میان ۲۰-۱۵ دقیقه ورزش کنید و بداند تنها ورزش پایان هفته نه تنها کافی نیست؛ بلکه از جهاتی مضر است، تغییر حالت دادن در نشستن و راه رفتن و تنفس کردن، به حالت آرام در آمدن، ۲۰-۱۵ دقیقه خواب در میان روز، توجه به برنامه غذایی به ویژه مصرف قند، توجه به صبحانه کامل، تلقین و.... |

■ **نگاهی روانشناسانه به علل و راههای درمان تسویف**

کثرت گناه و شهوت رانی

وقتی قلب کسی با گناه انس گرفت و رفتار و تفکرش رنگ و بوی غیرالهی گرفت، به طور طبیعی انس او با عبادت کمتر می شود و هر اندازه آلودگی او به گناه بیشتر شود، انس او با عبادت و مناجات با خدا کمتر می شود.

- واقع بینی (اقدام به کارهایی در حد توان، رعایت تناسب، تدریج و...)

- تمرین نظم در زندگی و کسب مهارت مدیریت زمان؛

- تقویت اراده؛

- ورزش و تغذیه سالم؛

- تلقین مثبت؛

- معاشرت با افراد قاطع و موقع شناس.

| علل | درمان |
|---|--|
| عوامل گرایشی مانند: تمایل نداشتن به پذیرش زحمت یا ناراحتی، ترس از شکست، عزت نفس کم، افسردگی، ملالت، خجالت، احساس تقصیر و.... | باید در خود نگرش مثبت ایجاد کرد و به خود تلقین نمود (تلاش می کنم، فردا یعنی هرگز، مهم امروز است، تنبلی مانع موفقیت است، خواستن توانستن است). |
| موانع شناختی مانند: اطلاعات ناکافی، مشخص نبودن اولویت ها، تردید داشتن، درباره مسئله و ناتوانی در درک اقدام به جا و به موقع، تفکر منفی، هدف های مبهم و.... | علت مسامحه کاری خود را شناسایی کنید، برای خود برنامه ریزی دقیق داشته باشید، مسائل را تجزیه، خرد و تحلیل نمایید، اقدام کنید، توجه داشته باشید انسان های موفق زمان را از دست نمی دهند، تنبلی نیستند و تنبلی را مانع موفقیت می دانند. |

و دل‌زدگی و کنار گذاشتن کامل نماز می‌شود.

عوامل افراط و تفریط

پیروی از سلیقه‌های شخصی و هوای نفس به‌جای پیروی از مراجع دینی (سلیقه‌ای عمل کردن و...):
نداشتن آگاهی صحیح از دین؛
بیرون رفتن از ولایت حق (خدا، پیامبر، امام)؛
مشکلات روحی و روانی؛
غلبه احساس بر عقل؛
شتابزدگی و بی‌توجهی به تدریجی بودن رشد و کمال؛
ایده‌ال‌گرایی افراطی بدون توجه به واقعیت‌ها؛
نامیدی از رحمت الهی؛
تقلید کورکورانه.

درمان

با درپیش گرفتن موارد زیر می‌توان این بیماری را درمان کرد:
آشنایی صحیح با دین، واقع‌بینی، انتخاب الگوی صحیح، توجه به آثار منفی افراط و تفریط، توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خود، رعایت اصل تدریج، تسهیل، برنامه‌ریزی مادی و معنوی متناسب با توان و استعدادهايمان و پرهیز از برنامه‌ریزی رؤیایی و سخت‌گیرانه، توجه به تمام جنبه‌های مسئله قبل از عمل به آن، تکلیف‌مداری به‌جای سلیقه‌مداری.

عوامل

فراموشی خدا و معاد و غفلت از آنها؛
ناآگاهی از آثار منفی دنیوی و اخروی گناه؛
همنشینی با افراد فاسد؛
آلودگی محیط زندگی؛
تنهایی و بیکاری؛
پیروی از هوای نفس؛
وسوسه‌های شیطان؛
کوچک شمردن گناه؛
رفاه زیاد.

درمان

بعضی از راهکارهای درمان این بیماری عبارتند از:
توجه به پیامدها و آثار گناهان، تقویت اراده، ارتباط همیشگی و دائم با خوبان و عالمان خداترس و رفقای خوب، یاد خدا، توجه به قیامت و یاد مرگ، تفکر، داشتن برنامه‌های معنوی منظم، ارتباط و دوستی با اهل بیت (علیهم‌السلام)، صلوات بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت او، استغفار.

افراط و تفریط

یکی از علت‌های بی‌توجهی بعضی از افراد به نماز، مربوط به افراط و تفریط‌های آنها در مسائل معنوی است که گاهی باعث خستگی

خانواده

خانواده می‌تواند نقش مؤثری در رشد معنوی اعضای خود داشته باشد؛ ولی از سوی دیگر می‌تواند در این زمینه آسیب‌هایی را هم وارد کند. ما در اینجا به بعضی از موارد مربوط به نقش منفی خانواده در ترک نماز اشاره می‌کنیم:

نبودن الگوی مناسب در منزل

تصور کنید در خانواده‌ای هیچ کدام از والدین نماز را جدی نمی‌گیرند و به احکام و آداب آن توجه کافی ندارند. در چنین وضعیتی چه انتظاری از فرزندان است تا به مسئله نماز اهمیت بدهند!

حاکم نبودن معنویت بر فضای خانه

وقتی خانواده‌ای به آموزه‌های دینی بی‌اعتنا باشند و به احکام اسلامی پایبند نباشند، نمی‌توان توقع دینداری فرزندان را داشت.

بی‌توجهی برخی والدین به تربیت مذهبی فرزندان؛

یکی از مسائل جدی که امروزه برخی از خانواده‌ها به آن گرفتار شده‌اند، این است که والدین به نیازهای جسمانی فرزندانشان بسیار اهمیت می‌دهند؛ ولی نسبت به تربیت دینی کودک و از همه مهم‌تر، نماز بی‌توجه هستند.

بهره نگرستن خانواده‌ها از شیوه‌های صحیح تربیت دینی؛

والدین در این مسیر تربیت دینی فرزندان خود، گاهی به سبب

کم‌رویی

بعضی افراد به نماز خواندن علاقمند هستند؛ ولی از دیگران خجالت می‌کشند که نماز بخوانند!

عوامل کم‌رویی

خود باختگی، ضعف بینش، احساس تنهایی، ترس از مسخره و طرد شدن، نداشتن اعتماد به نفس کافی، ضعف اراده، قرار گرفتن در محیط بد، عدم تربیت صحیح خانواده.

درمان خجالت

اعطای بینش؛

دوری از محیط‌های نامناسب؛

تقویت اعتماد به نفس؛

توجه به آثار بد کم‌رویی و مشکلات ناشی از آن؛

معاشرت با دوستان خوب؛

یافتن الگوهای مناسب و موفق.

■ عوامل بیرونی ترک نماز چیست؟

بعضی از مهم‌ترین عوامل بیرونی ترک نماز عبارتند از: خانواده، دوستان نامناسب، شیطان، رفتارهای نامناسب دینداران، رسانه‌ها، حکومت، فعالیت‌های دشمنان.

خاطر رفاقت با افراد لاابالی، به تدریج از دین فاصله می‌گیرند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "لا تصحب الشریع فان طبعک یسرق من طبعه سرا و انت لا تعلم؛" با شرور دوستی نکن؛ زیرا طبیعت تو، شرارت را از طبیعت او می‌دزدد درحالی که نمی‌فهمی.^۱

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: "از همراهی و رفاقت با آدم شرور پرهیز؛ زیرا که او مانند شمشیر برهنه است؛ ظاهرش نیکو و اثرش زشت است."^۲

شیطان

در قرآن به تلاش شیاطین برای برپا نشدن نماز تصریح شده است؛ خداوند عزیز در قرآن می‌فرماید: "همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟"^۳ و نماز بهترین عمل صالح برای مبارزه با شیطان است. امام زمان علیه السلام می‌فرماید: "هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد و او را خوار نمی‌کند. پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال."^۴

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۲.

۲. ایتاک و مصاحبه الشریع فائده کالسیف المسلمول یحسن منظره و یقبح اثره" (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸).

۳. "إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ- وَ يَصَدِّكُم عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ" (مائده: ۹۱).

۴. کمال الدین، ترجمه پهلوان، ج ۲، ص ۳۰۳.

ناآشنایی به روش‌های تربیت صحیح و گاهی نیز به علت نداشتن فرصت یا صبر لازم و کافی، به گونه‌ای با فرزندان خود رفتار می‌کنند که نتیجه‌ای وارونه می‌گیرند.

برخی از والدین در دعوت به نماز به صورتی ناخوشایند و ناسنجیده عمل می‌کنند؛ مثلاً از ناسزا و تنبیه‌های نامناسب استفاده می‌کنند و باعث ایجاد بدبینی و سرکشی در آنها می‌شوند.

ناهماهنگی‌ها در رفتار و الدین

فرزندان بیش از آنکه از پندها و تذکرات والدین تأثیر بپذیرند، زیر تأثیر رفتارهای خود آنها هستند؛ حال اگر بین گفتار و رفتار هر یک از آنها تضاد وجود داشته باشد یا بین خود والدین ناهماهنگی باشد، ممکن است مشکلاتی مانند موارد زیر پدید آید:

- کم‌ارزش شدن گفته‌های والدین برای فرزندان؛
- آموختن دورویی و نفاق؛
- الگوناپذیری از والدین؛
- تأمین نشدن نیازهای عاطفی فرزندان.

چنین مشکلاتی خود می‌تواند به مرور زمان سبب به وجود آمدن رفتارهای ناسازگارانه و انواع بزهکاری‌ها و انحراف‌های اخلاقی در فرزندان شود.

دوستان نامناسب

چه بسا جوانانی که در آغاز به مسائل دینی علاقه‌مند هستند؛ اما به

عین آگاهی بخشی به افراد، خانواده‌ها، نهادهای فرهنگی، حاکمیت و رسانه‌ها برای خنثی کردن نقشه‌های آنها برنامه‌ریزی و عمل کنند.

رفتارهای نامناسب برخی دینداران

یکی از علل دین‌گریزی مردم، رفتارهای بد متدینان است. کسانی که در بین مردم به تدین شهرت دارند، باید بسیار مواظب سخنان و رفتارهای خود باشند، زیرا کوچک‌ترین عمل مثبت یا منفی آنها به پای دین نوشته می‌شود و مردم را به دین علاقه‌مند یا از آن فراری می‌دهد.

رسانه

رسانه‌ها در ایجاد انگیزه و تأیید یک عمل و یا شکل‌دهی یک عادت خوب یا بد بسیار مؤثرند. اگر هدف‌ها، برنامه‌ها و پیام‌های رسانه‌ها با عقاید و ارزش‌های معنوی صحیح جامعه و خانواده هم‌سو و هماهنگ باشد، می‌توان به برآمدن نسلی نمازگزار و بالیمن امیدوار بود.

حکومت

اگر حاکمان و رهبران یک مملکت به نماز اهمیت دهند، مردم نیز در این زمینه جدی‌تر خواهند شد و بر عکس.

فعالیت‌های دشمنان

سال‌هاست دشمنان دین و نظام دینی با برنامه‌های رنگارنگ و گوناگون تلاش می‌کنند تا ارزش‌های دینی و رفتارهای معنوی را در جوامع اسلامی کم‌رنگ و بی‌رنگ کنند. در این زمینه باید در

هستی و او را به‌سوی خداوند بزرگ راهنمایی کنی".^۱
 و چه عملی نیکوتر از نماز می‌تواند فرزندانمان را به‌سوی خدا
 راهنمایی کند و دل آنها را پیش از آنکه شیطان برآید، در گرو
 محبت به خدا قرار دهد. برای رسیدن به این هدف مهم باید چند
 گام برداشت:

گام اول: روشن بودن جایگاه و اهمیت نماز در دین و ضرورت و فواید نماز
 برای خود والدین.

پیش از هر چیز والدین باید از طریق آیات نورانی قرآن و روایات
 اهل بیت (علیهم‌السلام) و سخنان عالمان و استادان اخلاق و عرفان درباره
 نماز و اهمیت آن و احکام و آداب آن آگاهی لازم را کسب کنند. به
 عبارتی دستشان در این زمینه پر باشد.

گام دوم: اهمیت دادن خود والدین به نمازهای خود
 والدین گرامی خود باید پیش از هر چیز در زمینه اعتنا و توجه به
 نماز الگویی عملی برای فرزندانشان باشند و تنها به توضیح و
 توصیه‌ی زبانی اکتفا نکنند. فریده مصطفوی دختر حضرت امام

۱. "وَأَمَّا حَقِّي وَ لَدَيْكَ فَتَعَلَّمْتُ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ
 مَسْئُولٌ عَمَّا وَ لَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّي وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ
 وَ فِي نَفْسِهِ فَمَثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَأَعْمَلُ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَمَرِّزِينَ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ
 فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدَّرِ إِلَى رَبِّي فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ"
 (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۲).

فصل نهم:

چگونه فرزند و همسر را به نماز علاقه‌مند کنیم؟

چگونه فرزندانمان را به نماز علاقه‌مند کنیم؟

همه می‌دانیم زندگی پاکیزه هنگامی به‌دست خواهد آمد که
 انسان دل خود را با یاد خدا زنده نگه دارد تا با کمک آن بتواند با
 جاذبه‌های فریبنده بدی و فساد مبارزه کند و شر شیاطین را از سر
 خود کم کند. لذا برای رشد معنوی فرزندان و پیشگیری از
 انحرافات اخلاقی و رفتاری و مصون‌سازی آنها در برابر
 ویروس‌های بیماری‌زای گناه، باید از نماز؛ این سرچشمه رحمت
 الهی بهترین استفاده را ببریم؛ زیرا فرزندان، امانت‌های الهی
 هستند که به والدین سپرده شده‌اند و والدین نسبت به تربیت آنها
 مسئولیت سنگینی دارند.

امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرماید: "حق فرزند بر تو این است که بدانی
 وجود او از توست و بد و خوب او در این دنیا به تو ارتباط دارد و
 بدانی که در سرپرستی او مسئولیت داری و مسئول تربیت او

که از بین روش‌های گوناگون تربیتی (که در ادامه بیان خواهد شد) کدام یک با روحیات آن فرزندشان تناسب بیشتری داد و احتمال تأثیرگذاریش بیشتر است تا از آن استفاده کنند؛ در غیر این صورت نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آورند.

در ادامه به برخی از این روش‌ها و چگونگی به‌کارگیری آنها اشاره می‌کنیم.

الف) روش ایجاد انگیزه در فرزندان

این روش به‌خصوص در مرحله‌های آغاز فرزندان به نمازخواندن بسیار کارساز است. تشویق، تأیید، پاداش و هدیه دادن، از ابزارهای این روش است.

یکی از نوه‌های امام می‌گوید:

وقتی بچه بودم، يك بار که امام مشغول نماز خواندن بود، من هم رفتم پشت سر ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان انجام می‌دادند، من هم تکرار می‌کردم. [پس از اتمام نماز] امام چند جلد کتاب کودکان که همان‌جا بود، برداشتند به من [هدیه] دادند. بعدها هر موقع من به اطاق امام می‌رفتم یا ایشان مرا می‌دید از من می‌پرسید [آیا نمازت را خوانده‌ای یا نه؟] اگر می‌گفتم بله، می‌گفتند: آفرین.

ب) روش عبادت جمعی و تأثیر آن در نمازخوانی فرزندان

برای آنکه پدر و مادر نقش الگویی و آموزشی خود را به بهترین وجه

خمینی رحمته الله علیه می‌گوید: کارهای دینی به ما دیکته نمی‌شد. در خانواده وقتی رفتار امام را می‌دیدیم، خودبه‌خود بر ما تأثیر می‌گذاشت و همیشه سعی می‌کردیم که مثل ایشان باشیم؛ هرچند مثل ایشان نمی‌شدیم. از نظر تربیتی، خود ایشان برای ما يك الگو بودند. وقتی کاری را به ما می‌گفتند انجام ندهید و ما می‌دیدیم ایشان در عمرشان آن کار را نمی‌کنند، به‌طور طبیعی ما هم انجام نمی‌دادیم.

گام سوم: روشن کردن جایگاه و اهمیت نماز در دین و ضرورت و فواید نماز برای فرزندان با روش‌های متنوع و جذاب.

والدین باید با اطلاعات دینی لازم از یک‌سو و اطلاع از روش‌های تربیتی مناسب و به‌کارگیری آنها برای جذب کردن فرزندان خود به نماز بکوشند. برای موفقیت در این راه، والدین باید از طریق مطالعه یا مشورت با متخصصان و کارشناسان، شیوه‌های مناسب ترویج نماز را بیاموزند.

متأسفانه گاهی بعضی خانواده‌ها با استفاده از روش‌های نامناسب، نتیجه معکوس می‌گیرند و علاوه بر آنکه فرزندان خود را به نماز جذب نمی‌کنند؛ بلکه آنها را فراری می‌دهند.

گام چهارم: توجه به تفاوت‌های فردی

از آنجایی که افراد از نظر شخصیت و خلیقات با هم متفاوتند، والدین باید با تأمل در خصوصیات و روحیات فرزندان خود، دریابند

- واداشتن كودك يا نوجوان به نماز، وقت تفریح و بازی او؛
- مقایسهٔ بیش از اندازهٔ فرزندان خود با فرزندان نمازخوان دیگران؛
- دعوت كودك به نماز در زمانی که به تازگی تنبیه شده؛
- خسته کردن كودك یا نوجوان با برنامه‌های اضافی و تعقیبات نماز.

ه) روش برخورد محترمانه

بهره‌گیری از این روش می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در این روش با یادآوری‌های غیرمستقیم و گاهی نادیده‌گرفتن (تغافل) فرزندان به انجام نماز تشویق می‌شوند.

فریده مصطفوی، دختر امام خمینی رحمته‌الله، نقل می‌کند:

امام کسی را از خواب بیدار نمی‌کرد، می‌گفت خودتان اگر بیدار شدید، بلند شوید نماز بخوانید؛ اگر بیدار نشدید، با خود قرار بگذارید که تا پیش از نماز ظهر و عصر، نماز صبحتان را قضا کنید. زمستان هم که بلند می‌شدیم، می‌رفتیم سرحوض که وضو بگیریم، اگر آبی گرم بود، آن را به [بچه‌ها] می‌داد که وضو بگیرند.

و) روش گفت‌وگو با فرزندان

والدین باید با دلایل روشن و قانع‌کننده، با زبان و لحن محترمانه و مهربانانه اهمیت نماز و ضرورت دقت در انجام آن را برای فرزندان خود تبیین کنند.

دختر امام خمینی رحمته‌الله می‌گوید: پنج سالم بود که يك شب امام

انجام دهند، می‌توانند به‌همراه فرزندان و دیگر اعضای خانواده، فریضهٔ نماز را به‌صورت دسته‌جمعی به‌جا آورند. بدین ترتیب، هم امکان سهل‌انگاری در نماز به کمترین حد می‌رسد و هم انجام نماز به شکل گروهی و منظم، خود دارای فواید و برکات فراوانی برای افراد خانواده است.

ج) روش تنوع‌بخشی

ایجاد تنوع در برنامه‌های نماز باعث می‌شود نمازخواندن کودکان و نوجوانان استمرار پیدا کند؛ برای مثال نماز جنبه‌های مختلفی دارد و تنها به بعد فردی محدود نمی‌شود. فرزندان در خانواده تنها با بعد فردی نماز آشنا می‌شوند؛ ولی برای آشنایی با جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نماز، شرکت دادن آنان به‌همراه افراد خانواده در نماز جماعت، مسجد و نماز جمعه ضروری است.

د) روش پرهیز از رفتارهای ناخوشایند

این‌گونه نیست که والدین برای تشویق و واداشتن فرزندان به نماز، به خود اجازه بدهند هر رفتار منفی و ناخوشایندی را نسبت به فرزندان خود انجام بدهند؛ چون ممکن است آنها را برای همیشه از نمازخواندن دل‌زده بکنند. در ادامه به بعضی از رفتارهای ناخوشایند که والدین باید در استفاده از آنها مواظب باشند آن هم با در نظر گرفتن همهٔ جوانب تربیتی اشاره‌ای خواهیم کرد:

- اجبار کردن كودك و نوجوان به نماز؛

است و انسان به‌طور غریزی آن را درک می‌کند و به‌سوی آن کشش دارد؛ اما نیاز انسان به نماز، موضوعی غیرمادی و ناملموس است که برای بسیاری از افراد باید آن را توضیح داد تا به این باور برسند.

به بیان واضح‌تر باید با بیان بعضی از مسائل مانند هدف خلقت انسان و محدود نبودن زندگی انسان به این زندگی دنیوی و وجود برزخ و قیامت و حساب و بهشت و جهنم و... پایه‌های اعتقادی فرزندانمان را محکم‌تر کنیم؛ در این صورت خود به ضرورت نماز برای رسیدن به پاداش‌های عظیم الهی پی خواهند برد و نسبت به آن پایبند خواهند شد.

روش‌های متنوع دیگری نیز برای تشویق فرزندان به نماز وجود دارد که برای پرهیز از طولانی شدن بحث از بیان آنها خودداری می‌کنیم و به خواننده علاقه‌مند پیشنهاد می‌کنیم به کتاب‌هایی که در این زمینه نگارش شده مراجعه کند.

- بهشتی، سید جواد، (۱۳۷۵)، چهار صد سخن پیرامون نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز؛

- وحیدی، محمد، دانستنی‌های لازم از نماز، انتشارات بوستان کتاب.

■ چگونه کودکان را به نماز دعوت کنیم؟

سخن درباره روش‌های مؤثر در جذب کودکان به آموزه‌های دینی و

مشغول خواندن نماز جماعت شد؛ من دیر وضو گرفتم؛ برای همین وقتی به نماز رسیدم که امام به سجده رفته بودند و بایستی تا رکعت دوم صبر می‌کردم، ولی از شدت علاقه‌ای که برای خواندن نماز با ایشان داشتم، فوری تکبیرة الاحرام را گفتم و به خیال اینکه به جماعت وصل شده‌ام، به سجده رفتم.

بعد از نماز، مادرم گفت: دخترم نمازت اشکال داشت. دلیل آن را هم گفت؛ ولی من نپذیرفتم و اصرار کردم که حتماً به امام بگویم. وقتی امام ماجرا را شنید، با حوصله حدود یک ربع ساعت مسئله را برای من توضیح داد و اینکه حالا برای رفع اشکال باید چه کار کنم.

ز) روش تدریج

ایجاد رفتارهای صحیح، امری تدریجی است و ما نباید از یک نوجوان نوبالغ به‌اندازه کسی که سال‌هاست به بلوغ شرعی رسیده انتظار داشته باشیم و در این مسیر باید از هر کسی به‌اندازه رغبت و ظرفیتش انتظار داشته باشیم و بیش از طاقتش بر او تکلیف نکنیم.

ح) روش استدلال

گرایش انسان به بعضی از چیزها نیازی به دلیل و برهان ندارد؛ مثلاً لازم نیست برای اینکه کسی هنگام گرسنگی غذا بخورد، استدلال عقلی بیاوریم؛ زیرا نیاز به غذا، نیازی مادی و ملموس

فضاسازی معنوی

فرزندى که در خانواده‌ای لبریز از یاد و محبت خدا به دنیا می‌آید، به‌صورت طبیعی به نماز کشش پیدا می‌کند؛ زیرا از همان آغاز تولد، در گوشش اذان و اقامه را زمزمه کرده‌اند که با آنها او را به "نماز (صلوه)" و "رستگاری (فلاح)" و "خیر العمل" دعوت کرده‌اند. در خانه‌ای که والدین به مناجات شبانه بر می‌خیزند و اهل خانه همگی معتقد و پایبند به آداب دینی هستند، کمتر پیش می‌آید فرزندشان از خدا و عبادت او روی‌گردان باشد.

پاسخ مناسب به کنجکاوی‌های کودک

از ویژگی‌های طبیعی کودک کنجکاوی اوست که سبب می‌شود از هر چیزی بپرسد از جمله درباره‌ی خدا. پاسخ مناسب و صحیح به پرسش‌های کودک ضمن ایجاد آرامش روحی و روانی در او، فرصت مناسبی را برای والدین به وجود می‌آورد تا رفتارهای مناسب و مطلوب را در او پرورش دهد.

آموزش تدریجی در حد توان

پدر و مادر باید بدانند همان‌گونه که نسبت به تأمین نیازهای مادی کودک مسئولیت دارند، در برابر تأمین نیازهای معنوی نیز وظیفه دارند. امام باقر علیه السلام در گفتاری حکیمانه، مراحل تربیت معنوی فرزندان را شرح داده و چگونگی تربیت آنان را در سنین مختلف بیان می‌کنند. طبق رهنمود آن حضرت، والدین باید در سه سالگی

به ویژه نماز، نیازمند نوشتاری گسترده‌تر است و بسیار مناسب است که به کتاب‌های مفیدی که در این زمینه نوشته شده است، مراجعه شود. کتاب‌هایی مانند:

- قائمی علی، تعلیم نماز به کودکان و نوجوانان، انتشارات ستاد اقامه نماز؛

- حسینی و دلاویز، بررسی عدم‌گرایی به نماز، راهنمایی و متوسطه در استان گیلان؛

- احمدی، سیداحمد، (۱۳۸۰)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، انتشارات دانشگاه.

با این حال در اینجا تنها به چند روش کاربردی و مؤثر به اختصار اشاره می‌کنیم.

روش الگو دهی

از جمله روش‌های مؤثر و مطرح در روانشناسی رشد، روش ارائه الگوست. اگر والدین خود به آموزه‌های دینی پایبند باشند و به گفته‌های خود عمل کنند، کودک نیز به سبب روحیه تقلیدپذیری، از آنها پیروی خواهد کرد؛ زیرا در سنین ۱ تا ۷ سال، کودک به‌شدت تقلیدپذیر است و حتی بی‌آنکه بداند چرا باید کاری (مثل نماز) را انجام داد، به تقلید از دیگران انجام می‌دهد. البته شیوه تقلید از دیگران حتی در بزرگسالی نیز بیش‌و‌کم در افراد وجود دارد.

و دوست دارند. می‌توانیم با هدیه دادن یک سجاده زیبا و چادر نمازی قشنگ به دخترمان یا جانماز و لباسی زیبا برای پسرمان، اشتیاق آنها را به نماز خواندن و حضور در جمع نمازگزاران بیشتر کنیم. به هر اندازه که والدین بتوانند زیبایی‌ها را با نماز خواندن پیوند بزنند، به همان اندازه موفق‌تر خواهند بود.

تشویق

همان‌طور که قرآن انسان‌ها را از ارتکاب اعمال زشت بر حذر می‌دارد، انسان‌ها را به انجام اعمال پسندیده، تشویق می‌کند. والدین و مربیان نیز باید این شیوه را از قرآن بیاموزند. جای‌جای قرآن کریم، بهشت به تصویر کشیده شده است و خداوند انسان‌ها را به سوی آن دعوت کرده و راه رسیدن به آن را نشان داده است. پدر و مادر نیز با روش‌های مختلف و برآورده ساختن نیازهای فرزند، همچون اسباب بازی، رفتن به سینما، پارک و... می‌توانند او را به نماز تشویق کنند. البته این تشویق نباید به گونه‌ای باشد که روحیه تعبّد در آنها کم‌رنگ شود و نماز را فقط برای رسیدن به جایزه و پاداش بخوانند. یکی از راهکارهای جلوگیری از پدید آمدن چنین روحیه‌ای این است که والدین از همان آغاز با او شرط نکنند که مثلا اگر نماز خواندی فلان جایزه را به تو می‌دهم؛ بلکه برخی اوقات، بعد از نماز یا انجام کار درست، او را با دادن هدیه‌ای تشویق کنند.

کلمه توحید "لا اله الا الله" را به کودک یاد دهند؛ در چهار سالگی کلمه رسالت "محمد رسول الله" را به او بیاموزند و در پایان پنج سالگی او را آزمایش کنند، اگر راست و چپ را می‌شناسد، صورتش را به سوی قبله متوجه ساخته و به او بگویند که رو به سوی قبله سجده کند؛ در شش سالگی اجزاء نماز مانند رکوع و سجده صحیح را به او بیاموزند و وقتی به پایان هفت سالگی رسید، به او بگویند دست‌ها و صورتش را بشوید و به نماز بایستد.^۱

حضور در مجامع و محافل نماز

مشاهدات انسان، یکی از عوامل مؤثر در تربیت اوست. قرآن کریم در آیات متعدد، انسان‌ها را به "دیدن" و "اندیشیدن" دعوت می‌کند، زیرا بین "دیدن" و "باور کردن" رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ از این رو باید کاری کنیم که فرزند ما با صحنه‌های گوناگون نمازخوانی مواجه شود. در این راستا، همراهی فرزندان با والدین در نمازهای جماعت مسجد محله، نماز جمعه و... می‌تواند نقش مؤثری در تقویت روحیه نماز خواندن فرزندان داشته باشد.

■ زیباسازی نماز

خداوند ویژگی زیبادوستی را در وجود انسان قرار داده است و به دلایلی کودکان و نوجوانان بیش از بزرگسالان زیبایی‌ها را می‌بینند

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۱.

این طریق انگیزه خودجوش در فرد پدید آید یا تقویت شود و او را به سمت عبادت عاشقانه خداوند رهسپار کند.

بازخوانی و شناساندن فلسفه نماز

نماز، عملی است دارای حکمت‌ها و اسرار فراوان. از طرفی به‌طور طبیعی وقتی ارزش و اهمیت چیزی برای انسان روشن باشد، به آن توجه می‌کند و به قول معروف به آن دل می‌دهد. برعکس یکی از عوامل مهم کوتاهی کردن بعضی از افراد در به‌جا آوردن شایسته نماز، ناآشنایی با حکمت‌ها و اسرار آن است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "الناس أعداء ما جهلوا"؛ انسان دشمن چیزی است که به آن آگاهی ندارد^۱ از این رو لازم است با استفاده از آیات و روایات و گفتار عالمان وارسته، او را با فلسفه نماز آشنا کنید. در این راه می‌توان متناسب با سن و سواد همسران، کتاب‌های مفیدی را که در این زمینه وجود دارد، به او معرفی کنید و در اختیار او بگذارید.

کتاب‌های زیر، نمونه‌های مناسبی هستند: از ژرفای نماز (از حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای)، پرتوی از اسرار نماز، (از استاد قرائتی)، صلاة‌الخالصین، (از شهید دستغیب)، اسرار الصلاة، (از مرحوم ملکی تبریزی)، آداب الصلاة، (از امام خمینی رحمته الله)، اسرار صلاة، (از علامه جوادی آملی) و ...

۱. سید رضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۳.

■ چگونه همسرم را به نماز دعوت کنم؟

در این زمینه، چند راهکار عملی پیشنهاد می‌شود:

بازی جستن از خدا

حالات انسان متفاوت است. بسیاری اوقات پیش آمده که ما از هدایت و نجات کسی مأیوس می‌شویم؛ ولی برخلاف تصور ما، شرایطی فراهم و آن فرد متحوّل می‌شود. تجربه و تاریخ شواهد زیادی را نشان می‌دهد که به طور غیرمنتظره کسی دگرگون گشته و سرنوشت دیگری پیدا کرده است.

در عین حال اگر آثار مثبت چندانی مشاهده نکردید، نگران تأثیرپذیری از ایشان نباشید. شاید در آینده نزدیک یا دور، خداوند باب هدایت را به روی او باز کند و بنده شایسته خدا شود.

اصلاح و تقویت مبانی اعتقادی

برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی زیر بناهای فکری همسران را بررسی کرده و در صورت دیدن اشتباه‌ها یا احیاناً انحراف‌هایی، در برطرف کردن آن بکوشیم؛^۱ زیرا دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان و معاد، به‌طور مستقیم بر اخلاق و رفتار او تأثیر می‌گذارد. از این رو، دادن اطلاعات مفید و صحیح اندیشه‌های نادرست فرد درباره نماز، مؤثر و لازم است تا از

۱. در این زمینه بسیار خوب است که از کارشناسان مذهبی کمک گرفت.

جمعه، مراسم اعیاد مذهبی و مراسم سوگواری در ماه محرم و جلسات دینی در پرورش عواطف دینی افراد بسیار مؤثر است. حضور در این قبیل برنامه‌ها پیوند قلبی را با دین و معنویات افزایش می‌دهد و زمینه را برای شکوفایی ایمان فراهم می‌سازد. برقراری ارتباط دوستی با افراد نمازخوان، در بازسازی شخصیت افراد نقش حیاتی دارند. بر این اساس برای تشویق همسر، می‌توان از دوستان او نیز کمک خواست و اگر دوست شایسته‌ای ندارد، باید زمینه ارتباط با افراد نمازخوان و مؤمن را فراهم کرد.

تشویق

در روزهای اول نمی‌توان توقع داشت همه افراد، با انگیزه عالی به نماز و انجام تکالیف عبادی دیگر بپردازند. بیشتر مردم به چنان مرحله‌ای از کمال نرسیده‌اند که به تحسین و ستایش محتاج نباشند؛ از این رو لازم است همسران را با تشویق گفتاری یا عملی به نماز خواندن تشویق کنید.

استفاده از روش انذار و ترساندن

بیان تأثیرات منفی ترک نماز در دنیا و آخرت که در آیات و روایات بیان شده است، بسیار مؤثر است، به‌ویژه اگر به روش غیرمستقیم ارائه گردد.

راه‌های اختصاصی تأثیر بر هر فرد

زن و شوهر می‌توانند تأثیرات مثبت زیادی بر یکدیگر داشته باشند. البته چگونگی و میزان اثرگذاری و اثرپذیری‌ها متفاوت است. آنچه در اینجا اهمیت دارد، شناخت کافی از شخصیت و ویژگی‌های روحی همسر است. هر شخصی یک نقطه پذیرش و به قول معروف، رگ خوابی دارد. سعی کنید آن را بفهمید و از کانال آن وارد شوید و هدف خود را تعقیب کنید تا نتیجه مطلوب را به دست آورید.

به بیان دیگر باید راه‌های نفوذ و تأثیرگذاری بر همسر خود را به صورت دقیق بشناسید و متناسب با آن برنامه‌ریزی کنید. بدون داشتن چنین درکی، چه‌بسا بسیاری از کوشش‌های شما بی‌ثمر یا کم‌ثمر شود. اگر همسر شما منطقی‌پذیر است، باید با زبانی بسیار منطقی و مستدل او را قانع سازید. اگر فردی پند و نصیحت‌پذیر است و از عذاب‌های الهی بیمناک، باید بیشتر بر مجازات‌های ترک نماز و روایات و حکایت‌های مربوط به آن، با او سخن بگویید. اگر احساس می‌کنید با محبت، بیش‌تر می‌توانید او را به سوی خدا بکشانید، باید از همین راه وارد شوید و ...

پرورش عواطف دینی

به موازات آموزش تعالیم دینی، لازم است عواطف دینی را پرورش دهید. شرکت در مراسم مذهبی از قبیل نماز جماعت مسجد، نماز

رساند. تشویق و تنبیه به منزله دو بال برای تربیت هستند که با کمک آن تربیت به پرواز درآمده و مسیر تربیت را با موفقیت طی می‌کند و به هدف فلاح و سعادت می‌رسد. چنان‌که کنار گذاشتن تشویق و تنبیه یا تکیه بر یکی از این دو به معنای زمین‌گیر شدن و توقف تعلیم و تربیت است!

تشویق در لغت به معنای ایجاد شوق و میل و تنبیه به معنای آگاه کردن و توجه دادن است. در آثار تربیتی این دو واژه کاربردهای مختلفی دارند که پرداختن به همه آنها مناسب این مقال نیست. در این نوشته تعریف مقبول ما از تشویق این است: "تشویق عملی است که مربی یا والدین معمولاً پس از انجام رفتار صحیح متربی انجام می‌دهند تا موجب تداوم رفتار صحیح گردد". بر اساس این تعریف هدف تشویق تداوم و تثبیت رفتار صحیح متربی است.

تنبیه نیز در زبان فارسی کاربردهای متعدد و گاه متضاد دارد که پرداختن به آنها در اینجا ضرورتی ندارد. تعریف مورد نظر این نوشته از تنبیه این است: "تنبیه عملی است که مربی یا والدین پس از ارتکاب خطا و رفتار ناشایست متربی، انجام می‌دهند تا مانع تداوم آن گردد". بر این اساس، هدف تنبیه بازداشتن متربی از تداوم عمل ناشایست است و پس از ارتکاب خطاست که تنبیه صورت می‌گیرد. روی ترش کردن به فرزند هنگامی که نماز ظهرش را نخوانده و قضا شده، نمونه‌ای از این تنبیه است. تنبیه هیچ‌گاه پیش از

چند نکته

- در همه مراحل ارشاد و راهنمایی، از برخورد نیک و ملاحظت‌آمیز بهره بگیرید. با فشار و اجبار کسی را نمی‌توان هدایت نمود و چه بسا نتیجه معکوس دهد.

- جدی گرفتن نماز در محیط خانه. اگر انجام وظایف دینی از جمله نماز خواندن را جدی بگیرید، در همسران نیز تأثیر مثبت می‌گذارد.

- تبلیغ عملی را بسیار مهم بدانید؛ یعنی ضمن جدی گرفتن نماز در محیط خانه، باید آثار نماز خواندن مانند دوری از گناهان، داشتن اخلاق نیکو، کمک به دوستان، وفاداری، فداکاری، پاکیزه بودن در ظاهر و باطن و... در رفتار و کردار و گفتار خود شما نمایان باشد و این خود بهترین روش تبلیغ نماز و تشویق دیگران به آن است.

- تمام راهکارهای گفته شده، هم به صورت جداگانه و هم به همراه یکدیگر می‌توانند در دعوت همسر به نماز مؤثر باشد.

■ آیا از تشویق یا تنبیه در دعوت کودکان و نوجوانان به نماز می‌توان استفاده کرد؟

تشویق و تنبیه از لوازم ضروری تربیت هستند، به گونه‌ای که بدون یاری گرفتن از این دو نمی‌توان متربی را به مقصد رشد و کمال

مهم‌ترین شرایط تشویق و تنبیه به این شرح است:

شرط اول. تقدم تشویق بر تنبیه

در هدایت به نماز استفاده از تشویق در اولویت قرار دارد؛ زیرا تشویق است که متربی را به سوی نماز سوق می‌دهد و به حرکت وادار می‌دارد و تنبیه تنها بازدارنده است نه به حرکت درآورنده. البته می‌توان از تنبیه برای واداشتن به نماز استفاده کرد؛ اما تا جایی که امکان دارد باید از تنبیه کمتر استفاده کرد.

دوم. تشویق و تنبیه رفتار

باید رفتار و عمل را تشویق یا تنبیه کرد، نه شخصیت فرد را. در مقام تنبیه باید به گونه‌ای عمل کرد که تنبیه شونده احساس کند به علت ترك نماز تنبیه شده است؛ نه به علت شخصیتش. حتی گاهی لازم است این مطلب را صریح به او خود گوشزد کنند تا عزت نفس و شخصیت او آسیب نیبند. به عبارت دیگر، تنبیه شونده باید مطمئن باشد که شخصیتش، صرف نظر از نوع اعمال و رفتارش، برای ما محترم و محبوب است و اگر آزرده‌گی و تنبیهی مطرح است مربوط به رفتار خاص او (بی‌توجهی او به نماز) است نه شخصیت وی.

ج. تناسب با عمل

نوجوانی که نماز را کامل و در اول وقت می‌خواند با آنکه نماز را با عجله و آخر وقت می‌خواند یکسان نیستند. همچنین نوجوانی که

ارتکاب خطا صورت نمی‌گیرد و اگر فعالیتی به منظور جلوگیری از انجام خطا پیش از ارتکاب خطا انجام شود نه تنبیه، بلکه تهدید و هشدار یا انذار است.

الف. اشاره‌ای به انواع تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه اقسام گوناگونی دارد که آگاهی از آنها به منظور استفاده به‌جا از آنها ضرورت دارد. تشویق، مادی یا غیرمادی است. تشویق مادی آن است که برای ایجاد انگیزه در متربی برای تداوم در خواندن نماز، شیرینی، شکلات، دوچرخه، اسباب بازی، لباس و مانند آن را در اختیار او قرار دهیم. تشویق غیرمادی آن است که به‌جای موارد فوق او را مورد محبت و توجه ویژه خود قرار دهیم، از او تعریف و تمجید کنیم، او را الگو معرفی کنیم، نمایندگی کلاس را به او بدهیم و مانند آن. البته برای تعریف اقسام دیگری بیان شده است که در این مختصر نمی‌گند.

ب. شرایط تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه در هدایت دیگران، به‌خصوص فرزندان به نماز در صورتی مؤثر و کارآمد است که با رعایت شرایط آن اعمال گردد. در غیر این صورت، نه تنها مفید نیست، بلکه می‌تواند ما را از هدف دور کند.

شیوه‌های تنبیه

چنان‌که پیش از این گفته شد، تنبیه بازدارنده است و برای جلوگیری از رفتار نادرست و تثبیت آن استفاده می‌شود. همچنین تنبیه لزوماً به معنای تنبیه بدنی نیست و تنبیه بدنی آخرین مرحله است. به هر حال، در مسیر آموزش و درونی کردن نماز ممکن است در مواردی فرزند در انجام نماز کوتاهی کند یا حتی عقب‌گرد داشته باشد و برای مثال، اگر قبلاً نماز را در اول وقت می‌خوانده، اکنون در اول وقت نخواند؛ یا گاهی نماز صبحش قضا بشود؛ یا نماز را در برخی موارد نخواند. در این‌گونه موارد برای جلوگیری از تکرار این رفتارها که در واقع نوعی انحراف و عقب‌گرد است باید از تنبیه استفاده کرد. در اینجا برخی از مراحل و شیوه‌های تنبیه را بیان می‌کنیم.

تغافل و چشم‌پوشی

اولین گام و شیوه در اصلاح رفتار نادرست به‌ویژه اگر برای نخستین بار انجام شده باشد، چشم‌پوشی و نادیده گرفتن است. حرکت در مسیر تربیت و پایبندی به نماز برای خردسالی که تا به حال آزاد بوده و محدودیتی نداشته، همراه با دشواری و مشقت است؛ به همین جهت ممکن است در برخی موارد از آن طفره برود. اما پس از آن ممکن است به خود بیاید و به مسیر صحیح بازگردد. بنابراین، لزومی ندارد به محض مشاهده اولین سستی در امر نماز

تازه به نماز رو آورده با نوجوانی که چند سالی است که در مسیر نماز قرار دارد یکسان نیستند. هر کدام از اینها باید به نوع و اندازه خاص تشویق شوند. کسی که نمازش را در اول وقت می‌خواند در مقایسه با کسی که نمازش را در آخر وقت می‌خواند، باید بیشتر تشویق شود. همچنین فرزندی که تازه به نماز رو آورده، هرچند نماز را ناقص و در اول وقت به جا نیاورد، در مقایسه با فرزندی که دو سال از او جلوتر است، باید بیشتر تشویق شود؛ چرا که او فعالیت بیشتری انجام داده و پیشرفت بیشتری داشته است. این مطلب در مورد تنبیه هم صادق است.

چهارم. به‌هنگام بودن

فرزند خردسال ما هنگامی که برای اولین بار نماز پدر یا مادرش را تقلید می‌کند، اگر بلافاصله تشویق شود، این رفتار در او تثبیت می‌شود؛ اما اگر با فاصله و مثلاً بعد از دو روز تشویق شود، از تأثیر این تشویق کاسته خواهد شد.

تنبیه نیز همین‌گونه است. فرزندی که نماز خود را مرتب می‌خوانده، در صورتی که عمداً و بدون دلیل موجهی نمازش را ترک و به آن بی‌توجهی کند، اگر در همان هنگام به او تذکر داده شود، این تذکر می‌تواند مؤثر باشد؛ اما اگر فاصله زیاد شد، به همان میزان از تأثیر آن کاسته خواهد شد.

ماجرای او را برای همسرش بیان کرد. همسرش گفت: پیامبر ﷺ لباس ابریشم و انگشتر طلایی تو را دیده است. این دو را از خود دور کن و نزد ایشان برگرد. مرد چنان کرد و نزد پیامبر ﷺ رفت. رسول خدا ﷺ جواب سلامش را داد.^۱

در مرحله بعد، اگر متنبه نشد، با او برای مدتی کوتاه قطع رابطه کنند. در آموزه‌های دینی نیز قطع رابطه توصیه شده است: یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام از فرزند خود نزد امام شکایت کرد. امام علیه السلام فرمود: "لَا تَضْرِبُهُ وَ أَهْجُرُهُ وَ لَا تُطَلِّقْهُ"؛ او را نزن، با او قهر کن ولی طولانی نباشد!

البته اجرای این شیوه برای غیر از فرزندان، ظرافت‌های خودش را دارد و با دقت خاصی باید صورت گیرد.

■ من مربی مهد کودک هستم و با کودکان ۳ تا ۷ سال سروکار دارم. لطفاً من را در برخورد صحیح تربیتی اسلامی با آنها راهنمایی کنید.

کودک در این دوره ویژگی‌هایی خاصی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند. او در این دوره استفاده از نماد و زبان را آغاز می‌کند و در سن ۶ و ۷ سالگی گفتار او به بزرگسالان شبیه می‌شود؛ کلیه

۱. داودی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ج ۲؛ تربیت دینی، ص ۲۳۰.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹.

به او هجوم برد و تنبیه کرد. علاوه بر این که این کار مانع اصطکاک و برخورد والدین با فرزند هم می‌شود. بنابراین در تنبیه، اولین شیوه‌ای که باید استفاده شود تغافل است. البته، اگر تغافل مؤثر واقع نشد، نوبت تذکر است.

تذکر

تذکر به معنای یادآوری است. تذکر نیز مراتبی دارد. در گام اول بایستی به صورت عمومی و بدون اشاره به شخص خطا کننده درباره ضرورت نماز و لزوم پایبندی به آن سخن بگوییم. اگر تذکر عمومی مؤثر واقع نشد، نوبت تذکر خصوصی است. باید بسیار نرم و با محبت یادآوری کنیم که نماز دستور الهی است و در هیچ وضعیتی نباید تعطیل شود. اگر تذکر مخفیانه کارگر نیفتاد، می‌توان به صورت آشکار تذکر داد.

قهر کردن

قطع رابطه و قهر کردن یکی دیگر از شیوه‌های تنبیه است. قهر در واقع نوعی محروم کردن است، محروم کردن از ارتباط و محبت. در این شیوه نیز لازم است به تدریج و گام‌به‌گام اقدام کرد. در مرحله اول باید روی ترش کرد و چندان با روی باز با ترک کننده یا سبک‌شماره نماز برخورد نکرد و حتی جواب سلام او را درست نداد. روایت شده است که مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و سلام کرد؛ اما پیامبر ﷺ جواب سلامش را نداد. مرد با ناراحتی به منزل رفت و

همت گماشت. در آموزه‌های دینی نیز به این مطلب تصریح شده که هفت سال اول دوران بازی است. با این وجود، این به معنای رها کردن کودک نیست و در همین دوره هم بایسته است تا حد امکان فرزند با مسجد و نماز آشنا شده و به آنها گرایش پیدا کند.

روش‌های تربیتی این دوره

برای فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای هدایت فرزند به نماز راهکارهایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از تغذیه حلال، انتخاب نام نیکو، محبت به فرزندان، مقید بودن والدین به نماز، ارتباط با خانواده‌های متدین و پایبند به نماز، و پرورش عادت‌های مناسب.

در این دوره آنچه مهم است فراهم آمدن زیرساخت‌های لازم برای گرایش فرزند به نماز است. همچنین دور نگه داشتن فرزند از تأثیرات سوء موانع گرایش به نماز مانند دوستان و خانواده‌های بی‌نماز و رسانه‌های فاسد اهمیت بسیاری دارد.

تلقین اعتقادات

چنانچه در روایت پیشین آمد:

"انگاه که پسر سه ساله شد به او می‌گویند هفت بار بگو: "لا إله إلا الله". وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روزه شد، به او می‌گویند: هفت بار بگو: "محمد رسول الله". وقتی چهار ساله شد به او می‌گویند: هفت بار بگو "الهم صل علی محمد و آل محمد" انگاه که پنج

بخش‌های گفتار و قواعد صحیح دستوری را به کار می‌برد و می‌تواند جمله‌های پیچیده و مرکب بسازد.^۱

توانایی ذخیره‌سازی در حافظه کوتاه مدت در این دوره محدود است؛ اما در دوره دبستان افزایش می‌یابد و کامل می‌شود.^۲

کودکان از سن سه سالگی به دوستی با دیگران رو می‌آورند. این دوستی‌ها گرچه در ابتدا سطحی و موقت است، به تدریج گزینشی‌تر، عمیق‌تر و بادوام‌تر می‌شود. دوستان معمولاً با یکدیگر به بازی می‌پردازند.^۳ بیشتر وقت کودک در این دوره به بازی می‌گذرد و به همین جهت، در روایات توصیه شده است مانع بازی او نشوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَعَى سَيْنٍ"^۴؛ بگذار فرزندت هفت سال بازی کند!

با توجه به ویژگی‌های پیش گفته، روشن می‌شود که کودک در این دوره قابلیت تعلیم و تربیت منظم و برنامه‌ریزی شده را ندارد و یادگیری‌های او بیشتر در ضمن بازی و فعالیت‌های روزمره حاصل می‌شود. بنابراین، در این دوره بیشتر باید به فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای تعلیم و تربیت دینی او و اهل نماز شدنش

۱. رایس، رشد انسان، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۸۳؛ پیریا و دیگران، روانشناسی رشد، ج ۲، ص ۶۴۰.

۳. همان، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.

۴. "دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَعَى سَيْنٍ وَ يُؤَدِّبُ سَعَى سَيْنٍ وَ أَلْزَمَهُ نَفْسَكَ سَعَى سَيْنٍ فَإِنْ أَلْفَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ." (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۲)

دارد و به هیچ وجه نباید از او بخواهیم مانند بزرگسالان نماز بخواند.

فراهم آوردن فرصت مشاهد و تقلید نماز

افزون بر این، در این دوره ضرورت دارد او با نماز آشنا و نسبت به آن گرایش مثبت پیدا کند؛ اما از آنجا که عمده یادگیری‌های فرزند در این دوره از راه مشاهده و تجربه است، این آشنایی باید از راه مشاهده و تجربه صورت بگیرد نه آموزش‌های نظری و رسمی. بر این اساس، یکی از راهکارهای رسیدن به این مقصد فراهم آوردن فرصت مشاهده نماز والدین و دیگران برای کودک است. هنگامی که فرزند نماز والدین را مشاهده می‌کند، به آن علاقه‌مند و از آنها تقلید می‌کند. البته، این تقلید کامل نیست و متناسب با شرایط سنی کودک است.

پیامبر ﷺ، حسنین علیهما السلام را بر دوش خود سوار می‌کردند و به مسجد می‌آوردند. روزی یکی از ایشان در حالی که پیامبر در سجده بودند، بر دوش پیامبر رفت و پیامبر برای مراعات حال او سجده را طولانی کردند.^۱ نقل است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو رکعت آخر نماز

۱. "رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ سَجَدَهُ أَطَالَ فِيهَا، فَقَالَ النَّاسُ عِنْدَ انْقِضَاءِ الصَّلَاةِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِكَ سَجَدَهُ أَطْلَتْهَا حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ قَدْ حَدَثَ أَمْرٌ، أَوْ أَنَّهُ أَتَاكَ وَحْيٌ، فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: "كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ، وَ لَكِنَّ ابْنِي هَذَا ارْتَحَلَنِي، فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْجَلَهُ حَتَّى يَفْقِي حاجته"، وَ كَانَ الْحَسَنُ أَوْ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا

سالش تمام شد از او می‌پرسند: دست چپ تو کدام و دست راست تو کدام است؛ اگر جواب صحیح داد او را رو به قبله می‌کنند و می‌گویند: سجده کن و ره‌ایش می‌کنند تا شش ساله شود... هرگاه وضو و نماز را آموخت، خداوند والدینش را مشمول رحمت خود می‌کند.^۱

مطابق این روایت قبل از آنکه آموزش نماز به صورت مستقیم شروع شود، باید مبانی اعتقادی که عبارتند از توحید و نبوت پیامبر اسلام به کودک تلقین شود. شاید راز تأکید بر تلقین عقاید اسلامی به فرزند در این دوره، با اینکه توانایی درک و فهم آنها را ندارد، این است که کودک در این دوره بسیار تلقین‌پذیر است و این آموزه‌ها را می‌پذیرد و زمینه‌ای برای درک و فهم آن در بزرگسالی می‌شود. افزون بر این، کودک به میزان درک و فهم خود این آموزه‌ها را می‌فهمد و همین مقدار برای این دوره کفایت می‌کند.

ایجاد انس والفت به نماز

در این مقطع سنی اولین و مهم‌ترین گامی که والدین و مسئولان تربیتی باید بردارند این است که فرزندان را نمازپذیر بار بیاورند و کاری نکنند که آنان نمازگریز یا حتی نمازستیز شوند. برای تحقق این هدف، فراهم آوردن فرصت مشاهده نماز و تقلید از آن ضرورت

۱. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۴، ح ۳.

می‌تواند موضوع گفتگو را حفظ کند و آن را تغییر ندهد.^۱

کودک در این دوره آمادگی تعلیم و تربیت منظم و برنامه‌ریزی شده را پیدا می‌کند و به همین جهت باید برای تعلیم و تربیت دینی فرزند و دعوت و هدایت او به نماز برنامه‌ریزی کرد و فعالیت‌های لازم را انجام داد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "الْعُلَمَاءُ يَلْعَبُ سَنَعِ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛" پسر بچه هفت سال بازی می‌کند، هفت سال قرآن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام الهی را فرا می‌گیرد.^۲

روش‌های ویژه دوره کودکی دوم: آموزش و درونی کردن

تحقیقات جدید درباره رشد مذهبی کودکان نشان می‌دهد که آنان قادر به درک مفاهیم انتزاعی دینی مانند خدا و پیامبر و معاد هستند. ولی آنچه مانع درک و فهم صحیح این مفاهیم توسط کودکان می‌شود استفاده از زبان و واژگان و مفاهیمی است که برای کودکان ناآشنا هستند. به عبارت دیگر، کودکان در این دوره به زبان و مفاهیم و واژگان بزرگسالان آشنا نیستند. هنگامی که بزرگسالان با زبان خود با کودک سخن می‌گویند و با همین زبان می‌خواهند مفاهیم و معارف دینی را به آنان بیاموزند، کودکان معانی و مطالب را درک نمی‌کنند و آموزش عقیم می‌ماند. اما اگر

۱. رایس، رشد انسان، ص ۱۶۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

را سریع خواندند وقتی از ایشان پرسیدن چه اتفاقی افتاده بود که نماز را کوتاه کردند، ایشان فرمودند مگر صدای گریه کودک را نشنیدید.^۱ اینها همگی نشان می‌دهد که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان فرزند خود را به مسجد می‌بردند. البته از طرفی باید مراقب باشند فرزندانشان نظم مسجد را مختل نکنند و مانع حضور قلب و آرامش نمازگزاران نشوند و از سوی دیگر نباید آزادی کودکان چنان محدود شود که آنان احساس اسارت و خستگی کنند.

■ من معلم دبستان دخترانه هستم. البته پسر خودم نیز دبستانی

است. لطفاً راهنمایی بفرمایید که در این دوره چگونه می‌شود آنها را با نماز آشنا کرد؟

در این دوره یعنی کودکان ۷ تا ۱۲ سالگی (که به آن کودکی دوم می‌گویند)، به تدریج تعداد واژگان و درک و فهم کودک از سخنان دیگران افزایش می‌یابد. آداب سخن گفتن مانند رعایت نوبت دیگران و قطع نکردن سخن دیگران را می‌آموزد. همچنین

→

السَّلَامُ قَدْ جَاءَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ فِي سَجْدَتِهِ، فَأَمْتَطَى ظَهْرَهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۸۱).

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: "صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَحَقَّقَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَّثٌ قَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالُوا حَقَّقْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ" (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۸).

میان قصه‌های قرآنی اثرگذارتر است؛ چون در ضمن آن، کودک با قرآن نیز آشنا می‌شود. مثلاً داستان موسی علیه السلام و فرعون بیانگر قدرت و عظمت خدا، معرفی ویژگی‌های پیامبر او و معرفی ویژگی‌ها و خواری و سرانجام دشمنان خداست. سوم. استفاده از شعر و مثال‌های ساده مؤثر است. آموزش اقامه نماز، احکام، آداب و فلسفه نماز در این دوره، آموزش نماز به فرزند شروع می‌شود؛ در روایات نیز بر این مطلب تأکید شده است. در این دوره اهدافی که باید محقق شود عبارتند از:

آموزش احکام نماز

او در این دوره باید با احکام ضروری نماز مانند رو به قبله بودن، با وضو بودن، طهارت لباس و بدن و مانند آن آشنا شده باشد. دوم. آموزش قرائت و اذکار نماز در این دوره باید مقدمات ضروری برای اقامه نماز مانند حمد و سوره، اذکار رکوع و سجود، تشهد و سلام را آموخته باشد. سوم. آشنایی با برخی آداب ظاهری و فلسفه نماز باید برخی از مهم‌ترین آداب نماز و مسجد را آموخته باشد. نیز باید مقداری با فلسفه و حکمت نماز در حد توان خود آشنا شده باشد. چهارم. تمرین نماز و در نهایت ملکه شدن و درونی شدن اقامه نماز.

بزرگسالان با استفاده از زبان و واژگان مانوس و مفهوم برای کودک با وی سخن بگویند و مطالب دینی را در قالب این زبان به وی بیاموزند، به خوبی آنها را درک می‌کند و می‌فهمد. بنابراین، در این دوره می‌توان آموزه‌های دینی حتی آموزه‌های انتزاعی را به کودک آموزش داد. البته باید توجه داشت که "بزرگ‌ترین خطر برای خردسالان... این است که در طول آموزش به مجموعه لغات مذهبی دست یابند که اساساً هیچ مفهومی برای آنها ندارند."^۱ کودک در این سن برخی مفاهیم از قبیل عدالت و پاداش و جزا را می‌تواند به صورت عینی و تجربی بیاموزد؛ این از آن جهت بسیار مهم و اثرگذار است که کودک در دوره عملیات عینی است.

چند نکته

نکته اول. دعوت کودک به مشاهده نعمت‌های خداوند مانند آسمان، زمین، باران، رویش گیاهان و غیره به همراه بیان ظرافت‌ها و عظمت‌های این نعمت‌ها با زبان کودکان برای آموزش صفات الهی بسیار مناسب است. دوم. قصه‌گویی و خاطره‌گویی نیز از قالب‌های مناسب آموزش در این سنین است. مثلاً بیان داستان‌های انبیا و امامان علیهم السلام هم می‌تواند جنبه خداشناسی داشته باشد و هم راهنماشناسی. در این

۱. همان، ص ۱۶۸.

روانی و فکری می‌شود که از آن به "بحران بلوغ" یاد می‌کنند. این بحران، نوجوان را در وضعیت مبهم و پیچیده‌ای قرار می‌دهد که نمی‌داند چه باید بکند و همین عدم اطمینان نسبت به نقش خود، موجب پیدایش مشکلات زیادی برای نوجوان می‌شود و او را زودرنج و دودل و بی‌ثبات می‌سازد.

در این دوره که مصادف با دوره رشد و بلوغ جسمی کودک است، دیگر ابعاد او نیز رشد می‌کند. در این دوره توانایی تفکر کودک رشد کرده، توانایی استدلال کردن، منظم کردن عقاید و فرضیه‌پردازی را به دست می‌آورند و می‌توانند فرضیه‌های خود را به روش منطقی آزمایش و متغیرهای متعدد را بررسی کنند. در این دوره تفاوت میان واقعیت و احتمالات برای نوجوان روشن می‌شود و به همین جهت، آرمانگرایی و در نتیجه آن، ناراضی‌تی از وضع موجود و سعی در تغییر وضع موجود در نوجوانان بسیار برجسته می‌شود.^۱

در این دوره الگوهای پاسخ‌های هیجانی به رویدادها و اشخاص^۲ و نیز خودپنداره و عزت نفس در نوجوانان تثبیت می‌شود.^۳ نوجوان دوست دارد دیگران به‌ویژه پدر و مادر او را به چشم بزرگسالی مستقل ببینند و به او اعتماد کرده، آزادی بدهند.^۴

۱. رایس، رشد انسان، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

۲. همان، ص ۳۵۶.

۳. همان، ص ۳۶۵.

۴. همان، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

■ در دوره نوجوانی چگونه با فرزند باید برخورد کرد که او به‌سوی نماز تشویق شود؟

نوجوانی عبور از مرحله کودکی به بزرگسالی است. این به آن معناست که نوجوانان باید جنبه‌های کودکانه را کنار بگذارند و الگوهای رفتاری و نگرشی جدیدی را بیاموزند. در این مرحله انتقالی، وضع و جایگاه او مبهم بوده، نوعی سرگردانی و گم‌گشتگی درباره نقش‌هایی وجود دارد که انتظار می‌رود نوجوان آنها را ایفا کند. نوجوان در این زمان نه کودک است، نه بزرگسال. اگر مانند کودکان رفتار کنند، به آنها گفته می‌شود که متناسب با سن خودشان عمل کنند و اگر سعی کنند نظیر بزرگسالان عمل کنند، اغلب مورد سرزنش واقع می‌شوند.

دوران نوجوانی حساس‌ترین و مهم‌ترین دوره زندگی است. در این سن تغییر و تحولات بسیاری هم از نظر جسمی و هم از جهت عاطفی و روانی برای نوجوان ایجاد می‌شود. نوجوان به سرعت رشد کرده، شاهد تکامل جسمانی و نیرومندی بدنی خویش است و همزمان عواطف و احساسات او دچار تحول اساسی می‌شود و افکار و آرزوها و نگرش او درباره افراد و محیط اطراف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این دوران گذار، تمایلات و خواهش‌های متضادی در او خودنمایی می‌کند؛ خودخواهی کودکانه با نوع‌پرستی خیرخواهانه درمی‌آمیزد و او را در برزخی میان کودکی و بزرگسالی رها می‌سازد و دچار نوعی بی‌ثباتی عاطفی و

نوجوان به وجود می‌آید، او در این سن آمادگی لازم برای ادراکات انتزاعی را پیدا می‌کند. از لحاظ تفکر و استدلال انعطاف‌پذیرتر و ماهرتر می‌شود و می‌تواند موضوعات را از دیدگاه‌ها و نظرات مختلف ببیند؛ علاوه بر مسائل واقعی درباره مسائل فرضی می‌تواند استدلال کند؛ در نتیجه، به موضوعات انتزاعی و نظری مختلف از جمله موضوعات فلسفی و سیاسی مانند عدالت و آزادی فردی، زیبایی و زیباشناسی، مذهب و ایدئولوژی‌های اخلاقی علاقه‌مند می‌گردد. غالب نوجوانان همه چیز از جمله دانش، افکار و عقاید خود را می‌آزمایند و ارزیابی می‌کنند؛ در تمامیت، نگرش‌ها و عقاید خود تردید می‌کنند و در جستجوی ثبات و ارزش‌ها و فلسفه‌های جدیدی برای زندگی برمی‌آیند؛ سخت در برابر آرمان‌های دروغین نگران می‌شوند و درباره آینده به فکر فرومی‌روند.^۱

بنابراین، بازنگری و بازسازی و تعمیق اعتقادات یکی از ضروریات این دوره است. والدین و معلمان باید در این دوره به نوجوان کمک کنند تا بتواند به سلامت این مسیر را طی کند.

در این راستا توجه به این نکات ضروری است:

نکته اول. گسترش دادن میزان اطلاعات و آگاهی او درباره موضوعات اعتقادی؛

دوم. ارائه مطالب به صورت مستدل، همراه با تبیین‌های روشن و

۱. ماسن و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

در متون دینی نیز این دوره را دوره وزارت نامیده‌اند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: "أَوْلَدُ سَيِّدٍ سَعَى سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَعَى سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَعَى سِنِينَ؛" فرزند هفت سال آقا و رئیس، هفت سال بنده و مطیع و هفت سال وزیر است. برای نوجوانان دوستی و داشتن دوست بسیار اساسی است و به تدریج روابط با دوستان جایگزین بخشی از رابطه آنها با والدینشان می‌شود. همچنین دیدگاه‌ها، تأییدها و راهنمایی‌های دوستان برای نوجوانان اهمیت می‌یابد. افزون بر این، نوجوان دوست دارد دیگران او را بپذیرند و مورد توجه واقع دهند.^۱

بر اساس ویژگی‌های پیش گفته، این دوره دوره بازنگری، تثبیت و تعمیق نماز در روح و روان نوجوان است. در این دوره نماز خواندن باید برایش کاملاً ملکه و با احکام، فلسفه، آثار و برکات و آداب نماز به صورت کامل آشنا شود. همچنین در این دوره باید با شبهاتی که درباره نماز مطرح است آشنا شود و بی‌پایه بودن آنها را درک کند. بنابراین، این دوره دوره تعمیق و تثبیت نماز و شکل‌گیری هویت دینی در فرزند است.

روش‌های ویژه دوره نوجوانی در دعوت به نماز

۱. تحکیم و تعمیق بنیان‌های اعتقادی

با توجه به تحولاتی که در این دوره در توانایی فکری و زبانی

۱. همان، ص ۳۸۹ و ۳۹۱.

روش‌های تحکیم و تعمیق بنیان‌های اعتقادی فرزندان نسبت به نماز برای تحقق این اهداف، استفاده از این روش‌ها مؤثر است:

■ **بروش اول.** تشکیل جلسات بحث و گفتگو

در این مرحله باید دانش گسترده‌ای درباره احکام مورد نیاز نماز و آداب نماز مانند خضوع و خشوع، نماز در اول وقت، و آراستگی در اختیار فرزند قرار گیرد. همچنین باید درباره حکمت نماز، آثار و فواید و برکات نماز نیز بینشی کاملاً عمیق در او ایجاد شود. در این مرحله آموزش‌ها باید از حالت تلقینی و خطابی خارج شده و متقن و محکم و مستدل باشد. تشکیل جلسات بحث و گفت‌وگو درباره نماز روش بسیار خوبی برای تحقق این اهداف است. در این جلسات والدین یا معلمان می‌توانند درباره ابعاد مختلف نماز بحث و موجب رشد فرزندان خود شوند.

■ **دوم.** تدوین برنامه مطالعاتی

یکی دیگر از روش‌های تعمیق و تثبیت دانش مربوط به نماز تدوین برنامه مطالعاتی است که در طی آن نوجوان با مطالعه منظم کتاب‌های مربوط می‌تواند بینش و دانش خود را در این زمینه تکمیل کند. اگر بعد از مطالعه هر کتاب درباره آن بحث نیز بشود تأثیرش پایدارتر خواهد بود. ترغیب و ترهیب، انذار و تبشیر، تشویق و تنبیه

این روش‌ها در ایجاد انگیزه و تثبیت نماز در نوجوان مؤثر است؛ اما باید توجه داشت که در این دوره محور ترغیب و تبشیر و تشویق،

قوی و پرهیز از ارائه مطالب ضعیف و بی‌پایه؛

سوم. توجه به شبهات و پاسخ به موقع و مناسب به شبهات او؛

چهارم. سیر و سفر و مشاهده آیات خداوند^۱ در درون و بیرون خودش.^۲

اهداف تحکیم و تعمیق بنیان‌های اعتقادی

چنان‌که پیش از این گفتیم، با توجه به ویژگی‌های روانشناختی نوجوان این دوره، دوره بازنگری و تعمیق و تثبیت است.

اهداف تثبیت، تعمیق و تحکیم نماز، این است که:

اول. آگاهی و شناخت فرزند ما از آداب و احکام نماز گسترش و عمق پیدا کند؛

دوم. آگاهی و شناخت وی از فلسفه و آثار و فواید نماز گسترده و عمیق شود؛

سوم. با شبهات و موانع نماز برخورد کرده و راه حل آنها را پیدا کرده باشد؛

چهارم. اقامه نماز برای او کاملاً درونی و بخشی از هویت دینی او شده باشد.

۱. "قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" (عنكبوت: ۲۰).

۲. "سَتَرِيهْمُ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَنَبَّأَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ" (فصلت: ۵۳).

هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های انقلابی همچون بسیج و کانون‌های فرهنگی دینی و یا گروه‌های ورزشی سالم و فاصله‌گرفتن از گروه‌ها و احزاب ناسالم نیز باید مورد توجه والدین و مربیان قرار گیرد.

نکات مهم

والدین و معلمان در این دوره باید به این نکات توجه کنند:

نکته اول. گسترش دادن میزان اطلاعات و آگاهی‌های فرزند؛

دوم. به رسمیت شناختن قدرت استدلال و درک و فهم فرزند؛

سوم. ارائه مطالب به صورت مستدل، همراه با تبیین‌های روشن و

قوی و پرهیز از ارائه مطالب ضعیف و بی‌پایه؛

چهارم. برنیاشفتن در مقابل انتقادهای و اشکالات او و ارائه

پاسخ‌های مستدل و متقن؛

پنجم. توجه به شبهات و دادن پاسخ به موقع و مناسب به شبهات

او؛

ششم. پرورش روحیه مطالعه و تحقیق؛ چرا که خودیابی بهتر از

پاسخ‌های دیگران او را قانع می‌کند؛

هفتم. گفتگوهای صمیمانه والدین و مربیان با نوجوان نقش

مهمی در ارتقا و تعمیق ایمان نوجوان دارد.

امور معنوی و تأثیر نماز در رشد و کمال انسانی انسان باشد.

۲. معرفی الگو

الگوهایی که در این دوره معرفی می‌شوند، باید متناسب با دوره نوجوانی الگوهایی باشند که نماز در آنها تثبیت شده و با معارف نماز به صورت کامل آشنا هستند. بنابراین، در معرفی الگوها باید به خضوع و خشوع آنها در نماز، رعایت آداب نماز، لذت بردن آنان از نماز و نماز شب و نوافل آنها بیشتر توجه شود.

انتخاب دوستان مناسب

چنان‌که پیش از این گفتیم، دوست‌گرایی و گروه‌گرایی یکی از ویژگی‌های دوران نوجوانی به شمار می‌رود. وفاداری به خانواده جای خود را به وفاداری به دوست می‌دهد. تأثیر خانواده در کنش و منش نوجوان کم‌رنگ می‌شود و تأثیر دوست پررنگ. به همین جهت در این دوران همراهی با دوستان نمازگذار و فاصله‌گیری از دوستان بی‌نماز بسیار مهم است. بنابراین خانواده باید سعی کند، همراهی و صمیمیت بیشتری را با فرزند داشته باشد و در عین حال نوجوان خودشان را در دوست‌یابی و نحوه تعامل با دوست، راهنمایی و کمک نمایند.

شرکت در اجتماعات مذهبی و متعهد

استفاده از ویژگی گروه‌گرایی نوجوان در دعوت به نماز نیز فرصت خوبی است در نهادینه سازی نماز در فرزندان است. شرکت در

دیگر نه در خلأ، بلکه در يك محیط و موقعیت اتفاق می‌افتد. اگر این محیط و موقعیت برای انجام این فعالیت آماده شده باشد، زحمت ما مفید واقع می‌شود و ثمر می‌دهد و در غیر این صورت، به احتمال زیاد به هدر می‌رود و به هدف مورد نظر نمی‌رسد.

اصل جامعیت

نماز عملي عبادی است دارای ابعاد گوناگون. نماز يك رفتار است و رفتار، چنان‌که روانشناسان گفته‌اند، سه بعد دارد: شناختی، گرایشی و رفتاری. عمل نماز از کسی صادر می‌شود که بهره‌ای هرچند کم از شناخت، گرایش و توانایی عمل نسبت به آن را برده باشد. هر چه شناخت بیشتر و عمیق‌تر و هر چه گرایش قوی‌تر باشد، فرد به این عمل پایبندتر خواهد بود؛ مشروط به اینکه توانایی و مهارت برای انجام آن را دارا باشد. اگر کسی کاملاً به نماز آگاه و به آن گرایش هم داشته باشد اما فاقد توانایی و مهارت‌های لازم باشد، برای مثال، حمد و سوره و اذکار را نداند یا نتواند رکوع و سجود را به صورت صحیح انجام دهد، نمی‌تواند نماز را به صورت صحیح انجام دهد.

بدین ترتیب، در دعوت و آموزش نماز باید به هر سه بعد آن توجه داشت. بایسته است شناخت و باورهای لازم، گرایش‌ها و انگیزه‌های صحیح و توانایی‌ها و مهارت‌های لازم را در آنان ایجاد کرد و پرورش داد. اصل جامعیت بدین معناست که در هدایت به

■ من روحانی یک مسجد هستم و در مسجد با نوجوانان و جوانان بسیاری در ارتباط هستم؛ لطفاً اصول دعوت آنها به نماز را بیان فرمایید؟

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش دعوت به نماز، امامت و راهنمایی به سوی خداست و راهنما و دعوت کننده در اولین قدم باید از خود شروع کند. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: "مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ فَلَْيَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبٌهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ"^۱

به بیانی دیگر، دعوت به نماز، دعوت به ارتباط با خداوند است؛ کسی که خود این ارتباط را ندارد، اگر بخواهد دیگران را بدان دعوت کند، مستحق این آیات است که: "اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ"^۲ و "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ"^۳. پس اولین اصل در این دعوت، این است که مربی و دعوت کننده از تکمیل نماز خود شروع کند.

اصل زمینه‌سازی

هدایت به سوی نماز يك فعالیت است. این فعالیت مانند هر فعالیت

۱. سید رضی، نهج البلاغه، کلمات قصار ۷۳.

۲. "آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید" (بقره: ۴۴).

۳. "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! (صف: ۲).

به او می‌گویند: دو دست و صورتت را بشوی، آنگاه به او می‌گویند: نماز بخوان، تا نه سالش تمام شود. در آن هنگام، وضو به او می‌آموزند و نماز را به او می‌آموزند... هرگاه وضو و نماز را آموخت، خداوند والدینش را مشمول رحمت خود می‌کند.^۱

اصل اعتدال

اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط یکی از مصادیق اصل رفق و مداراست. افراط و تفریط خواه از طرف تربی و فرزند خواه از طرف مربی و والدین هر دو مذموم است.

اصل اعتدال اقتضا می‌کند که دعوت کننده به نماز، انتظاراتی بیش از اندازه از مخاطب خود نداشته باشند. چرا که انتظار بیش از اندازه، به‌ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، چنان‌که در سخنان پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام آمده است، موجب خستگی و دلزدگی و در

۱. عبدالله بن فضالة عن أحدهما عليهما السلام قال: "إذا بلغ الغلام ثلاث سنين، يقال له سبع مرّات قل لا إله إلا الله. ثم يترك حتى يتم له ثلاث سنين و سبعة أشهر و عشرون يوماً. فيقال له: قل محمد رسول الله صلى الله عليه وآله سبع مرّات، و يترك حتى يتم له أربع سنين. ثم يقال له سبع مرّات: قل صلي الله علي محمد و آل محمد. ثم يترك حتى يتم له خمس سنين. ثم يقال له: أيها يمينا و أيها شمالك؟ فإذا عرف ذلك حوّل وجهه إلي القبلة و يقال له: اسجد. ثم يترك حتى يتم له ست سنين. فإذا تمّ له ست سنين صلي و علم الركوع و السجود حتى يتم له سبع سنين؛ فإذا تمّ له سبع سنين قيل له: اغسل وجهك و كفئك، فإذا غسلهما قيل له: صلّ. ثم يترك حتى يتم له تسع. فإذا تمّت له علم الوضوء و ضرب عليه و علم الصلاة و ضرب عليها و فإذا تعلّم الوضوء و الصلاة غفر الله لوالديه" (عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۴، ح ۳).

نماز نباید تنها به بعد شناختی، بعد گرایشی یا بعد رفتاری بسنده کرد؛ بلکه باید به هر سه بعد به اندازه لازم توجه کرد و پرورش داد.

اصل تدریج

اصل تدریج بیانگر این مطلب است که در آموزش نماز به دیگران، نباید یکباره کل نماز و معارف و مهارت‌های مربوط به آن را ارائه کرد؛ بلکه باید آنها را به تدریج آموزش داد. برای مثال، در مورد کودکان، نخست باید اصل سجده را به وی آموخت و او را رها کرد تا آن را انجام دهد. پس از مدتی باید وضو را به وی آموزش داد. پس از مدتی باید از او خواست صورت نماز را انجام دهد و رعایت شرایط نماز را از وی خواست.

در تصریح به این مطلب، در روایتی آمده است:

"آنگاه که پسر سه ساله شد به او می‌گویند هفت بار بگو: "لا إله إلا الله". وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روزه شد، به او می‌گویند: هفت بار بگو: "محمد رسول الله". وقتی چهار ساله شد به او می‌گویند: هفت بار بگو "صلي الله علي محمد و آل محمد". آنگاه که پنج سالش تمام شد از او می‌پرسند: دست چپ تو کدام و دست راست تو کدام است؛ اگر جواب صحیح داد او را رو به قبله می‌کنند و می‌گویند: سجده کن و رهائش می‌کنند تا شش ساله شود. زمانی که شش سالش تمام شد، رکوع و سجود را به او می‌آموزند و به نمازش وامی‌دارند تا هفت ساله شود. وقتی هفت سالش تمام شد

روشن است که فعالیت مداوم و پیوسته نیاز به استقامت و پایداری دارد!

اصل کرامت

در میان مخلوقات الهی، خداوند به انسان عنایت ویژه داشته، استعدادها و توانایی‌های ویژه‌ای به او عطا کرده که برجسته‌ترین آنها عقل و اختیار است. آنچه انسان را از دیگر موجودات متمایز کرده و به او این امکان را داده است که بتواند در مسیر رشد و کمال، گوی سبقت را از دیگر موجودات این جهانی و حتی فرشتگان مقرب الهی برآید، عقل و اختیار است. "وَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا"^۱ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم، و آنان را بر مرکب‌های آبی و صحرائی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری افزون دادیم. بدین ترتیب، انسان به واسطه برخورداری از عقل و اختیار دارای کرامت است و بر دیگر موجودات برتری دارد.

اصل کرامت بیانگر آن است که والدین، معلم و مربی و دعوت کننده به دین باید مترقی خود را گرامی بدانند و کرامتش را پاس

۱. " ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم" (اسراء: ۷۰).

نهایت بی‌میلی و بی‌علاقگی به نماز شده، او را از نماز دور می‌کند و چه بسا به ترك نماز بینجامد.

انتظار بیش از اندازه دو پیامد منفی دارد: اگر نوجوان مطابق انتظار ما عمل کند، از نماز بیزار و دلزده می‌شود و اگر مطابق نظر ما عمل نکند، موجب ناراحتی و تنش میان ما با او می‌شود؛ این تصور در او به وجود می‌آید که در عمل به وظایف دینی‌اش کوتاهی می‌کند و همین موجب می‌شود اعتماد به نفس فرزند ضعیف گردد. از سوی دیگر، نباید سطح انتظارات خود را بسیار پایین بیاوریم که نتیجه آن سهل‌انگاری و بی‌توجهی به نماز یا ترك نماز خواهد بود.

اصل تداوم و استقامت

مداومت و استقامت در دعوت و تربیت، سیره انبیای الهی علیهم‌السلام و نشأت گرفته از سفارش‌های مکرر خداوند به آنهاست؛ "فَاسْتَقِمْ گَما أُمِرْتُ و من تاب معك"^۱. این امر به‌ویژه در مورد نماز اهمیت و ضرورت بیشتری می‌یابد؛ زیرا چنان‌که پیش از این گفتیم، یادگیری نماز و تثبیت و درونی شدن آن در دیگران نیازمند گذشت زمان است و با يك روز و يك هفته و يك ماه به سرانجام نمی‌رسد. بنابراین، باید در هدایت دیگران به نماز خود را برای فعالیت پیوسته آماده سازد و

۱. هود: ۱۱۲

بدارند. آنها حق ندارند حتي در مقام تربیت، مخاطب را تحقیر و کرامت انسانی او را لگد مال کنند. بنابراین، باید در هدایت به نماز به گونه ای عمل کنند که شخصیت و احترام و کرامت مرتبی و مخاطبشان حفظ شود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ۸ جلدی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳، ۱۳۸۸ ق.
۴. حُرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلدی، نشر آل البيت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسه وفاء، چ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چ دوم ۱۳۶۳ ش.
۷. شریعتی، محمد امین، پیمانی، عبدالرسول، نهج الفصاحه، نشر پرهیزگار، قم، ۱۳۸۵ ش.
۸. شیخ طوسی، الامالی، نشر دار الثقافة، قم، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۹. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحديث، چ ۱.
۱۰. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.

۲۳. احمدبن محمدبن خالد برقی، المحاسن، نشر دار الکتب الاسلامیه، [بی جا]، [بی تا].
۲۴. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، [بی تا].
۲۶. شیخ تاج الدین محمد بن محمد بن حیدر شعیری (قرن ششم)، جامع الاخبار، یک جلدی، عربی، نشر رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۲۷. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه، التوحید، نشر جامعه مدرسین حوزہ، قم، ۱۴۱۶ ق.
۲۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. ابن فهد حلی، احمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. قرآتی، محسن، تفسیر نماز، ستاد اقامه نماز، قم، ۱۳۷۴ ش.
۳۱. مقدم، محمدتقی، سرمایه سخنوران، کتابفروشی اسلامی، تهران، [بی تا].
۳۲. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، ثقلین، قم، ۱۳۸۲ ش.
۳۳. میرخلفزاده، علی، داستان های از نماز اول وقت، انتشارات محمد و آل محمد علیه السلام، قم، ۱۳۸۴ ش.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، [بی تا].

۱۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، دارالحديث، قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، نشر آل البيت، چ ۱، ۱۴۰۸ ش.
۱۳. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ق.
۱۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضاء، بیروت، نشر اعلمی، چ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۷. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، علل الشرايع، نجف، نشر حیدریه، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. ابن بابویه، علی، فقه الرضاء علیه السلام، نشر المؤتمر العالمي للامام الرضاء علیه السلام.
۱۹. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نشر حیدریه، نجف، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. خمینی، سید روح الله، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام، سال نشر ۱۳۷۲ ش.
۲۱. خمینی، سید روح الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چ پنجم، ۱۳۷۳ ش.
۲۲. شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و اتمام النعمه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ش.

۳۵. داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹ ش.
۳۶. رایس، فیلیپ، رشد انسان: روان شناسی از تولد تا مرگ، نشر ارجمند، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۳۷. بی‌ریا، ناصر، روانشناسی رشد، نشر سمت، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۸. ماسن، پاول هنری، رشد و شخصیت کودک، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۳۹. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵ ش.